

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۳ تا ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۴۵



دو سال پس از مهسا

جنبش ملی همچنان

پویاست



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی دی اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی دی اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۴۵ (۴۷۹)

جمعه ۲۳ تا ۲۹ شهریور ۱۴۰۳

۱۳ تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

در گذشت



سپهبد خلبان محمد حسین مهرمند

آخرین فرمانده تاکتیکی نیروی هوایی شاهنشاهی درگذشت.

کیهان لندن فقدان این سرباز میهن را به بستگان، یارانش و پرسنل و خلبانان نیروی هوایی شاهنشاهی تسلیت می‌گوید.

کیهان

* فهرست مطالب *

۴	مقاله- ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی خودش!! / الاهی بقراط
۴-۵	تیر هفته - دو سال پس از مهسا جنیش ملی همچنان پو باست ... /
۶	اولین مناظره هر پس و ترامپ: از نورم و سقط جنین تا «تهدیدات» ... /
۷	جنگ بعدی: اسرائیل و غرب علیه جمهوری اسلامی ... / عبدالرحمن الراشد
۸	چراغ سبز پو نین به علی اف برای ایجاد «کردور زنگزور» ... /
۹	گزارش «اشپیکل» از سازماندهی شبکه های تروریستی توسط حکومت ایران در ... /
۱۰	وال استریت زورنال: جمهوری اسلامی موشک های بالستیک کو تا به روسیه ... /
۱۰-۱۱	مواضع متناقض اتحادیه اروپا و دولت بایدن در باره از سال موشک های بالستیک ... /
۱۱	خود را فصحیت، دیگران را نصیحت!! / خبراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	جامعه، دولت و جنیش زنان (بخش ۲) ... / امیناز افخمی
۱۴	صادرات پنهانی نفت اقلیم کردستان عراق به جمهوری اسلامی ... / احمد رافت
۱۵	آیا هوش مصنوعی می تواند موجب سرنگونی جمهوری اسلامی شود؟ ... / مایکل روبین
۱۶	تخریب «ایران ایر» به دلیل ارسال موشک به روسیه ... /
۱۷	نشست ویزه روسای «CIA» و «MI6»: هشدار در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی ... /
۱۸	اتحادیه اروپا: «اطلاعات معتبری» در باره تحویل موشک های بالستیک جمهوری ... /
۱۸-۱۹	آنتونی بلینکن ارسال موشک های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را ... /
۱۹	عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس ... /
۲۰	یک مقام اطلاعاتی آمریکا: جمهوری اسلامی برای تأثیر گذاری در انتخابات ... /
۲۰-۲۱	«پرونده مارکو پولو»: بازداشت یک «زوج مرتب با جمهوری اسلامی» در ... /
۲۱	درخواست آمریکا از شرکت های بزرگ فناوری برای کمک به دور زدن ... /
۲۲	پيام دولت بایدن به تل آویو: حضور ناوهای هوا پیمابر برای حمایت از ... /
۲۲-۲۳	یک نماینده مجلس: موشک و پهپاد می فرستیم، سوپاودرت می گیریم ... /
۲۳	گزارش متناقض درباره بازداشت ۱۲ تبعه افغان در شهرستان پارسیان ... /
۲۴-۲۵	گزارش «مؤسسه گیت استون» از طرح جدید جمهوری اسلامی ... /
۲۵	حمله سنگین هوایی به تأسیسات نظامی رژیم اسد و «سیاه قدس» در سوریه ... /
۲۶	توافق امنیتی جمهوری اسلامی با اقلیم کردستان عراق ... /
۲۷	جنگ غز و پایان افسانه ای «محور مقاومت» ... / لینا الخطیب (المجله)
۲۸-۲۹	مسعود پز شکبان و رو بای «تغییر یا بخت» ... /
۲۹	نخستین سفر خارجی پز شکبان به عراق با توهم «برداشتن مرزهای کشورهای ... /
۳۰	«جوئیس نیوز سندیکا»: حکومت ایران به دنبال سرنگونی خاندان سلطنتی ... /
۳۱	مسعود رهنما، عمری در خدمت تناقضات و سینما ... /
۳۲-۳۳	روایت تکانه دهنده مادر «نفس» در باره شرایط روحی فرزندش ... /
۳۳	جان باختن سارا دلدار از معترضان جنبش ملی ۱۴۰۱ به دلیل ... /
۳۴	کار سازی ۶۵۰۰ میلیارد تومانی «حاج محسن» برای «شرخر سیاه» و ... / امیر مقدم
۳۵	وزیر اقتصاد: قیمت دلار «نیمایی» را بالای بریم و دلار آزاد را کاهش می دهیم ... /
۳۶-۳۷	سینمای اعتراضی ایران در جشنواره تورنتو ... / احمد رافت
۳۷-۳۸	توجه بلبشوی کمبود بنزین در شمال ... /
۳۸-۳۹	دولت پز شکبان و فقر زدایی: سخنگوی دولت معتقد است «سیستم» درست است ... /
۴۰-۴۱	هشدار پز شکبان متخصص: احتمال شیوع ابله میمونی در پاییز ... / افروزه نوردستروم
۴۱-۴۲	شکل گرفتن هاله های متر اکم جمعیتی در گستره ایران بر اثر شرایط اقتصادی و ... /
۴۲-۴۳	آغاز موج دیگری از اعتراضات پرستاران ... /
۴۴	قطع بیمه ۵۰۰ هزار کارگر در پی کاهش منابع بیمه کارگران ساختمانی ... /
۴۵	پناهاندگی برای نجات جان؛ مبتلایان به اسامای در ایران به دلیل عدم ... /
۴۶-۴۷	۹۲ درصد از مردم ایران به وضعیت فعلی کشور معترض هستند ... /
۴۷-۴۸	حذف آمارهای فرزندآوری مادران ۱۰ تا ۱۴ سال ... /
۴۸-۴۹	وعدی بازگرداندن دو میلیون افغانستانی تا پایان سال ... /
۵۰-۵۱	روز جهانی پیگیری از خود کشی: آمارهای حکومتی از مرگ سالانه ... /
۵۱	طلای پارالمپیک پرید! پرچم «ام البنین و سید الشهداء» کار دست ... /
۵۲	دستور دادستان کل کشور درباره کودکان بازمانده از تحصیل ... /
۵۳	رئیس سازمان بورس استعفا کرد: ساختار فساد پرور اما همچنان پابرجاست! ... /
۵۴-۵۵	برنامه هسته ای ایران از دوران پهلوی تا امروز ... /
۵۶-۵۷	تکانه دهنده: مراکز ورزشی در تهران نابیناها را پذیرش نمی کنند مگر ... /
۵۷	زامبی های زنده در فیلادلفیا ... /
۵۷	چیا چقدر خاصیت دارد؟ ... /
۵۸	حمایت روزنامه «جوان» وابسته به سپاه از افزایش قیمت بنزین ... /
۵۹	سندوق توسعه ملی را جارو کردند ... /
۶۰	شناسایی گشتی روسی مظنون به حمل موشک های بالستیک ساخت ... /
۶۰-۶۱	فرآخوان جامعه مدنی فرانسه برای پیوستن به تظاهرات همبستگی با زنان و ... /
۶۱	مقامات زندان برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سر و مخالفت کردند ... /
۶۲-۶۳	خبرهای کوتاه ... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته / جنبش ملی مهسا ادامه دارد ... /

بازنشر
بازنشر



دو سال پس از مهسا جنبش ملی همچنان پویاست



● **نمایان شدن ابعاد بی‌سابقه‌ی گزینشی «برافتادن نظام» در برابر چشم رژیم و وابستگانش سبب شده که تحلیلگران «خودی» نیز مجبور شوند موجودیت نیروی «براندازان» و همچنین خواست مردم برای سرنگونی حکومت را به رسمیت شناخته و «براندازی» را وارد گفتار و نوشتار خود کنند.**

مقاومت می‌کردند، نگذاشتند انقلاب ملی آنها به انحراف کشیده شود و با شعارهایی بر همگرایی و همبستگی خود از کردستان تا تبریز و از زاهدان تا تهران تأکید کردند. آمار بازداشت‌های صورت گرفته نشان می‌دهد مردمی که در خیابان بودند تعلقات مشخصی به قشر درآمدی، صنف یا تبار و زبان و جنسیت خاصی نداشتند. مردم در بیش از ۱۰۰ شهر ایران به خیابان آمده بودند و وجه مشترک همه آنها «ایران» بود و خواست و حق «آزادی»!

جمهوری اسلامی که بیش از اعتراضات گذشته خود را در معرض سقوط می‌دید و نتوانسته بود مانند تجربه‌های پیشین طی چند روز اعتراضات را «جمع» کند، سرکوبی بی‌سابقه و وحشیانه را علیه معترضان آغاز کرد.

زنان ایران برای مهسای جوان که به خاطر «حجاب اجباری» بازداشت و جان وی ستانده شد، به خیابان آمدند و دوشادوش مردان علیه جمهوری اسلامی قد علم کردند. آتش زدن روسری‌ها در خیابان‌های ایران به یکی از نمادین‌ترین اعتراضات نیم قرن اخیر در جهان تبدیل شد. زنان در اعتراضات خیابانی یکی از مهمترین تکیه‌گاه‌های ایدئولوژیک و البته مهمترین ویت‌های جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند.

این جنبش بیانگر آگاهی ملی در میان مردم بود که توانسته بود آنها را برای حضور در خیابان‌ها همراه و همبسته کند و همچنان برای رسیدن به هدف‌شان که آزادی و نجات ایران از شر جمهوری اسلامی است، پایدار نگه دارد.

اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بدون شک در تاریخ کشور، و در فردای براندازی، به عنوان نقطه عطفی در مسیر مبارزات ملی علیه جمهوری اسلامی ماندگار خواهد شد.

سرکوب، مردم را متحدر کرد

سرکوب شهروندان در اعتراضات جنبش ملی

دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی که آغازگر اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بود در حالی فرا می‌رسد که همچنان جنبش مردمی علیه جمهوری اسلامی زنده است. مردم توانستند همبستگی و همگرایی خود را طی دو سال گذشته و پس از سرکوب وحشیانه‌ی اعتراضات خیابانی به اشکال مختلف نشان داده و همواره یادآوری کنند که مبارزه پویای خود علیه حکومت را پیش می‌برند.

دو سال پیش در چنین روزهایی دختر جوان ۲۲ ساله‌ای که مورد ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد قرار گرفته بود در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «کسری» تهران در گما با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد.

جان باختن مهسا در شامگاه ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ آغازگر اعتراضاتی بی‌سابقه علیه حکومت شد؛ اعتراضاتی که هرچند مشابه آن در سال‌های قبل، از جمله در دی ۹۶ و آبان ۹۸، رخ داده بود اما ویژگی‌های منحصر به فردی داشت که چشم جهان را به سوی ایران دوخت.

تبلور همبستگی ملی در سراسر کشور

این اعتراضات خشم فروخورده یک ملت، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور، با هر تبار و زبان و وضعیت درآمدی و تحصیلی را نسبت به حکومتی که حدود نیم قرن با سرکوب مردم و تباہکاری در کشور میخ خود را در مرزهای ایران کوبیده، متبلور کرد.

مردم ایران در شهرها و استان‌های مختلف طی تنها چند روز و بدون آنکه از پیش سازماندهی شده باشند به خیابان‌ها ریختند. اگرچه از سوی گروه‌هایی برای اینکه اعتراضات مردمی را به اعتراضات «قومی» و «منطقه‌ای» تقلیل دهند تلاش‌هایی انجام شد اما مردم همزمان که در برابر گلوله و سرکوب جمهوری اسلامی در خیابان‌ها

ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی خودش!

جهت اطلاع کسانی که نمی‌خواهند قانون جمهوری اسلامی را زیر پا بگذارند، اصل ۱۷۷ قانون اساسی رژیم به اندازه کافی در مورد سرنگونی و خلع آن از قدرت روشن است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ در یک «همه‌پرسی» به تصویب رسید. ده سال بعد در پی ظاهراً نامهای از خمینی که یک ماه قبل از مرگش به خامنه‌ای رئیس دولت وقت نوشته بود، بازنگری قانون اساسی با افرادی که خود خمینی تعیین کرده بود صورت گرفت. کمتر از دو ماه پس از مرگ خمینی



این بازنگری در ۶ مرداد ۱۳۶۸ در یک «همه‌پرسی» تصویب شد و یک هفته بعد علی خامنه‌ای بر منبر رهبری حکومت اسلامی نشست.

این بازنگری هدفمند که بر اساس شواهد به کارگردانی اکبر هاشمی رفسنجانی صورت گرفت، قدرت مطلقه‌ی سیدعلی خامنه‌ای، مسیر جمهوری اسلامی، سرنوشت ایران و البته سقوط خود رفسنجانی را رقم زد. بازنگری در قانون قرون وسطایی رژیم، پایه‌های فاشیسم مذهبی و یک نظام تمامیت‌خواه و سرکوبگر را تکمیل و از نظر قانونی برای دهه‌های بعد تضمین کرد.

این قانون اساسی یک مقدمه طولانی دارد تا همه را درباره مبانی و ماهیت و اهداف نظام شیرفهم و تأکید کند که هرآنچه خلاف «موازین اسلام» و «اسلامی» باشد تحمل نمی‌شود. دو کلمه «اسلام» و «اسلامی» در این قانون که چهارده فصل و ۱۷۷ اصل دارد، ۱۹۹ بار تکرار شده و اصل آخر نیز با تأکید بر «تغییرناپذیری» بودن نظام اسلامی، راهی جز سرنگونی نظام باقی نمی‌گذارد!

اهمیت بازنگری سال ۶۸ نه صرفاً در افزودن «مطلقه» به «ولایت قیه» و افزایش «اختیارات رهبر» و موارد مشابه، بلکه در اصل آخر است که اگرچه با عنوان «بازنگری در قانون اساسی» به آن اضافه شده ولی مهم‌ترین بخش آن، نه امکان «بازنگری» در قانون اساسی بلکه عدم امکان «بازنگری» در نظام «جمهوری اسلامی» است. ملغمه‌ی ۱۷۷ می‌گوید: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.»

اینکه «جمهوری بودن حکومت» به عنوان یک مفهوم مدرن در تناقض کامل با مفاهیم قرون وسطایی «ولایت امر و امامت امت» دارد، بجای خود، ادعای «اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی» و بعد «دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است» نیز بجای خود، ولی «آراء عمومی» برای تغییر شرایط فلاکت‌باری که رژیم متکی بر چنین قانون اساسی طی نزدیک به نیم قرن بر کشور تحمیل کرده، چه باید بکند وقتی نظام خود را «تغییرناپذیر» اعلام کرده است؟! برای «اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی» چه باید کرد وقتی خود نظام به «آراء عمومی» اعتنایی ندارد؟!

و وقتی قانون اساسی نه تنها هیچ اصلی را به شرایط خلع حکومت و حاکمان ناتوان و نالایق اختصاص نداده بلکه حتا آن را تغییرناپذیر و سرنوشت محتوم و ابدی اعلام کرده، آیا هیچ راهی جز سرنگونی آن از هر راه ممکن باقی می‌ماند تا بتوان این شرایط را تغییر داد و مملکت را «با اتکاء به آراء عمومی» اداره کرد؟! نص همین قانون اگرچه صریح نیست ولی کاملاً روشن است!

وصله و پینه کند تا دستکم در ظاهر پیکری واحد از نظام اسلامی به نمایش بگذارد.
اختلافات درون جناحی که از سه دهه پیش بطور فزاینده تشدید شده، در ماه‌های گذشته به اوج رسید و در روند نمایش انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

دوباره و بازگشت گشت‌های ارشاد به خیابان برای سرکوب زنان و دختران با ترفندهای گوناگون از جمله «طرح سراسری نور»، زنان ایران مقاومت مدنی آشکار و جانانه‌ای را در انتخاب پوشش و عادی کردن آن به نمایش گذاشته‌اند و تا امروز پیروز میدان نبرد برای آزادی در برابر جمهوری اسلامی

به مراتب گسترده‌تر و دارای ابعاد تکانه‌دهنده و پیچیده‌تری نسبت به سابق بود. کشتار کودکان و نوجوانان، شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به اندام و چشمان جوانان، تجاوز و تعرض جنسی علیه بازداشت‌شدگان و محکوم کردن ده‌ها شهروند معترض به اعدام با پرونده‌سازی و سناریوهای



برجسته شد؛ جریان‌ات اصولگرا دچار چنان شکافی شدند که در جریان رقابت برای گرفتن کرسی‌های بیشتر در مجلس به رسوا کردن یکدیگر و رو کردن فساد همدیگر پرداختند. خامنه‌ای که همزمان تلاش کرده بود با دولت رئیسی مذاکرات پشت پرده با غرب را پیش ببرد با از دست دادن رئیس دولت سیزدهم و وزیر امور خارجه‌اش، خود را در کانون حکومتی احساس کرد که از یکسو در بدنه‌اش گروه گروه در حال دریدن یکدیگر بودند، و از سوی دیگر روابط خارجی متشنج‌تر شده و امید به رفع تحریم‌ها و دریافت دلارهای نفتی به ناامیدی تبدیل می‌شد.
در چنین شرایطی، خامنه‌ای مسیر اعلام خاکساری اصلاح‌طلبان را باز کرد و در سناریویی مشترک با آنها دولت پزشکیان را با وزرای گزینشی از نزدیک‌ترین معتمدان خود روی کار آورد تا پریشانی درونی نظام را کمی سامان دهد. اینهمه در حالیکه دولت چهاردهم که ملغمه‌ای از همه جریان‌ات حکومتی است، از همان نخستین روزها ضعف و ناتوانی خود را در اداره‌ی کشور به نمایش گذاشته و حتی برای تأمین اندک هزینه‌های جاری نیز به صندوق توسعه ملی دست‌برد زده است.

مسعود پزشکیان نیز در همین مدت کوتاه نتوانسته نقاب رئیس دولتی را که در کنار مردم ایستاده و به دنبال بهبود اوضاع است حفظ کند. او که گفتار و رفتارش یادآور عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی است بطور کلی مردم را رها کرده و در پی بلندپروازی‌های نظام و رهبرش رویای تشکیل اتحادیه کشورهای مسلمان در منطقه را با بازیگری جمهوری اسلامی در نقش اول در سر می‌پروراند!
روی دیگر سکه اما این است که با دولت جدید نیز امید و باور مردم به نیروی خود و به آینده با تکرار ناتوانی و ناکارآمدی مژمن رژیم بیش از پیش تقویت می‌شود. آنها به تجربه دیده‌اند که نمی‌توانند راهکار مشکلات‌شان را از نظام و زمامداری انتظار داشته باشند که خود بانی و علت این مشکلات هستند!

بوده‌اند.
از سوی دیگر مردم با تحریم هدفمند نمایش‌های انتخاباتی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهاردهمین دوره ریاست جمهوری، این پیام روشن را به حکومت رساندند که دیگر سناریوهای نخ‌نما و حتی بازگشت «اصلاح‌طلبان» و سرمداری حکومتی‌های فریبکاری چون محمدجواد ظریف با هدایت اتاق فکرهای امنیتی نمی‌تواند افکار عمومی را فریب دهد و از آرای آنها برای «مشروعیت» بخشیدن به حکومت سوء استفاده کند.
آنها همچنین در اقدامی که از پیش سازماندهی نشده بود، در نوروز ۱۴۰۳ رکوردی تاریخی در بازدید از تخت جمشید و کاخ‌هایی که نام‌شان با دوران پهلوی گره خورده، مانند کاخ سعدآباد، ثبت کردند.
مردم ایران جنبش ملی را وارد فرهنگ سیاسی و مدنی کشور کرده و با زیست اجتماعی و سیاسی خود پیوند زده‌اند.

همسویی اصلاح‌طلبان و خامنه‌ای برای حفظ نظام در برابر مردم

نمایان شدن ابعاد بی‌سابقه‌ی گزینه‌ی «برافرادان نظام» در برابر چشم رژیم و وابستگانش سبب شده که تحلیل‌گران «خودی» نیز مجبور شوند موجودیت نیروی «براندازان» و همچنین خواست مردم برای سرنگونی حکومت را به رسمیت شناخته و «براندازی» را وارد گفتار و نوشتار خود کنند.
در آنسو البته قرار گرفتن حکومت بر لبه‌ی پرتگاه سبب تشدید سرکوب‌ها برای «بقا به هر قیمت» شده و همچنین باعث عقب‌نشینی معناداری از سوی خامنه‌ای در برابر معتمدان و «خودی‌ها» شده است تا بتواند با تمام نیروهای وفادار نظام، بازوهای اجرایی حکومت را برای سرکوب بیش از پیش تجهیز کند.
علی خامنه‌ای پس از مرگ سیدابراهیم رئیسی در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر، تلاش کرد حکومت تکه‌پاره‌اش را

نهادهای امنیتی از جمله سرکوب‌هایی است که در مقابله با این جنبش عظیم به شکل گسترده‌ای جریان یافت.
عطش سرکوب جمهوری اسلامی همچنان با گذشت دو سال سیراب نشده و انتقامجویی از شهروندان معترض با زندان و آزار و تهدید آنها ادامه دارد. در آستانه‌ی دومین سالگرد اعتراضات، ۱۹ شهریورماه خبر درگذشت سارا دلدار که در شهر رشت بازداشت و با وجود ده‌ها ساچمه در بدن یک سال و نیم در زندان نگه داشته بود، بر اثر عفونت ناشی از ساچمه و جراحات دوران بازداشت منتشر شد.
یکی از مهمترین اهداف سرکوبگرانه جمهوری اسلامی که شاید در تاریخ دیکتاتورترین حکومت‌ها نایاب باشد، فشار شدید بر خانواده‌های جانب‌باختگان است که عزیزان آنها توسط جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات کشته شده‌اند. فشار بر خانواده‌ها اگرچه در دهه شصت خورشیدی ریشه دارد، و اگرچه خانواده پویا بختیاری که در اعتراضات سال ۹۸ در کرج با شلیک مأموران حکومتی به سرش کشته شد یکی از بارزترین نمونه‌های سرکوب خانواده‌های دادخواه هستند اما جمهوری اسلامی در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ فشارهای گسترده‌ای را علیه خانواده‌های سوگوار و دادخواه به کار گرفت.
امروز و پس از دو سال همچنان مادران و پدران، خواهران و برادران بسیاری از جانب‌باختگان در ایران، هر یک به نمادی برای پایداری در دادخواهی، و به یکی از بازوهای پویای جنبش ملی تبدیل شده‌اند.
در آنسو اما لابی‌گران و صادراتی‌ها نیز طی دو سال گذشته تلاش داشتند تا فضای همدلی و همگرایی ایرانیان خارج کشور را که به آینده تمام‌مقام جنبش ملی مردم تبدیل شده بودند، از دست حامیان آزادی ملت و مملکت بیرون بیاورند.
نبض جنبش ملی اما در ایران همچنان می‌تپد و مردم از هر فرصتی برای نشان دادن رویارویی خود با جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.
در دو سال اخیر جمهوری اسلامی نتوانسته روند تحمیل حجاب اجباری به زنان را ادامه دهد و با وجود جرم‌انگاری

اولین مناظره هریس و ترامپ؛ از تورم و سقط جنین تا «تهدیدات جمهوری اسلامی» و «حق اسرائیل» برای دفاع از خود



مناظره هریس و ترامپ

یک گروه تروریستی، ۱۲۰۰ اسرائیلی را قتل عام کرد و به زنان بطور فجیعی تجاوز شد و اسرائیل حق دارد از خودش دفاع کند؛ اما چگونگی انجام این دفاع مهم است.» نامزد حزب دموکرات ادامه داد، «چیزی که می‌دانیم این است که این جنگ باید تمام شود، همین اکنون و این نیاز به توافق آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها دارد. به یک راه حل دو کشوری نیاز است. اما من همیشه حق اسرائیل به دفاع از خود را به ویژه در برابر [رژیم] ایران و نیابتی‌های آن به رسمیت می‌شناسم.»

در واکنش به این سخنان، ترامپ گفت، «اگر هریس برنده شود، اسرائیل ظرف دو سال از بین می‌رود. هریس از اسرائیل متنفر است و در صورت انتخاب شدن، اسرائیل ظرف دو سال از هستی ساقط خواهد شد... آنچه اکنون در خاورمیانه اتفاق می‌افتد اگر من [رئیس جمهور] بودم رخ نمی‌داد و در اوکراین جنگ نمی‌شد. من این موضوع را حل می‌کنم و به جنگ روسیه و اوکراین پایان می‌دهم.»

ترامپ افزود، حکومت «ایران در دولت من ورشکسته شده بود و برای ترور پول نداشت، اما حالا در دولت بایدن-هریس یک دولت پولدار است... در صورتی که من در کاخ سفید می‌بودم، حماس هرگز نمی‌توانست به اسرائیل حمله کند.»

بحث در باره روسیه و تهدیدات آن علیه غرب از مسائلی بود که ترامپ بیشتر روی آنها تأکید داشت. چنانکه تکرار کرد: «اگر من رئیس جمهور بودم اجازه شروع جنگ روسیه و اوکراین را نمی‌دادم. با پوتین روابط خوبی دارم و دولت وی احترامی برای دولت کنونی بایدن قائل نیست. پوتین سلاح هسته‌ای دارد و ممکن است روزی از آن استفاده کند.»

گفتنی است که هفته گذشته ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه با اشاره به «خنده‌های مسری» کامالا هریس اعلام کرد که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از وی حمایت می‌کند.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریور) به میزبانی شبکه تلویزیونی «ای‌بی‌سی نیوز» در شهر فیلادلفیا واقع در ایالت پنسیلوانیا برگزار شد. محورهای اصلی این مناظره ۹۰ دقیقه‌ای مسائل اقتصادی به ویژه تورم، سقط جنین، بحران مهاجران، سیاست خارجی، جنگ در غزه و اوکراین و همچنین تهدیدات جمهوری اسلامی بود.

ترامپ مناظره را با عباراتی تند شروع کرد و گفت که پدر کامالا هریس «معلم دروس مارکسیستی» بود. وی کامالا هریس را متهم کرد که مثل پدرش یک مارکسیست است. ترامپ گفت که اگر هریس به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود همان سیاست‌های اقتصادی جو بایدن را ادامه می‌دهد و مردم آمریکا را فقیرتر می‌کند.

در مقابل، هریس ضمن انتقاد شدید از عملکرد اقتصادی ترامپ، وی را متهم کرد که در دوران چهارساله ریاست جمهوری او آمار بیکاری رکورد زد. دو نامزد در این بخش بارها یکدیگر را به نداشتن برنامه اقتصادی منسجم و کارآمد متهم کردند.

بخشی از مناظره این دو نامزد به مسائل خاورمیانه از جمله ایران اختصاص داشت. کامالا هریس نامزد حزب دموکرات که از منتقدان سرسخت سیاست‌های بنیامین نتانیا هو است گفت، «ما به حمایت از حق اسرائیل برای دفاع از خود ادامه خواهیم داد؛ اما جنگ باید فوراً پایان یابد و ما برای دست یافتن به آن به فعالیت خود ادامه می‌دهیم.»

هریس افزود، «من به حمایت از اسرائیل ادامه می‌دهم و آن را قادر می‌سازم از خود در برابر [رژیم] ایران و شرکایش دفاع کند اما فلسطینیان نیز باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند.»

او در ادامه توضیح داد، «در هفت اکتبر حماس به عنوان

اولین مناظره کامالا هریس و دونالد ترامپ دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریور) به میزبانی شبکه تلویزیونی «ای‌بی‌سی نیوز» در شهر فیلادلفیا واقع در ایالت پنسیلوانیا برگزار شد.

محورهای اصلی این مناظره ۹۰ دقیقه‌ای مسائل اقتصادی به ویژه تورم، سقط جنین، بحران مهاجران، سیاست خارجی، جنگ در غزه و اوکراین و همچنین تهدیدات جمهوری اسلامی بود.

کامالا هریس نامزد حزب دموکرات که از منتقدان سرسخت سیاست‌های بنیامین نتانیا هو است گفت، «ما به حمایت از حق اسرائیل برای دفاع از خود ادامه خواهیم داد؛ اما جنگ باید فوراً پایان یابد و ما برای دست یافتن به آن به فعالیت خود ادامه خواهیم داد.»

هریس: من به حمایت از اسرائیل ادامه می‌دهم و آن را قادر می‌سازم از خود در برابر [رژیم] ایران و شرکایش دفاع کند اما فلسطینیان نیز باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند.

ترامپ: اگر هریس برنده شود، اسرائیل ظرف دو سال از بین می‌رود. هریس از اسرائیل متنفر است و در صورت انتخاب شدن، اسرائیل ظرف دو سال از هستی ساقط خواهد شد... آنچه اکنون در خاورمیانه اتفاق می‌افتد اگر من [رئیس جمهور] بودم رخ نمی‌داد و در اوکراین جنگ نمی‌شد. من این موضوع را حل می‌کنم و به جنگ روسیه و اوکراین پایان می‌دهم.

وی گفت: حکومت «ایران در دولت من ورشکسته شده بود و برای ترور پول نداشت، اما حالا در دولت بایدن-هریس یک دولت پولدار است... در صورتی که من در کاخ سفید می‌بودم، حماس هرگز نمی‌توانست به اسرائیل حمله کند.»

اولین مناظره کامالا هریس و دونالد ترامپ دو نامزد

جنگ بعدی: اسرائیل و غرب علیه جمهوری اسلامی



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در کنفرانس خبری با رسانه‌های بین‌المللی / اروشلیم / ۴ سپتامبر ۲۰۲۴ / رویترز

ژنراتورهای برق پشتیبان را در سراسر کشور مستقر و مخازن آب را پر کرده و دفاع سایبری را تشدید نموده و مواد غذایی را برای چندین ماه آماده و ذخیره کرده است. اسرائیل اعلام کرده که توانایی تولید برق از منابع مختلف، از روی زمین، زیر زمین و دریا را دارد، و اگر شبکه برق در خلال جنگ از بین برود، ظرف هفت دقیقه ژنراتور آنلاین می‌شود و برق را به شبکه برمی‌گرداند. سنگرها و پناهگاه‌هایی برای صدها هزار نفر در انتظار جنگ بزرگ آماده کرده و این سنگرها دومین خط دفاعی پس از گنبد آهنین در صورت شکست آن هستند. ذهنیت استقرار و آمادگی برای جنگ نقش مهمی در ایجاد و تقویت انگیزه جهت تصمیم گرفتن برای جنگ دارد.

برای دهه‌ها، استراتژی اصلی اسرائیل بر اساس پتانسیل جنگ منطقه‌ای بوده است که در گذشته در نبرد با مصر، اردن و سوریه با آن روبرو شده بود. امروز حکمی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده که تهران را اولین تهدید برای موجودیت اسرائیل می‌داند. این تهدید رژیم ایران از طریق تلاش برای ایجاد تأسیسات اتمی نظامی و توسعه قابلیت‌های موشکی برای رسیدن به شهرهای بزرگ اسرائیل خود را نشان می‌دهد.

این وضعیت و تهدیدهای مداوم باعث می‌شود که خود جمهوری اسلامی هدف بعدی اسرائیل باشد و نه نیروهای نیابتی آن. در جنگ کنونی، رژیم ایران نتوانست حماس را نجات دهد و ترجیح داد از حزب‌الله لبنان با درگیر نشدن در نبرد محافظت کند.

حوثی‌های یمن تنها شرکت‌کنندگان در این جنگ بودند که پس از نابودی تأسیسات حیاتی آنها در بندر الحدیده توسط اسرائیل نیز از هدف قرار دادن اسرائیل عقب‌نشینی کردند. به نظر من با توجه به تداوم رقابت نظامی-فنی و توسعه طلبی جمهوری اسلامی در موازات با مخالفت اسرائیل با تأسیس دولت فلسطین، جنگ بین اسرائیل و [رژیم] ایران بعید نیست.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

در داخل اسرائیل نیز ناراضی‌ها و نفرت بخش زیادی از اسرائیلی‌ها، به ویژه نخبگان از نتانیاهو و متحدان مذهبی‌اش، مانع از صف‌آرایی آنها در پشت سر او نشد. تلفات انسانی هنگفت در میان نیروهایش، از بین رفتن میلیاردها دلاری که اقتصاد اسرائیل را تحت تأثیر قرار داد و حتا شکست او در نابودی رئیس حماس در غزه هیچ‌کدام نتوانست او را مجبور به توقف جنگ کند. جنگ غزه یک جنگ اسرائیلی محض به معنی دفاع از موجودیت این کشور است. اما جنگ احتمالی اسرائیل با [رژیم] ایران، دیگر جنگ اسرائیل و غرب با هم علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. اسرائیل اینک بیش از هر زمان دیگری برای یک نبرد بزرگ آماده است.

ناوگان‌های دریایی همچنان مستقر در بالاترین سطح از آمادگی نظامی که منطقه تا به حال شاهد آن بوده است برای نبرد تمام‌عیار با تهران آمده‌اند. این بسیج نظامی گسترده و این ناوگان‌ها پیامی است که اگر تهران آن را نادیده بگیرد، ایران و رژیم جمهوری اسلامی بهای سنگین آن را خواهند پرداخت.

در این میان، اظهارات روسیه و بازديدی‌های مقامات مسکو و ارسال سریع تدارکات نظامی برای مقابله با هرگونه حمله هوایی به ایران موفقیت‌آمیز نبود.

این تشدید تنش با هر چیزی که در تاریخ منطقه از جنگ ۱۹۷۳ و آنچه پیش از آن رخ داده است بسیار متفاوت است. آیا ممکن است این وضعیت رهبری رژیم ایران را به سمت درک این واقعیت که مبارزه با اسرائیل بیهوده است سوق دهد و یا اینکه آن را به سمت ایجاد قابلیت‌های بیشتر برای این مبارزه خواهد کشاند؟

اظهارات مقامات جمهوری اسلامی درباره توافقنامه بزرگ همکاری نظامی با روسیه حاکی از آن است که رهبران رژیم خود را برای جنگ بعدی آماده می‌کنند و نه برعکس. توافق قاهره شاید در آستانه‌ی پایان دادن به جنگ غزه باشد اما به هشدار آمادگی برای جنگ با ایران و حزب‌الله پایان نمی‌دهد.

از آغاز جنگ سال گذشته، اسرائیل در وضعیت اضطراری بسر می‌برد که دلیل‌اش فراتر از نبرد غزه است. این کشور

● از کجا بدانیم که جنگ بین تهران و تل‌آویو دیگر مانند آنچه پیشتر فکر می‌کردیم، بعید نیست؟ حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از حملات قبلی بسیار متفاوت بود. این حمله یک تحول کیفی در رویارویی بین دو اردوگاه بود که ترس عمیق اسرائیل را از آنچه را تهدیدی علیه موجودیت خود می‌داند، بیدار کرده است. - اسرائیل در این جنگ ثابت کرد که قادر است نبردهای طولانی را که تا کنون به یازده ماه رسیده بطور همزمان در چندین جبهه در غزه، کرانه باختری، لبنان، ایران و یمن پیش برد.

● اسرائیل تصویر فوق‌العاده‌ای از قابلیت‌های اطلاعاتی و فناوری پیشرفته نظامی خود را ارائه کرد. نیمی از رهبران حزب‌الله را بدون اینکه خطر حمله به یک وجب از خاک لبنان را متحمل شود، از بین برد و تعدادی از رهبران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز هدف قرار داد و حتا جرأت کرده و رهبر حماس را در قلب تهران به قتل برساند.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) - نبرد غزه روزهای پایانی خود را می‌گذراند و به احتمال زیاد با آغاز نوبدی از تفاهم، کاهش فاصله حماس و اسرائیل، سخنرانی حسن نصرالله مبنی بر عدم انجام جنگی برای انتقام از کشته شدن حدود پانصد تن از فرماندهان و اعضای حزب‌الله و آغاز تحویل پیکر گروگان‌های کشته شده اسرائیلی همه نشانه‌هایی از پایان یافتن این جنگ است.

به نظر من اما توافق نزدیک در غزه مانع از رویارویی آینده‌ی جمهوری اسلامی و اسرائیل نخواهد شد. اگر دو کشور برای جلوگیری از درگیری گسترده در آینده تلاش نکنند، چیزی که مستلزم امتیاز دادن‌های بزرگ است، اینبار جنگ میان تل‌آویو و تهران خواهد بود و سیاست محاصره [رژیم] ایران به جنگ بین دو قدرت منطقه‌ای منجر می‌شود. وضعیت رویارویی این دو دولت از طریق نیروهای نیابتی به مدت چهار دهه ادامه داشته است که طی این مدت همواره با آتش‌بس طولانی و آسیب‌های محدود به یکدیگر همراه بوده است.

ولی از کجا بدانیم که جنگ بین تهران و تل‌آویو دیگر مانند آنچه پیشتر فکر می‌کردیم، بعید نیست؟

حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از حملات قبلی بسیار متفاوت بود. این حمله یک تحول کیفی در رویارویی بین دو اردوگاه بود که ترس عمیق اسرائیل را از آنچه که تهدیدی علیه موجودیت خود می‌داند، بیدار کرده است. به همین دلیل نیز ضد حمله اسرائیل متفاوت بود و تل‌آویو تصمیم گرفت رژیم حماس حاکم بر غزه را از بین ببرد. اسرائیل می‌خواهد سیاست بازدارندگی را احیاء کند، به این معنی که هرگونه حمله به اسرائیل بهای گزافی خواهد داشت و با این کار می‌خواهد وجهه خود را به عنوان «برمرد» منطقه حفظ و تقویت کند.

اسرائیل در این جنگ ثابت کرد که قادر است نبردهای طولانی را که تا کنون به یازده ماه رسیده بطور همزمان در چندین جبهه در غزه، کرانه باختری، لبنان، ایران و یمن پیش برد. اسرائیل تصویر فوق‌العاده‌ای از قابلیت‌های اطلاعاتی و فناوری پیشرفته نظامی خود را ارائه کرد. نیمی از رهبران حزب‌الله را بدون اینکه خطر حمله به یک وجب از خاک لبنان را متحمل شود، از بین برد و تعدادی از رهبران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز هدف قرار داد و حتا جرأت کرده و رهبر حماس را در قلب تهران به قتل برساند.

چراغ سبز پوتین به علی اف برای ایجاد «کریدور زنگزور» زور علی خامنه‌ای و نظام‌اش هرگز به دفاع از منافع ملی ایران نمی‌رسد



مسیر کریدور زنگزور در مرزهای شمالی ایران در سرحدات با ارمنستان و جمهوری آذربایجان

سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت و نظام را به نوکر روسیه و چین تبدیل کرد.

حمله پیشدستانه پوتین

در همین ارتباط، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی که سرسخانه رابطه با آمریکا را به مصلحت نظام می‌داند، در واکنش به تلاش روسیه برای ایجاد کریدور زنگزور عنوان کرد: «زنگزور حمله پیشدستانه پوتین برای جلوگیری از احتمال شکل‌گیری کانال‌های ارتباطی دولت جدید ایران و آمریکا است.» وی تأکید کرد، «کاری که دو دهه پیش با حق ایران در رژیم حقوقی خزر انجام داد. او می‌داند به‌رغم سیاست شکست‌خورده نگاه به شرق، پیام اصلی انتخابات تنش‌زدایی با غرب و پایان وابستگی به شرق بود.»

از سوی دیگر سردار پاسدار محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با انتقاد از سیاست‌های مسکو نوشت، «رفتار دولتمردان روسیه درباره گذرگاه زنگزور و جزایر سه‌گانه ایران، به هیچ وجه قابل قبول نیست و با اظهار دوستی آنها و روابط راهبردی با ایران در تناقض آشکار است.»

خامنه‌ای نهم اردماد ۱۴۰۳ در دیدار با نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان گفته بود «جمهوری اسلامی ایران مسیر زنگزور را به ضرر ارمنستان می‌داند و همچنان بر این موضع خود ایستادگی دارد.»

در ایران شماری از تحلیلگران می‌گویند جمهوری اسلامی برای تأمین منافع ملی باید «تعارف با روسیه را کنار بگذارد» اما آندسته از تحلیلگران ایرانی که به تریبون‌های آزاد دسترسی دارند عنوان می‌کنند که زور جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای هرگز به دفاع از منافع ایران در مقابل روسیه و چین و حتا دولت‌های کوچک‌تر منطقه نمی‌رسد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران نیز با اشاره به اینکه «روس‌ها قابل اعتماد نیستند» از مسعود پزشکیان و دولت خواست که خنجر روس‌ها را گند کنند! این روزنامه می‌نویسد، «چهارمین ضربه چند سال اخیر روسیه به ایران، در حال فرود آمدن بر پیکر کشورمان در مرزهای شمال غرب است.» خبرگزاری «تسنیم» نیز نوشت «وزارت خارجه روسیه در مورد زنگزور در توهم است.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۱۵ شهریورماه در واکنش به مواضع روسیه، بدون نام بردن از هیچ دولتی با لحنی محتاطانه گفت، «هر تهدیدی علیه تمامیت ارضی همسایگان ما، یا ترسیم دوباره مرزها، چه در جنوب، چه در شرق و چه در غرب، کاملاً غیرقابل قبول است و برای ایران خط قرمز به شمار می‌رود.»

در همین ارتباط علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران درباره مرزها، همسایگان و کریدورها ثابت و مبتنی بر منافع ملی است... همانطور که در آخرین اجلاس مجالس در باکو نیز تأکید کرده بودم، ما تغییر در مرزها را نمی‌پذیریم. توصیه‌ام به روسیه و آذربایجان، احترام به مرزهاست.»

همچنین محمد مولوی نماینده آبادان در مجلس شورای اسلامی مدعی شد، «تغییر مرزها خط قرمز جمهوری اسلامی ایران بوده و هرگز محقق نمی‌شود.» وی اشاره کرد، «سیاست و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران همواره بر مبنای عقلانیت و شعار انقلابی نه شرقی و نه غربی است چرا که منافع ملی در اولویت است.»

این ادعاهای توخالی در حالیست که شعار «نه شرقی، نه غربی» به ویژه در دوران رهبری علی خامنه‌ای در عمل فقط در حد شعار باقی ماند زیرا سیاست «نگاه به شرق» راهبرد رهبر جمهوری اسلامی است که به خواست او محور

حمایت ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه از طرح جمهوری آذربایجان برای تقویت گذرگاه «زنگزور» در مرز میان ایران و ارمنستان با واکنش برخی مقام‌های حکومت روبرو شده است.

● ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه اخیراً اعلام کرد، کریدور زنگزور مسیری است که می‌تواند قلمرو اصلی جمهوری آذربایجان را به منطقه نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان متصل کند.

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۱۵ شهریورماه در واکنش به مواضع روسیه، بدون نام بردن از هیچ دولتی با لحنی محتاطانه گفت، «هر تهدیدی علیه تمامیت ارضی همسایگان ما، یا ترسیم دوباره مرزها، چه در شمال باشد، چه در جنوب، چه در شرق و چه در غرب، کاملاً غیرقابل قبول است و برای ایران خط قرمز به شمار می‌رود.»

● وبسایت «تابناک» نزدیک به محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ارتباط نوشت «روسیه بر سر زنگزور، ایران را به آذربایجان فروخت.» روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران نیز با اشاره به اینکه «روس‌ها قابل اعتماد نیستند» از مسعود پزشکیان و دولت خواست که خنجر روس‌ها را گند کنند!

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی که سرسخانه رابطه با آمریکا را به مصلحت نظام می‌داند، در واکنش به تلاش روسیه برای ایجاد کریدور زنگزور عنوان کرد: «زنگزور حمله پیشدستانه پوتین برای جلوگیری از احتمال شکل‌گیری کانال‌های ارتباطی دولت جدید ایران و آمریکا است.»

حمایت ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه از طرح جمهوری آذربایجان برای تقویت گذرگاه «زنگزور» در مرز میان ایران و ارمنستان با واکنش برخی مقام‌های حکومت روبرو شده است.

الهام علی‌اف مدت‌هاست با پشتیبانی رجب طیب اردوغان به دنبال ایجاد یک مسیر ترانزیت است که ترکیه را به ساحل دریای مازندران متصل می‌کند. ایجاد چنین مسیری در سرحد مشترک ایران و ارمنستان در عمل استان آذربایجان شرقی در ایران را از مسیر ترانزیت ترکیه به باکو حذف می‌کند که با منافع ملی ایران در تضاد آشکار قرار دارد.

ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه اخیراً اعلام کرد، کریدور زنگزور مسیری است که می‌تواند قلمرو اصلی جمهوری آذربایجان را به منطقه نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان متصل کند.

زاخارووا با اشاره به نگرانی‌های ایران در این خصوص تأکید کرد موضع مسکو در این مورد کاملاً قطعی است، ما بر اساس این واقعیت پیش می‌رویم که راه حل باید برای ارمنستان، آذربایجان و همسایگان منطقه قابل قبول باشد! موضع‌گیری وزارت خارجه روسیه، پس از سفر پوتین به جمهوری آذربایجان و ملاقات با الهام علی‌اف اتفاق افتاد که واکنش‌هایی را از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی به دنبال داشت.

وبسایت «تابناک» نزدیک به محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ارتباط نوشت «روسیه بر سر زنگزور، ایران را به آذربایجان فروخت.»

گزارش «اشپیگل» از سازماندهی شبکه‌های تروریستی توسط حکومت ایران در اروپا: «تبهکاران کارهای کثیفی برای ملاها انجام می‌دهند»



پلیس برلین / عکس: رویترز

فروشگاه‌های یهودی و اسرائیلی در جنوب فرانسه انجام دهد. سرکرده‌ی این تیم یک قاچاقچی مواد مخدر از لیون فرانسه بود.

طبق گزارش اشپیگل، یکی از مظنونان که در فرانسه بازداشت شده، در ماه فوریه سال ۲۰۲۴ از وکیل چند شهروند اسرائیلی در برلین جاسوسی کرد و همچنین با هدف جاسوسی از یک خانواده اسرائیلی دو بار به مونیخ رفت.

نهاد‌های امنیتی آلمان اخیراً شماری از اعضای یکی از شبکه‌های تبهکار را که با رژیم ایران هم‌دست است زیر نظر گرفتند. یکی از عناصر این گروه با نام «عبدالکریم س» (مشهور به کریمو) یک تبعه ۳۴ ساله فرانسوی با سابقه جرایم خشن است که قصد انجام عملیات در خاک آلمان را داشت. بازرسان شواهدی پیدا کردند که نشان می‌داد او با تهران در ارتباط است. حکم بازداشت وی اواخر آوریل سال ۲۰۲۴ صادر شد و مدتی بعد به اتهام جرایم تروریستی و همکاری با باندهای قاچاق مواد مخدر در فرانسه دستگیر شد.

سرویس‌های اطلاعاتی آلمان و فرانسه معتقدند اقدامات و تحرکات او در آلمان، بخشی از پروژه وسیع‌تر جمهوری اسلامی برای سازماندهی حملات علیه افراد، شرکت‌ها و اماکن یهودی و اسرائیلی در اروپا بوده است.

در این گزارش به اقدامات شبکه مرتبط با «کریمو» در فرانسه، از جمله به آتش کشیدن شماری از شرکت‌ها و مغازه‌های متعلق به اسرائیلی‌ها در جنوب فرانسه اشاره کرده است.

پیشتر سازمان اطلاعات و امنیت سوئد نیز اعلام کرده بود جمهوری اسلامی از باندهای تبهکار سوئدی برای انجام کارهای خشونت‌آمیز علیه شهروندان اسرائیلی و مخالفان سیاسی خود در سوئد استفاده می‌کند.

هرگونه ارتباط با آنها را رد کند که این شیوه در زبان سرویس‌های اطلاعاتی، توان انکارپذیری نامیده می‌شود.»

در بخشی از مطلب اشپیگل به پرونده اسدالله اسدی، دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی اشاره شد که در سال ۲۰۱۸ به اتهام برنامه‌ریزی و تلاش برای هم‌بگذاری در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در حومه فرانسه بازداشت شد. در این گزارش تأکید شد که بعد از بازداشت اسدی و پیامدهای شدید آن برای جمهوری اسلامی از جمله تحریم‌های گسترده، رژیم ایران استراتژی خود را تغییر داد و سراغ گروه‌های جنایتکار در غرب رفت.

یکی دیگر از کسانی که در این گزارش به نام وی اشاره شد «رامین یکتاپرست» از عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. «بابک ج» را اجیر کرد تا کنسپه یهودیان در منطقه «رور» واقع در غرب آلمان (اسن) را به آتش بکشد. بابک که شهروند دوتابعیتی آلمان است ۲۷ آبان ۱۴۰۱ به دلیل پرتاپ کوکتل مولوتوف به مدرسه‌ای در کنار کنسپه یهودیان در شهر بوخوم آلمان دستگیر شد. او توسط یکی از اقوام نزدیکش لو رفته بود.

مقام‌های امنیتی غربی می‌گویند، «حکومت ایران به‌طور فزاینده به جای عوامل خود، روی جنایتکاران و تبهکاران داخل اروپا حساب باز کرده است. آنها باید کارهای کثیف را برای ملاها انجام دهند.»

بر اساس اسناد سرویس اطلاعات داخلی فرانسه، «نهاد‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی روش‌های عملیاتی خود را تغییر داده‌اند و اکنون به‌طور سیستماتیک‌تر استفاده از اعضای هسته‌های جنایی را ترجیح می‌دهند.»

در بخش دیگری از گزارش اشپیگل آمده که یک تیم تروریستی اواخر سال ۲۰۲۳ و اوایل سال ۲۰۲۴ توانست با استفاده از کوکتل مولوتف چهار حمله علیه شرکت‌ها و

هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» در یک گزارش تحقیقی که پنج سپتامبر (۱۵ شهریورماه) منتشر شد، نوشت جمهوری اسلامی به‌طور سیستماتیک مجرمان و جنایتکاران را در اروپا برای انجام حملات علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها استخدام می‌کند.

در این گزارش آمده، «مُلاها در ایران با جنایتکاران به یک توافق دو طرفه رسیدند که هر دو سود می‌برند، نفع دوجانبه برای اشرار و حکومت یاغی... اگر جنایتکاران بازداشت شوند، رژیم می‌تواند هرگونه ارتباط با آنها را رد کند که این شیوه در زبان سرویس‌های اطلاعاتی، توان انکارپذیری نامیده می‌شود.»

مقام‌های امنیتی غربی می‌گویند، «حکومت ایران به‌طور فزاینده به جای عوامل خود، روی جنایتکاران و تبهکاران داخل اروپا حساب باز کرده است. آنها باید کارهای کثیف را برای ملاها انجام دهند.»

بر اساس اسناد سرویس اطلاعات داخلی فرانسه، «نهاد‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی روش‌های عملیاتی خود را تغییر داده‌اند و اکنون به‌طور سیستماتیک‌تر استفاده از اعضای هسته‌های جنایی را ترجیح می‌دهند.»

جنایتکاران و تبهکاران به نیابت از جمهوری اسلامی در اروپا مجری عملیات تروریستی علیه شهروندان اسرائیلی هستند. در همین ارتباط هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» در یک گزارش تحقیقی که پنجم سپتامبر (۱۵ شهریورماه) منتشر شد، نوشت حکومت ایران به‌طور سیستماتیک مجرمان و جنایتکاران را در اروپا برای انجام حملات علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها استخدام می‌کند.

بر اساس گزارش تحقیقاتی اشپیگل با عنوان «آنها کارهای کثیف را آنها برای ملاها انجام می‌دهند»، حکومت ایران با اجیر کردن یک شبکه تبهکار، یهودی‌ها و اسرائیلی‌ها در آلمان طی سال ۲۰۳۴ و ۲۰۲۴ حملاتی را علیه آنها برنامه‌ریزی کرده است. در همین دوره چند کسب و کار مرتبط با یهودیان از جمله شماری از شرکت‌های اسرائیلی در جنوب فرانسه به آتش کشیده شد.

تهدید علیه شهروندان یهودی در سراسر اروپا پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» حماس به شدت افزایش پیدا کرد. اشپیگل با اشاره به مواردی از این حملات به نقل از محققان عنوان کرد با افزایش شدت درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در خاورمیانه، به نظر می‌رسد حکومت ایران می‌خواهد این پیام را ارسال کند که «یهودیان هیچ کجا، حتا در اروپا نباید احساس امنیت کنند.»

محققان بر این باورند، جمهوری اسلامی هر چه بیشتر به دنبال یک استراتژی گسترده برای استفاده از شبکه‌های جنایتکار با هدف انجام عملیات تروریستی در آمریکا، کانادا، آلمان، سوئد، هلند و فرانسه است.

در بخشی از گزارش اشپیگل آمده، «مُلاها در ایران با جنایتکاران به یک توافق متقابل رسیدند که هر دو سود می‌برند، نفع دوجانبه برای اشرار و حکومت یاغی... اگر جنایتکاران بازداشت شوند، رژیم می‌تواند

وال استریت ژورنال: جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است



رومایی از موشک‌های بالستیک دزفول و ذوالفقار

مواضع متناقض اتحادیه اروپا و دولت بایدن درباره ارسال موشک‌های بالستیک توسط جمهوری اسلامی به روسیه

● در شرایطی که اتحادیه اروپا نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه) اعلام کرد که از متحدانش «اطلاعات موثق» مبنی بر تأمین موشک‌های بالستیک روسیه توسط جمهوری اسلامی دریافت کرده است، جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید گفت که ایالات متحده نمی‌تواند گزارش‌ها مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را تایید کند.

● این اظهارات متناقض در شرایطی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد اطلاعات مربوط به جنگ روسیه علیه اوکراین از جمله ارسال تسلیحات توسط جمهوری اسلامی برای روس‌ها در ردیف اطلاعاتی باشد که اعضای ناتو حتماً از آن باخبر می‌شوند.

● تردید در اظهارات جان کربی وقتی بیشتر می‌شود که ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرد انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه نشان‌دهنده افزایش «چشمگیر» حمایت تهران از مسکو در جنگ علیه اوکراین است. خود دولت بایدن نیز بارها افراد و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل ارسال تسلیحات از جمله پهپادهای انتحاری و قطعات موشک به روسیه تحریم کرده است!

در شرایطی که اتحادیه اروپا نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه) اعلام کرد که از متحدانش «اطلاعات موثق» مبنی بر تأمین موشک‌های بالستیک روسیه توسط جمهوری اسلامی دریافت کرده است، جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید گفت که ایالات متحده نمی‌تواند گزارش‌ها مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را تایید کند.

این اظهارات متناقض در شرایطی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد اطلاعات مربوط به جنگ روسیه علیه اوکراین از جمله ارسال تسلیحات توسط جمهوری اسلامی برای روس‌ها در ردیف اطلاعاتی باشد که اعضای ناتو حتماً از آن باخبر می‌شوند.

تردید در اظهارات جان کربی وقتی بیشتر می‌شود که ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرد انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه نشان‌دهنده افزایش «چشمگیر» حمایت تهران از مسکو در جنگ علیه اوکراین است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی موشک‌های کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که روس‌ها حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را افزایش داده و در روزهای اخیر ده‌ها نفر از شهروندان این کشور در حملات موشکی و پهپادی

«این پایان کار نیست» و انتظار می‌رود که جمهوری اسلامی تسلیحات بیشتری به روسیه ارسال کند.

چند مقام اروپایی می‌گویند آمریکا و اروپا سرگرم بررسی وضع تحریم‌های بیشتر علیه جمهوری اسلامی در پاسخ به این اقدام هستند.

مقام‌های جمهوری اسلامی ارسال تسلیحات به روسیه را انکار می‌کنند اما سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی غربی بارها شواهد مربوط به تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی را که روس‌ها علیه اوکراین به کار گرفته‌اند شناسایی کردند.

دو منبع اطلاعاتی اروپایی روز جمعه نهم اوت (۱۹ مرداد) به رويترز گفته بودند که ده‌ها پرسنل نظامی روسیه برای استفاده از سیستم پدافندی موشک‌های «فتح-۳۶۰» در ایران آموزش می‌بینند. پیش‌بینی می‌شود حکومت ایران صدها فروند موشک هدایت‌شونده ماهواره‌ای برای جنگ علیه اوکراین به روسیه تحویل دهد.

در همین ارتباط سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا گفته بود که این کشور و متحدانش در ناتو و شرکای «گروه هفت» در صورتی که رژیم ایران بخواهد دست به چنین نقل و انتقالاتی بزند، آماده پاسخگویی سریع و قدرتمندانه هستند. این امر به معنی شدت بخشیدن حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین به طریقی فوق‌العاده خواهد بود.

کشورهای عضو «گروه هفت» در اسفندماه ۱۴۰۲ طی یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد. یکی از گزینه‌های آنها ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

● روزنامه «وال استریت ژورنال» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد، انتقال موشک‌های کوتاه‌برد از ایران به روسیه در شرایطی صورت گرفت که روس‌ها حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را افزایش داده‌اند و در روزهای اخیر ده‌ها نفر از شهروندان این کشور کشته شدند.

● مقامات اروپایی اعلام کردند که واشنگتن متحدان خود را از اقدام حکومت ایران در دو روز گذشته مطلع کرده است.

● چند مقام اروپایی گفته‌اند آمریکا و اروپا سرگرم بررسی وضع تحریم‌های بیشتر علیه جمهوری اسلامی در پاسخ به این اقدام هستند.

به گفته مقامات آمریکایی و اروپایی، جمهوری اسلامی ایران با نادیده گرفتن هشدارهای بین‌المللی، اقدام به ارسال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه کرده است. این موشک‌ها به ابزار نظامی قدرتمند روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین تبدیل شده است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد، انتقال موشک‌های کوتاه‌برد از ایران به روسیه در شرایطی صورت گرفت که روس‌ها حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را افزایش داده‌اند و در روزهای اخیر ده‌ها نفر از شهروندان این کشور کشته شدند.

مقامات اروپایی اعلام کردند که واشنگتن متحدان خود را از اقدام حکومت ایران در دو روز گذشته مطلع کرده است. مقامات غربی اعلام کردند محموله‌های تسلیحاتی شامل صدها فروند موشک بالستیک کوتاه‌برد است. یک مقام ارشد اروپایی به وال‌استریت ژورنال گفت که

→ روس‌ها کشته شدند.

پیتر استانو سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این ارتباط گفت: «ما از اطلاعات موثق ارائه شده توسط متحدان خود در مورد تحویل موشک‌های بالستیک ایران به روسیه مطلع هستیم.» وی عنوان کرده بود، در صورت تأیید این اطلاعات، تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی وضع خواهد شد.



نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران

خود را فزیت، دیگران را نصیحت!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۹۴) اسفندماه ۱۳۸۴



آنگلا مرکل

ای کاش این پند حکیمانه را یکی از خوشنویسها زحمت می‌کشید و با خط جلی می‌نوشت و قاب می‌گرفت و به یکایک متصدیان امور، از مافوق و مادون و معمم و مکلاً و نظامی و غیر نظامی هدیه می‌کرد به شرط آن که بالای سرشان بیاویزند و دمامد نظر بر آن بیفکنند و تمرین کنند گشودن چشمها و بستن دهان و نگهداشتن زبان را.

یکی از عقلای قوم اتفاقاً هفته گذشته در مقاله‌ای نوشته بود رهبران جمهوری اسلامی چون اکثراً منبری بوده‌اند حالا هم که در مقامات سیاسی قرار گرفته‌اند تریبون را با منبر فرق نمی‌گذارند و پادشان می‌رود که به دلیل مسؤولیت‌هایی که دارند باید مسؤولانه حرف بزنند. آنها هرچه به دهانشان می‌آید بی‌ملاحظه می‌گویند و متوجه عواقبش نیستند. واعظی بر سر منبر حدیث آدم و حوا می‌گفت که چون گندم خوردند و از بهشت رانده شدند آدم رو کرد به حوا و گفت «عجب گهی خوردیم!»

آخوند یادش رفته بود که آدم، گرچه نافرمانی کرد و از بهشت رانده شد و اولادش را گرفتار زندگی جهنمی در روی زمین کرد، ولی در هر حال آدم صلی‌الله و اولین پیغمبر از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر خداست و جسارت به ساحت او، آن هم بر روی منبر، جایز نیست.

همه‌همه از بین جمع برخاست. آخوند به خود آمد و گفت «غرض این است که ما بدگویی خوردیم!»

آخوندهای به قدرت رسیده، و از سیاسی گذشته سیاستمدار شده، آنقدر انصاف ندارند که حرفهای نپخته و نسنجیده خود را با همین دو کلمه رفع و رجوع کنند. برعکس، مثل ابوجهل بر جهل خود اصرار می‌ورزند و تأکید می‌کنند و مصیبت روی مصیبت به بار می‌آورند.

سعید الصّحاف (ببخشید: حمیدرضا آصفی) سخنگوی وزارت امور خارجه نظام فقهاتی در مقام نصیحت به آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان گفت: «ما اظهارات این خانم را قدری ناشی از روحیه خودشیفتگی می‌دانیم که هیچ ارتباطی با شرایط کنونی ندارد. فکر می‌کنیم یک سیاستمدار باید به جای این که چشمه‌ایش را ببندد و دهانش را باز کند باید چشمها را باز کند و دهان را نیز آرام آرام باز نماید.»

چه نصیحت خوبی! به ریخت و قواره این سعید الصحاف وطنی نمی‌آید که این عبارت زیبا و آموزنده را (علی‌رغم تصرفی نه چندان زیبا که در آن به کار برده و از لطف کلام کاسته است) در جایی خوانده یا از معلمی آموخته باشد. به احتمال زیاد یکی از سر خیرخواهی این را به خود او گفته است که وقتی پشت میکروفونهای متعدد و روبروی خبرنگاران متجسس قرار می‌گیرد چشمش را بیشتر و دهانش را کمتر باز کند. دفاع از سیاستهای یک حکومت بی‌سیاست کار دشواری است و وقتی سخنگوی وزارت امور خارجه نیز مثل خطبای نماز جمعه اختیار عقلش را به دست زبانش می‌سپارد نورعلی نور می‌شود.

سعیدی فرماید:

راستی کردند و فرمودند مردان خدای
ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را

و پیش از آن هم حکیم ناصر خسرو گفته است:

پندم چه دهی؟ نخست خود را

محکم کمری ز پند، در بند

چون خود نکنی چنان که گویی

پند تو بُود دروغ و ترفند

خواهد شد.

در پی انتشار گزارشی مبنی بر ارسال موشک بالستیک به روسیه، وزارت خارجه اوکراین روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه، شهریار آموزگار کاردار جمهوری اسلامی در کی‌یف را احضار کرد. اوکراین در «هشدار شدیدی» به جمهوری اسلامی اعلام کرد در صورت صحت این گزارش «پیامدهای ویرانگر و جبران‌ناپذیری» در روابط دوجانبه خواهد داشت.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال» درباره ارسال موشک بالستیک به روسیه آن را «بی‌اساس» و محصول «اهداف و انگیزه‌های سیاسی» کشورهای غربی خواند.

وی مدعی شد از ابتدای حمله روسیه به اوکراین «[ایران] هیچگاه بخشی از این نزاع و درگیری نظامی و ادامه آن نبوده است و همواره از راهکار سیاسی و گفتگو دوجانبه حمایت کرده است.»

ادعای مقامات دولت بایدن مبنی بر اینکه نمی‌توانند ارسال موشک از ایران به روسیه را تأیید کنند بازتاب زیادی در رسانه‌های حکومتی داشت. این در حالیست که احمد یخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد!

خود دولت بایدن نیز بارها افراد و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل ارسال تسلیحات از جمله پهپادهای انتحاری و قطعات موشک به روسیه تحریم کرده است! از همین رو نیز اکنون انکار این اقدام توسط جان کربی عجیب به نظر می‌رسد.

استقلال اقتصادی مهمترین مسأله برای زنان طبقه کم درآمد بود

آنها می‌گفتند حتی اگر بهترین وضع حقوقی را هم داشته باشیم، بدون استقلال اقتصادی نمی‌توانیم از آن حقوق استفاده کنیم

خانم سناتور منوچهریان برایم فال قهوه گرفت و گفتی‌ها را در لفافه فال و حکایت باز گفت

تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰ - ۹۷۶

بازنشر



جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۲)

خاطرات مهناز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهناز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهناز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهناز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می‌گوید. یادآور می‌شویم که خاطرات مهناز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورانی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

اینجا چند چیز می‌خواست. یکی این که خود دبیرکلای سازمان تجربه کارهای تجهیزری را داشته باشند، که هیچ کدام نداشتند. خود من هم همین طور، یعنی اینکه هیچ وقت ما تجربه کار گروهی تجهیزری را نداشتیم. خود ما هیچ ایده واضحی از اینکه هدفهای نهضت چه باید باشد نداشتیم. مسئله دیگر این بود که با چند دستگی‌هایی که وجود داشت امکان اینکه بشود زنان را از نظر قدرت سازمانی طوری بهم نزدیک کرد که یک همکاری تشکیلاتی بوجود بیاید، وجود نداشت. البته در سازمان زنان آمریکا هم سعی شد که یک رهبری افقی به وجود بیاید که آنها هم با مشکلات بسیاری روبرو شدند و خیلی در این زمینه ضرر کردند. ولی آن کار در آمریکا امکان‌پذیر بود برای اینکه تا حدی اقلأ فلسفه کار روشن بود و می‌شد راجع به مدیریت تصمیم گرفت. ولی در بین ما فلسفه روشن نبود و در نتیجه دبیرکلای سازمان خاطره‌ای که از کارهای سازمان داشتند، خاطره مشکلات و رنج و ناراحتی بود. یاد می‌آید زمانی که من وارد کار دولت شدم، از خانم هم‌روحی خواهش کردم که بیاید و قائم مقام من باشد و در حقیقت دوباره دبیرکلی سازمان را به عهده بگیرد. همه ما من گفت که تو نمی‌توانی تصور کنی خاطره‌ای که من از جلسات شورای مرکزی سازمان دارم، چه خاطراتی است. این اطاق جلسات شورای مرکزی در ذهن من مثل اطاقی است که در آن کسی را شکنجه کرده باشند. من آنجا را که می‌بینم اعصابم داغان می‌شود، برای اینکه فکر آن جلسات و فکر آن تماسها و فکر آن تضادها واقعاً ناراحت می‌کند. خانم رجالی هم به همین حالت. یعنی اینها متأسفانه خاطرات بدی داشتند از کار کردن با سازمان. البته شروع کار هم بود، یعنی زمان می‌گرفت که بشود بجائی رسید. در ابتدای کار من هم تجربه در این زمینه‌ها نداشتیم. بیشتر عمر تحصیلی‌ام را در خارج از ایران گذرانده بودم و به محض ورود به ایران در دانشگاه ملی شروع به تدریس کرده بودم.

منزلم در دربند بود و دانشگاه در اوین و تماس من با شهر کم بود. زبان اصلی صحبت در بخش ادبیات انگلیسی در دانشگاه انگلیسی بود و تماس با دانشجویان از طریق زبان انگلیسی بود. برای اینکه به آنها کمک بشود از نظر یادگرفت زبان. در نتیجه با این کار با یک حالت دلهره و تزلزل عجیب و غریبی روبرو شدم.

خلاصه کنم، هنگامی که من کارم را در سازمان زنان شروع کردم، مشکلات اساسی این بود که هم تشکیلات اداری

داستان وار، براساس فال قهوه‌ای که برایم مطرح کرد. **یادتان می‌آید چی گفت؟**

بله، به من با اشاره گفت که برحذر باشم از درگیری در جنگهای داخلی بین گروههای مختلفی که در سازمان کار می‌کنند. صحبتش این بود که داشت حامی‌ای مثل والا حضرت اشرف خیلی می‌تواند کمک کند در اینکه بعضی از موانع را از پیش پای آدم بردارد و مهم است که از این حضور استفاده بشود، مثلاً در زمینه‌های حقوقی و داد و ستد با وزارت دادگستری. اما در ضمن مهم است که این ارتباط با والا حضرت آن جوری که هست مطرح بشود، یعنی والا حضرت به عنوان یک نماد حمایتی و کسی که مشکل گشای کار سازمان باشد، ولی از اینکه چهره سازمان نمادی بشود از فعالیت دربار و یا والا حضرت، برحذر باشم. مطالبی می‌گفت که در حقیقت با شیوه کار خود من هم می‌خورد، که زیاد سریع تصمیم نگیرم راجع به اینکه سازمان در چه زمینه‌ای باید پیش برود. به خودم وقت بدهم که فکر کنم. همه اینها را به صورت داستان مطرح می‌کرد. یعنی می‌گفت که خوب است که این کارها را بکنی. می‌گفت می‌بینم در آتیه که تو این کارها را خواهی کرد. می‌بینم که اینجا یک پرنده‌ای بالا سرت هست. پرنده شاهدخت اشرف است، کمک می‌کند، ولی می‌بینم که سایه‌اش این ور افتاده، روی تمام کارت نیفتاده. می‌بینم شلوغ است، سر و صدا هست. بعضی از افراد دارند موی همدیگر را می‌کشند. ولی می‌بینم که تو بیرون از این جمع ایستاده‌ای و می‌نگری و در داخل این جمع نیستی. می‌بینم که داری یک راهی را طی می‌کنی ولی آهسته و به اطراف نگاه می‌کنی و به بالا و پایین نگاه می‌کنی و مواظب هستی که این راه چه جور پیش می‌رود. و پیش پایت را با دقت مدنظر داری. می‌دانم آخر کار آفتاب است و روشنائی. خلاصه این خانم نازنین به این طریق حرفش را زد و در تمام مدت آن مراسم با مهربانی هرچه تمام‌تر مرا راهنمایی کرد.

مشکلات آغازین سازمان زنان

به نظر شما مشکلات اولیه سازمان چه بود؟

— چطور می‌توان به سازمان یک شکل متحدی داد و چطور می‌شود که دست مردها را کوتاه کرد، و بعد چطور می‌شود که یک تشکل فکری به سازمان داد که دیگر جنگ داخلی مطرح نباشد. اتحاد و همبستگی باشد در قالب یک فلسفه که آن وقت بشود در مقابل دیگران یک جبهه متحدی را رو کرد.

مهناز افخمی: سعی کردم با زنانی که در سطح مملکتی نقش داشتند و به نحوی کارشان با سازمان زنان یا برنامه‌های سازمان مربوط می‌شد، مشورت کنم. با خانم ستاره فرمانفرمائیان که مسئول یک سری مراکز رفاه خانواده بود، و مشابه آنچه که در سازمان زنان شروع شده بود یک آموزشگاه مددکاری را اداره می‌کرد، نشستیم ببینم چکار می‌کند، چون بعضی از برنامه‌هایش به نظر می‌رسید خیلی برای سازمان جالب باشد. با خانم عزت آق اولی نشستیم، که آن زمان معاون وزارت تعاون و امور روستاها بود. با خانم مهرانگیز دولتشاهی که رئیس جمعیت راه نو و نماینده مجلس بود مذاکره کردم. به بازدید خانم پارسا رفتم که با نهایت مهر و محبت در شروع کارم به دیدن من آمد. در این بازدید از او راهنمایی و ایده گرفتم و عکس‌العمل‌ها و نظراتش را جویا شدم. سؤالهایم همیشه این بود که راجع به سازمان چه فکر می‌کنید؟ فکر می‌کنید کمبودهایش کجا بوده؟ اگر جای من بودید چه می‌کردید؟ قدمهای اولیه‌تان چه بود؟ فکر می‌کنید سازمان در چه جهتی باید پیش برود که مفید باشد؟ چه کسانی ممکن است بتوانند به سازمان کمک کنند که تا بحال درگیر نبوده‌اند؟ خودتان تا چه حد علاقمند هستید و می‌توانید به ما کمک فکری بدهید یا همکاری کنید؟ سازمان در چه زمینه‌ای می‌تواند به کار شما کمک کند؟ بعد هم دیگران بودند، مثل خانم مهرانگیز منوچهریان.

خانم منوچهریان چهره‌ای شناخته شده و قوی بود. مخصوصاً در زمینه کارهای حقوقی برای زنان. و ضمناً سناتور انتصابی بود و بسیار مورد احترام. زمانی که من به سازمان زنان رفتم، رسم شده بود که دبیرکل سازمان زنان را دعوت می‌کردند به مراسم مملکتی که به طور سمبلیک نمایندگی زنان را داشته باشد. رژه‌ای بود در برابر مجلس سنا که من و خانم منوچهریان دره‌های سرد زمستان بیرون سنا نزدیک هم ایستاده بودیم. خانم منوچهریان بعد از مدتی به من گفت که بیا برویم تو قهوه بخوریم. آمدیم درون محوطه داخل سنا نشستیم. پیشخدمت قهوه ترک برای ما آورد و ما مشغول صحبت شدیم. خوب، او هم خانم خیلی وارد و فهمیده‌ای بود و هم سنی‌اژ می‌گذشت. یک مقداری کلاً به من نظراتش را داد و بعد گفت حالا که قهوه‌ات را تمام کردی استکانت را برگردان من فالت را می‌گیرم. در قالب اینکه آتیه‌ام را در فالم ببینم راهنمایی‌هایی را که ممکن بود به عنوان یک سیاستمدار و یک دیپلمات رسماً نتواند مطرح کند،

بطور مداوم در برنامه کار کسی قرار نمی‌گرفت. مگر اینکه ما می‌توانستیم برنامه خودمان را با برنامه کار آنها تطبیق دهیم و آن را طوری مطرح کنیم که برایشان واضح بشود که کار ما کار خود آنهاست و این نیست که به ما یک مرحمتی می‌کنند، یا یک لطفی می‌کنند، یا یک دلسوزی می‌کنند، یا دلرحمی می‌کنند. در واقع کار ما، کار خود آنهاست.

● **شما خودتان به عنوان دبیرکل سازمان زنان هیچ ارتباط مستقیم در این زمان با وزراء یا نخست وزیر یا کسانی که در آن سطح تصمیم می‌گرفتید داشتید؟**

– بعضی از این افراد را از نظر خانوادگی می‌شناختم. مثلاً همان روز که در مراسم رژه‌ای که نام بردم وارد سنا شدم یکی از سناتورها که فامیل نزدیک شوهرم بود آمد و روبروی کرد و خیلی گرم از من استقبال کرد و مرا معرفی کرد به یکی از سناتورها و برای اینکه مرا معرفی کند سمت را عنوان نکرد، من را به عنوان عروس پدرشوهرم معرفی کرد. ارتباطات خانوادگی تا حدی بود، اما در این زمان بیشتر در رابطه با گذشته چون پدرشوهرم چند سال بود که درگذشته بود. آن زمان آقای هویدا را که نخست وزیر بود من نمی‌شناختم، وزراء دیگر را هم شخصاً نه، چون تازه از خارج آمده بودم واقعاً زیاد آشنائی نداشتم.

● **آیا می‌خواستید با اینها تماس داشته باشید؟ دلیلی داشت که این کار را بکنید؟**

– من اصلاً اشتیاق به این کار نداشتم. آن روز آنجا بودم برای اینکه دبیرکل سازمان زنان قرار بود که در این مراسم شرکت کند و من فکر می‌کردم حضورم به نمایندگی از زنان لازم است. به این دلیل آنجا بودم. بهرحال، نتیجه این صحبتها، گردهمایی‌ها، نشستها، و

قائم مقام والا حضرت اشرف است. پشتیبانی آقای انصاری همچنین برای این مهم بود که او خودش است، به خاطر اینکه سابقه درخشانی داشت و وزیر کشور موفق بود و روابط خوبی داشت با تصمیم گیران دولتی. این سفرها خیلی کمک کرد. ملاقات و گفتگو با گروههای مختلف – چه سازمانهای غیردولتی، نه تنها مربوط به زنان، و چه گروههای دولتی و رؤسای ادارات دولتی، و چه بخش خصوصی صنعتی – دید خیلی خوبی به ما داد. و اینکه همه این مذاکرات را با دقت یادداشت می‌کردیم و می‌آوردیم تهران که بعد با شورای مرکزی و با گروههای مختلف در تهران مطرح کنیم کمک کرد به اینکه ما یک تصویر همه جانبه‌ای از وضع زنان در قالب اجتماعی که در آن زندگی می‌کردند، و از اینکه اولویت‌هایشان چه هست، و چه برایشان مهم است، به دست بیاوریم.

● **راجع به اینکه خود شورای زنان با شما چگونه مواجه شد و جمعیتها و غیره صحبت کردید. افرادی که در استانها و شهرستانها بودند، در مرحله اول افرادی که صاحب منصب بودند، آنها با شما چگونه روبرو می‌شدند؟**

– دیدشان در زمان تغییر می‌کرد. در ابتدا یک حالت تشریفاتی بود، یعنی آقای انصاری از آنها خواهش کرده بود که مرا ببینند و گروه ما آمده بود، و این کار جزء وظایفشان بود، بایستی می‌کردند. ولی وقتی که راجع به مسائل استان در ارتباط با زنان سؤال می‌کردیم، و بحث می‌کردیم، و بحثها جدی بود علاقمند می‌شدند، یعنی یک تغییر به وجود می‌آمد و این یکی از دست‌آوردهای مثبت این سفرها بود. بعضی اوقات این اولین بار بود که بین مقامات مسئول دولتی و نمایندگان زنان در باره رابطه وضع زن با مسائل کلی استان بحث جدی صورت می‌گرفت و راجع به همکاری برای بهبود

→ و مالی سازمان هنوز کاملاً شکل نگرفته بود و هم اینکه چهارچوب فکری و فلسفه کار سازمان هنوز مشخص نشده بود. در نتیجه مشکلاتی بین گروههای مختلفی که با سازمان همکاری می‌کردند و یا جمعیتهایی که در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کردند، وجود داشت ولی مسیر با روش درستی برای رسیدن به یک هدف مشترک و یا رسیدن به یک توافقی کلی هنوز ایجاد نشده بود...

دولتی‌ها تحویل‌مان نمی‌گرفتند

● **از صحبت‌های شما به نظر می‌رسد که در استانها و شهرستانهای مختلف کسانی از اعضاء دولت – استاندار، شهردار یا فرماندار – را که می‌دیدید، بسته به این بود که کسی شما را می‌پذیرفت. معنای این حرف چیست؟**

– در سالهای اول هنوز سازمان قدرتی نداشت. بعضی جاها ارتباط بین مسئولین شعبه یا دبیر شعبه یا افراد شورای شعبه با مقامات دولتی وجود داشت. مثلاً در یک جایی شوهر دبیر شعبه رئیس اداره بهداشت بود. می‌توانستیم از این طریق کمک‌هایی از وزارت بهداشت بگیریم. شوهرها خیلی مهم بودند. یعنی هر جا که مردی از زنش که در سازمان بود، حمایت می‌کرد کار ما بهتر پیش می‌رفت. مثلاً این دوست ما که شوهرش رئیس اداره بهداشت بود در جنوب می‌توانست جیب اداره بهداشت را برای کار ما مصرف کند و کمک وزارت بهداشت را بگیرد. حتی وقتی که در دولت نبودند، اگر شوهر حامی کار زنش بود خیلی به کار ما کمک می‌شد. در شهرهای کوچک و در روستاها بدون حمایت شوهرها، یا اقلاباً بی‌طرف بودن آنها، اصلاً امکان اینکه زنان بتوانند در سازمان فعالیت کنند، وجود نداشت.

بهرحال، در یکی دو سال اول من معمولاً قبل از سفر، از آقای انصاری خواهش می‌کردم که با استاندارها تماس بگیرد. چون او درست قبل از اینکه قائم مقام والا حضرت اشرف بشود وزیر کشور بود و مورد احترام در دستگاه دولت. بخصوص بیشتر استاندارها که تعدادی‌شان منصوب خود او بودند مرید او بودند. در نتیجه از او می‌خواستیم که به استاندار نامه بنویسد که ما را بپذیرد و بعد، از استاندار بخواهد که با مقامات دیگر هم صحبت کند و برای ما وقت بگیرد. البته این خیلی جالب است که در اواخر دوره من در سازمان زنان، کارمان طوری پیشرفته بود و به اصطلاح زیربنای نفوذ سازمان به حدی توسعه پیدا کرده بود که ما برای تصویب پیش‌نویس برنامه ملی کار ایران تمام استاندارها را دعوت کردیم به تهران. تصور نمی‌کنم جز برای جلساتی که پادشاه و یا نخست‌وزیر تشکیل می‌داد، همه استاندارها هرگز همزمان آمده باشند به تهران. یعنی هیچ دستگاهی نبود که بتواند کل استاندارها را یکجا به تهران بیاورد. و اینها همه آمدند، نه بخاطر اینکه ما یا والا حضرت می‌توانستیم برایشان مسئله‌ای ایجاد کنیم، بلکه برای اینکه مسئله زنان به درجه‌ای از اهمیت رسیده بود، و به اصطلاح زیربنای نفوذی سازمان در سراسر کشور به جایی رسیده بود، که برای پیشبرد کار استان، استاندار نیاز داشت که با سازمان همکاری کند. می‌آمدند برای اینکه کارشان مربوط می‌شد به آنچه که به ما مربوط می‌شد. و خوب، این تفاوت قابل توجهی بود از وقتی که برای نیم ساعت ملاقات با استاندار بایستی حمایت آقای انصاری را می‌داشتیم تا زمانی که همه‌شان را دعوت کردیم به تهران که بنشینیم و برنامه‌های سازمان را مطرح کنیم و نظرشان را برای برنامه‌های سازمان داشته باشیم.

● **لذا در این زمان، در ابتدا، عملاً برای اینکه بتوانید با این نوع افراد تماس بگیرید می‌بایستی پشتیبانی آقای انصاری را داشتید؟**

– ببینید، پشتیبانی آقای انصاری تنها برای این نبود که او



مهناز افخمی در حضور علیا حضرت فرح پهلوی انتشارات سازمان زنان را به خانم سادات همسر رئیس جمهوری فقید مصر نشان می‌دهد.

سفرها این شد که فکر و تصویر اینکه سازمان چه نقشی را می‌تواند بازی کند که مفید باشد، چه نوع داد و ستد فکری می‌تواند برقرار کند، و چه نوع خدماتی را می‌تواند ارائه بدهد، برایشان کم کم شکل گرفت. آنچه که مهم بود این بود که ما قبلاً فکر می‌کردیم مسائلی مثل مسائل حقوقی بایستی اولویت داشته باشد، ولی در این سفرها بطور مداوم زنان یادآوری می‌کردند، بخصوص زنان طبقه کم‌درآمد کم‌سواد، که مهم‌ترین مسئله برایشان استقلال اقتصادی است. برای اینکه حتی اگر بهترین وضع حقوقی را داشته باشند، اگر استقلال اقتصادی نداشته باشند نمی‌توانند از مزایای حقوقی استفاده کنند. حق طلاق خوب و لازم است. بویژه اگر بعد از طلاق بتوانند از خود و بچه‌هایشان نگهداری کنند. (دنباله دارد)

نه تنها وضع زن بلکه وضع زن در ارتباط با جامعه چاره‌جویی می‌شد. این، فکر می‌کنم، شروع یک بازنگری بود از طرف این افراد. برای ما مفید بود برای اینکه ما یاد گرفتیم که درست است نقش اصلی ما این است که به عنوان یک گروه نفوذ برای هدفهای خودمان آگاه سازی کنیم، ولی در ضمن بایستی توجه کنیم که برای اینکه موفق شویم این هدفها بایستی مربوط بشود به رفاه تمام جامعه. اگر ما بخواهیم جوری صحبت کنیم که انگار فقط مشکلات و مسائل و راه‌حل‌های زنان را در نظر داریم، آن همکاری که لازم بود جلب نمی‌شد برای اینکه هر نوع به اصطلاح ایجاد دلسوزی یا حالت اینکه ما قربانی (victim) بودیم یا تحت فشار یا تحت ستم بودیم ممکن بود یک نوع همدردی به وجود بیاورد، ولی

صادرات پنهانی نفت اقلیم کردستان عراق به جمهوری اسلامی



دیدار نیچروان بارزانی با علی خامنه‌ای در تهران/ اردیبهشت ۱۴۰۳

میلیون دلار در ماه برای دولت اقلیم کردستان عراق دارند. تا قبل از ماه مارس ۲۰۲۳، اقلیم کردستان عراق روزانه حدود ۴۵۰ هزار بشکه نفت خام خود را از طریق خط لوله رسمی عراق به ترکیه صادر می‌کرد. خط لوله‌ای که نفت خام را از شهر نفتی کرکوک به بندر جیهان در ترکیه منتقل می‌کرد. امروز دیگر این تجارت قانونی امکانپذیر نیست و اقلیم کردستان عراق باید برای صادرات قانونی نفت خام خود، فروش آنرا به دولت این کشور واگذار کند. امروز بنا بر آمار رسمی اقلیم کردستان عراق، تولید روزانه نفت در این منطقه ۳۷۵ هزار بشکه در روز است که ۱۷۵ هزار بشکه آن در داخل پالایش می‌شود. در آمار رسمی از سرنوشت ۲۰۰ هزار بشکه دیگر صحبتی نمی‌شود زیرا نمی‌توان صادرات غیرقانونی را در مدارک رسمی به ثبت رساند، چنانکه نشانی از ثبت درآمد حاصل از فروش آن به ترکیه و جمهوری اسلامی نیز در بودجه سالانه اقلیم دیده نمی‌شود.

بنا بر اطلاعاتی که کیهان لندن به دست آورده است، تانکرهای نفتی اقلیم کردستان عراق روزانه از گذرگاه مرزی رسمی «حاج عمران» وارد ایران می‌شوند و بخشی از این نفت از طریق بندرعباس مجدداً صادر می‌شوند و باقیمانده از راه زمینی راهی پاکستان و افغانستان می‌شود. امری که حکایت از توافقی نانوشته بین اقلیم کردستان عراق، جمهوری اسلامی و دولت عراق دارد. بعید به نظر می‌رسد که دولت مرکزی در بغداد که دست‌نشانده جمهوری اسلامی است از فروش غیرقانونی نفت اطلاعی نداشته باشد و در مقابل آن سکوت کند. فروش غیرقانونی نفت استخراجی در اقلیم کردستان عراق، زمامداران آن را مجبور کرده است که همکاری امنیتی خود با جمهوری اسلامی را گسترش داده و فشارها بر احزاب کرد ایران مستقر در اقلیم را افزایش دهند. البته تنها دولت عراق نیست که فروش غیرقانونی نفت اقلیم کردستان به جمهوری اسلامی و ترکیه را نادیده می‌گیرد. تحریم‌های اقتصادی جمهوری اسلامی از سوی آمریکا و معاهدات اوپک (اتحادیه کشورهای تولیدکننده نفت) نیز با این تجارت نقض می‌شوند ولی با اینهمه هیچ‌گونه واکنشی تا کنون از سوی آنها مشاهده نشده است.

بغداد به امضاء رسید. بر اساس این توافقنامه امنیتی دولت عراق و دولت اقلیم کردستان متعهد شده بودند مقرر احزاب کرد را تغییر داده و آنها را خلع سلاح کنند. این توافقنامه پس از چندین حمله موشکی سپاه پاسداران به پایگاه‌های احزاب کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق به امضاء رسید. مهم‌ترین این حملات، در سال ۱۳۹۷ و موشک‌باران مقرر «حزب دمکرات کردستان ایران» در منطقه کوی سنجق بود که به کشته شدن ۱۵ نفر از کادرهای این حزب انجامید. اقلیم کردستان عراق پس از سال‌ها پذیرفته است که به خواست جمهوری اسلامی مبنی بر فشار سخت بر احزاب کرد ایرانی تن در دهد. دلیل این تغییر سیاست اقلیم کردستان عراق تنها به دلیل نزدیکی تاریخی «حزب میهنی کردستان» و بنیانگذار آن جلال طالبانی با ایران نیست. امروز حزب حاکم در اقلیم کردستان عراق که حزب خانواده بارزانی به حساب می‌آید نیز برای بقای دولت این اقلیم مجبور است در مقابل جمهوری اسلامی سر خم کند. بر مبنای رای یک دادگاه بین‌المللی بررسی اختلافات در مارس ۲۰۲۳ میلادی، دولت اقلیم کردستان دیگر نمی‌تواند به صورت قانونی اقدام به صادرات مستقیم نفتی که در این منطقه استخراج می‌شود بکند. دولت عراق توانست به این مرجع رفع اختلافات بقبولاند که فروش نفت اقلیم کردستان باید زیر نظر و از طریق کانال‌های دولت کشور عراق صورت گیرد.

پس از مارس سال ۲۰۲۳ میلادی روزانه صدها تانکر نفت از نزدیکی شهر اربیل، پایتخت منطقه اقلیم کردستان عراق حرکت کرده و با عبور از جاده‌های کوهستانی نفت استخراج شده در این منطقه را به ترکیه و ایران می‌رسانند. این تانکرها آشکارترین شاهد عملیات گسترده انتقال نفت اقلیم کردستان عراق به ایران و ترکیه، آنهم در چهارچوب مبادلات مبهم و غیررسمی هستند که از زمان پایان صادرات رسمی نفت از این اقلیم در سال گذشته آغاز شده است. روزانه، به گفته منبعی در اربیل، بیش از هزار تانکر نفت حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت را به ایران و ترکیه حمل می‌کنند که با تخفیفی تقریباً ۵۰ درصدی نسبت به بهای روز، به این دو کشور فروخته می‌شود و درآمدی حدود ۲۰۰

● «آسایش»، نهاد امنیتی اقلیم کردستان عراق بهزاد خسروی از اعضای «حزب دمکرات کردستان ایران» را که در سلیمانیه اقامت داشت، بازداشت و ده شهریور در منطقه مرزی به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحویل داده است.

● اقلیم کردستان عراق در روزهای گذشته تصمیم گرفت اردوگاه‌های سه حزب کرد ایرانی را که با نام «کومله» فعالیت دارند جایجا کند. محل استقرار جدید این احزاب به نقطه صفر مرزی نزدیک‌تر است اما وضعیت جغرافیایی آن به شکلی است که دسترسی به داخل ایران را دشوارتر می‌سازد.

● اواخر تیرماه ۱۴۰۳، قوه قضائیه جمهوری اسلامی فهرستی به دولت عراق فرستاد که ۱۲۰ نام را در بر می‌گیرد و خواهان استرداد همه آنها شد. برپایه توافقی که در اسفند سال ۱۴۰۱ بین تهران و بغداد به امضاء رسید، دولت عراق و اقلیم کردستان متعهد شدند مقرر احزاب کرد را تغییر داده و آنها را خلع سلاح کنند.

● همکاری جمهوری اسلامی با دولت اقلیم کردستان عراق برای صدور غیرقانونی نفت، دولت اربیل را مجبور ساخته است که با نهادهای امنیتی ایران همکاری نزدیک داشته باشد. روزانه حدود صد هزار بشکه نفت خام از گذرگاه مرزی «حاج عمران» با تانکر از اقلیم کردستان به ایران فرستاده می‌شود.

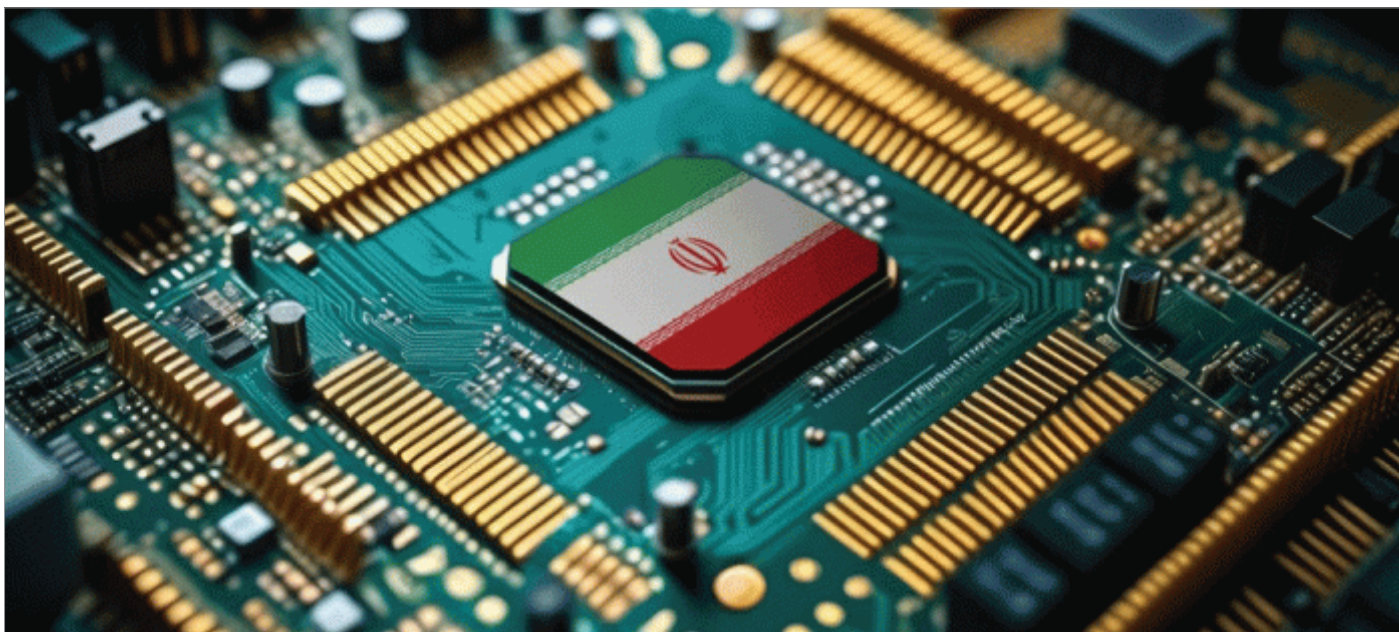
احمد رأفت - نهاد امنیتی «آسایش» در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان عراق که به «اتحادیه میهنی» حزب خانواده طالبانی وابستگی دارد، بهزاد خسروی از اعضای «حزب دمکرات کردستان ایران» را که در این شهر اقامت داشت، بازداشت کرد و ده شهریور در منطقه مرزی به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحویل داد.

این نهاد امنیتی اقلیم کردستان عراق مدعی است که بهزاد خسروی که دارای معلولیت نیز هست، به دلیل «نداشتن اقامت» بازداشت شده بود در حالی که این فرد دارای اقامت رسمی بوده و در کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در اقلیم کردستان عراق پرونده پناهجویی سیاسی برای او تشکیل داده بودند. «آسایش» سلیمانیه همچنین ده روز به خواهر و مادر بهزاد خسروی مهلت داده تا این شهر را ترک کنند.

این اولین بار نیست که نهادهای امنیتی اقلیم کردستان پناهجویان ایرانی را به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحویل می‌دهد. در فروردین ۱۳۹۹ نیز مصطفی سلیمی از سوی نهاد امنیتی تحت نظر «اتحادیه میهنی» در پنجوین بازداشت و به ایران تحویل داده شد. مصطفی سلیمی چند روز پس از تحویل به جمهوری اسلامی، اعدام شد. اواخر تیرماه ۱۴۰۳ قوه قضائیه فهرستی را برای دولت مرکزی عراق فرستاد که ۱۲۰ نام را در بر می‌گیرد و خواهان استرداد همه آنها شده است.

اقلیم کردستان عراق در روزهای گذشته همچنین تصمیم گرفت اردوگاه‌های سه حزب کرد ایرانی را که با نام «کومله» فعالیت دارند جایجا کند. اردوگاه‌های جدیدی که برای این سه سازمان در نظر گرفته شده در منطقه سوردش است. محل استقرار جدید این احزاب اگرچه به نقطه صفر مرزی نزدیک‌تر از اردوگاه‌های قبلی است اما وضعیت جغرافیایی آن به شکلی است که دسترسی به داخل ایران را دشوارتر می‌سازد. عبدالله مهتدی دبیرکل «حزب کومله کردستان ایران» معتقد است که این تصمیم اقلیم کردستان عراق بر پایه توافقی است که در اسفند سال ۱۴۰۱ بین تهران و

آیا هوش مصنوعی می‌تواند موجب سرنگونی جمهوری اسلامی شود؟



اما قرار گرفتن این مرکز تحت نهاد ریاست جمهوری، بازتاب اولویت‌ها و یا شاید عدم اولویت‌بندی آن باشد. مشخص نیست که علی‌خامنه‌ای تا چه اندازه درگیر این موضوع بوده اما بر عکس نظارت بر هوش مصنوعی، نظارت و اختیارات شورای عالی فضای مجازی قویا تحت نظر خامنه‌ای قرار دارد.

شاید خامنه‌ای اهمیت هوش مصنوعی را کاملاً درک نکرده باشد و آموزش فناوری‌های جدید به آیت‌الله سالخورده می‌تواند سخت باشد. با این حال، با در پیش بودن موضوع جانشینی وی، کاملاً قابل تصور است که مرکز هوش مصنوعی نیز تحت مدیریت رهبر جدید قرار بگیرد.

همچنین این احتمال وجود دارد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سعی کند تا سهم بازار هوش مصنوعی و تنظیم آن را با هرگونه ظرفیت کارکردی از آن خود کند. در این مورد باید به سپاه پاسداران حق داد که دچار وحشت شود.

بعد از جهش‌های فناوری بود که نظام پیشین و پسین از انقلاب ۵۷ توانستند در کوتاه‌مدت به موفقیت‌های فناوری دست پیدا کنند و با از دست رفتن کنترل فناوری بود که مخالفان امکان استفاده‌ی گسترده از آن را به دست آوردند. با در نظر گرفتن اینکه قدرت و ثبات ایرانیان در داخل درست همچون توفانی پی در پی به زودی مورد آزمایش قرار خواهد گرفت، الگوی بالا به احتمال زیاد در رابطه با هوش مصنوعی نیز صدق خواهد کرد.

هوش مصنوعی در حال حاضر احتمالا از مسائل حاشیه‌ای در نزد حکومت جمهوری اسلامی باشد اما می‌توان تصور کرد که این حکومت به سرعت به اولین قربانی انقلاب هوش مصنوعی تبدیل شود.

*منبع: میدل‌ایست فوروم

*نویسنده: مایکل روبین

*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

اینترنت است با اینهمه پس از اسرائیل دومین کشور در خاورمیانه بوده که از آن استقبال کرده است.

رژیم ایران در حال حاضر نیز سعی دارد با سیاست‌گذاری و ایجاد نهادهای نظارتی نفوذ هوش مصنوعی در کشور را مدیریت کند. در حالی که این روند در زمان ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی آغاز شده بود، جانشین موقت او محمد مخبر دزفولی درست پیش از انتخاب مسعود پزشکیان، سازمان ملی هوش مصنوعی جدید را افتتاح کرد. در چنین شرایطی مشخص نیست که آیا عناصر محافظه‌کار سنتی‌تر در سلسله مراتب حکومت در ایران درک درست و کاملی از فرصت‌ها و تهدیداتی که هوش مصنوعی فراهم می‌سازد دارند یا نه.

هجده ماه پیش یک نظریه‌پرداز شیعه در عراق به من گفت که فکر نمی‌کند هوش مصنوعی دست‌کم به لحاظ مذهبی مشکلی ایجاد کند زیرا شیعیان عادی از فناوری و فراگیری آن برای ارتقای زندگی خود استقبال می‌کنند.

در حالی که او در مورد تأثیر بالقوه آن بر اهل سنت نظر متفاوتی داشت، نظر او می‌تواند ناشی از نگرانی از انزوای اجتماعی باشد. محال است که بتوان میان مذهب و فناوری دیواری آتشین بنا و آن را حفظ کرد.

با این حال، روحانیون ایران معتقدند که هم می‌توانند هوش مصنوعی را کنترل کنند و هم از آن به نفع خود استفاده نمایند. به عنوان مثال، در ژوئن ۲۰۲۴ (خرداد ۱۴۰۳)، دبیر بخش فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه از نامزدهای ریاست جمهوری اسلامی خواست تا از این فناوری برای افزایش مشارکت رای‌دهندگان استفاده کنند.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز بطور گسترده از هوش مصنوعی برای تسهیل سرکوب و کاهش اعتراضات، پردازش سریع‌تر و کارآمدتر فیلم دوربین‌های مداربسته و سایر اطلاعات استفاده می‌کنند.

● رژیم ایران در حال حاضر نیز سعی دارد با سیاست‌گذاری و ایجاد نهادهای نظارتی نفوذ هوش مصنوعی در کشور را مدیریت کند. در حالی که این روند در زمان ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی آغاز شده بود، جانشین موقت او محمد مخبر دزفولی درست پیش از انتخاب مسعود پزشکیان، سازمان ملی هوش مصنوعی جدید را افتتاح کرد.

● در چنین شرایطی مشخص نیست که آیا عناصر محافظه‌کار و سنتی‌تر در سلسله مراتب حکومت در ایران درک درست و کاملی از فرصت‌ها و تهدیداتی که هوش مصنوعی فراهم می‌سازد دارند یا نه.

● این احتمال وجود دارد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سعی کند تا سهم بازار هوش مصنوعی و تنظیم آن را با هرگونه ظرفیت کارکردی از آن خود کند. در این مورد باید به سپاه پاسداران حق داد که دچار وحشت شود.

● هوش مصنوعی در حال حاضر احتمالا از مسائل حاشیه‌ای در نزد حکومت جمهوری اسلامی باشد اما می‌توان تصور کرد که این حکومت به سرعت به اولین قربانی انقلاب هوش مصنوعی تبدیل شود.

مایکل روبین (میدل‌ایست فوروم) - هوش مصنوعی (AI) یک جهش تکنولوژیک است. در حالی که بسیاری از کشورهای خاورمیانه به دلیل نگاه سنتی در پذیرش فناوری جدید که برخاسته از هراس آنها از ایجاد مشکلات احتمالی و بسترستی که آمادگی هرگونه سوء استفاده را دارد، به کندی عمل می‌کنند، ایران از قرن نوزدهم به دنبال این بوده که در امر فناوری پیشرو باشد.

به عنوان مثال، ایران جزو اولین کشورهای جهان بود که تلگراف را پذیرفت و بعدها رادیو و تلویزیون را قبل از همسایگانش افتتاح کرد. جمهوری اسلامی نیز عملکرد متفاوتی نداشته ولی عمدتاً به دنبال بومی‌سازی و کنترل

تحریم «ایران ایر» به دلیل ارسال موشک به روسیه؛ قراردادهای دوجانبه خدمات هوایی اروپا با ایران لغو شد



هواپیمایی «ایران ایر»

کشتی در ایران و روسیه را تحریم کرد. در بیانیه‌ی وزارت خارجه ایالات متحده آمده «ایران ایر عنصر کلیدی از شبکه گسترش غیرقانونی حکومت ایران است که امکان دستیابی ایران به مواد حساس و با کاربرد دوجانبه با منشاء غربی را برای استفاده در توسعه پهپادها فراهم می‌کند که برخی از آنها برای استفاده در اوکراین در اختیار روسیه قرار می‌گیرد.»

شمس‌الدین فرزادی پور مدیرعامل ایران ایر در واکنش به احتمال تحریم این شرکت گفته بود موضوع اعمال تحریم‌های جدید خبرسازی در فضای مجازی است و درباره این موضوع به صورت رسمی هیچ اعلامی را دریافت نکرده و هیچ محدودیتی هم از سوی فرودگاه‌های خارجی به ایران ایر اعلام نشده است.

تحریم‌های بریتانیا علیه عوامل جمهوری اسلامی

همزمان وزارت خارجه بریتانیا نیز در بیانیه‌ای هفت فرد و نهاد مرتبط با توسعه موشک‌های بالستیک و انتقال آنها به روسیه را تحریم کرد.

بر اساس این بیانیه، حمزه قلندری معاون بین‌الملل وزارت دفاع، علی جعفرآبادی فرمانده فضایی نیروی هوا فضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سید مجید موسوی جانشین فرمانده نیروی هوافضای سپاه به فهرست تحریم‌ها اضافه شده‌اند.

همچنین سازمان منطقه آزاد انزلی، شرکت بهارستان کیش، «سعد سازه فراز شریف» و «چکاد صنعت فراز» هم در فهرست تحریم‌های انگلیس قرار گرفته‌اند.

طبق اعلام وزارت امور خارجه انگلیس، دارایی‌های افراد و نهادهای تحریم شده در این کشور مسدود و شرکت‌ها و شهروندان بریتانیایی از مراده مالی با آنان ممنوع می‌شوند. همچنین اشخاص حقیقی تحریم شده حق سفر به انگلیس را نداشته و ورود آنها به این کشور و یا عبور آنها از انگلیس ممنوع است.

در این بیانیه تأکید شده است که ارسال موشک به روسیه حمایت از جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین است و موشک‌های ایران به خاک اروپا می‌رسند و رنج مردم اوکراین را افزایش می‌دهند.

سه قدرت اروپایی تأکید کردند که «این اقدام از سوی [رژیم] ایران و روسیه تشدید بیشتر تنش‌ها و تهدیدی مستقیم علیه امنیت اروپاست.»

فرانسه، آلمان و بریتانیا اعلام کردند که به صورت عمومی و همچنین خصوصی به گوش تهران رسانده‌اند که در واکنش به این اقدام، مجازات قابل توجهی را علیه جمهوری اسلامی به اجرا خواهند گذاشت.

طبق این بیانیه یکی از اقدامات «لغو قراردادهای دوجانبه خدمات هوایی با ایران» است. علاوه بر این، شماری از عوامل جمهوری اسلامی مرتبط با برنامه‌های موشکی بالستیک ایران و عواملی که در انتقال موشک‌های بالستیک و سایر تسلیحات به روسیه دخالت داشتند نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده است که تروئیکای اروپایی (E3 آلمان و فرانسه و بریتانیا) از نزدیک بر اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی توسط شرکت‌ها و سایر دولت‌های اروپایی نظارت خواهد کرد. آنها از ایران خواست‌اند فوری تمام حمایت‌های خود از جنگ روسیه علیه اوکراین و توسعه و انتقال موشک‌های بالستیک را متوقف کند.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که به بریتانیا سفر کرده، سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه بریتانیا تأیید کرد که جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است. وی در همین کنفرانس اعلام کرد که تحریم‌های جدیدی علیه [رژیم] ایران اعمال خواهد شد که یکی از آنها تحریم شرکت هواپیمایی ایران ایر است.

ساعاتی پس از این کنفرانس، آمریکا ۱۰ فرد، ۶ نهاد و چهار

● پس از آمریکا دولت‌های فرانسه، آلمان و بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک اقدام جمهوری اسلامی برای ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را شدیداً محکوم کردند و شرکت «ایران ایر» را در فهرست تحریم‌های خود قرار دادند.

● سه قدرت اروپایی اعلام کردند که به صورت عمومی و همچنین خصوصی به گوش تهران رسانده‌اند که در واکنش به این اقدام، مجازات قابل توجهی را علیه جمهوری اسلامی به اجرا خواهند گذاشت.

● آمریکا ۱۰ فرد، ۶ نهاد و چهار کشتی در ایران و روسیه را تحریم کرد. در بیانیه وزارت خارجه ایالات متحده آمده «ایران ایر عنصر کلیدی از شبکه گسترش غیرقانونی حکومت ایران است که امکان دستیابی ایران به مواد حساس و با کاربرد دوجانبه با منشاء غربی را برای استفاده در توسعه پهپادها فراهم می‌کند که برخی از آنها برای استفاده در اوکراین در اختیار روسیه قرار می‌گیرد.»

● همزمان وزارت خارجه بریتانیا نیز در بیانیه‌ای هفت فرد و نهاد مرتبط با توسعه موشک‌های بالستیک و انتقال آنها به روسیه را تحریم کرد. طبق این تحریم‌ها حمزه قلندری معاون بین‌الملل وزارت دفاع، علی جعفرآبادی فرمانده فضایی نیروی هوا فضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سید مجید موسوی جانشین فرمانده نیروی هوافضای سپاه به فهرست تحریم‌ها اضافه شده‌اند.

● همچنین سازمان منطقه آزاد انزلی، شرکت بهارستان کیش، «سعد سازه فراز شریف» و «چکاد صنعت فراز» هم در فهرست تحریم‌های انگلیس قرار گرفته‌اند.

پس از آمریکا دولت‌های فرانسه، آلمان و بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) نیز در بیانیه‌ای مشترک اقدام جمهوری اسلامی برای ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را شدیداً محکوم کردند و شرکت «ایران ایر» را در فهرست تحریم‌های خود قرار دادند.

نشست ویژه رؤسای «CIA» و «MI6»: هشدار در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی و فشار به اسرائیل برای پذیرش «راه حل دو کشوری»



نشست رؤسای «MI6» و «CIA» با حضور رولا خلف، سردبیر فایننشال تایمز

«شرایط جهنمی» در غزه نگهداری می‌شوند و رنج ساکنان غزه که تبدیل به یک بحران انسانی شده است، در بخشی از این کنفرانس گفت که موضوعات زیادی برای فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و همچنین از نظر استراتژیک در منطقه در خطر است. اما مهمتر از همه، آنچه در خطر است «جنبه‌ی انسانی» است.

برنز همچنین عنوان کرد طی روزهای آتی یک پیشنهاد جدید برای توافق آتش‌بس در غزه ارائه خواهد شد که امیدوار است رهبران اسرائیل و حماس با درک شرایط خطرناک منطقه آن را بپذیرند.

رئیس دستگاه اطلاعاتی آمریکا همچنین تأکید کرد که «راه حل دو کشوری» برای تأمین صلح پایدار مهم است، زیرا «نوعی امید برای فرداست که نه فقط برای غزه، بلکه برای همه فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها ضروری است، این یک هدف دست‌یافتنی است... اما تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است: به من نشان دهند چه جایگزین بهتری از این وجود دارد؟»

برخی تحلیلگران معتقدند صحبت‌های برنز در واقع تحت فشار قرار دادن بنیامین نتانیاهو برای کنار آمدن اسرائیل با ادامه بقای حماس در غزه است.

ریچارد مور رئیس سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا عنوان کرد حکومت ایران هنوز سرگرم برنامه‌ریزی برای حمله به اسرائیل در پاسخ به کشته‌شدن اسماعیل هنیه است. وی تأکید کرد، جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد به اسرائیل حمله کند و بریتانیا نیز می‌توان نسبت به تهدیدات حکومت ایران در این راستا بی‌توجه باشد.

ریچارد مور و بیل برنز همچنین تأکید کردند با همکاری میانجیگران مصری و قطری «بطور خستگی‌ناپذیر برای دستیابی به آتش‌بس و توافق در مورد گروگان‌ها و پایان دادن به رنج و تلفات جانی وحشتناک غیرنظامیان فلسطینی» تلاش می‌کنند.

تورریسم اسلامی، تأکید کردند که دستگاه‌های اطلاعاتی دو کشور باید با اتکاء بر فناوری‌های جدید، همکاری تنگاتنگ و دوستانه‌ی خود را ادامه دهند.

این دو مقام امنیتی در یک گفتگوی ویژه به میزبانی «فایننشال تایمز» نیز شرکت کردند. به نوشته این روزنامه، این اولین بار است که رئیس «MI6» و «CIA» در تاریخ ۷۷ سال همکاری مشترک اطلاعاتی آژانس‌هایشان در یک رویداد عمومی با هم ظاهر می‌شوند. این همچنین نشان‌دهنده آخرین اقدام آژانس‌های جاسوسی ایالات متحده و بریتانیا برای بیرون آمدن از سایه است تا به کشورهایی که به آنها خدمت می‌کنند در مورد خطرات فزاینده‌ای که جهان با آن مواجه است هشدار دهند.

آنها تأکید کردند، «ما هیچ همکار و متحدی قابل اعتمادتر از یکدیگر نداریم، این همکاری میان دوکشور در برهه حساس کنونی بسیار ضروری است زیرا ما با تهدیدات بی‌سابقه‌ای به ویژه از جانب روسیه و چین و همچنین در خاورمیانه مواجهیم.»

یکی از موضوعات مورد توجه آنها، درگیری در خاورمیانه بود. برنز رئیس سرویس اطلاعاتی آمریکا که در مذاکرات برای دستیابی به آتش‌بس در غزه شرکت داشت، در پاسخ به این پرسش که آیا قرار است توافقی برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی در غزه انجام شود، گفت: «می‌بایست پرسید آیا رهبران هر دو طرف به اندازه کافی برای توافق آماده هستند یا نه؟ زمان آن فرا رسیده است که برخی از آنها برای سازش تصمیمات سخت گرفته و ملاحظات سیاسی داشته باشند.»

برنز بدون اشاره به اینکه مذاکرات موفقیت‌آمیز بود یا نه گفت: «من نمی‌توانم بگویم که در حال حاضر چقدر بهم نزدیک هستیم... احتمال توافق بین اسرائیل و حماس در آنجا ۹۰ درصد بود اما ۱۰ درصد آخر همیشه سخت‌ترین بخش خواهد بود.»

رئیس سی‌آی‌ای در ادامه با اشاره به گروگان‌هایی که در

● ریچارد مور رئیس سازمان مخفی بریتانیا «MI6» و ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) روز شنبه هفتم سپتامبر (۱۷ شهریورماه) در یک یادداشت مشترک که در روزنامه «فایننشال تایمز» منتشر شد، هشدار داده‌اند احتمال حمله تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی علیه اسرائیل همچنان پابرجاست.

● این دو مقام امنیتی در یک گفتگوی ویژه به میزبانی «فایننشال تایمز» نیز شرکت کردند. به نوشته این روزنامه، این اولین بار است که رئیس «MI6» و «CIA» در تاریخ ۷۷ سال همکاری مشترک اطلاعاتی آژانس‌هایشان در یک رویداد عمومی با هم ظاهر می‌شوند.

● ریچارد مور رئیس سازمان مخفی بریتانیا «MI6» هشدار داد، حکومت ایران همچنان سرگرم برنامه‌ریزی برای حمله به اسرائیل است.

● برنز رئیس سرویس اطلاعاتی آمریکا در مورد روند مذاکرات برای آتش‌بس در غزه توضیح داد: «می‌بایست پرسید آیا رهبران هر دو طرف به اندازه کافی برای توافق آماده هستند یا نه؟ زمان آن فرا رسیده است که برخی از آنها برای سازش، تصمیمات سخت و ملاحظات سیاسی داشته باشند.»

ریچارد مور رئیس سازمان مخفی بریتانیا «MI6» و ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) روز شنبه هفتم سپتامبر (۱۷ شهریورماه) در یک یادداشت مشترک که در روزنامه «فایننشال تایمز» منتشر شد، هشدار داده‌اند احتمال حمله تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی علیه اسرائیل همچنان پابرجاست.

این دو مقام ارشد اطلاعاتی با اشاره به تهدیدات روسیه از جمله جنگ علیه اوکراین عنوان کردند، «نظم جهان آنچنان در معرض تهدید است که از زمان جنگ سرد تا کنون چنین چیزی را شاهد نبودیم.»

آنها با اشاره به تهدیدات اصلی یعنی روسیه و چین و

آنتونی بلینکن ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را تأیید کرد؛ «ایران ایر» تحریم می‌شود



نشست خبری وزرای خارجه بریتانیا و آمریکا در لندن / ۱۰
سپتامبر ۲۰۲۴

● وزیر خارجه آمریکا که به بریتانیا سفر کرده است سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه بریتانیا تأیید کرد که جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است.

● بلینکن در بخشی از این کنفرانس گفت: «ما کاملاً صریح به تهران هشدار داده‌ایم، به تهران بطور خصوصی هم هشدار داده‌ایم که این قبیل اقدامات باعث افزایش تنش می‌شود و خطرناک خواهد بود... روسیه اکنون محموله‌هایی از این موشک‌ها را دریافت کرده و تا چند هفته دیگر از آن استفاده خواهد کرد».

● بلینکن تأکید کرد، «این موشک‌ها به روسیه امکان می‌دهد تا از زرادخانه خود برای اهدافی که دورتر از خط مقدم هستند استفاده کند.» وی قول داد که ایالات متحده تحریم‌های بیشتری از جمله تحریم شرکت «ایران ایر» و چند نهاد دیگر علیه جمهوری اسلامی را به اجرا بگذارد.

● در واکنش به احتمال تحریم «ایران ایر»، شمس‌الدین فرزادی‌پور مدیرعامل این شرکت هواپیمایی به خبرنگاری ایلنا گفت: «خبر تحریم ایران‌ایر ادعاهای واهی و در حد یک خبر در فضای مجازی است و تا به این لحظه هیچ موضوعی به صورت رسمی به شرکت هواپیمایی ایران‌ایر اعلام نشده است».

کشور در حملات موشکی و پهپادی روس‌ها کشته شدند.

دو منبع اطلاعاتی اروپایی نهم اوت (۱۹ مرداد) به رویترز گفته بودند که ده‌ها پرسنل نظامی روسیه برای استفاده از سیستم پدافندی موشک‌های «فاتح-۳۶۰» در ایران آموزش می‌بینند. این منابع پیش‌بینی کرده بودند حکومت ایران صدها فروند موشک هدایت‌شونده ماهواره‌ای برای جنگ علیه اوکراین به روسیه تحویل دهد.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا گفته بود که این کشور و متحدانش در ناتو و شرکای «گروه هفت» در صورتی که رژیم ایران بخواهد دست به چنین نقل و انتقالاتی بزند، آماده پاسخگویی سریع و قدرتمندانه هستند چرا که این امر به معنی شدت بخشیدن حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین به طریقی فوق‌العاده خواهد بود».

کشورهای عضو «گروه هفت» در اسفندماه ۱۴۰۲ طی یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال



موشک «فاتح ۱۱۰» که منابع نظامی جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند موشک کوتاه‌برد نقطه‌زن است

موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد. یکی از گزینه‌های آنها ممنوع کردن پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

با اینکه دولت‌های غربی به تلافی ارسال تسلیحات از ایران به روسیه از جمله تحویل پهپادهای انتحاری و انواع موشک و خمپاره، بارها فهرست‌های طولانی از تحریم‌های مختلف علیه مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند اما حکومت ایران همچنان به پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین ادامه داده است.

در همین ارتباط، به تازگی احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد!

در این مصاحبه که ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۳ منتشر شد بخشایشی اردستانی عنوان کرد: «ایران در راستای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود به روسیه پهپاد و موشک صادر می‌کند. در مقابل روس‌ها با ایران همکاری می‌کنند تا تحریم‌ها را دور بزنیم ما خیلی از اجناسمان را به ایران از روسیه وارد می‌کنیم».

اتحادیه اروپا: «اطلاعات معتبری» درباره تحویل موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه در اختیار داریم

● اتحادیه اروپا روز دوشنبه نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه) اعلام کرد که از متحدانش «اطلاعات معتبری» مبنی بر تأمین موشک‌های بالستیک روسیه توسط جمهوری اسلامی دریافت کرده است.

● پیتراستانو سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این ارتباط گفت، «ما از اطلاعات موثق ارائه شده توسط متحدان خود در مورد تحویل موشک‌های بالستیک ایران به روسیه مطلع هستیم».

● پیتراستانو اضافه کرد: «موضع مشترک سران اتحادیه اروپا همیشه روشن بوده است. اتحادیه اروپا در همکاری با شرکای بین‌المللی و با سرعت به [رژیم] ایران پاسخ خواهد داد و این پاسخ شامل اقدامات تحریمی جدید و قابل توجه خواهد بود».

اتحادیه اروپا روز دوشنبه نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه) اعلام کرد که از متحدانش «اطلاعات معتبری» مبنی بر تأمین موشک‌های بالستیک روسیه توسط جمهوری اسلامی دریافت کرده است.

پیتراستانو سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این ارتباط گفت، «ما از اطلاعات موثق ارائه شده توسط متحدان خود در مورد تحویل موشک‌های بالستیک ایران به روسیه مطلع هستیم».

وی عنوان کرد، در صورت تأیید این اطلاعات، تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی وضع خواهد شد.

این مقام اروپایی همچنین عنوان کرد: «تحویل این محموله به معنای تشدید حمایت چشمگیر [رژیم] ایران از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین است».

پیتراستانو اضافه کرد: «موضع مشترک سران اتحادیه اروپا همیشه روشن بوده است. اتحادیه اروپا در همکاری با شرکای بین‌المللی با سرعت به [رژیم] ایران پاسخ خواهد داد و این پاسخ شامل اقدامات تحریمی جدید و قابل توجه خواهد بود».

مقامات جمهوری اسلامی و مقامات روسیه بطور مشترک ارسال موشک و سایر تسلیحات از ایران به روسیه را تکذیب می‌کنند.

روزنامه «وال استریت ژورنال» ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد، که جمهوری اسلامی موشک‌های کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که روس‌ها حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را افزایش داده و در روزهای اخیر ده‌ها نفر از شهروندان این

گروسی تأکید کرد که «آژانس باید مکان‌های فعلی مواد هسته‌ای و یا تجهیزات آلوده مربوطه را بداند.» اشاره وی به تجهیزات و مواد آلوده‌ای هستند که از سایت‌های اعلام نشده خارج و به مکان نامعلوم منتقل شده‌اند و به اصطلاح پاکسازی شده‌اند اما بازرسان آژانس آثار آن ذرات را کشف کردند. یکی از این انبارها در تورقوزآباد قرار داشت که محمدجواد ظریف و عباس عراقچی ادعا می‌کردند قالیشویی بوده است. این مکان پس از آن لو رفت که عوامل موساد آرشیو اتمی جمهوری اسلامی را سرقت کردند.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود این مسائل باید حل شود تا آژانس بتواند تضمین دهد که برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز است.

گروسی در بخش دیگری از سخنان خود اشاره کرد که در ۱۵ ماه گذشته هیچ پیشرفتی در راستای اجرای بیانیه مشترک چهارم مارس ۲۰۲۳ صورت نگرفته است. طبق آن بیانیه اعضای شورای حکام به جمهوری اسلامی در مورد عدم همکاری با آژانس هشدار داده بودند.

اواخر شهریور ۱۴۰۲، گروسی اعلام کرده بود که جمهوری

عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس؛ رافائل گروسی: به کارشناسان غنی‌سازی اجازه ورود نی‌دهند!

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دوشنبه نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه)، در نخستین روز از نشست فصلی شورای حکام هشدار داد که به دلیل عدم همکاری جمهوری اسلامی، بازرسان آژانس از میزان تولید سانتریفیوژها و تعداد آنها، تعداد روتورها، میزان آب سنگین و میزان کنسانتره سنگ اورانیوم در تأسیسات اتمی ایران آگاهی ندارد.

● گروسی همچنین توضیح داد، «ذخایر اورانیوم ایران با غلظت ۲۰ درصد و ۶۰ درصد همچنان در حال افزایش است و تعداد آبشارهایی که برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم مورد استفاده قرار می‌گیرد افزایش یافته است.»

● وی تأکید کرد، «در حل مسائل پادمانی (NPT) نیز هیچ پیشرفتی حاصل نشده و ایران همچنان از حضور کارشناسان غنی‌سازی اورانیوم در تیم بازرسی آژانس ممانعت می‌کند و هنوز پاسخ نداده که علت وجود ذرات اورانیوم غیرمجاز با منشاء انسانی در تأسیسات اعلام نشده اتمی چه بوده است.»

● مدیرکل آژانس همچنین به خبرنگاران گفت که امیدوار است تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با مسعود پزشکیان دیدار کند اما برنامه‌ای برای ملاقات با او در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل ندارد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دوشنبه نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه)، در نخستین روز از نشست فصلی شورای حکام هشدار داد که به دلیل عدم همکاری جمهوری اسلامی، بازرسان آژانس از میزان تولید سانتریفیوژها و تعداد آنها، تعداد روتورها، میزان آب سنگین و میزان کنسانتره سنگ اورانیوم در تأسیسات اتمی ایران آگاهی ندارد.

گروسی همچنین توضیح داد، «ذخایر اورانیوم ایران با غلظت ۲۰ درصد و ۶۰ درصد همچنان در حال افزایش است و تعداد آبشارهایی که برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز افزایش یافته است.»

وی تأکید کرد، «در حل مسائل پادمانی (NPT) نیز هیچ پیشرفتی حاصل نشده و ایران همچنان از حضور کارشناسان غنی‌سازی اورانیوم در تیم بازرسی آژانس ممانعت می‌کند و هنوز پاسخ نداده که علت وجود ذرات اورانیوم غیرمجاز با منشاء انسانی در تأسیسات اعلام نشده اتمی چه بوده است.»

مسائل پادمانی مرتبط با فعالیت‌های احتمالی نظامی هسته‌ای جمهوری اسلامی است هرچند که مقامات جمهوری اسلامی با استناد به فتوای علی‌خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت و استفاده از سلاح اتمی مدعی‌اند که برنامه‌های اتمی آنها صلح‌آمیز است.

➔ وزیر خارجه آمریکا که به بریتانیا سفر کرده است سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه بریتانیا تأیید کرد که جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است. آنتونی بلینکن اشاره کرد که تحریم‌های جدید به دلیل شدت گرفتن دخالت‌های حکومت ایران در جنگ روسیه علیه اوکراین اعمال خواهد شد.

وزیر خارجه آمریکا در بخشی از این کنفرانس گفت: «ما کاملاً صریح به تهران هشدار داده‌ایم، به تهران بطور خصوصی هم هشدار داده‌ایم که این قبیل اقدامات باعث افزایش تنش می‌شود و خطرناک خواهد بود... روسیه اکنون محموله‌هایی از این موشک‌ها را دریافت کرده و تا چند هفته دیگر از آن استفاده خواهد کرد.»

بلینکن تأکید کرد، «این موشک‌ها به روسیه امکان می‌دهد تا از زرادخانه خود برای اهدافی که دورتر از خط مقدم هستند استفاده کند.» وی قول داد که ایالات متحده تحریم‌های بیشتری از جمله تحریم شرکت «ایران ایر» و چند نهاد دیگر علیه جمهوری اسلامی را به اجرا بگذارد.

وی افزود: «ما انتظار داریم که متحدان و شرکا نیز اقدامات جدید خود را در مورد [رژیم] ایران اعلام کنند.»

او ضمن اشاره به ادعای مسعود پزشکیان که خواستار بهبود رابطه با اروپا شده است، افزود: «این اقدامات دقیقاً نقطه مقابل آن ادعاهاست.»

وزیر خارجه آمریکا در این کنفرانس خبری تأکید کرد، یکی از دلایلی که پوتین می‌تواند به تجاوز خود علیه اوکراین ادامه دهد، حمایت‌های چین از صنایع نظامی روسیه است که به عنوان سوخت برای ماشین جنگی روسیه عمل می‌کند. دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا نیز با نكوهش اقدام حکومت ایران در ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه، آن را به شدت خطرناک توصیف کرد و گفت که این کار به تنش‌ها دامن خواهد زد.

طرفین بر ضرورت همکاری مشترک برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی و شرکای منطقه‌ای آن تأکید کردند.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در شرایطی ارسال موشک‌های جمهوری اسلامی به روسیه را تأیید کرد که جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید یک روز پیش از آن گفته بود که ایالات متحده نمی‌تواند گزارش‌ها مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را تأیید کند.

اتحادیه اروپا نهم سپتامبر (۱۹ شهریورماه) اعلام کرده بود که از متحدانش «اطلاعات موثق» مبنی بر تأمین موشک‌های بالستیک روسیه توسط جمهوری اسلامی دریافت کرده است. رئیس دفتر رئیس جمهوری اوکراین از تحریم «ایران ایر» استقبال کرده است هرچند که این شرکت هوایی‌پیمایی پروازهای زیادی به اروپا ندارد.

در واکنش به احتمال تحریم «ایران ایر»، شمس‌الدین فرزادی‌پور مدیرعامل این شرکت هوایی‌پیمایی به خبرنگاری ایلنا گفت: «خبر تحریم ایران‌ایر ادعاهای واهی و در حد یک خبر در فضای مجازی است و تا به این لحظه هیچ موضوعی به صورت رسمی به شرکت هوایی‌پیمایی ایران‌ایر اعلام نشده است.»

وی با بیان اینکه موضوع اعمال تحریم‌های جدید به احتمال زیاد فضای رسانه‌ای است، عنوان کرد: «درباره این موضوع به صورت رسمی هیچ اعلامی را دریافت نکرده‌ایم و هیچ محدودیتی از سوی فرودگاه‌های خارجی به ایران ایر اعلام نشده است.»

هرچند مدیرعامل «هما» تحریم این شرکت را ادعای واهی در فضای مجازی دانسته است اما برخی منابع داخلی نیز به نقل بلینکن گزارش دادند که «ایران ایر» تحریم می‌شود.



رافال گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

اسلامی حدود یک سوم از باتجربه‌ترین بازرسان را از ورود به سایت‌های اتمی ایران منع کرده است. بازرسانی که به آنها مجوز داده نشد متخصصان غنی‌سازی اورانیوم هستند. گروسی همچنین به خبرنگاران گفت که امیدوار است تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با مسعود پزشکیان دیدار کند اما برنامه‌ای برای ملاقات با او در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل ندارد.

در این میان، خبرنگاری رویترز در گزارشی بدون اشاره به چندین مورد از مهم‌ترین هشدارهای رافائل گروسی در مورد عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس، با امیدواری در ارتباط با پیروزی هریس در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ نوشت «دیپلمات‌های غربی می‌گویند در صورتی که کاملاً هریس دموکرات در انتخابات پیروز شود، برنامه‌هایی برای مذاکره درباره محدودیت‌های جدید وجود دارد!»

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پنجم ژوئن (۱۶ خردادماه)، قطعنامه علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را که پیش‌نویس آن توسط فرانسه، بریتانیا و آلمان ارائه شده بود با ۲۰ رأی موافق، دو رأی منفی و ۱۲ رأی ممتنع تصویب کرد.

در همین جلسه نمایندگان و سفرای آمریکا، بریتانیا و فرانسه اعلام کردند که اگر جمهوری اسلامی از همکاری با آژانس خودداری کند «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد.

یک مقام اطلاعاتی آمریکا: جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری در انتخابات آمریکا فعال تر از گذشته عمل می کند

تأثیرگذاری بر رقابت‌های انتخاباتی متمرکز است. به گفته همین مقام امنیتی، حکومت ایران نسبت به دوره‌های گذشته فعال‌تر شده است و تلاش‌های خود را برای تحت تأثیر قرار دادن رأی دهندگان تا انتخابات ریاست جمهوری و کنگره افزایش داده است.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه پنجشنبه پنجم سپتامبر (۱۵ شهریور) در حاشیه اجلاس «مجمع اقتصادی شرق» گفت، قصد دارد در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از کامالا هریس، نامزد حزب دموکرات پشتیبانی کند. وی در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه «راشا تودی» به کنایه عنوان کرد، «کامالا هریس در صورت پیروزی ممکن است از اعمال تحریم‌های جدید ضد روسیه خودداری کند... خندیدن هریس، دیگران را نیز به خنده می‌آورد، این خنده‌ها نشان می‌دهد اوضاعش خوب است.»

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در واکنش به این اظهارات گفت: «پوتین باید صحبت در مورد

«پرونده مارکو پولو»؛ بازداشت یک «زوج مرتبط با جمهوری اسلامی» در فرانسه مرتبط با عملیات تروریستی علیه یهودیان



بعد از حملات تروریستی «هفت اکتبر» و آغاز جنگ در غزه تهدید علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها در اروپا به شدت افزایش پیدا کرد



کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا

● با حکم دادگاهی در پاریس، پلیس فرانسه یک زوج را به اتهام همکاری در توطئه‌های جمهوری اسلامی برای کشتن اسرائیلی‌ها و یهودیان در آلمان و فرانسه بازداشت کرد.

● خبرگزاری فرانسه شنبه هفتم سپتامبر (۱۷ شهریور) گزارش داد «عبدالکریم س.» (۳۴ ساله) و همسر او «سابرینا ب.» (۳۳ ساله) ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳ به همکاری با یک سازمان تروریستی جنایتکار متهم شدند و در بازداشت موقت بسر می‌برند.

● اداره امنیت داخلی فرانسه (د.ژ.اس.ای) در گزارشی که به رؤیت خبرگزاری فرانسه رسیده این پرونده را نشان‌دهنده «احیای تروریسم تحت حمایت حکومت ایران در اروپا» دانسته است.

با حکم دادگاهی در پاریس، پلیس فرانسه یک زوج را به اتهام همکاری در توطئه‌های جمهوری اسلامی برای کشتن اسرائیلی‌ها و یهودیان در آلمان و فرانسه بازداشت کرد. بعد از حملات تروریستی «هفت اکتبر» و آغاز جنگ در غزه تهدید علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها در اروپا به شدت افزایش پیدا کرد

خبرگزاری فرانسه، شنبه هفتم سپتامبر (۱۷ شهریور) گزارش داد «عبدالکریم س.» (۳۴ ساله) و همسر او «سابرینا ب.» (۳۳ ساله) ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳ به همکاری با یک سازمان تروریستی جنایتکار متهم شدند و در بازداشت موقت بسر می‌برند.

انتخابات ما را متوقف کند. او نباید از کسی طرفداری کند... تنها افرادی که باید تعیین کنند رئیس جمهور بعدی آمریکا چه کسی هستند، مردم آمریکا هستند.»

کربی تأکید کرد: «ما قدردان می‌شویم که آقای پوتین اول صحبت در مورد انتخابات ما را متوقف کند و دوم از مداخله دست بردارد.»

وزارت دادگستری آمریکا ۱۵ شهریورماه علیه دو کارمند شبکه «راشا تودی» را به پولشویی متهم کرد. این دو کارمند از شرکت‌های پوششی و شخصیت‌های جعلی برای پرداخت ۱۰ میلیون دلار به یک شرکت در ایالت تنسی استفاده کردند تا ویدئوهای اینترنتی با هدف شدت یافتن اختلافات سیاسی در ایالات متحده تولید کنند.

شرکت «متا» مالک شبکه‌های اجتماعی «واتساپ، اینستاگرام و فیسبوک» ۲۳ اوت (دوم شهریور) اعلام کرد یک گروه هکری وابسته به جمهوری اسلامی سعی داشت حساب‌های واتساپ چند مقام دولتی آمریکایی را هک کند. این حملات سایبری شناسایی و خنثی شده‌اند.

در گزارش متا آمده بود این تلاش‌ها «یک دسته کوچک از فعالیت‌های احتمالی مهندسی اجتماعی در واتساپ» بود. حملات در پوشش حساب‌هایی بود که خود را به عنوان پشتیبانی فنی سرویس‌های قدیمی مانند AOL، گوگل، یاهو و مایکروسافت معرفی کرده بودند. تمرکز حملات سایبری جمهوری اسلامی علیه کمپین انتخاباتی ترامپ است.

● یک مقام ارشد اطلاعاتی آمریکا می‌گوید روسیه، چین و حکومت ایران در تلاش برای تأثیرگذاری در انتخابات آمریکا هستند.

● خبرگزاری رویترز روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) به نقل از این مقام اطلاعاتی نوشت، روسیه فعال‌ترین دشمن خارجی است که تلاش می‌کند بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تأثیر بگذارد، در حالیکه چین بیشتر بر روی تأثیرگذاری بر رقابت‌های انتخاباتی متمرکز است.

● به گفته همین مقام امنیتی، حکومت ایران نسبت به دوره‌های گذشته فعال‌تر شده است و تلاش‌های خود را برای تحت تأثیر قرار دادن رأی دهندگان تا انتخابات ریاست جمهوری و کنگره افزایش داده است.

● ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه پنجشنبه پنجم سپتامبر (۱۵ شهریور) در حاشیه اجلاس «مجمع اقتصادی شرق» گفت، قصد دارد در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از کامالا هریس، نامزد حزب دموکرات پشتیبانی کند.

یک مقام ارشد اطلاعاتی آمریکایی می‌گوید روسیه، چین و حکومت ایران در تلاش برای تأثیرگذاری در انتخابات آمریکا هستند. خبرگزاری رویترز روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) به نقل از این مقام اطلاعاتی نوشت، روسیه فعال‌ترین دشمن خارجی است که تلاش می‌کند بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تأثیر بگذارد، در حالیکه چین بیشتر بر روی

مقام‌های کاخ سفید از مدیران شرکت‌های بزرگ تکنولوژی خواسته‌اند با هدف مقابله با سانسور و فیلترینگ در کشورهای مثل روسیه، ایران و میانمار، راهکارهایی برای افزایش پهنای باند اینترنت و همچنین راه‌هایی برای دور زدن سانسور پیدا کنند. خبرگزاری رویترز ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد در جلسه نمایندگان از کاخ سفید که پنجشنبه (۱۵ شهریور) برگزار شد، نمایندگان آمازون، الفابت گوگل، مایکروسافت و کلودفلر حضور داشتند.

مقام‌های آمریکایی از شرکت‌های فناوری خواسته‌اند تا با استفاده از بودجه دولتی ابزارها و پهنای باند بیشتری را در اختیار کاربران در کشورهایی قرار دهند که اینترنت و فضای آنلاین در آنها سانسور می‌شود. در این گزارش آمده که کاربران کشورهای ایران و روسیه هدف این ابزارها هستند. بر اساس گزارش Yahoo در این جلسه از این غول‌های فناوری خواسته شده تا پهنای باند بیشتری را در اختیار ابزارهای دور زدن اینترنت که دولت آمریکا آنها را تامین مالی می‌کند

درخواست آمریکا از شرکت‌های بزرگ فناوری برای کمک به دور زدن سانسور در ایران



قرار دهند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها «VPN»ها هستند که در کشورهایی که اینترنت در آنها سانسور می‌شود بسیار مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرند. رویترز نوشته است که کاربران در کشورهایی نظیر ایران، روسیه و میانمار اصلی‌ترین مصرف کنندگان این ابزارهای آنلاین هستند.

اغلب این ابزارهای آنلاین از سوی شرکتی با عنوان «صندوق فناوری باز» Open Technology Fund یا OTF پشتیبانی می‌شوند که دولت آمریکا حامی آن است.

شرکت OTF یک مجموعه‌ی غیرانتفاعی است که در سال ۲۰۱۹ تاسیس شد و هدف آن حمایت از آزادی اینترنت و مقابله با سانسور آن در سطح جهان است. لورا کانینگهام مدیر این شرکت در مصاحبه با رویترز گفت، در این جلسه تلاش بر این بود که غول‌های فناوری متقاعد شوند با استفاده از تخفیف یا پاران به اپلیکیشن‌های VPN که توسط این صندوق تامین مالی شده، پهنای باند بیشتری را اختصاص دهند.

وی همچنین اعلام کرده است که «در چند سال گذشته شاهد افزایش تقاضا برای VPN بوده‌ایم و این تقاضا عمدتاً از طرف کاربران در کشورهای روسیه و ایران بوده است». مدیر OTF در اینباره می‌گوید، «این صندوق طی یک دهه گذشته بطور میانگین هر ماه از ۹ میلیون کاربر VPN پشتیبانی می‌کرده اما این میزان در حال حاضر بیش از چهار برابر شده است».

● خبرگزاری رویترز ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد در جلسه نمایندگان از کاخ سفید که پنجشنبه (۱۵ شهریور) برگزار شد، نمایندگان آمازون، الفابت گوگل، مایکروسافت و کلودفلر حضور داشتند.

● مقام‌های آمریکایی از شرکت‌های فناوری خواستند تا با استفاده از بودجه دولتی ابزارها و پهنای باند بیشتری را در اختیار کاربران در کشورهایی قرار دهند که اینترنت و فضای آنلاین در آنها سانسور می‌شود. در این گزارش آمده که کاربران در کشورهای ایران و روسیه هدف این ابزارها هستند.

● بر اساس گزارش Yahoo در این جلسه از این غول‌های فناوری خواسته شده تا پهنای باند بیشتری را در اختیار ابزارهای دور زدن اینترنت که دولت آمریکا آنها را تامین مالی می‌کند قرار دهند.

● شرکت OTF یک مجموعه‌ی غیرانتفاعی است که در سال ۲۰۱۹ تاسیس شد و هدف آن حمایت از آزادی اینترنت و مقابله با سانسور آن در سطح جهان است. لورا کانینگهام مدیر این شرکت در مصاحبه با رویترز گفت، در این جلسه تلاش بر این بود که غول‌های فناوری متقاعد شوند با استفاده از تخفیف یا پاران به اپلیکیشن‌های VPN که توسط این صندوق تامین مالی شده است، پهنای باند بیشتری را اختصاص دهند.

اطلاعات مربوط به بازداشت این دو نفر ابتدا روز پنجشنبه ۱۵ شهریور در وبسایت فرانسوی «Mediapart» منتشر شد. طبق گزارش این وبسایت پرونده با عنوان «مارکو پولو» شناخته می‌شود.

اداره امنیت داخلی فرانسه (د.ژ.اس.ای) در گزارشی که به رؤیت خبرگزاری فرانسه رسیده این پرونده را نشان‌دهنده «احیای تروریسم تحت حمایت حکومت ایران در اروپا» دانسته است. به نوشته خبرگزاری فرانسه، در این سند همچنین آمده که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران «از سال ۲۰۱۵ سیاست قتل هدفمند را از سر گرفته‌اند و این تهدیدات به دلیل جنگ غزه بدتر شده است».

مقامات فرانسوی می‌گویند که جاسوسان مرتبط با جمهوری اسلامی افراد محلی را برای حمله به یکی از کارمندان کارمند سابق یک شرکت امنیتی اسرائیل و چند نفر دیگر در پاریس، مونیخ و برلین استخدام کرده‌اند که امکان کسب و کار متعلق به یهودیان و اسرائیلی‌ها را به آتش کشیده‌اند.



گزارش «اشپیگل» از سازماندهی شبکه‌های تروریستی توسط حکومت ایران در اروپا: «تبهکاران کارهای کثیفی برای ملاها انجام می‌دهند»

پیش از این در گزارش هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» در باره استخدام جنایتکاران و تبهکاران توسط حکومت ایران برای انجام عملیات تروریستی در اروپا، به نام «عبدالکریم س.» مشهور به «کریمو» اشاره شده بود. بر اساس این گزارش تحقیقی که پنج سپتامبر (۱۵ شهریورماه) منتشر شد، جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک مجرمان و جنایتکاران را در اروپا برای انجام حملات علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها استخدام می‌کند. بازرسان شواهدی پیدا کردند که نشان می‌داد که «کریمو» با تهران در ارتباط است. حکم بازداشت وی در اواخر آوریل سال ۲۰۲۴ صادر شد و مدتی بعد به اتهام جرائم تروریستی و همکاری با باند‌های قاچاق مواد مخدر در فرانسه دستگیر شد.

سرویس‌های اطلاعاتی آلمان و فرانسه معتقدند اقدامات و تحرکات این فرد در آلمان، بخشی از پروژه وسیع‌تر جمهوری اسلامی برای سازماندهی حملات علیه افراد، شرکت‌ها و اماکن یهودی و اسرائیلی در اروپا بوده است.

در این گزارش به اقدامات شبکه مرتبط با «کریمو» در فرانسه، از جمله به آتش کشیدن شماری از شرکت‌ها و مغازه‌های متعلق به اسرائیلی‌ها در جنوب فرانسه اشاره شد است. پیشتر سازمان اطلاعات و امنیت سوئد نیز اعلام کرده بود جمهوری اسلامی از باند‌های تبهکار سوئدی برای انجام کارهای خشونت‌آمیز علیه شهروندان اسرائیلی و مخالفان سیاسی خود در سوئد استفاده می‌کند.

پیام دولت بایدن به تل آویو:

حضور ناوهای
هوایمابر برای
حمایت از اسرائیل
در مقابل تهدیدات
جمهوری اسلامی
همیشگی نیست

کرد که ناوهای هوایمابر آمریکایی نمی‌توانند برای همیشه در منطقه باقی بمانند تا مراقب تهدیدات جمهوری اسلامی ایران باشند.

براساس گزارش این تلویزیون، ایالات متحده با «برکناری [احتمالی] یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل»، علی‌رغم درگیری وی با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، مخالف است. این رسانه خاطرنشان می‌کند که این پیام «مؤدبانه اما واضح» بود.

مقام‌های کاخ سفید با اشاره به خطر حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل به مقام‌های آن کشور پیام دادند که در نهایت باید سطح بحران در منطقه کاهش پیدا کند زیرا ناوهای هوایمابر نمی‌توانند برای همیشه در منطقه بمانند. «خرگزاری تاس می‌نویسد، نتانیاهو در مارس ۲۰۲۳ برنامه‌های خود را برای برکناری گالانت به دلیل انتقاوی از اصلاحات قضایی اعلام کرد. با این حال، نتانیاهو پس از اعتراضات گسترده و افزایش تنش در منطقه نظر خود را تغییر داد.

روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد که نتانیاهو قصد

یک نماینده مجلس:
موشک و پهپاد
می‌فرستیم، سویا
و ذرت می‌گیریم؛
جمهوری اسلامی
پشتیبانی تسلیحاتی از
روسیه را انکار کرد

● احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد! ● در این مصاحبه که ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۳ منتشر شد بخشایشی اردستانی عنوان کرد: «ایران در راستای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود به روسیه پهپاد و موشک صادر می‌کند. در مقابل روس‌ها با ایران همکاری می‌کنند تا تحریم‌ها را دور بزیم ما خیلی از اجناسمان از ایران از روسیه وارد می‌کنیم».

● در واکنش به این گزارش، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه مدعی شد، «همانگونه که بارها تأکید گردید، جمهوری اسلامی ایران ضمن مخالفت با جنگ، از راهکار سیاسی برای حل و فصل اختلافات روسیه و اوکراین و پایان بخشیدن به درگیری‌های نظامی حمایت می‌کند».

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انکار ارسال تسلیحات از ایران به روسیه مدعی شد، ایران از ابتدای بحران اوکراین هرگز بخشی از این درگیری نبوده است. اما احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد!

در این مصاحبه که ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۳ منتشر شد بخشایشی اردستانی عنوان کرد: «ایران در راستای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود به روسیه پهپاد و موشک صادر می‌کند. در مقابل روس‌ها با ایران همکاری می‌کنند تا تحریم‌ها را دور بزیم ما خیلی از اجناسمان از ایران از روسیه وارد می‌کنیم».

این نماینده در مورد افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران و احتمال فعال شدن «مکانسیم ماشه» به تلافی ارسال تسلیحات به روسیه گفت: «دیگر بالاتر از سیاهی رنگی نیست ما به حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی موشک می‌دهیم چرا به روسیه ندهیم. اروپایی‌ها موقعیت استراتژیک ایران را می‌دانند ولی حاضر نیستند با ما همراهی کنند در برجام هیچ اقدامی نکردند. اگر روزی مثلاً اروپا بخواهد مکانسیم ماشه را فعال کنند بیشتر به ضرر خود آنهاست»



ناو هوایمابر «آبراهام لینکلن» / عکس: رویترز

داشت گالانت را در تابستان ۲۰۲۴ برکنار کند، اما پس از افزایش خشونت‌ها در مرز با لبنان از این کار منصرف شد. پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اسرائیل را تهدید به «خونخواهی» رهبر حماس کرد. با افزایش احتمال اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی و گروه‌های شبه‌نظامی علیه اسرائیل، دولت آمریکا دستور اعزام زبردربایی هسته‌ای «یواس‌اس جورجیا» و ناو هوایمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» و ناوگروه همراه آن به منطقه خاورمیانه را صادر کرد.

مقام‌های ارشد آمریکا از جمله جو بایدن و همچنین وزرای خارجه و دفاع ایالات متحده، طی سخنرانی‌های خود در همین مدت بارها اعلام کردند متعهد به تضمین امنیت اسرائیل هستند.

واشنگتن از طریق دولت‌های میانجی از جمله قطر و عمان به مقام‌های جمهوری اسلامی در مورد پیامدهای شدید ماجراجویی‌های احتمالی علیه اسرائیل هشدار دادند هرچند شماری از مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کردند «انتقام قطعی» است فقط بنا به مصلحت نظام آن را به تأخیر انداخته‌اند.

● خبرگزاری دولتی روسیه «تاس» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) به نقل از «کانال ۱۳» تلویزیون اسرائیل گزارش داد که دولت آمریکا به مقام‌های ارشد تل‌آویو پیام داد که ناوهای هوایمابر آمریکایی نمی‌توانند برای همیشه در منطقه باقی بمانند تا مراقب تهدیدات جمهوری اسلامی ایران باشند.

● براساس گزارش این تلویزیون، ایالات متحده با «برکناری [احتمالی] یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل»، علی‌رغم درگیری وی با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، مخالف است. این رسانه خاطرنشان می‌کند که این پیام «مؤدبانه اما واضح» بود.

● مقام‌های کاخ سفید با اشاره به خطر حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل به مقام‌های آن کشور پیام دادند که در نهایت باید سطح بحران در منطقه کاهش پیدا کند زیرا ناوهای هوایمابر نمی‌توانند برای همیشه در منطقه بمانند.»

خبرگزاری دولتی روسیه «تاس» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) به نقل از «کانال ۱۳» تلویزیون اسرائیل گزارش داد که دولت آمریکا به مقام‌های ارشد اسرائیل اعلام

گزارش متناقض درباره بازداشت ۱۲ تبعه افغان در شهرستان پارسیان به اتهام «آدمربایی»

برخی ناظران معتقدند زمینه‌سازی برای ورود افغان‌ها به ایران و همزمان کارزار افغان‌ستیزی یک پروژه امنیتی است. تناقض گزارش «تسنیم» در این نکته است که از یکسو ادعا کرده افغان‌ها طی مأموریت «گشت‌زنی» بازداشت شدند و از سوی دیگر نوشته در یک «عملیات غافلگیرانه» با دستور مقام قضایی در دام افتادند! به این ترتیب مشخص نیست آیا این افغان‌ها که متهم به آدم‌ربایی هستند تصادفی و هنگام گشت زدن مأموران به دام افتادند یا اینکه عملیات از پیش طراحی شده بود بطوری که پلیس اطلاعات و امنیت فراجا هم در آن همکاری داشتند!

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز یکشنبه ۱۱ شهریورماه گزارش داده بود طالبان ده‌ها هزار نفر از عناصر

● خبرگزاری «تسنیم» روز شنبه ۱۷ شهریورماه گزارش داد مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی «گشت‌زنی» در شهرستان پارسیان واقع در استان هرمزگان «۱۲ افغان» را که قصد ربودن تعدادی کودک و نوجوان را داشتند بازداشت کردند.

● تناقض گزارش «تسنیم» در این نکته است که از یکسو ادعا کرده افغان‌ها طی مأموریت «گشت‌زنی» بازداشت شدند و از سوی دیگر نوشته در یک «عملیات غافلگیرانه» با دستور مقام قضایی در دام افتادند!

● همچنین عنوان شد که این اتباع افغانستان با تهدید توسط چاقو قصد آزار و اذیت و ربودن نوجوانان را داشتند.

● همزمان سردار پاسدار اسکندر مؤمنی وزیر کشور



تصویری از بازداشت اتباع افغان توسط مرزبانی جمهوری اسلامی

آموزش دیده خود را که سلاح نیز در اختیار دارند وارد ایران کرده است. در این میان، شماری از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای داخل ایران که نزدیک به جریان حزب‌اللهی رژیم هستند، موج افغان‌ستیزی به راه انداخته‌اند. آنها با زشت‌ترین توهین‌ها اخراج افغان‌ها را به عنوان یک «مطالبه ملی» تبلیغ می‌کنند. هادی کسایی‌زاده روزنامه‌نگار حامی علی خامنه‌ای خواستار «سنگسار» افغان‌هایی شده که ادعا می‌شود به اتهام آدم‌ربایی بازداشت شده‌اند.

همزمان سردار پاسدار اسکندر مؤمنی وزیر کشور جمهوری اسلامی از آغاز طرح «ساماندهی اتباع خارجی» خبر داد و اعلام کرد نخستین گام این طرح، «اخراج اتباع غیرقانونی و بدون مجوز» خواهد بود که به زودی اجرا می‌شود.

منابع غیررسمی گزارش می‌دهند در مرزهای شرق کشور مرزبان‌ها چشم خود را به روی ورود غیرقانونی اتباع افغان به ایران می‌بندند. تحلیلگران معتقدند ورود هزاران تبعه افغان به ایران بدون دخالت نهادهای امنیتی ممکن نیست. احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد فروردین ۱۴۰۳ در خطبه‌های نماز گفته بود «مردم خانه‌هایشان را با افغان‌ها تقسیم کنند.»

جمهوری اسلامی از آغاز طرح «ساماندهی اتباع خارجی» خبر داد و اعلام کرد نخستین گام این طرح، «اخراج اتباع غیرقانونی و بدون مجوز» خواهد بود که به زودی اجرا می‌شود.

● خبرگزاری «تسنیم» روز شنبه ۱۷ شهریورماه گزارش داد مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی «گشت‌زنی» در شهرستان پارسیان واقع در استان هرمزگان «۱۲ افغان» را که قصد ربودن تعدادی کودک و نوجوان را داشتند بازداشت کردند.

در این گزارش آمده، این مأموریت به دستور مقام قضایی شهرستان طی «عملیات غافلگیرانه» انجام شده و برای به دام انداختن آنها پلیس اطلاعات و امنیت فراجا نیز همکاری کرده است.

همچنین عنوان شد که این اتباع افغانستان با تهدید توسط چاقو قصد آزار و اذیت و ربودن نوجوانان را داشتند.

طی ماه‌های اخیر از یکسو با چراغ سبز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هزاران افغان بطور سازمانیافته و غیرقانونی وارد ایران می‌شوند و به موازات آن منابع نزدیک به سپاه و همچنین سایر منابع حکومتی با هشدار نسبت به پیامدهای امنیتی ورود غیرقانونی افغان‌ها مدام هشدار می‌دهند.

وی درباره نحوه همکاری ایران و روسیه نیز گفت: «ما برای تامین نیاز خود از جمله در واردات سویا و گندم باید تهاوت کنیم. یک بخش از تهاوت شامل ارسال موشک و بخش دیگر ارسال پهپاد های نظامی به روسیه است.»

بخشایشی اردستانی در بخش دیگری از این مصاحبه به موقعیت جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی اشاره کرد و گفت: «ایران در بلوک شرق قرار دارد، ارسال موشک برای روسیه کمک به متحد است.»

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) به نقل از نهادهای اطلاعاتی آمریکا گزارش داد، جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است.

در واکنش به این گزارش، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه مدعی شد، «همانگونه که بارها تاکید گردید، جمهوری اسلامی ایران ضمن مخالفت با جنگ، از راهکار سیاسی برای حل و فصل اختلافات روسیه و اوکراین و پایان بخشیدن به درگیری‌های نظامی حمایت می‌کند.»



روغایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از موشک‌های بالستیک در راهپیمایی حکومتی

وی همچنین افزود، «جمهوری اسلامی از ابتدای بحران اوکراین تا کنون هیچگاه بخشی از این نزاع و درگیری نظامی و ادامه آن نبوده و همواره از راهکار سیاسی و گفتگوهای دوجانبه برای پایان دادن به این بحران و درگیری حمایت کرده است.»

در همین ارتباط وزارت خارجه اوکراین روز شنبه هفتم سپتامبر (۱۷ شهریور) اعلام کرد که به شدت از گزارش‌های منتشر شده درباره انتقال احتمالی موشک‌های بالستیک ایران به روسیه نگران است.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای که برای خبرنگاران ایمیل شد، گسترش همکاری‌های نظامی تهران و مسکو را تهدیدی برای اوکراین، اروپا و خاورمیانه دانست و از جامعه بین‌المللی خواست تا فشار بر جمهوری اسلامی ایران و روسیه را افزایش دهد.

کشورهای عضو «گروه هفت» در اسفندماه ۱۴۰۲ طی یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد. یکی از گزینه‌های آنها ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

گزارش «مؤسسه گیت استون» از طرح جدید جمهوری اسلامی غزه را از دست دادیم، پس کرانه باختری را حفظ کنیم



شبه‌نظامیان در جنین (کرانه باختری) در مراسم تشییع جنازه فرماندهانی که در عملیات اسرائیل کشته شدند تیر هوایی شلیک می‌کنند / رویترز

جایگزینی آن با یک دولت اسلامگرا هستند. یکی از دلایل تردید تشکیلات خودگردان در سرکوب گردان‌های فلسطینی این است که مقامات آن می‌دانند که تروریست‌ها از حمایت گسترده‌ای در میان مردم فلسطین برخوردارند.

خالد ابو طعمه در ادامه می‌نویسد، اگر تشکیلات خودگردان فلسطین وظیفه خود در مبارزه با تروریسم را با انحلال گروه‌های مسلح انجام می‌داد، عملیات نظامی اسرائیل در شمال کرانه باختری می‌توانست اجتناب‌پذیر باشد. بر اساس ماده چهاردهم «پلیس فلسطین» در توافقنامه اسلو که در سال ۱۹۹۳ بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین امضا شد، «بجز پلیس فلسطین و نیروهای نظامی اسرائیل، هیچ نیروی مسلح دیگری نباید در کرانه باختری و نوار غزه تأسیس شود یا فعالیت کند.»

ماده ۱۵ برای «جلوگیری از اعمال خصمانه» بیان می‌کند: «هر دو طرف باید تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از اعمال تروریستی، جنایات و خصومت‌هایی که علیه یکدیگر، افراد تحت صلاحیت طرف دیگر و اموال آنها انجام می‌شود، اتخاذ کنند و باید اقدامات قانونی علیه متخلفان انجام دهند.»

با این حال، تشکیلات خودگردان فلسطین بطور مداوم مفاد توافقنامه اسلو را نقض کرده است، از جمله در عدم متوقف کردن گروه‌های مسلح از فعالیت در قلمرو خود و حمله به اسرائیلی‌ها. بنابراین تشکیلات خودگردان خودش به بخشی از مشکل تبدیل شده است و نه راه حل.

در بخش دیگری از این گزارش آمده، از سال ۲۰۲۱ چندین گردان متشکل از صدها فرد مسلح در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان در شمال کرانه باختری ظاهر شده‌اند. آنها حملات تروریستی بی‌شماری علیه اسرائیلی‌ها، چه در داخل اسرائیل و چه در کرانه باختری انجام داده‌اند. از ابتدای سال ۲۰۲۴ دست‌کم ۳۰ اسرائیلی در حملات تروریستی کشته شده‌اند. با این حال، ما از هیچ موردی آگاه نیستیم که در آن نیروهای امنیتی فلسطین که

در مقدمه این گزارش که در وبسایت «مؤسسه گیت استون» پنجم سپتامبر (۱۵ شهریورماه) منتشر شده و پایگاه خبری «جوییش نیوز» آن را ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریور) بازنشر نموده آمده است که تشکیلات خودگردان فلسطین دولت اسرائیل را به دلیل آغاز عملیات نظامی گسترده در شمال کرانه باختری رود اردن محکوم کرده است، اما عمده دلیل عملیات امنیتی اسرائیل را ناپدید می‌گیرد. عملیات ضدتروریستی اسرائیل که «اردوگاه‌های تابستانی» نام دارد، گروه‌های متعدد تروریستی مسلح تحت حمایت حکومت ایران، از جمله حماس و جهاد اسلامی فلسطین را هدف قرار می‌دهد که در سال‌های اخیر آزادانه در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان فعالیت کرده‌اند.

هدف اصلی عملیات اسرائیل جلوگیری از برنامه‌های جمهوری اسلامی است که می‌خواهد با کمک گروه‌های مسلح، نه تنها غزه، بلکه کرانه باختری را به یک پایگاه تروریستی دیگر تبدیل کند تا به عنوان بخشی از جهاد اسلامگرایان برای نابودی اسرائیل استفاده شود.

در این گزارش آمده، تشکیلات خودگردان فلسطین باید از نیروهای امنیتی اسرائیل به دلیل پیگیری تروریست‌ها تقدیر کند، نه اینکه آنها را مورد انتقاد قرار دهد. این گروه‌های مسلح که خود را «battalions» (گردان‌ها) می‌نامند، تهدیدی مستقیم نه تنها برای اسرائیل بلکه برای خود تشکیلات خودگردان نیز هستند. این افراد مسلح در مناطق تحت اداره تشکیلات خودگردان، یک دولت درون دولت ساخته‌اند و بطور آشکار مشروعیت تشکیلات را به چالش کشیده و نیروهای امنیتی آن را به تمسخر گرفته‌اند.

بیشتر افراد مسلح در این منطقه به حماس و جهاد اسلامی فلسطین تعلق دارند که به شدت با تشکیلات خودگردان فلسطین و سیاست‌های آن، به ویژه هماهنگی امنیتی بین نیروهای امنیتی این تشکیلات و همچنین نیروهای دفاعی اسرائیل دشمنی دارند. این دو گروه حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند و از طریق جهاد به دنبال

● خالد ابو طعمه روزنامه‌نگار فلسطینی- اسرائیلی در یک گزارش تحلیلی که در وبسایت «مؤسسه گیت استون» منتشر شد، به بررسی برنامه برنامه‌های ضدامنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کرانه باختری در سایه ضعف‌های تشکیلات خودگردان فلسطین و مماشات محمود عباس با گروه‌های تروریستی پرداخته است.

● در مقدمه این گزارش آمده که عملیات ضدتروریستی اسرائیل گروه‌های متعدد تروریستی مسلح تحت حمایت حکومت ایران از جمله حماس و جهاد اسلامی فلسطین را هدف قرار می‌دهد که در سال‌های اخیر «آزادانه» در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان فعالیت کرده‌اند.

● «تشکیلات خودگردان همچنان مردد است و یا بیش از حد وحشت دارد که با گروه‌های مسلح مقابله کند. به همین دلیل است که نیروهای امنیتی اسرائیل مجبور به آغاز عملیات ضدتروریستی فعلی شدند.»

● «اگر کسی از عملیات ضدتروریستی اسرائیل ناراحت است، باید بیشتر از تشکیلات خودگردان فلسطین ناراحت باشد که در مقابل گروه‌های مسلح ایستادگی نکرده و از ایجاد پایگاه تروریستی توسط [حکومت] ایران در کرانه باختری جلوگیری نکرده است. عدم انجام این کار به این معناست که نمایندگان [رژیم] ایران ممکن است به زودی خود محمود عباس را از یک ساختمان بلند در رام‌الله، پایتخت درست یا غلط فلسطینی‌ها در کرانه باختری، به پایین پرتاب کنند، علاوه بر اینکه حملات تروریستی بیشتری علیه اسرائیلی‌ها انجام خواهند داد.»

خالد ابو طعمه روزنامه‌نگار فلسطینی- اسرائیلی در یک گزارش تحلیلی در باره برنامه‌های ضدامنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کرانه باختری عنوان کرده با شکست حماس، جمهوری اسلامی در حال از دست دادن ظرفیت خود در غزه است و به دنبال آن است تا از ضعف‌های تشکیلات خودگردان فلسطین و مماشات محمود عباس با گروه‌های تروریستی، نفوذ خود را در کرانه باختری حفظ کند.

حمله سنگین هوایی به تأسیسات نظامی رژیم اسد و «سپاه قدس» در سوریه با بیش از ۵۰ کشته و زخمی



حمله جنگنده‌های اسرائیلی به حومه شهر «مصیاف» و بزرگراه «وادی العیون» / عکس: سانا

به هفت نفر از جمله سه غیرنظامی رسیده است. این گروه در بیانیه‌ای اعلام کرد، ۱۳ انفجار شدید در منطقه‌ای که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در آنجا مستقرند به وقوع پیوست. در این مناطق، پرسنل وابسته به حکومت ایران و کارشناسان سوری در مراکز تحقیقاتی اقدام به توسعه تسلیحاتی می‌کنند.

ندال العامری خبرنگار ایندپندنت در «ایکس» نوشت، «۱۶» حمله هوایی اسرائیل به سایت‌های متعلق به تروریست‌های شبه‌نظامی ایرانی [سپاه پاسداران] و عوامل اسد در حومه طرطوس، حمص و دمشق در سوریه [اتفاق افتاد]... من شما را به چالش می‌کشم که آیا [حکومت] ایران یا اسد جرأت پاسخگویی را دارند؟ اسد یک تروریست است.»

پس از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» ۲۰۲۳، اسرائیل بر شدت حملات خود به پایگاه‌های «سپاه قدس» و گروه‌های نیابتی افزود.

اسرائیل در سال‌های اخیر صدها حمله در داخل سوریه انجام داده، اما به ندرت مسئولیت این عملیات‌ها را به عهده گرفته است.

خبرگزاری دولتی سوریه «سانا» به نقل از یک منبع نظامی اعلام کرد که هوایی‌های اسرائیلی از سمت شمال غرب لبنان حمله کردند و تعدادی از پایگاه‌های نظامی را هدف قرار دادند. همچنین ادعا شد که پدافند هوایی رژیم اسد چند موشک را سرنگون کرد.

دو منبع اطلاعاتی منطقه‌ای گفتند که در این حمله یک مرکز تحقیقات نظامی بزرگ مربوط به تولید تسلیحات شیمیایی چندین بار هدف قرار گرفته شد.

رسانه دولتی سوریه نیز گزارش داد که این حملات باعث دو آتش‌سوزی شده است.

دکتر فیصل حیدر رئیس یک بیمارستان در مصیاف به «سانا» گفت که تعداد تلفات در نزدیکی شهر مصیاف در استان حماه به ۱۴ کشته و حداقل ۴۳ زخمی رسیده که حال ۶ نفر از آنها وخیم است.

● رسانه‌های دولتی سوریه گزارش دادند که روز یکشنبه هشتم سپتامبر (۱۸ شهریور) در حملات هوایی متعدد اسرائیل به حومه حماه (در غرب سوریه) دست کم ۱۹ نفر کشته و ۴۳ نفر زخمی شدند که حال برخی از آنها وخیم است.

● دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا اعلام کرد، ۱۳ انفجار شدید در منطقه‌ای که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در آنجا مستقرند به وقوع پیوست. در این مناطق، پرسنل وابسته به حکومت ایران و کارشناسان سوری در مراکز تحقیقاتی اقدام به توسعه تسلیحاتی می‌کردند.

● دو منبع اطلاعاتی منطقه‌ای گفتند که در این حمله یک مرکز تحقیقات نظامی بزرگ مربوط به تولید تسلیحات شیمیایی چندین بار هدف قرار گرفته شد.

● ندال العامری خبرنگار ایندپندنت در «ایکس» نوشت، «۱۶» حمله هوایی اسرائیل به سایت‌های متعلق به تروریست‌های شبه‌نظامی ایرانی [سپاه پاسداران] و عوامل اسد در حومه طرطوس، حمص و دمشق در سوریه [اتفاق افتاد]... من شما را به چالش می‌کشم که آیا [حکومت] ایران یا اسد جرأت پاسخگویی را دارند؟ اسد یک تروریست است.»

رسانه‌های دولتی سوریه گزارش دادند که روز یکشنبه هشتم سپتامبر (۱۸ شهریور) در حملات هوایی متعدد اسرائیل به حومه حماه (در غرب سوریه) دست کم ۱۹ نفر کشته و ۴۳ نفر زخمی شدند که حال برخی از آنها وخیم است.

منابع اسرائیلی می‌گویند در این حملات یک مرکز تحقیقات نظامی در حومه شهر «مصیاف» هدف قرار گرفته شد که ۱۳ نفر زخمی شدند. حال تعدادی از زخمی‌ها وخیم گزارش شده است.

در این حملات همچنین یک بزرگراه نیز آسیب دید و باعث آتش‌سوزی شد. دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا گفت که تعداد کشته‌شدگان حمله هوایی اسرائیل

→ وظیفه حفظ قانون و نظم را در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان دارند، حتی یک عامل را دستگیر یا محاکمه کرده باشند.

اگر تشکیلات خودگردان فلسطین وظیفه خود را انجام می‌داد و علیه افراد مسلح این گردان‌ها اقدام می‌کرد، جان بسیاری از اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها حفظ می‌شد. با این حال، تشکیلات خودگردان همچنان مردد است یا بیش از حد وحشت دارد که با گروه‌های مسلح مقابله کند. به همین دلیل است که نیروهای امنیتی اسرائیل مجبور به آغاز عملیات ضدتروریستی فعلی شدند.

هدف عملیات اسرائیل جلوگیری از این مسئله است که رژیم ایران و نمایندگان فلسطینی آن از کرانه باختری جبهه‌ای جدیدی علیه اسرائیل باز کنند.

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل ۲۹ اوت (هشتم شهریورماه) گفت، «[حکومت] ایران برای ایجاد یک جبهه شرقی تروریستی علیه اسرائیل از طریق واحدهای ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در قاچاق تسلیحات، تأمین مالی و هدایت سازمان‌های تروریستی دخالت دارند تلاش می‌کند.» وی همچنین گفت: «در مرحله اول، با هدف بی‌ثبات کردن رژیم و تبدیل مرز اسرائیل و اردن از یک مرز صلح‌آمیز به یک جبهه ناپایدار، آنها از طریق مرز سوریه به پادشاهی اردن سلاح قاچاق می‌کنند. از آنجا، سلاح‌ها به یهودیه و سامره، به ویژه به اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی قاچاق می‌شوند، جایی که یک زیرساخت تروریستی جمهوری اسلامی و حماس در حال شکل گرفتن است، با الگویی مشابه که آنها در غزه، لبنان، یمن و عراق ایجاد کرده‌اند. تشکیلات خودگردان فلسطین قادر به مقابله با این تهدید نیست، تهدیدی که موجودیت آن را نیز به خطر می‌اندازد.»

وی تأکید کرد، «تمام اقدامات باید با عزم و سرعت، در کنار تشدید تحریم‌ها علیه رژیم ایران برای محدود کردن فعالیت‌های خرابکارانه آن انجام شود.»

تشکیلات خودگردان فلسطین سابقه‌ای طولانی در ناکامی یا امتناع از اقدام علیه گروه‌های مسلحی دارد که در مناطق تحت مدیریت آن فعالیت می‌کنند. این تشکیلات در واقع هیچ عملیاتی برای جلوگیری از ایجاد زیرساخت‌های تروریستی حماس در زمانی که نوار غزه را کنترل می‌کرد، انجام نداد. اقدامات حماس شامل قاچاق سلاح از طریق مرز مصر و ساختن ده‌ها تونل هجومی در مناطق مختلف نوار غزه و در نزدیکی مرز اسرائیل بود.

در نهایت نیز تشکیلات خودگردان فلسطین قربانی بی‌تحرکی خود شد. در سال ۲۰۰۷ حماس یک کودتای خشونت‌آمیز و وحشیانه علیه تشکیلات خودگردان فلسطین در غزه به راه انداخت و ده‌ها نفر از وفاداران این تشکیلات را کشت.

طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر «نیروهای نظامی حماس محمد سوایرکی ۲۸ ساله آشپز گارد رئیس جمهور تشکیلات خودگردان فلسطین محمود عباس را دستگیر کردند و او را با دست و پای بسته از یک ساختمان ۱۵ طبقه در شهر غزه به پایین پرتاب کرده و اعدام کردند.»

در پایان این گزارش آمده، «اگر کسی از عملیات ضدتروریستی اسرائیل ناراحت است، باید بیشتر از تشکیلات خودگردان فلسطین ناراحت باشد که در مقابل گروه‌های مسلح ایستادگی نکرده و از ایجاد پایگاه تروریستی توسط [حکومت] ایران در کرانه باختری جلوگیری نکرده است. عدم انجام این کار به این معناست که نمایندگان [رژیم] ایران ممکن است به زودی خود محمود عباس را از یک ساختمان بلند در رام‌الله پایتخت درست یا غلط فلسطینی‌ها در کرانه باختری، به پایین پرتاب کنند، علاوه بر اینکه حملات تروریستی بیشتری علیه اسرائیلی‌ها انجام خواهند داد.»

توافق امنیتی جمهوری اسلامی با اقلیم کردستان عراق انتقال سه شاخه‌ی «حزب کومله» به اردوگاهی دورتر از مرزهای ایران



اعضای حزب کومله کردستان ایران

تیم‌های خرابکاری در مرزها و عملیات‌های تروریستی که در پاسگاه‌ها انجام می‌شود است.»

سازمان امنیتی «آسایش» در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان عراق اواخر شهریورماه بهزاد خسروی از اعضای «حزب دمکرات کردستان ایران» را که در این شهر اقامت داشت، بازداشت کرد و در منطقه مرزی به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحویل داد. گفته می‌شود این سازمان امنیتی به «اتحادیه میهنی» حزب خانواده طالبانی وابسته است.

به گزارش کیهان لندن، این نهاد امنیتی مدعی است که بهزاد خسروی، به دلیل «نداشتن اقامت» بازداشت شده بود در حالی که این فرد دارای اقامت رسمی بوده و در کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در اقلیم کردستان عراق پرونده پناهنجویی سیاسی برای او تشکیل داده بودند. «آسایش» سلیمانیه همچنین ۱۰ روز به خواهر و مادر بهزاد خسروی مهلت داده تا این شهر را ترک کنند.

برخی ناظران معتقدند همکاری جمهوری اسلامی با دولت اقلیم کردستان عراق برای صدور غیرقانونی نفت، دولت اربیل را مجبور کرده است که با نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی همکاری نزدیک داشته باشد. روزانه حدود ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام از گذرگاه مرزی «حاج عمران» با تانکر از اقلیم کردستان به ایران ارسال می‌شود.

عبدالله مهتدی دبیرکل «حزب کومله کردستان ایران» در مصاحبه با بخش فارسی بی‌بی‌سی گفت، «این تصمیم تماماً تحت فشار جمهوری اسلامی و ناشی از قرارداد امنیتی است.»

وی این فشارها را «جنگ روانی جمهوری اسلامی علیه احزاب گرد به ویژه کومله خواند» و تأکید کرد: «پس از ماه‌ها مذاکره مجبور به پذیرش این جایجایی شدیم.»

جمهوری اسلامی احزاب گرد را متهم می‌کند که با پشتیبانی اسرائیل و برخی دیگر از دولت‌های منطقه علیه جمهوری اسلامی دست به اقدام مسلحانه می‌زنند.

اعضای کومله خواهد بود، در سال ۲۰۱۴ با همکاری دولت اقلیم کردستان و وزارت مهاجرت و پناهندگان عراق ساخته شد. روزنامه «خراسان» ادعا کرده وضعیت جغرافیایی دوکان به گونه‌ای است که دسترسی نیروهای کومله به داخل ایران را ناممکن می‌سازد.

در بخشی از این گزارش آمده «با این جایجایی، در واقع انتقال سلاح‌های سنگین به این گروه‌ها ناممکن شده است.» از دوکان تا مرز ایران در یک خط مستقیم کمتر از ۱۰۰ کیلومتر فاصله است اما میان آنها کوه‌های مرتفع و مسیرهای دشوار جهت جایجایی نیرو و تسلیحات قرار دارند.

طبق توافقی که در اسفند سال ۱۴۰۱ بین تهران و بغداد به امضاء رسید، دولت عراق و اقلیم کردستان متعهد شدند مقر احزاب گرد را تغییر داده و آنها را خلع سلاح کنند.

روزنامه «خراسان» در بخش دیگری از این مطلب عنوان کرد که «به نظر می‌رسد اقلیم کردستان عراق در آستانه سفر مسعود پزشکیان به عراق، با انتقال اردوگاه‌های کومله به دور از مرزها و استرداد تروریست‌های ضدایرانی به ایران، به دنبال نشان دادن حسن‌نیت خود و جلب رضایت ایران است.»

همچنین ادعا شد میان جمهوری اسلامی و مقامات اقلیم کردستان عراق یک قرارداد امنیتی امضاء شده که طی آن «تمامی گروه‌های مسلح در اقلیم کردستان عراق خلع سلاح شدند.» تأیید یا رد این ادعاها بطور مستقل ممکن نیست.

در همین ارتباط سردار پاسدار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه در یک سخنرانی گفت، «عناصر ضدانقلاب و تروریست‌ها از مرزهای ایران و عراق اخراج و این مرزها از لوٹ عناصر معاند پاکسازی شد.»

وی هشدار داد، «تحركات در مرزهای کشور نشان از برنامه‌ریزی دشمن و تقویت گروه‌های معاند در مرزها دارد که طبق تحقیقات انجام شده رژیم صهیونیستی پشتیبان

● در آستانه سفر مسعود پزشکیان به عراق، روزنامه «خراسان» روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه در گزارشی با عنوان «کومله در منگنه» نوشت که سه شاخه سیاسی- نظامی حزب «کومله» اردوگاه‌های خود را در مناطق مرزی اقلیم کردستان با ایران تخلیه کردند.

● با این اقدام اعضای مستقر کومله در اردوگاه «زرگویز علیا»، به «سورداش» مکانی در ۴۰ کیلومتری زرگویز و در حومه شهر دوکان در اقلیم کردستان منتقل شدند.

● در بخشی از این گزارش روزنامه «خراسان» ادعا شده، «با این جایجایی، در واقع انتقال سلاح‌های سنگین به این گروه‌ها و دسترسی نیروهای کومله به داخل ایران غیرممکن شده است.»

● منابع حکومتی می‌گویند «اقلیم کردستان عراق با انتقال اردوگاه‌های کومله به دور از مرزها و استرداد فعالان سیاسی گرد به دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، به دنبال نشان دادن حسن‌نیت خود و جلب رضایت جمهوری اسلامی هستند.

● عبدالله مهتدی دبیرکل «حزب کومله کردستان ایران» در مصاحبه با بخش فارسی بی‌بی‌سی گفت، «این تصمیم تماماً تحت فشار جمهوری اسلامی و پس از ماه‌ها مذاکره مجبور به پذیرش آن شدیم.»

در آستانه سفر مسعود پزشکیان به عراق، روزنامه «خراسان» روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه در گزارشی با عنوان «کومله در منگنه» نوشت که سه شاخه سیاسی- نظامی حزب «کومله» اردوگاه‌های خود را در مناطق مرزی اقلیم کردستان با ایران تخلیه کردند.

در پی این اقدام، اعضای مستقر کومله در اردوگاه «زرگویز علیا»، به «سورداش» مکانی در ۴۰ کیلومتری زرگویز و در حومه شهر دوکان در اقلیم کردستان منتقل شدند.

گفته می‌شود شهر دوکان که حالا محل جدید زندگی

جنگ غزه و پایان افسانه‌ی «محور مقاومت»



نمایش حمایت از «محور مقاومت» توسط دانشجویان غربی در امرداد در تهران برگزار شد!
در این عکس یک بسیجی در نقش پلیس غربی یک دختر در نقش حامی فلسطین را دستگیر می‌کند! / ۷ اوت ۲۰۲۴ / رویترز

با این حال، اصطلاح «محور شرارت» که با هدف تضعیف نقش رژیم ایران به کار گرفته شد، ناخواسته باعث خلق اصطلاح دیگری از سوی تهران و نیروهای وابسته به آن تحت عنوان «محور مقاومت» شد که از سال ۲۰۰۴ تهران برای پیشبرد برنامه توسعه طلبانه و «انقلابی» خود از آن استفاده می‌کند. در طول دو دهه گذشته، رژیم ایران اصطلاح «محور مقاومت» را به عنوان پادزهری برای مقابله با آمریکا و اسرائیل به کار گرفته و این اصطلاح را با مفاهیم مبارزه «مشروع» برای «عدالت»، جایگزین مفهوم «صدور انقلاب اسلامی» مورد نظر خمینی در بسیاری از گفتمان‌های عمومی کرد چرا که مقامات رژیم ایران دریافتند که طرح چنین شعاری برای دست یافتن آنها به اهداف توسعه طلبانه و گسترش نفوذ خود در خاورمیانه مفیدتر از شعار «صدور انقلاب» است که گفتمان آن در داخل خود ایران شکست خورده است!

در این میان اما جنگ و درگیری در غزه نشان داد که رژیم تهران نیروهای نیابتی خود را نه برای «مقاومت» بلکه بیشتر برای راه‌اندازی جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه به کار می‌گیرد و هیچوقت به بسیج نیروهای نیابتی‌اش برای «مقاومت» [در برابر اسرائیل و آمریکا] متوسل نخواهد شد مگر اینکه خود با تهدید وجودی مواجه گردد.

*منبع: المجله

*نویسنده: لینا الخطیب پژوهشگر مبتکر طرح اصلاحات در جهان عرب است. او پیشتر به عنوان مدیر مرکز خاورمیانه کارنگی در بیروت خدمت می‌کرد و قبل از آن مدیر و یکی از بنیانگذاران برنامه اصلاحات عربی و دموکراسی در مرکز دموکراسی، توسعه و حکومت قانون دانشگاه استنفورد بود. حوزه‌های تحقیقاتی او شامل روابط بین‌الملل خاورمیانه، گروه‌های اسلامگرا، گذار سیاسی و سیاست خارجی است. او همچنین بطور گسترده در زمینه‌های دموکراسی عمومی، ارتباطات سیاسی و مشارکت سیاسی در خاورمیانه پژوهش کرده است.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

محور دوگانه «شرارت»
در ژانویه ۲۰۰۲ جرج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت ایالات متحده، عبارت معروف «محور شرارت» را در سخنرانی خود درباره وضعیت منطقه‌ای به کار برد. او حکومت‌های ایران، عراق و کره شمالی را اعضا و مثلث محور شرارت معرفی کرد و آنها را به پناه دادن و حمایت از تروریست‌ها جهان متهم نمود. اصطلاح جرج دبلیو بوش جهان‌بینی دوگانه‌ای را ایجاد کرد که یکسوی آن آمریکا و کشورهای معتدل قرار گرفته‌اند و در سوی دیگر حکومت ایران و همه سازمان‌های تروریستی و دولت‌های حامی آن قرار می‌گیرند. او دشمنان آمریکا را افرادی توصیف کرد که «فرزندان دیگران را به مأموریت‌های انتحاری، کشتار و قتل سوق می‌دهند.»

بوش رهبران محور «شرارت» را افرادی دانست که «ظلم، استبداد و مرگ را به عنوان یک عقیده» پذیرفته‌اند. او همچنین ایالات متحده و هم‌پیمانانش را قهرمانان مبارزه برای آزادی و رهایی مردم از این نوع دشمنان تاریک‌اندیش دانست.

سخنان بوش در آن زمان بیشتر بر رفتار رژیم ایران پس از «انقلاب» خمینی متمرکز بود که رویکرد صدور انقلاب خود را به سراسر منطقه و جهان به عنوان یکی از ارکان خود قرار داده بود.

در دوران خمینی بود که رژیم ایران شروع به تأسیس و حمایت از نیروهای نیابتی خارج از مرزهای خود، مانند حزب‌الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی و احزاب فرقه‌ای در عراق و یمن کرد و این گروه‌ها را تشویق به ترور و مرگ «شهادت» به عنوان راهی به سوی رهایی نمود.

پس از مرگ خمینی، رژیم جمهوری اسلامی ایران همچنان این سناریو را به عنوان یک ضرورت بی‌بدیل برای مبارزه با آمریکا و اسرائیل در دستور کار نگهداشت و همین نیز معرف دو رژیم ایران و عراق به عنوان اصلی‌ترین محور دوگانه‌ی «شرارت» شد که آمریکا برای مقابله با آنها تلاش می‌کرد.

● در ژانویه ۲۰۰۲ جرج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت ایالات متحده، عبارت معروف «محور شرارت» را در سخنرانی خود درباره وضعیت منطقه‌ای به کار برد. او حکومت‌های ایران، عراق و کره شمالی را اعضا و مثلث محور شرارت معرفی کرد و آنها را به پناه دادن و حمایت از تروریست‌ها جهان متهم نمود.

● با این حال، اصطلاح «محور شرارت» که با هدف تضعیف نقش رژیم ایران به کار گرفته شد، ناخواسته باعث خلق اصطلاح دیگری از سوی تهران و نیروهای وابسته به آن تحت عنوان «محور مقاومت» شد که از سال ۲۰۰۴ تهران برای پیشبرد برنامه توسعه طلبانه و «انقلابی» خود از آن استفاده می‌کند.

● در طول دو دهه گذشته، رژیم ایران اصطلاح «محور مقاومت» را به عنوان پادزهری برای مقابله با آمریکا و اسرائیل به کار گرفته و این اصطلاح را با مفاهیم مبارزه «مشروع» برای «عدالت»، جایگزین مفهوم «صدور انقلاب اسلامی» مورد نظر خمینی در بسیاری از گفتمان‌های عمومی کرد چرا که مقامات رژیم ایران دریافتند که طرح چنین شعاری برای دست یافتن آنها به اهداف توسعه طلبانه و گسترش نفوذ خود در خاورمیانه مفیدتر از شعار «صدور انقلاب» است که گفتمان آن در داخل خود ایران شکست خورده است!

لینا الخطیب (المجله) - به دنبال ضربات متوالی که اسرائیل بر رژیم ایران و نیروهای نیابتی آن وارد کرد، اکنون زمان پایان دادن به مثلاً «محور مقاومت» فرا رسیده است. از دست‌کم بیست سال گذشته، این اصطلاح تنها به شبکه کارگزاران و نیروهای نیابتی رژیم ایران در خاورمیانه اطلاق می‌شود که اهداف و روابط واقعی این رژیم و متحدانش را پنهان می‌کرد تا اینکه حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس رخ داد. جنگ غزه روشن کرد که اصطلاح «محور مقاومت» افسانه‌ای بیش نبوده و در دنیای واقعیت‌ها هرگز مقاومتی وجود نداشته است.

مسعود پزشکیان و رویای «تغییر پایتخت» کارشناسان معتقدند در حال حاضر عملی نیست!



بسیار جامع بود. طرح آمایش به معنای تناسب جمعیت و امکانات و قابلیت‌های مناطق مختلف است. این برنامه به‌خصوص برای بخش‌های جنوبی کشور و حاشیه خلیج فارس، طرح‌های بسیار خوبی، ارائه کرده بود. متأسفانه، این طرح اجرا نشد و برخی بی‌تدبیری‌ها و بی‌کفایتی‌ها هم باعث شده تمام امکانات در تهران جمع شود، به شکلی که اکنون نیز نمی‌توان این وضعیت را سر و سامان داد.»

این اقتصاددان معتقد است مشکل «تهران» نیست بلکه «آمایش سرزمین» است: «اکنون، هم فشار روی محیط زیست وجود دارد و هم مسائل اجتماعی، تهران را درگیر کرده است. همچنین شاهد تخلیه بقیه نقاط ایران به سمت تهران هستیم. در واقع وقتی همه امکانات متمرکز در تهران است، از سایر نقاط به سمت تهران، مهاجرت گسترده رخ می‌دهد. در نتیجه شاهد بیابان‌زایی هم خواهیم بود. هرچه روستاها و شهرها تخلیه شوند، مشکلات محیط زیستی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین با توجه به تراکم بالای جمعیت در تهران، می‌بینیم که برای تفریح کوتاه به سمت شمال تهران، مسیر ۲ الی ۳ ساعته، بیش از ۱۰ ساعت طول می‌کشد. پس مشکل اصلی کشور ما در حال حاضر عدم اجرای درست طرح آمایش سرزمین است. ما در حال حاضر نه توان و نه هزینه این نوع جابجایی را داریم.»

او معتقد است در حالی که نه بودجه و نه امکان تغییر پایتخت وجود دارد، باید کم‌کم و با برنامه‌ریزی به سمت دو پایتختی شدن پیش رفت: «اگر مسئولان می‌خواهند فکری برای این وضعیت داشته باشند بهتر است به این سمت بروند که، همه امور سیاسی، تجاری و بانکی را در پایتخت متمرکز نکنند و اگر می‌خواهند توزیع امکانات را در بقیه مناطق کشور داشته باشند به شکل اندک اندک و به تدریج این کار را انجام دهند.»

گذشته موضوع تغییر پایتخت را نیز مطرح کرد. وی در سخنانی گفته «اینکه بخواهیم همچنان منابع اولیه را از جنوب کشور و دریا به مرکز بیاوریم و تبدیل به محصول کنیم و دوباره برای صادرات به جنوب بفرستیم، به شدت توان رقابت ما را مستهلک کرده و کاهش می‌دهد.» تهران به دلیل عدم توسعه زیرساختی و محیط زیست متناسب با کلانشهری که حدود ۱۵ میلیون نفر را در خود اسکان داده، با مشکلات مختلفی روبروست. از دولت میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی تا دولت حسن روحانی موضوع تغییر پایتخت به عنوان گزینه‌ای برای حل مشکلات تهران مطرح بوده اما پس از امکان‌سنجی و ارائه نظرات کارشناسان این گزینه به فراموشی سپرده شده است. اکنون مسعود پزشکیان رئیس دولت تازه تأسیس چهاردهم نیز موضوع تغییر پایتخت را، با در نظر گرفتن سود و زیان اقتصادی مطرح کرده است. کارشناسان اما چنین اقدامی را زیانبار و در شرایط کنونی غیرعملی ارزیابی می‌کنند.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در اینباره گفته «سال‌هاست که بحث جابجایی پایتخت مطرح می‌شود، ولی متأسفانه مثل بسیاری از موارد دیگر، کارشناسان یا شاید بهتر است بگوییم کارناشناسان، از سر گشاد قیف [شیپور] به این نوع موضوعات می‌دمند و بیشتر دنبال معلول می‌گردند تا علت. علت اصلی تمرکز امکانات، سرمایه‌ها، ثروت‌ها و نیروهای نخبه در تهران و یکی دو شهر دیگر، بی‌تدبیری‌ها یا ناآگاهی‌هایی است که مدیران مسئول، داشته‌اند.»

مرتضی افقه افزوده که «قبل از انقلاب، قراردادی با شرکت «ستیران» فرانسه امضا شد برای مطالعات آمایشی. طرح آمایش سرزمین شرکت ستیران در سال ۱۳۵۳ تحویل داده شده که افق آن ۲۵ ساله و تا سال ۱۳۷۸ بود. این طرح

مشخص نیست مسعود پزشکیان در شرایطی که دولت‌اش در آغاز کار با چنان کسری بودجه‌ای روبرو بوده که به منابع صندوق ذخیره ارزی دستبرد زده، بر چه اساسی موضوع تغییر پایتخت را مطرح کرده است!

● غلامحسین کرباسچی: اگر آقای پزشکیان در دولت خود قصد دارند مسائل را خارج از مباحث سیاسی و احساسی مورد رسیدگی قرار دهند و بر کار کارشناسی تأکید دارند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند که در گذشته در شهر تهران کار کارشناسی زیاد انجام شده است. ● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه: مثل بسیاری از موارد دیگر، کارشناسان یا شاید بهتر است بگوییم کارناشناسان، از سر گشاد قیف [شیپور] به این نوع موضوعات می‌دمند و بیشتر دنبال معلول می‌گردند تا علت.

● «انتقال پایتخت» نه تنها به دلیل بودجه هنگفتی که نیاز دارد بلکه به دلیل عدم توان اجرایی چنین طرح کلانی از سوی جمهوری اسلامی در عمل منتفی است.

● در دو دهه گذشته بارها بودجه و زمان قابل توجهی صرف تحقیقات تغییر پایتخت شد اما در نهایت همه آنها تغییر پایتخت را امکان‌پذیر ارزیابی نکردند. کاهش بحران‌های تهران اما با «تمرکززدایی» ممکن خواهد شد؛ موضوعی که بیش از نیم قرن پیش در طرح «ستیران» نیز مورد توجه حکومت پهلوی قرار گرفته بود اما پس از انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی آن را به فراموشی سپرد.

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم به تازگی در سخنانی به موضوع تغییر پایتخت اشاره کرده است. کارشناسان اما معتقدند نه بودجه و نه توان اجرایی و اداری تغییر پایتخت در حال حاضر وجود ندارد.

مسعود پزشکیان که اظهارات او در زمینه‌های مختلف از بنزین تا گشت ارشاد با واکنش‌هایی روبرو شده طی روزهای

نخستین سفر خارجی پزشکيان به عراق با توهم «برداشتن مرزهای کشورهای اسلامی» و ضرورت «خشکاندن ریشه صهیونیست»!



استقبال از پزشکيان در فرودگاه بغداد

او ابراز امیدواری کرد که توافق‌های مالی و اقتصادی و همکاری برای توسعه امنیت و ثبات منطقه‌ای بین ایران و عراق رشد و گسترش یابد.

تأکید پزشکيان بر همکاری میان دولت‌های اسلامی برای «بی‌اثر شدن تحریم‌ها» است. وی بر ضرورت وحدت میان کشورهای اسلامی به عنوان «کلید و رمز خشکاندن ریشه تروریسم صهیونیستی» نیز تأکید کرد.

ساعاتی پیش از سفر پزشکيان به بغداد، مقامات امنیتی عراق گفتند در یک پایگاه نظامی در محدوده فرودگاه بغداد که مورد استفاده نظامیان آمریکایی است یک انفجار رخ داده است.

روزنامه «والاستریت ژورنال» بیشتر در گزارشی اعلام کرده بود که بانک‌های عراقی با سوء استفاده از یک سیستم مالی طراحی شده توسط آمریکا، تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را نقض و میلیاردها دلار به ایران منتقل کرده‌اند.

بر اساس این گزارش، این سیستم که توسط شعبه نیویورک بانک مرکزی آمریکا مدیریت می‌شد، فاقد کنترل کافی برای جلوگیری از پولشویی بود و امکان انجام تراکنش‌های تقلبی با هدف تأمین مالی حکومت ایران و شبه‌نظامیان وابسته به آن را فراهم می‌کرد.

برخی منابع داخلی مدعی شدند سفر پزشکيان به عراق می‌تواند زمینه‌ساز آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران باشند.

بحران‌های تهران اما با «تمرکززدایی» ممکن خواهد شد؛ موضوعی که بیش از نیم قرن پیش در طرح «ستیران» نیز مورد توجه حکومت پهلوی قرار گرفته بود اما پس از انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی آن را به فراموشی سپرد.

● مسعود پزشکيان در اولین سفر خارجی خود به عنوان «رئیس جمهور» روز چهارشنبه ۲۱ شهریورماه به عراق سفر کرد. وی در فرودگاه بغداد مورد استقبال رسمی محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق قرار گرفت.

● وی پس از ورود به عراق، ابتدا به محل کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رفت.

● تأکید پزشکيان بر همکاری میان دولت‌های اسلامی برای «بی‌اثر شدن تحریم‌ها» است. وی بر ضرورت وحدت میان کشورهای اسلامی به عنوان «کلید و رمز خشکاندن ریشه تروریسم صهیونیستی» نیز تأکید کرد.

مسعود پزشکيان در اولین سفر خارجی خود به عنوان «رئیس جمهور» روز چهارشنبه ۲۱ شهریورماه به عراق سفر کرد. وی در فرودگاه بغداد مورد استقبال رسمی محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق قرار گرفت.

وی پس از ورود به عراق، ابتدا به محل کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رفت.

یکی از برنامه‌های پزشکيان دیدار با عبداللطیف جمال رشید رئیس جمهوری عراق بود که در آن، بر ضرورت توجه بیشتر بر همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای تأکید کرد. وی همچنین خواستار حرکت به سمت برداشتن مرزهای کشورهای اسلامی مانند اتحادیه اروپا شد!

با اینهمه همانطور که مرتضی افقه نیز تأکید کرده به نظر می‌رسد «انتقال پایتخت» نه تنها به دلیل بودجه‌های هنگفتی که نیاز دارد بلکه به دلیل عدم توان اجرایی چنین طرح کلانی از سوی جمهوری اسلامی در عمل منتفی است. کاهش

مرتضی افقه همچنان طرح «ستیران» را که در زمان محمدرضا شاه فقید طراحی شده بود، راهکار عملی و منطقی ارزیابی می‌کند: «با افزایش تمرکز امکانات در تهران طبیعی‌ست که چاره‌ای بجز افزایش اتوبان‌ها، شهرک‌سازی‌ها و امثالهم نیست؛ بنابراین بعید است که دولت فعلی بتواند طرح تغییر پایتخت را به جایی برساند چرا که سرمایه و زمان زیادی می‌طلبد و برنامه‌ای جامع می‌خواهد. تأکید من بر آمایش سرزمین است، حتی اگر بتوان برنامه «ستیران» را به روزرسانی و اجرا کرد، بهتر از بی‌برنامگی است.»

هنگامی که در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی موضوع تغییر پایتخت مطرح شد، غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران با آن مخالفت کرد. کرباسچی اکنون نیز در واکنش به طرح دوباره موضوع تغییر پایتخت از سوی پزشکيان گفته «آقای رئیس جمهور گفته‌اند: نمی‌شود به مردم بگوئیم بروید و خودمان اینجا بنشینیم، باید اول خودمان برویم! من عرض می‌کنم: کجا می‌خواهید بروید؟! اگر آقای پزشکيان در دولت خود قصد دارند مسائل را خارج از مباحث سیاسی و احساسی مورد رسیدگی قرار دهند و بر کار کارشناسی تأکید دارند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند که در گذشته در شهر تهران کار کارشناسی زیاد انجام شده است اما متأسفانه اداره شهر تهران در پیچ و خم‌های سیاسی افتاده است.»

در دو دهه گذشته بارها بودجه و زمان قابل توجهی صرف تحقیقات تغییر پایتخت شد اما در نهایت همه آنها تغییر پایتخت را امکان‌پذیر ندانستند.

در دولت محمد خاتمی و در سال ۱۳۷۹ پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی از تهران» آغاز شد اما بی‌سرانجام رها شد. در دولت محمود احمدی‌نژاد هم در سال ۱۳۸۶ موضوع تغییر پایتخت از سوی وزارت کار مطرح و وزارت کشور نیز واکنش مثبت نشان داد اما موضوع در حد همین واکنش‌ها باقی ماند.

دو سال بعد هنگامی که زلزله مختصری در جنوب تهران آمد، مجمع تشخیص مصلحت نظام در آبان‌ماه ۱۳۸۸ موضوع تغییر مکان قوای سه‌گانه و مراکز دولتی تهران را مطرح و اعلام کرد مرکز سیاسی کشور باید برای بهبود استقرار جمعیت تا پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، به مکانی مناسب منتقل شود.

در پی نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ طرح جایجایی پایتخت از تهران را به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی بردند. این طرح در حالی در کمیسیون مطرح شد که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که جایجایی کشور به «صلاح» نیست. با اینهمه طرح تغییر پایتخت به مصوبه‌ای منتهی شد که بر اساس آن دولت باید کمیسیونی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، عمرانی، اجتماعی و امنیتی تحقیقاتی را برای «امکان‌سنجی تغییر پایتخت» تشکیل می‌داد.

پس از ماه‌ها در امرداد سال ۹۴ نتیجه تحقیقات این کمیسیون در گزارشی ۲۴۰ صفحه‌ای از سوی وزیر راه و شهرسازی دولت حسن روحانی به مجلس ارائه شد که نشان می‌داد همه اعضای آن تغییر پایتخت سیاسی کشور را غیرعملی خوانده و با آن مخالفت کرده‌اند.

در چنین شرایطی مشخص نیست مسعود پزشکيان که همان زمان نماینده مجلس شورای اسلامی بوده، و در شرایطی که دولت او در آغاز کار با چنان کسری بودجه‌ای روبرو بوده که به منابع صندوق ذخیره ارزی دستبرد زده، بر چه اساسی بار دیگر موضوع تغییر پایتخت را مطرح کرده است!

«جوئیش نیوز سندیکا»:

حکومت ایران به دنبال سرنگونی خاندان سلطنتی اردن است



عبدالله بن حسین ملک عبدالله دوم پادشاه اردن

مناطق شهری اسرائیل از جمله تانیا و کفار سابا تسلط دارند، در حالی که بیشتر اراضی اسرائیل در جنوب مجاور غزه و زمین‌های کشاورزی هستند.»

سیل اسلحه در یهودیه و سامره

مرز با اردن طولانی‌ترین مرز زمینی اسرائیل است و نقاط نفوذ بسیاری دارد. حصار اسرائیلی که این دو را از هم جدا می‌کند کامل نیست و به ویژه جغرافیای کوهستانی و پوشش گیاهی پیچیده، نظارت بر این منطقه را دشوار می‌سازد و همچنین اسرائیل نیروی انسانی کافی برای محافظت از این منطقه طولانی ندارد.

پروفیسور مایکل توضیح می‌دهد که رژیم ایران در لبنان و سوریه آزادانه عمل می‌کند و تقریباً بدون مشکل اسلحه را از مرز تقریباً باز بین سوریه و اردن قاچاق کرده و از آنجا به اسرائیل و یهودیه و سامره انتقال می‌دهد.

وی می‌افزاید، «مرز در سمت اردن پر از شبکه‌های قاچاق است که با مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق انسان، اسلحه و انتقال دانش نظامی پیشرفته فعالیت می‌کنند. بطور سنتی، شبکه‌های تجارت غیرقانونی مواد مخدر برای فعالیت‌های تروریستی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. حکومت ایران در واقع یک سیستم کامل با دسترسی مستقیم به یهودیه و سامره دارد و این منطقه را با اسلحه و مواد منفجره پیشرفته پر کرده و همچنین مقادیر زیادی پول نقد به سازمان‌های تروریستی کمک می‌رساند تا اعضای جدید جذب کنند و اسرائیل را وادار به اقدام نظامی می‌کند. این همان شیوه عملیاتی است که در غزه مشاهده کردیم، فقط در یهودیه و سامره هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و کمتر سازماندهی شده است.»

پس از مپ‌گذاری انتحاری ناموفق در تل‌آویو در ماه گذشته، ارتش اسرائیل عملیات ضدتروریستی گسترده‌ای را در مناطق جنین و طولکریم در شمال سامره با استفاده از حداقل دو تیپ و پشتیبانی هوایی آغاز کرد.

پروفیسور مایکل در اینبار گفت: «ارتش اسرائیل

انفجاری ناموفق در قلب تل‌آویو جان خود را از دست داد و یک رهگذر را که با اسکوتر برقی عبور می‌کرد را اندکی مجروح کرد. مپ‌گذار یک دستگاه انفجاری قدرتمند را در کوله‌پشتی خود حمل می‌کرد که به گفته رسانه‌های عبری، قبل از رسیدن به مقصد منفجر شد.

یکی از شاخه‌های حماس ۲۱ مرداد در شهر جنین در شمال سامره، یوناتان دویج ۲۳ ساله را به قتل رساندند و یک اسرائیلی دیگر را در حمله تیراندازی در دره اردن مجروح کردند.

چند روز قبل، نیروهای دفاعی اسرائیل یک تروریست مسلح را در نزدیکی شهر «بئر برهوت» در دره اردن، که در مسیر انجام یک حمله بود، به ضرب گلوله کشتند. بررسی نظامی نشان داد که این حمله قرار بود نیروهای امنیتی را به سمت مواد منفجره بکشاند.

رد پای رژیم ایران

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل اوایل شهریورماه به «کان نیوز» گفت: «ایران از طریق تأمین مالی و تسلیح تروریست‌ها و قاچاق سلاح‌های پیشرفته از اردن در حال تلاش برای ایجاد یک جبهه تروریستی شرقی در یهودیه و سامره، درست مانند مدل غزه و لبنان است، ما باید با این تهدید همانطور که با زیرساخت‌های تروریستی در غزه مقابله می‌کنیم، برخورد کنیم، از جمله تخلیه موقت ساکنان فلسطینی و هر اقدام ضروری دیگری که لازم باشد.»

کوبی مایکل با تأیید این دیدگاه یسرائیل کاتز به JNS گفت: «در پی دستاوردهای مهم اسرائیل در نوار غزه، تهران متوجه شد که حماس را در جنوب اسرائیل از دست داده است. از آنجا که جمهوری اسلامی همچنان استراتژی «حلقه آتش» و جنگ فرسایشی علیه اسرائیل را رها نکرده، پس در تلاش است تا از دست دادن آنچه را در غزه داشته با ایجاد یک جبهه جدید در یهودیه و سامره جبران کند.»

وی افزود: «یهودیه و سامره پتانسیل بیشتری نسبت به نوار غزه برای تبدیل شدن به یک منبع خطر دارند. در این مناطق نیم میلیون یهودی زندگی می‌کنند و بر بسیاری از

شماری از تحلیلگران معتقدند به ویژه پس از شکست حماس در غزه، جمهوری اسلامی با قاچاق سلاح و مواد مخدر به اردن به دنبال تأمین مالی تروریسم از یکسو و سرنگونی نظام پادشاهی در این کشور است.

پروفیسور کوبی مایکل محقق ارشد در مؤسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) در مصاحبه با «جوئیش نیوز سندیکا» (JNS) می‌گوید «در پی دستاوردهای مهم اسرائیل در نوار غزه، تهران متوجه شد که حماس را در جنوب اسرائیل از دست داده است. از آنجا که جمهوری اسلامی همچنان استراتژی «حلقه آتش» و جنگ فرسایشی علیه اسرائیل را رها نکرده، پس در تلاش است تا از دست دادن آنچه را در غزه داشته با ایجاد یک جبهه جدید در یهودیه و سامره جبران کند.»

مرز با اردن طولانی‌ترین مرز زمینی اسرائیل است و نقاط نفوذ بسیاری دارد. حصار اسرائیلی که این دو را از هم جدا می‌کند کامل نیست و به ویژه جغرافیای کوهستانی و پوشش گیاهی پیچیده، نظارت بر این منطقه را دشوار می‌سازد و همچنین اسرائیل نیروی انسانی کافی برای محافظت از این منطقه طولانی ندارد.

یوناتان یاکوبویچ بنیانگذار مرکز سیاست مهاجرت اسرائیل و مشاور ویژه سابق در وزارت کشور اسرائیل توضیح داد، اردن به دلیل مجاورت با مراکز جمعیتی، برخلاف مرز مصر که نیازمند عبور از صحرای سینا است، به عنوان یک مسیر راحت برای مهاجران شناخته می‌شود. یاکوبویچ اضافه کرد: «امان [پایتخت اردن] تا نقطه‌ی ورود با تاکسی فقط یک ساعت فاصله دارد.»

پروفیسور مایکل تأکید کرد که رژیم ایران در شبکه‌های قاچاق در اردن دو هدف دارد: مسلح کردن فلسطینی‌ها و تضعیف پادشاهی هاشمی. او مسئله اردن را یک نقطه کور نامید که آمریکایی‌ها بطور کامل به آن توجه نمی‌کنند. شماری از تحلیلگران معتقدند به ویژه پس از شکست حماس در غزه، جمهوری اسلامی با قاچاق سلاح و مواد مخدر به اردن به دنبال تأمین مالی تروریسم از یکسو و سرنگونی نظام پادشاهی در این کشور است.

به گفته یک متخصص امنیتی عضو مؤسسه مطالعات امنیت ملی (INSS)، جمهوری اسلامی در تلاش است با تقویت تروریست‌ها در مناطق فلسطینی، «از دست دادن غزه» را جبران کند.

با افزایش تنش‌ها در مرز میان اسرائیل و اردن، پروفیسور کوبی مایکل محقق ارشد در مؤسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) در مصاحبه با «جوئیش نیوز سندیکا» (JNS) که ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) منتشر شد عنوان کرد، «قاچاق تسلیحات و درگیری در مرز اسرائیل و اردن همیشه وجود داشته است، اما دامنه آن بسیار کمتر بود. اردنی‌ها در تلاش برای مهار این پدیده هستند، اما همانطور که اسرائیل با چالش‌هایی روبروست، پادشاهی اردن نیز با مشکلاتی مواجه است.»

در همین ارتباط اخیراً رویدادهایی اتفاق افتاد که به این موضوع اشاره دارند:

-یک شهروند اردنی ۱۸ شهریورماه در گذرگاه «پل النبی» سه اسرائیلی را قتل رساند.

-یک مپ‌گذار انتحاری ۱۸ مرداد از منطقه نابلس در

سرتگون کند. این کار، همراه با سوریه و عراق، یک دایره‌ی محاط به دور اسرائیل در اختیار آنها قرار می‌دهد. مایکل تأکید می‌کند که رژیم ایران در شبکه‌های قاچاق در اردن دو هدف دارد: مسلح کردن فلسطینی‌ها و تضعیف پادشاهی اردن. او مسئله اردن را یک نقطه کور نامید که آمریکایی‌ها بطور کامل به آن توجه نمی‌کنند.

وی گفت: «فشار برای پایان دادن به جنگ در غزه به هر قیمتی، بدون در نظر گرفتن تمام زمینه‌های مشکلات خاورمیانه، و شعار دادن برای یک تشکیلات ملی فلسطینی- که در واقع به یک تشکیلات ملی فلسطینی تجدید حیات یافته تبدیل خواهد شد- تنها به بی‌ثباتی بیشتر در منطقه و تهدیدات جدی‌تر منجر خواهد شد.»

مایکل تأکید کرد، «کریدور فیلادلفی، نوار باریک زمین بین نوار غزه و مصر که اکنون تحت کنترل ارتش اسرائیل است، یک موضوع اصولی است.»

کریدور فیلادلفی در حالی به موضوعی جنجالی تبدیل شده که اهمیت آن در توافق احتمالی اسرائیل با حماس، بر اثر فشارهای بین‌المللی و داخلی بر دولت اسرائیل برای واگذاری این کریدور به این سازمان تروریستی در ازای آزادی ۱۰۱ گروگان اسرائیلی باقیمانده بیشتر چشمگیر شده است. پروفیسور مایکل همچنین توضیح داد: «اگر اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی از فیلادلفی شود، این می‌تواند پیش‌زمینه‌ی خطرناکی برای عقب‌نشینی از دژه اردن در آینده باشد. خطر افزایش فشارهای سیستماتیک علیه اسرائیل وجود دارد که می‌تواند توانایی آن را برای دفاع از خود در سایر نوارهای امنیتی در نوار غزه، و همچنین در مناطقی مانند یهودا و سامره در آینده، محدود کند. همان منطقی که برای حفاظت از مرز اردن صادق است، در مورد حفاظت از کریدور فیلادلفی نیز صدق می‌کند.»

است که ما در مصر تجربه کردیم. اکنون چندین نقطه ورود در منطقه عرابه جنوب تا بحرالمت، در دره اردن و نزدیک کیبوتص اشدوت یعقوب و جنوب دریای جلیل وجود دارد.» اردن به دلیل مجاورت با مراکز جمعیتی، برخلاف مرز مصر که نیازمند عبور از صحرای سینا است، به عنوان یک مسیر راحت برای مهاجران شناخته می‌شود. یاکوبوویچ اضافه کرد: «امان [پایتخت اردن] تا نقطه‌ی ورود با تاکسی فقط یک ساعت فاصله دارد.»

او همچنین گفت که افزایش مهاجرت غیرقانونی از اردن بطور مستقیم با افزایش قاچاق اسلحه به یهودیه و سامره، که به دست سازمان‌های تروریستی و باندهای جنایتکار در داخل اسرائیل می‌رسد، ارتباط دارد.

یاکوبوویچ توضیح داد: «اگر بدانید چگونه کارگران سریلانکایی را بدون گیر افتادن قاچاق کنید، اسلحه را هم قاچاق خواهید کرد.» او تأکید کرد که هرچه اسرائیل بیشتر در رسیدگی به هجوم مهاجران غیرقانونی تأخیر کند، در آینده اقدامات بیشتری برای متوقف کردن آنها لازم خواهد بود.

او نتیجه‌گیری کرد: «مهاجرت بطور کلی به مشوق‌ها بستگی دارد. مشوق‌های منفی وضعیت را بسیار سریع‌تر و مؤثرتر از آنچه بسیاری از مردم تصور می‌کنند تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل است که دولت باید به سرعت عمل و همین حالا اقدام کند.»

اردن کلیدی برای ثبات منطقه است

در مورد دخالت حکومت ایران در اردن، پروفیسور کوبی مایکل تأکید کرد که هدف نهایی تهران دستیابی به رهبری ایرانی-شیعه در خاورمیانه است.

او گفت: «خیال خام جمهوری اسلامی این است که در اردن سیطره پیدا کند. حکومت ایران سال‌هاست که بطور فعال تلاش می‌کند که هاشمی‌ها [خانندان سلطنتی اردن] را

می‌خواهد جدی وارد عمل بشود و از عملیات‌های جراحی خود در یهودیه و سامره فراتر رفته است. این عملیات با شدت بالا در سراسر منطقه انجام می‌شود و نتایج آن قاطع است: ده‌ها تروریست کشته شدند، به زیرساخت‌های تروریستی خسارات جدی وارد شده و شدت آن فقط افزایش خواهد یافت.»

وی در ادامه گفت که اسرائیل به خوبی از مشکل در امتداد مرز اردن آگاه است و معتقد است که آن را با ساخت موانع فیزیکی، افزودن نیروهای امنیتی و افزایش اطلاعات برای جلوگیری از قاچاق حل خواهد کرد.

پروفیسور مایکل همچنین اظهار داشت: «شما نمی‌توانید صد درصد جلوی همه قاچاق‌ها را بگیرید. اما می‌توانید بطور سیستماتیک کار کنید تا آن را به اندازه‌ای کاهش دهید که توانایی‌های تروریستی در یهودیه و سامره به طرز قابل توجهی تضعیف شود، آنهم در حالی که به عملیات‌های نظامی قاطعانه و تهاجمی نیز ادامه می‌دهید.»

مرز مصر

یونانان یاکوبوویچ بنیانگذار مرکز سیاست مهاجرت اسرائیل و مشاور ویژه سابق در وزارت کشور اسرائیل، هفته گذشته به JNS گفت که اسرائیل در گذشته نیز با مشکلی مشابه در مرز مصر مواجه بود.

وی اشاره کرد: «جریان نفوذ مهاجران آفریقایی از مرز مصر در سال ۲۰۱۲ متوقف شد و بطور عمده به تکمیل حصار مرزی نسبت داده شد. اما می‌دانیم که حصار تنها عامل توقف آن نبود. چندین ماه قبل از تکمیل حصار، تعداد مهاجران از تقریباً ۲۰۰۰ نفر در ماه به صدها نفر، سپس چند ده نفر و نهایتاً صفر کاهش یافته بود.»

او ادامه داد: «یک حصار با ایجاد موانع در نفوذ به مرز می‌تواند کمک کند اما نمی‌تواند بطور کامل ورود غیرقانونی را متوقف نماید. ما از صدها مهاجری که طی دهه گذشته از حصار مصر بالا رفته‌اند آگاهیم و موارد مشابهی از نفوذ از اردن و یهودیه و سامره را نیز دیده‌ایم که فلسطینیان بطور غیرقانونی وارد اسرائیل شده‌اند. اگر ۶۰ هزار کارگر فلسطینی می‌توانند روزانه به اسرائیل وارد شوند، یک پمپ‌گذار انتحاری نیز می‌تواند همین کار را انجام دهد.»

این مشاور سابق تأکید کرد که عامل اصلی توقف جریان مداوم مهاجران از مصر، اصلاح قانون «پیشگیری از نفوذ» بود که در ۹ ژانویه ۲۰۱۲ تصویب شد.

یاکوبوویچ همچنین گفت: «این قانون تصریح می‌کرد که هر مهاجری می‌تواند تا سه سال در یک مرکز بازداشت نگهداری شود، که فوراً تأثیر قابل‌توجهی بر انگیزه‌ها برای ادامه نفوذ گذاشت. اما دیوان عالی اسرائیل سه حکم کنست را که مربوط به مراکز بازداشت بودند لغو کرد، از جمله قانونی که کارفرمایان را موظف می‌کرد تا ۲۰ درصد از دستمزد کارگران غیرقانونی کسر کنند که بعداً پس از خروج از کشور به آنها بازگردانده می‌شد. همچنین قانون دیگری در مورد اخراج به کشور سوم را نیز لغو کرد.»

او افزود: «این بدان معنا بود که اسرائیل بار دیگر به مقصد جذابی برای جمعیت‌هایی تبدیل شد که از مرز مصر وارد می‌شدند، عمدتاً سودانی‌ها، اریتره‌ای‌ها و اتیوپیایی‌ها، اردن را به عنوان مسیری آسان‌تر برای ورود به اسرائیل یافتند.»

یونانان یاکوبوویچ به این موضوع اشاره کرد که نفوذ از مرز اردن در سال ۲۰۲۱، با ده‌ها نفر که در هر ماه وارد می‌شدند آغاز شد. اما حالا، هرچند که او نتوانست آمار دقیقی ارائه دهد، به منابع نظامی اشاره کرد که می‌گویند چهار هزار نفر به صورت غیرقانونی از ابتدای سال وارد شدند.

او گفت: «این افزایش تصاعدی از اردن دقیقاً همان چیزی

مسعود رهنما، عمری در خدمت تئاتر و سینما



جدید داریوش رضوانی با اقتباس از شاهکار ایرج پزشکزاد با عنوان «عمارت دانی‌جان» به لندن سفر کرده، گفتگویی انجام داده است و بیش از پنج دهه فعالیت در زمینه تئاتر، سینما و تلویزیون در ایران و در خارج از مرزها را با او مرور کرده است.

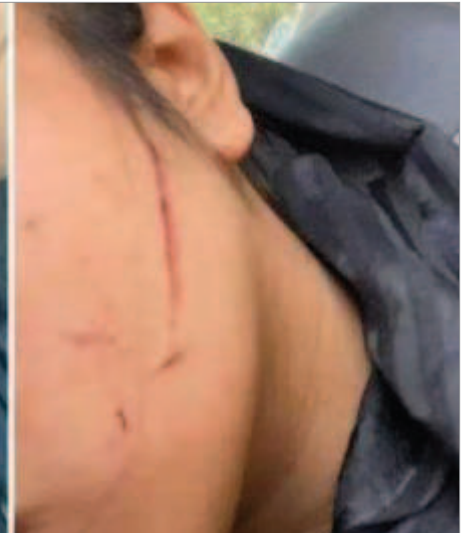
«عمارت دانی‌جان» در روزهای ۱۴ و ۲۱ سپتامبر در تئاتر Artdepot به روی صحنه خواهد رفت.

مسعود رهنما بازیگر توانای تئاتر و سینما از ۱۲ سالگی روی صحنه حضور دارد و اولین جایزه‌اش را در دوران دبیرستان برای نقش آفرینی در تئاتر دریافت کرد. امروز خانه او در وین، پایتخت اتریش، موزه کوچکی از جوایزی است که در این سال‌های مهاجرت اجباری در کشورهای مختلف برای فعالیت‌هایش در تئاتر و سینما دریافت کرده است.

احمد رأفت با مسعود رهنما که برای ایفای نقشی در کار

ویدئو

روایت تکانهنده مادر «نفس» درباره شرایط روحی فرزندش شکایت از مأموران گشت ارشاد دو ماه در بن بست!



را کردم تا فردا نگویند، اگر به فراجا و بازرسی و حفاظت اطلاعات و... شکایت می‌کردید، پیگیری می‌شد. بنابراین به بازرسی ناجا، حفاظت اطلاعات ناجا، بازرسی فراجا، حفاظت اطلاعات فراجا و بازرسی کل ناجا و دفتری که مربوط به آقای رادان است، شکایت کردم. همچنین به ۱۹۷ و دادسرای نظامی هم شکایت کردم. اکنون دو ماه و نیم است که من و وکیلیم در حال رفت و آمد هستیم. اما نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.»

به گفته مریم عباسی، «یکی از مأموران خانم که نفس را گرفته، مدت‌ها بعد ادعا کرده، انگشتش در رفته، بلافاصله برای او وقت دادرسی تشکیل داده‌اند! چطور ممکن است، شکایت ما اینهمه مدت به جایی نرسد و بعد افرادی که بچه مرا کتک زده‌اند بدون هیچ سند و مدرکی دادگاه‌شان برگزار شود! بین راه، نفس را از من اول پیاده کرده و سوار ون دوم کردند. چون اگر مسئولان قضایی، درخواست دوربین ون را کردند، دوربین ون دوم را ارائه کنند. وقتی نفس این موضوع را به من گفت، همه جا اعلام کردم، نفس سوار دو خودرو شده است. خوشبختانه ما در مورد اینکه بچه‌ها را از خودروی ابتدایی پیدا کردند و سوار ون دوم کردند، شاهد داریم.»

وضعیت روحی این دختر نوجوان با گذشت دو ماه از تجربه تلخی که هنگام بازداشت توسط مأموران داشته همچنان بحرانی است. مادرش گفته «نفس از خانه بیرون نمی‌رود. حتی جرأت نمی‌کند پیش تریا بیست برود. دچار اضطراب و استرس شدید است. برخی مشکلات را نمی‌توانم بگویم اما از نظر روحی و روانی آسیب زیادی پیدا کرده است. چند شب اول خوابش نمی‌برد، نصف شب از ترس اینکه مأموران قرار است به خانه بزنند، پیش من می‌آید. در مجتمع مسکونی ما دوربین وجود دارد، هر روز صبح اول دوربین واحد را می‌بیند تا مطمئن شود مأموران پشت درب خانه نیستند و بعد کارهایش را انجام می‌دهد.»

مادر نفس گفته «در ون بچه را ترسانده بودند که خود و خانواده‌ات را به زندان می‌اندازیم و ولت نمی‌کنیم. او را تهدید کرده بودند تو را به زندان می‌فرستیم. این روند باعث استرس و ترس شدید نفس شده است. نفس یک دانش‌آموز نخبه، یک هنرمند مستعد و یک ورزشکار مدال‌آور ←

تیرماه ۱۴۰۳ در خیابان وطن‌پور شمالی زمانی که قصد داشتند به مرکز خرید بروند، توسط مأموران گشت ارشاد به وضع عجیب و خشونت‌باری دستگیر می‌شوند. ما در یک کافی‌شاپ نزدیک به خیابان وطن‌پور بودیم. دخترم و دوستش برای تحویل گرفتن خریدشان به مرکز خرید رفتند و من منتظر بازگشت آنها بودم. دقایقی بعد متوجه شدم موبایل بچه‌ها خاموش شده. سراسیمه شده بودم و از استرس کم مانده بود قالب تهی کنم. ساعت شش و نیم عصر بچه‌ها را می‌گیرند و تا ساعت ۸ به من خبری ندادند.»

او گفته «فکرم هزار جا رفت و آرام و قرار نداشتم. نهایتاً از گوشی دوستش به من زنگ زدند و خبر دادند که گشت ارشاد آنها را گرفته.» وی افزود: «من تلاش کردم گوشی را به مامور خانم بدهم تا به او بگویم که این بچه‌ها ۱۴ ساله‌اند تا برخورد مناسبی با آنها صورت گیرد. اما مامور خانم بدون توجه به حرف من گفتند به مرکز پلیس امنیت گیشا بیاوید. در مسیر بودم که آقای به من زنگ زد و گفت: «دخترتان جلوی من نشسته؛ آب هم به او داده‌ایم، روبروی کولر و هیچ اتفاقی برای او نیفتاده. روسری داشتید بیارید، نداشتید هم ایرادی ندارد! فقط بیاوید دنبالش.» وقتی این مامور به من گفت اتفاقی برای بچه‌تان نیفتاده، و روسری هم نیاورید فهمیدم از لحاظ قانونی نمی‌توانستند بچه را بازداشت کنند. وقتی رسیدم، همانند که چه حرف‌ها و فحش‌های زشتی به من دادند. به من گفتند: «دخترت را تو خیابون ول کردی. دخترت... است.» من از یک طرف نگران بچه بودم و از طرف دیگر با تحقیق‌های ممتد مواجه بودم.»

مادر نفس در ارتباط با جزئیات اتفاق تکانهنده‌های که برای دخترش افتاده گفته «وقتی رسیدم، دیدم صورت دخترم زخمی و خونی است. گردنش کبود شده و جای چنگ در جای‌جای بدنش وجود دارد. لباس‌هایش پاره‌پاره و او برای اینکه پیراهنش نیفتد، آن را گره زده است. حیرت‌آور اینکه بدون روسری جلوی آنهمه مرد بی‌حال نشسته بود. من تعجب کردم به خاطر حجاب نفس را گرفته‌اند، بعد نفس بی‌حجاب منتظر من نشسته است.»

مادر نفس گفته «حام بد شد و با مأموران بحثم شد. بلافاصله به همه نهادهای قانونی شکایت کردم. این کار

● مادر نفس حاجی شریف نوجوان ۱۴ ساله ساکن تهران که اول تیرماه مورد ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد قرار گرفت، می‌گوید با گذشت دو ماه از آن اتفاق، دخترش دچار اضطراب و استرس شدید شده، از خانه بیرون نمی‌رود و حتی جرأت نمی‌کند پیش تریا بیست برود. شکایت از مأموران حکومت نیز هنوز به جایی نرسیده است.

● «وقتی رسیدم، دیدم صورت دخترم زخمی و خونی است. گردنش کبود شده و جای چنگ در جای‌جای بدنش وجود دارد. لباس‌هایش پاره‌پاره و او برای اینکه پیراهنش نیفتد، آن را گره زده است.»

● نفس از جمله قربانیان تحمیل حجاب اجباری در ایران است که ویدئوی ضرب و جرح او توسط مأموران حکومتی شانزدهم امرداد منتشر و با واکنش گسترده مردم علیه حکومت همراه شد.

مادر نفس حاجی شریف نوجوان ۱۴ ساله ساکن تهران که اول تیرماه مورد ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد قرار گرفت، می‌گوید هنوز به شکایت او از مأموران حکومت رسیدگی نشده است. او افزود دخترش همچنان وحشت‌زده است و حتی از رفتن نزد تریا بیست هم می‌ترسد.

مریم عباسی مادر نفس حاجی شریف در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» می‌گوید همچنان پیگیر مجازات مأمورانی است که فرزند نوجوان او را وحشیانه مورد ضرب و جرح قرار دادند. او گفته دخترش دچار اضطراب و استرس شدید شده؛ از خانه بیرون نمی‌رود؛ حتی جرأت نمی‌کند پیش تریا بیست برود.

او در رابطه با پرونده شکایت از مأمورانی که اول تیرماه امسال دخترش را به بهانه «حجاب» مورد ضرب و جرح قرار دادند گفته «از ابتدای شکل‌گیری این بحران تلاش کردم از طریق قانونی موضوع را دنبال کنم. هدف از پیگیری این پرونده آن است که دختر من بداند در این کشور فرقی نمی‌کند متخلف در چه لباس و چه پست و سمتی باشد. هر زمان که تعرضی به حقوق او یا خود او صورت گیرد، دستگاه قضایی و قانون کشور از او حمایت می‌کند. نمی‌خواهم بچه‌ام از مملکت خود بترسد.»

مادر نفس افزوده «دختر ۱۴ ساله من و دوستش در یک



جان باختن سارا دلدار از معترضان جنبش ملی ۱۴۰۱ به دلیل عفونت ناشی از ساچمه و جراحات دوران بازداشت

من کاری نکردم جز اینکه زخمی‌ها رو نجات دادم و جراحی کردیم و سکوت نکردم در برابر وجدانم و جز قلمی که جز راستی هیچ نوشت.

او افزوده که «روزها گذشت داخل زندان و تا حکم اومد: دو تا حکم یک سال و سه ماه و ده روز و شش ماه و خورده‌ای. موندم و ازادی مشروطم اومد. این مدت هر جقدر هر ثانیه چه چیزایی گذشت و بگم باز کمه. از بهداشت، از دعاها از سرما از گرما از اینکه آرزوت باشه ماه و آسمون رو ببینی ولی خب همه این چیزا و صد برابرش برای وطن کمه. وقتی که اومدم به هیچکس نگفتم، تا استقبالم نیان تا هیچ گلی نیارن، وقتی آزادی هیچ معنی نداشت.»

سارا دلدار در ادامه نوشته است: «روزها گذشت. هم‌اش فکر و ذهنم زندان بود... پیش دخترایی که کمکشون کردم و ترک کردن. پیش اینکه وای دعوا نشه وای برف نیاد سردشون میشه... حتی غذاهایی که هوس کرده بودم و برام درست میکردن نمیخوردم تا اینکه گفتم اینجوری نمیشه... باید بلند شم مثل همیشه رفتم سرکار. خودم از صبح تا شب درگیر کردم تا برسم خونه بخوابم و فکری نکنم همه رو محل کار خندوندن و انرژی دادم تا اینکه کم کم مریض شدم. پیگیری کردم، دکتر رفتم تا اینکه هر روز بدتر عفونت...»

سارا دلدار تأکید کرده که «هنوز از دومین ماه که زندان بودم پریدم شدم، دیگه عادت ماهیانه نشدم. تو زندان فشار عصبی گرفتم و بعد مشکلا دیگه... گفتم شاید چون من کبدم مشکل داشت این عفونت‌ها رو گرفتم. یه هفته بیمارستان خوابیدم. دیگه آدم قبل نبودم، ضعیف ضعیف شدم، کم‌خونی شدید و بزرگ شدن طحال و کلیه و تخمدان... بعد دیدم بچه‌هایی که از زندان اومدن خیلیاشون بیماری زمینهای گرفت.»

در این یادداشت که آخرین نوشته و پیام سارا دلدار است همچنین آمده: «ولی با تمام این رنج‌ها و دردها ساچمه‌های تو بدنم و سرم هر لحظه، ناخودآگاه میبینم خیابون پر از صدای تیر و خون، رژه میرن تو ذهنم و جز مشت کردن ناخن داخل گوشتم هیچ تسلی نیست. ولی باز هم با تمام وجود به تمام شیر زنان سرزمینم افتخار می‌کنم و روحم پیش خواهرای تو بند که تمام رنجاشونو دیدم و باهاشون زندگی کردم...»

صفحه اینستاگرامی که گفته می‌شود متعلق به سارا دلدار است به تازگی راه‌اندازی شده و سوم ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۱۴ خردادماه ۱۴۰۳ نخستین پست در آن منتشر شد.

● سارا دلدار شهروند ۳۲ ساله به دلیل عفونت ناشی از ساچمه‌هایی که در تن‌اش بود و دیگر جراحات و بیماری‌هایی که در زندان مبتلا شده بود جان باخت.

● وی در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در شهر رشت بازداشت و بیش از یک سال و سه ماه در زندان لاکان رشت محبوس بود.

● او در آخرین یادداشت در شبکه‌های اجتماعی نوشته بود «ولی باز هم با تمام وجود به تمام شیر زنان سرزمینم افتخار می‌کنم و روحم پیش خواهرای تو بند که تمام رنجاشونو دیدم و باهاشون زندگی کردم...»

سارا دلدار از شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ به اثر عفونت ناشی از ساچمه‌هایی که از سوی مأموران به او شلیک شده بود و همچنین جراحات ناشی از دوران بازداشت و بازجویی درگذشت.

به گزارش منابع حقوق بشری، سارا دلدار شهروند ۳۲ ساله که در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت و بیش از یک سال و سه ماه در زندان لاکان رشت محبوس شد، به دلیل عفونت ناشی از ساچمه‌هایی که در تن‌اش بود و دیگر جراحات و بیماری‌هایی که در زندان مبتلا شده بود جان باخت.

وی به دلیل کمک به مجروحانی که از سوی مأموران حکومتی سرکوب می‌شدند، در شهر رشت هدف شلیک اسلحه ساچمه‌ای قرار گرفت و بازداشت شد. ضعف قوای جسمانی، کم‌خونی شدید، بزرگ شدن طحال، کلیه و تخمدان از جمله مشکلات جسمی هستند که گفته شده سارا دلدار به آنها مبتلا شد.

او پس از بازداشت، به یک سال و سه ماه و شش روز زندان در زندان لاکان رشت محکوم شد و پس از گذراندن شش ماه و اندی بطور مشروط آزاد شد.

سارا دلدار در آخرین پست اینستاگرامی خود در ۳۱ تیرماه امسال، از ابتلا به عفونت در بدنش پس از آزادی از زندان و بستری شدن در بیمارستان خبر داده بود. وی تأکید کرده بود که شمار دیگری از زندانیان آزاد شده از زندان لاکان رشت نیز پس از آزادی با بیماری‌های مشابه دست و پنجه نرم می‌کنند.

او در توضیحاتی که درباره شرایطش منتشر کرده بود، نوشت: «فردا روزی که یکسال پیش از دادگاه مستقیم به زندان لاکان رشت برده شدم هیچ حس و درد و ترسی نداشتم یا حتی نگفتم با خودم کاش این کارو نمی‌کردم. چون

است. مدال‌های قهرمانی فراوانی دارد. این روزها نفس می‌ترسد و مدام از من می‌خواهد از ایران برویم.» او می‌گوید مأمورانی که دخترش را کتک زده و رفتاری وحشیانه با او داشتند همان ابتدا گفته‌اند که شکایت به جایی نمی‌رسد: «زمانی که شکایت کردم، نگاه عاقل اندرسفیهی به من انداخت و گفت: «زنک زدی ۱۹۷؟ حالا بدو زنک بزنی ببین چی کار برات می‌کنه؟ فکر کردی گوش ما رو می‌برن؟» نه تنها نگران برخوردهای حقوقی و قضایی نبودند، بلکه مرا مسخره می‌کردند. مامور کلانتری به من می‌گفت به خاطر اینکه موضوع را افشا کردی با تو برخورد هم می‌شود! گفتم مگر من با رسانه‌های خارجی صحبت کرده‌ام؟ با رسانه‌های داخلی و رسمی کشورم صحبت کردم. این مأموران نه تنها پشیمان نبودند، بلکه به رفتار تند خود افتخار می‌کردند.»

نفس از جمله قربانیان تحمیل حجاب اجباری در ایران است که ویدئوی ضرب و جرح او توسط مأموران حکومتی شانزدهم امرداد، از سوی وبسایت اصلاح‌طلب «انصاف نیوز»، در گفتگویی با مادر این دختر نوجوان منتشر شد.

این ویدئو مربوط به بازداشت وی در تاریخ اول تیرماه امسال در خیابان «وطن‌پور شمالی» در تهران و حاوی تصاویر خشونت‌آمیزی از کتک زدن نفس توسط چند زن سرکوبگر گشت ارشاد اسلامی است؛ مأمورانی که از ابتدای امسال با «طرح سراسری نور» به صورت گسترده در خیابان‌ها فعال شده و با زنان و مردانی که از پوشش عادی و اختیاری استفاده می‌کنند درگیر شده و آنها را بازداشت می‌کنند.

انتشار ویدئوی خشونت مأموران گشت ارشاد جمهوری اسلامی علیه این دختر نوجوان با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد.

بخش زیادی از کاربران به سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی اشاره کرده و ادعای حامیان پزشک‌ها را در روند نمایش انتخابات که با «جلیلی‌هراسی» مدعی «میانه‌رو» بودن پزشک‌ها و ایجاد تغییراتی از جمله برچیده شدن گشت ارشاد شده بودند، مورد توجه قرار دادند. از جمله کاربری نوشت: «مسعود پزشک‌ها به همه وعده‌های انتخاباتی سعید جلیلی عمل می‌کنه ولی باز فرق می‌کنه به کی رأی بدی!»

موج گسترده واکنش کاربران همراه با یادآوری ادعاهای مسعود پزشک‌ها و تیم حامیان انتخاباتی او سبب شد طرفداران پزشک‌ها نیز واکنش‌هایی در همدلی با قربانیان تحمیل حجاب اجباری نشان دهند. از جمله محمدجواد آذری جهرمی کارمند پیشین وزارت اطلاعات و وزیر پیشین ارتباطات در دولت حسن روحانی و از اعضای اصلی تیم انتخاباتی مسعود پزشک‌ها در شبکه «ایکس» نوشت «همون دختر کم‌حجاب، دختر منه...»

علی مجتهدزاده وکیل پایه یک دادگستری و از حامیان مسعود پزشک‌ها در سیرک انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ هم نوشته بود: «جناب آقای پزشک‌ها قول دادید در برابر چنین اقدامات خلاف قانون و شرع در قبال فرزندانمان سکوت نکرده و اگر توان جمع کردن این بساط را نداشتید عطای قدرت بی‌ارزش را به لقایش بسپارید و ما روی حرف‌تان حساب کرده‌ایم.»

گفتگوی اخیر مادر نفس با روزنامه «اعتماد» که گفته طی دو ماه گذشته هیچ اقدامی روی پرونده شکایت او انجام نشده نشان می‌دهد که طبق روال همه مقامات رژیم و چنانکه بارها ثابت شده است، مسعود پزشک‌ها نیز وعده‌های دروغ به مردم داده و حامیان او نیز که بطور سازمانیافته برای کشاندن مردم پای صندوق رأی تلاش کردند، در این دروغ‌گویی و تزویر شریک هستند!

کارسازی ۶۵۰۰ میلیارد تومانی «حاج محسن» برای «شَرخ سپاه» و مالک هواپیمایی زاگرس

● طبق سند محرمانه‌ای که اخیراً منتشر شد با پیگیری سردار پاسدار محسن رضایی آذرماه ۱۴۰۰ مبلغ ۶۵۰۰ میلیارد تومان در دولت ابراهیم رئیسی، بدون هرگونه وثیقه‌ای برای شرکت هواپیمایی «زاگرس» کارسازی شده است.

● رضایی آن زمان معاون اقتصادی دولت رئیسی بود. انتشار این سند نشان می‌دهد رضایی از این موقعیت برای اعطای تسهیلات نجومی به شرکت هواپیمایی زاگرس که سردار عبدالرضا موسوی مالک آن است سوء استفاده کرده است.

● مالک هواپیمایی زاگرس، عبدالرضا موسوی از سرداران فاسد سپاه است که به «شَرخ سپاه» مشهور است. او مالک گروه صنعتی فولاد اهواز و صاحب چندین هتل، باشگاه ورزشی و چندین مغازه است. پس از اعدام مه‌آفرید خسروی معروف به «امیرمنصور آریا»، اموال او مصادره شد. بخشی از این اموال طی یک مزایده واگذار شد که بخش عمده آن را موسوی که یکی از ابریدهکاران بانکی است، مصادره کرد.

● شرکت هواپیمایی زاگرس که در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد در سال ۱۳۸۵ در منطقه آزاد تجاری اروند ثبت شد. این شرکت که یکی فاسدترین و ناامن‌ترین ایرلاین‌های ایران است. اولین پرواز بین‌المللی زاگرس در سال ۱۳۸۷ همزمان با انتشار اولین گزارش‌ها در مورد دخالت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم سوریه علیه رژیم بشار اسد با پرواز در مسیر تهران-دمشق انجام شد.

امیرمقدم- ایرلاین‌های جمهوری اسلامی که تعدادی از آنها برخلاف مقررات بین‌المللی مستقیم در خدمت اهداف نظامی حکومت قرار گرفته‌اند، از یکسو منابع کشور را غارت می‌کنند و از سوی دیگر جان مردم را به بازی گرفته‌اند.

ابراهیم رئیسی ادعا می‌کرد دولت سیزدهم، دولت پاکدستان است، در یک نمونه اما طبق سند محرمانه‌ای که اخیراً منتشر شد با پیگیری سردار پاسدار محسن رضایی آذرماه ۱۴۰۰ مبلغ ۶۵۰۰ میلیارد تومان در دولت ابراهیم رئیسی، بدون هرگونه وثیقه‌ای برای شرکت هواپیمایی «زاگرس» کارسازی شده است.

رضایی آن زمان معاون اقتصادی دولت رئیسی بود. انتشار این سند نشان می‌دهد رضایی از این موقعیت برای اعطای تسهیلات نجومی به شرکت هواپیمایی زاگرس که سردار عبدالرضا موسوی مالک آن است سوء استفاده کرده است.

شرکت هواپیمایی زاگرس که در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد در سال ۱۳۸۵ در منطقه آزاد تجاری اروند ثبت شد. این شرکت که یکی فاسدترین و ناامن‌ترین ایرلاین‌های ایران است. اولین پرواز بین‌المللی زاگرس در سال ۱۳۸۷ همزمان با انتشار اولین گزارش‌ها در مورد دخالت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم سوریه علیه رژیم بشار اسد با پرواز در مسیر تهران-دمشق انجام شد.

این شرکت هواپیمایی در سال ۱۳۹۷ در انتصابی بسیار عجیب، پسر سرلشکر عطاءالله صالحی و خواهرزاده محمد شریعتمداری یعنی سجاد صالحی را بدون هیچگونه سوابقی



ساخته هواپیمایی «ام دی ۸۳» شرکت هواپیمایی زاگرس در فرودگاه مشهد / بهمن ۱۳۹۴

ژرف آرمان»، مدیریت سرمایه «پانا دژ سان»، شرکت بازاریابی شبکه‌ای «آهنگ ارمانی» با امیرحسین شریعتمداری فرزند محمد شریعتمداری، رضا شریعتمداری برادر محمد شریعتمداری و محسن جعفری فرزند سردار علی جعفری فرمانده سابق سپاه پاسداران شریک است.

هرچند شاید نام آنها به اندازه هکتور حسن شمخانی فرزند علی شمخانی در دلای نفت مشهور نیست اما از سفره انقلاب سهم قابل توجهی دارند و یک پیشان نیز در دویی است!

فاطمه صالحی متولد سال ۱۳۴۲ که با رانت پدرش به عنوان یکی از مدیران بانک و بیمه «حکمت» متعلق به ارتش استخدام شده بود نیز به فساد مشهور است!

مالک هواپیمایی زاگرس، عبدالرضا موسوی از سرداران فاسد سپاه است که به «شَرخ سپاه» مشهور است. او مالک گروه صنعتی فولاد اهواز و صاحب چندین هتل، باشگاه ورزشی و چندین مغازه است. پس از اعدام مه‌آفرید خسروی معروف به «امیرمنصور آریا»، اموال او مصادره شد. بخشی از این اموال طی یک مزایده واگذار شد که بخش عمده آن را موسوی که یکی از ابریدهکاران بانکی است، مصادره کرد. هواپیمایی زاگرس، مثل سایر خطوط هواپیمایی جمهوری اسلامی از جمله «ماهان ایر» در جابجایی تجهیزات ممنوعه دخالت دارد.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند سجاد صالحی بعد از انتصاب در هواپیمایی زاگرس به عنوان معاون عملیات و عضو هیات مدیره، ظاهراً موفق شد مدارک خلبانی خود را بگیرد و مدتی است که با هواپیمایی «پگاسوز» ترکیه هم همکاری می‌کند!

*امیرمقدم روزنامه نگار، مدیر روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی ریاست جمهوری دولت یازدهم و از مسئولین ستاد موسوی در سال ۸۸ است و سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کند.

و در حالی که در آن سال هنوز مدرک معتبری برای پرواز نداشت به عنوان معاون عملیات زاگرس و عضو هیات مدیره منصوب کرد! سجاد صالحی برادر عمار و فاطمه صالحی دیگر فرزندان سرلشکر صالحی است که هر دو به فساد



عبدالرضا موسوی

اقتصادی، اختلاس و رانتخواری شهرت دارند.

به عنوان مثال در جلسه محاکمه عمار صالحی در پرونده اختلاس مشهور جهانیانی، که اواخر شهریور ۱۳۹۸ برگزار شد، دادستان افشا کرد که وی در پرونده گروه جهانیانی در بانک سرمایه یک بنز ۶۵۰ میلیون و یک منزل لوکس در زعفرانیه و یک دفتر در سعادت‌آباد دریافت کرده و ۶۸ میلیارد تومان تسهیلات گرفته است.

هرچند مشخص شد که عمار در ازای کارچاق‌کنی و رشوه املاک و مبالغی هنگفت دریافت کرده، اما حکم وی مثل بسیاری دیگر از مفسدان دانه‌درشت با لابی خانواده‌اش و به ویژه دخالت علی باقری کنی معاون وقت قوه قضاییه که از بستگان آنهاست اجرا نشد!

عمار صالحی در چندین شرکت از جمله شرکت «اقتصاد

وزیر اقتصاد: قیمت دلار «نیمایی» را بالای می‌بریم و دلار آزاد را کاهش می‌دهیم!

کارشناسان: احتمال افزایش قیمت دلار

هنوز سیاست آمریکا مشخص نیست. به عقیده این کارشناس اقتصادی «یک فهم غلط وجود دارد که فکر می‌کند ارتباط منطقه‌ای را می‌توان توسعه داد. اما تا زمانی که تحریم‌های ثانویه و رابطه خصمانه با غرب وجود دارد، خیلی طبیعی است که همسایه‌ها هم با ایران کار نکنند. کشورهای همسایه همگی هم‌پیمان غرب هستند؛ به عنوان مثال، اگر عراق بخواهد از ما گاز بخرد، باید از او یک مجوز بگیرد.»

او با اشاره به احتمال کاهش تحریم‌ها گفته که «اگر قرار باشد تحریم‌ها کمتر شوند، اول باید تیم سیاست خارجه دولت و راهبردهای آن مشخص شود که در حال حاضر تیم مشخص شده است؛ اما درباره راهبردها تا حرفی می‌زنند، می‌گویند ما دنبال توسعه روابط منطقه‌ای هستیم که این حرف غلطی است. اما در مورد مذاکره، یک طرف دوم هم وجود دارد که در اینجا آمریکا است.»

رحمان سعادت کارشناس اقتصادی نیز معتقد است که «احتمالا تورم نیم سال اول باعث شود دلار را تا ۸۰ هزار تومان نیز ببینیم.»

به گفته رحمان سعادت مهم‌ترین عاملی که بازار ارز پس از روی کار آمدن پزشک‌ها صعود قابل توجهی را تجربه نکرده موضوع سیاست خارجی است و همچنان فضای چالشی در حوزه ارزی ایجاد نشده است.

این تحلیلگر اقتصادی گفته بجز مسائل سیاست خارجی و رویکرد جمهوری اسلامی در حوزه بین‌الملل، قیمت ارز همچنین به مسائل داخلی و تورم نیز حساس است.

او تأکید کرده که «تورم شش ماه اول عموماً در نرخ ارز ماه دوم تأثیرگذار خواهد بود و معتقدم که دلار تا ۷۰ و ۸۰ هزار تومان هم افزایش پیدا می‌کند. این یک رویه طبیعی است و اقتصاد بدون توجه به هیچ دولتی کار خودش را می‌کند. البته اگر سیاست‌های بین‌المللی تنش‌زا باشد این عدد ممکن است بالای ۱۰۰ هزار تومان هم افزایش پیدا کند.»

او همچنین با بیان سناریویی خوشبینانه گفته «تثبیت دلار روی ۶۰ هزار تومان خیلی هم کار غیر ممکن نیست.» اگر دولت چهاردهم تا آخر سال بتواند دلار ۶۰ هزار تومانی را نگه دارد که کار خیلی سخت و بزرگی انجام داده به نظر من از نظر اقتصادی نیز اهمیت دارد و می‌شود بقیه قیمت‌ها را نیز کنترل کرد. این را نیز در نظر بگیریم که اگر گشایشی در حوزه سیاست خارجی و وفاق ملی رخ بدهد بعید نیست که دلار زیر ۵۰ هزار تومان هم بیاید.»

رحمان سعادت تأکید کرده عملی شدن سناریوی خوشبینانه نیازمند «مهارت» مسعود پزشک‌ها است و توضیح داده که «او باید بتواند هم فضای بین‌المللی و هم فضای داخلی را هماهنگ کند. احتمالاً این هفته یا هفته بعد آقای پزشک‌ها به نیویورک سفر می‌کند و خب طبیعتاً آنجا اولین دیدارهای خارجی خود را انجام خواهد داد. این تنها مربوط به رئیس جمهور نیست و معتقدم که سیستم جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که در عرصه بین‌الملل تنش زدایی کند.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده که «اگر تثبیت اقتصادی انجام نشود، هرگونه تنش می‌تواند تورم را به همراه داشته باشد که تحملش برای قشر متوسط و حتی متوسط به بالا نیز سخت است.»



می‌توان به فاصله گرفتن ریسک‌ها از فضای بازار اشاره کرد. از سوی دیگر تحریم و یا قطع‌نامه جدیدی نیز علیه اقتصاد کشور وضع نشده که بخواهد موجب تشدید انتظارات تورمی فعالان بازار شود. در مقابل یعنی در طرف عوامل اقتصادی، تحلیلگران نوعی رکود را در بازارهای کشور شناسایی کرده‌اند که موجب افت تقاضا در بازار ارز شده است.»

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده که «از سوی دیگر بازارساز با اتکا بر دارایی‌های ارزی خود در مواقع لزوم با حمایت از طرف عرضه مانع از شکل‌گیری نوسانات قیمتی شدید می‌شود. عوامل ذکر شده در بازار نیم‌سال نخست ۱۴۰۳ موجب حضور نرخ شاخص‌های ارزی در وضعیت قرمز شده است.»

برخی تحلیلگران بر این باورند که مانند سال‌های گذشته امکان رشد نرخ شاخص‌های ارزی در نیمه دوم سال وجود دارد. اما در صورت تداوم شرایط کم‌ریسک در مناسبات سیاسی و همچنین حمایت بانک مرکزی از پول ملی چشم‌انداز بلندمدت بازار نیز می‌تواند کم‌نوسان باشد. در این میان سعید مشکات کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» درباره کنترل قیمت ارز در دولت چهاردهم گفته «ثبات بازار بیشتر به خلاء سیاسی که طی چند ماه اخیر در کشور شکل گرفت، مربوط است و سمت‌وسوی آن خیلی مشخص نیست.»

این کارشناس اقتصادی افزوده «همچنین دلیل دیگر ایجاد ثبات ارزی هم برداشتی است که از صندوق ذخیره ارزی انجام شد. به هر حال، زمانی که آن هشت میلیارد دلار را از صندوق برمی‌دارند و تبدیل به ریال می‌کنند، در بازار تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، برداشتهایی که این چند ماه صورت گرفته، نرخ ارز را آرام نگه داشته است.»

او با تأکید بر اینکه نمی‌توان به خوشبینی سیاسی اتکا کرد، افزوده که «اگر آقایان به دنبال مذاکره هستند، به دنبال مذاکرات بروند؛ آقای روحانی هم دنبال مذاکرات بود اما دلار همچنان بالا می‌رفت. یک مورد دیگر هم این است که

● عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشک‌ها گفته «در بازار ارز سیاست جدیدمان این است که بازار به نرخ نیما نزدیک شود. هم دلار نیما را افزایش می‌دهیم و هم نرخ بازار را کاهش می‌دهیم.»

● عبدالناصر همتی در حالی به ارز چند نرخ اعتراض کرده که چند نرخ شدن ارز هنگامی که او به عنوان رئیس بانک مرکزی در دولت حسن روحانی فعال بود وارد مرحله جدیدی شد و نرخ ارز نیمایی به وجود آمد!

● سعید مشکات کارشناس اقتصادی: زمانی که هشت میلیارد دلار را از صندوق ذخیره ملی برمی‌دارند و تبدیل به ریال می‌کنند، در بازار ارز تأثیر می‌گذارد.

- رحمان سعادت کارشناس اقتصادی نیز معتقد است که «احتمالا تورم نیم سال اول باعث شود دلار را تا ۸۰ هزار تومان نیز ببینیم.»

وزیر اقتصاد دولت چهاردهم گفته قیمت دلار نیمایی را بالا می‌بریم و دلار آزاد را هم کاهش می‌دهیم تا این دو نرخ به یکدیگر نزدیک شوند. تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها در حالی کاهش و تثبیت نرخ ارز را جزو نخستین اهداف خود قرار داده که برخی کارشناسان معتقدند اگر دولت نتواند در سیاست خارجی تنش‌زدایی کند و تحریم‌ها همچنان پابرجا باشند ممکن است قیمت دلار تا ۸۰ هزار تومان افزایش یابد.

عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشک‌ها در همایش بانکداری اسلامی گفته «در بازار ارز سیاست جدیدمان این است که بازار به نرخ نیما نزدیک شود. هم دلار نیما را افزایش می‌دهیم و هم نرخ بازار را کاهش می‌دهیم.»

وزیر اقتصاد افزوده که «معنی ندارد چند نرخ ارز داشته باشیم، البته می‌دانم فشار از بیرون است اما بانک مرکزی نباید اجازه این کار را بدهد.»

او همچنین گفته که «باید از مداخلات دولت در اقتصاد و نرخ ارز جلوگیری کنیم.» وی تأکید کرده «باید جلوی رانت و ضربه خوردن به صادرات را بگیریم. باید کاری کنیم تراز تجاری ما مثبت شود و تورم کنترل شود و اقتصاد پیش‌بینی پذیر شود. چرا باید این مقدار در اقتصاد دخالت شود؟»

این سخنان در حالی از سوی عبدالناصر همتی مطرح شده که چند نرخ شدن ارز هنگامی که او به عنوان رئیس بانک مرکزی در دولت حسن روحانی فعال بود وارد مرحله جدیدی شد و نرخ ارز نیمایی به وجود آمد!

تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها تلاش دارد کاهش یا ثابت نگه داشتن نرخ ارز را به عنوان نخستین موفقیت خود در ادامه اقتصاد آشفته کشور نشان دهد. برخی کارشناسان اما معتقدند دولت با دستبرد به منابع صندوق توسعه ملی توانسته طی هفته‌های گذشته قیمت ارز را مدیریت کند و در صورتی که توافق هسته‌ای به سرعت صورت نگیرد و تحریم‌ها برداشته نشود قیمت دلار در نیمه دوم سال افزایش خواهد یافت.

روزنامه «دنیای اقتصاد» روز گذشته در گزارشی درباره نوسانات قیمت ارز نوشته بود که «بررسی روند معاملات ارزی از ابتدای سال جاری تا کنون حاکی از آن است که در بیشتر روزهای نیم‌سال نخست قیمت شاخص‌های ارزی در وضعیت رشد منفی قرار داشته‌اند. تحلیلگران معتقدند که عوامل مختلف سیاسی اقتصادی مسبب این شرایط است» در این مطلب آمده بود که «در بخش عوامل سیاسی

سینمای اعتراضی ایران در جشنواره تورنتو



جشنواره فیلم کن داشت و جایزه ویژه هیئت داوران این جشنواره را دریافت کرد، نویسنده فیلمنامه اثر دیگری با عنوان «هفت روز» است که برای نخستین بار در جشنواره فیلم تورنتو اکران می‌شود. این فیلم را علی صمدی احدی، سینماگر ایرانی-آلمانی، کارگردانی کرده است.

بازیگر نقش اصلی «هفت روز» ویشکا آسایش هنرمند سرشناس سینمای ایران است که او نیز به تازگی مجبور به ترک کشور شده است. ویشکا آسایش پس از اعتراضات سراسری اخیر و آغاز جنبش «زن زندگی آزادی» از ایران

بدون دیالوگ در داخل یک خانه آغاز می‌شود. بیست دقیقه‌ای که بدون استفاده از کلمات سهراب شهید ثالث دو شخصیت فیلم، پسرچپه‌ای ۹ ساله و مادرش را که روسپی یا کارگر جنسی است معرفی می‌کند.

«دانه انجیر معابد» از محمد رسولاف محصول ایران، آلمان، فرانسه، «هفت روز» از علی صمدی احدی محصول آلمان و «هر کجا، هر زمان» از میلاد تنگشیر که در ایتالیا ساخته شده، مستند «قصه یک خواهر» به کارگردانی لیلا امینی محصول مشترک ایران، آلمان، سوئیس و فیلم کوتاه

● چهل و نهمین جشنواره فیلم تورنتو ۱۵ شهریور درهای خود را به روی دوستداران سینما باز کرد. در بخش فیلم‌های کلاسیک، «دوران بلوغ»، یکی از بهترین کارهای سهراب شهید ثالث در زمان زندگی او در آلمان نیز گنجانده شده است.

● محمد رسولاف سینماگر سرشناس که چندی پیش مخفیانه از ایران خارج شد، با فیلم «دانه انجیر معابد» به عنوان کارگردان و با «هفت روز» علی صمدی احدی به عنوان فیلمنامه‌نویس حضور دارد.

● «هفت روز» علی احمدی صمدی ماجرای یک فعال حقوق بشر ایرانی را به تصویر می‌کشد که پس از شش سال حبس، به مدت هفت روز با مرخصی پزشکی از زندان خارج می‌شود و با استفاده از این مرخصی ایران را ترک می‌کند.

● «هرکجا هر زمان» از میلاد تنگشیر، مستند «قصه یک خواهر» از لیلا امینی و فیلم کوتاه «چه کسی خورشید را دوست دارد» از آرشیا شکبیا دیگر فیلم‌های سینماگران ایران هستند که در جشنواره تورنتو اکران خواهند شد.

احمد رأفت - چهل و نهمین جشنواره فیلم تورنتو ۱۵ شهریور درهای خود را به روی دوستداران سینما باز کرد. این جشنواره که تا ۲۵ شهریور ادامه پیدا خواهد کرد میزبان بسیاری از فیلم‌هایی است که در جشنواره‌های مهم دیگر ارائه شدند و توجه منتقدین و تماشاگران را به خود جلب کردند. امسال در بخش فیلم‌های کلاسیک، یکی از بهترین کارهای سهراب شهید ثالث که در زمان زندگی او در آلمان تهیه شده نیز گنجانده شده است. «دوران بلوغ» سهراب شهید ثالث که به تازگی ترمیم شده ساخته ۱۹۷۶ است. سهراب شهید ثالث از تحسین‌شده‌ترین فیلمسازان



صحنه‌ای از فیلم «دانه انجیر معابد» یا «دانه انجیر مقدس» از محمد رسولاف



سهراب شهید ثالث هنگام کارگردانی

خارج شد و به اروپا آمد. وی ضمن کنار گذاشتن حجاب اجباری، تصاویر متنوعی از زندگی و تجربیاتش را در حساب کاربری خود در شبکه‌های اجتماعی نیز به اشتراک گذاشت که از جمله دلایل خروج او از ایران هستند. «هفت روز» ماجرای یک فعال حقوق بشر ایرانی را به تصویر می‌کشد که پس از شش سال حبس، به مدت هفت روز با مرخصی پزشکی از زندان خارج می‌شود. او با استفاده از این مرخصی موفق به فرار از ایران می‌شود. ولی این تصمیم عواقبی را هم به دنبال دارد.

«چه کسی خورشید را دوست دارد» ساخته کارگردان ایرانی-کانادایی ارشیا شکبیا، دیگر فیلم‌های سینماگران ایرانی هستند که در این جشنواره اکران خواهند شد. در بخش اصلی جشنواره امسال ۴۳ فیلم از ۴۱ کشور جهان اکران می‌شوند که تلفیقی از آثار سینماگران صاحب‌نام و چهره‌های جوان است. محمد رسولاف سینماگر سرشناس که چندی پیش مخفیانه از ایران خارج شد، تنها با فیلم «دانه انجیر معابد» در این رویداد هنری حاضر نخواهد بود. او علاوه بر این اثر جنجالی و بحث‌انگیز که حضور موفقیت‌آمیزی در

سینمای ایران است که با فیلم‌هایی چون «طبیعت بی‌جان» و یا «یک اتفاق ساده» برای سینمادوستان ایران شناخته شده است، اگرچه کارنامه سینمایی او در سال‌های زندگی در آلمان در سال‌های قبل از انقلاب که ربطی به ایران ندارند نیز چشمگیر است. «وقت بلوغ» را می‌توان یکی از بهترین کارهای سال‌های زندگی سهراب شهید ثالث در این کشور به حساب آورد. در این فیلم کارگردان توانای ایران با مهارت و قدرت تهنائی و تلخی‌های زندگی یک کودک را به تصویر می‌کشد. فیلم با یک سکانس خارق‌العاده بیست دقیقه‌ای

توجیه بلبشوی کمبود بنزین در شمال

معاون اجرایی پس از بهانه‌تراشی و فرافکنی برکنار شد!



لیتر بنزین توزیع شد.»

ادعای «تعطیلی ساعتی» پمپ‌بنزین‌ها در حالی از سوی معاون اجرایی عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مطرح شده که نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی آمار دیگری را مطرح کرده است.

جبار کوچکی‌نژاد نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» گفته در گیلان دو روز بنزین وجود نداشت و جایگاه‌داران اساساً تعطیل بودند.

او همچنین افزوده که «شرکت پالایش و پخش می‌توانستند از ظرفیت سایر استان‌ها در این پیک گردشگری استفاده کنند. در هر سال در هفته‌های پایانی سال، این حجم ترافیک و کمبود مشاهده می‌شود و لازم بود این موارد پیش‌بینی شود.»

جبار کوچکی‌نژاد گفته: «همواره در زمان پیک سفرهای تابستانی، یکی از مشکلات جدی بحث ترافیک، موضوع تامین سوخت و مسئله تامین اقلام اساسی مورد نیاز مردم است.»

این نماینده مجلس افزوده که «بهانه مسئولان این بود که ترافیک تهران به سمت شمال کشور شدید بود و این ترافیک در انتقال تانکرها و کامیون‌های سوخت مشکل ایجاد کرد. این در حالی است که به راحتی می‌شد، تدابیر دیگری اندیشیده شود، جاده‌های قدیمی جایگزینی وجود دارند که می‌شد این جاده‌ها را برای کامیون‌های حامل بنزین در نظر گرفت. همچنین می‌شد از ساعت ۱۲ شب به بعد که ترافیک کاهش بسیاری پیدا می‌کرد این کامیون‌ها را به سمت این مناطق گسیل کرد. حتی اگر با کمبود کامیون مواجه بودند، می‌شد از سایر استان‌ها برای این منظور کمک گرفت.»

او همچنین گفت: «وقتی مصرف بنزین در استان گیلان از ۴ میلیون لیتر به ۷ الی ۸ میلیون لیتر رسید، بدون تردید مصرف سوخت در تهران کاهش پیدا کرده است. به راحتی می‌شد با جابه‌جایی توزیع سوخت این نقیصه را جبران کرد. باید از مسوولان شرکت پالایش و پخش پیگیری شود که چرا این کمبودها شکل گرفته است.»

همانطور که نماینده مجلس شورای اسلامی گفته به نظر می‌رسد در اصل «بهانه» دولت برای عدم تامین سوخت مورد نیاز در شمال کشور راهبندان و ماندن نفتکش‌ها پشت

● ادعای «تعطیلی ساعتی» پمپ‌بنزین‌ها در حالی از سوی معاون اجرایی عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مطرح شده که نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی گفته در گیلان دو روز بنزین وجود نداشت و جایگاه‌داران اساساً تعطیل بودند.

● ساعتی پس از آنکه کرامت ویس کرمی در صداوسیما جمهوری اسلامی تعطیلی جایگاه‌های سوخت در شمال کشور را «ساعتی» اعلام و بهانه آن را پشت ترافیک ماندن نفتکش‌ها عنوان کرد، خبر برکناری او منتشر شد.

● افزایش شمار مسافران در شمال کشور که در پایان تعطیلات تابستانی و به دلیل تعطیلات مذهبی «وفات امام هشتم» شیعیان راهی شمال شدند، کمبود بنزین در کشور را بیش از پیش نمایان کرد.

چند روز پس از بروز فاجعه در شهرهای شمال ایران به دلیل کمبود بنزین و راهبندان‌های طولانی، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران مدعی شده نفتکش‌های حامل بنزین پشت ترافیک مسیرهای ورودی به شمال کشور ماندند.

هفته گذشته گزارش‌های مختلفی از تشکیل صف‌های طولانی در پمپ بنزین‌های شهرهای شمال کشور در پی افزایش شمار گردشگران منتشر شد.

افزایش شمار مسافران در شمال کشور که در پایان تعطیلات تابستانی و به دلیل تعطیلات مذهبی «وفات امام هشتم» شیعیان راهی شمال شدند، کمبود بنزین در کشور را بیش از پیش نمایان کرد اما معاون اجرایی عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در توضیحاتی کمبود بنزین را توجیه کرده است.

کرامت ویس کرمی معاون اجرایی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی تعطیلی برخی جایگاه‌ها در گیلان و غرب مازندران را «تعطیلی ساعتی» اعلام کرده و گفته «یک نفتکشی که مسیری را در حالت عادی دو ساعته طی می‌کرده، ۹ ساعت در راه بوده و این موجب شده بنزین با تأخیر به برخی جایگاه‌ها برسد.»

وی با بیان اینکه میانگین مصرف بنزین در شش روز اخیر به ۱۳۵ میلیون لیتر رسیده، به شبکه خبر تلویزیون جمهوری اسلامی گفت: «روز گذشته فقط در استان گیلان ۷/۵ میلیون

علی صمدی احدی، سینماگر ایرانی-آلمانی، متولد شهر تبریز است که در ۱۳ سالگی به همراه خانواده به آلمان مهاجرت کرد. او دانش‌آموخته رشته ارتباطات تصویری است. از جمله کارهای قبلی این کارگردان که به مسائل سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند می‌توان به مستند «بچه‌های گمشده» درباره زندگی سخت کودک-سربازان شمال اوگاندا اشاره کرد. فیلم مستند تلخی که جایزه‌های بسیاری از جمله جایزه فیلم سال آلمان را دریافت کرد. فیلم کمدی «سلامی علیکم» نیز از علی صمدی احدی و درباره مهاجران ایرانی در آلمان است. به گفته کارگردان، این فیلم برگرفته از تجربیات و زندگی شخصی خود او در آلمان است. از دیگر فیلم‌های او می‌توان به دو مستند «ایران انتخابات ۲۰۰۹» و «موج سبز» اشاره کرد.

همزمان با اکران «هفت روز» در جشنواره تورنتو، میزگردی نیز روز ۱۸ شهریور در این شهر با حضور کارگردان، ویشکا آسایش و برخی دیگر از عوامل فیلم و همچنین آتنا دائمی (زندانی سیاسی سابق)، حامد اسماعیلیون (از خانواده‌های جانباختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲)، سعید دهقان (وکیل دادگستری) و پیام اخوان (حقوقدان بین‌المللی) با عنوان «پیوند جنبش دادخواهی و دموکراسی‌خواهی در ایران» برگزار خواهد شد.

«هرکجا هرزمان» میلاد تنگشیر داستان عیسی، یک مهاجر غیرقانونی جوان آفریقائی در شهر صنعتی تورین، در شمال ایتالیا را روایت می‌کند که تلاش دارد برای خود یک زندگی حداقلی بسازد. عیسی که توسط کارفرمائی که او را غیرقانونی و با دستمزدی ناچیز به کار گرفته اخراج می‌شود بالاخره به عنوان پیک کار جدیدی پیدا می‌کند، ولی با سرقت دوچرخه‌اش که به زحمت خریده دوباره بیکار می‌شود و سفری ناامیدکننده را برای یافتن دوچرخه دیگری آغاز می‌کند. این فیلم از یکی از شاهکارهای سینمای نئورئالیسم ایتالیا پس از جنگ جهانی دوم، «دزد دوچرخه» ویتوریو دسیکا که برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ میلادی اکران شد، الهام گرفته است.

«قصه یک خواهر» مستندی از لیلیا امینی است که ساختن آن ۷ سال طول کشید. در این مستند لیلیا امینی داستان خواهرش نسرین را روایت می‌کند که رویای خوانندگی را در کشوری دنبال می‌کند که صدای زنان ممنوع اعلام شده است. در فیلم کوتاه «چه کسی خورشید را دوست دارد» آرشیا شکیبا با دوربین خود به سوریه سفر می‌کند تا پیامدهای ماندگار جنگ داخلی این کشور را که بسیاری از تأسیسات تولید انرژی آن را نابود کرده است به تصویر بکشد. روایت کسانی که از سر ناچاری به تجارت خطرناک پالایش نفت در شرایط بهداشتی خطرناک دست می‌زنند ولی با این حال نمی‌توانند نور و انرژی کافی برای محیط اطراف خود تولید کنند.

امسال فیلم‌های جدید و مهمی از کارگردانانی چون مایک لی و آنجلینا جولی و بازیگرانی مانند جنیفر لویز، هیو گرانت و پاملا اندرسون در جشنواره فیلم تورنتو اکران خواهند شد. آنجلینا جولی، بازیگر برنده اسکار، فیلم جدید خود را در مقام کارگردان با نام «بدون خون» با بازی سلما هایک و دمیان پیچیر به نمایش خواهد گذاشت. این درام جنگی براساس رمان کوتاه نویسنده ایتالیایی الساندرو باریکو ساخته شده و بر بی‌رحمی جنگ تمرکز دارد. جنیفر لویز نیز با درام ورزشی «توقف‌ناپذیر» به تهیه‌کنندگی همسرش بن‌افلک و همکار برنده اسکارش مت دیمون به تورنتو خواهد رفت. در این فیلم جارل جروم بازیگر برنده جایزه ایمی در نقش آنتونی رولز، کشتی‌گیری که تنها یک پا دارد، بازی می‌کند.

دولت پزشکيان و فقرزدایی؛ سخنگوی دولت معتقد است «سیستم» درست است ولی درست به آن عمل نمی‌شود!

● وزیر کار جمهوری اسلامی با اعلام آمار حکومتی از فقر، درباره برنامه‌های فقرزدایی به «کلی‌گویی» پرداخته و گفته «هماهنگی بین نهادهای عمومی دولتی، غیر دولتی و مؤسسات خیریه برای هم‌افزایی» یکی از اقدامات برای کاهش فقر است.

● اظهارات وزیر کار دولت چهاردهم نشان می‌دهد در دولت پزشکيان نیز نمی‌توان به اجرای برنامه‌های کارآمد و هدفمندی که به بیان واقعی به افزایش توان معیشتی بیانجامد امیدوار بود.

● سخنگوی دولت معتقد است «ساختار» و «سیستم» جمهوری اسلامی دارای مشکل نیست و صرفاً درست عمل نکردن آن سبب بروز فقر شده است!

● ساختار فسادپرور جمهوری اسلامی تنها در خدمت اقلیت حاکم است و اختصاص منابع کشور به افراد متصل به حکومت این اقلیت را روز به روز فربه‌تر کرده و در مقابل عموم مردم را فقیر و فقیرتر می‌کند.

● به تازگی اعلام شده هشت استان کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان، بوشهر، ایلام در زمینه امنیت غذایی و شاخص تأمین غذا با وضعیتی بحرانی روبرو هستند.

آمارهای حکومتی در ایران از کاهش شدید قدرت خرید مردم و رانده شدن دست‌کم یک سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر حکایت می‌کنند. برخی کارشناسان معتقدند بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور در حال حاضر زیر خط فقر قرار دارند. وزیر کار دولت چهاردهم با تکرار آمارهای حکومتی گفته یک سوم جمعیت کشور زیر خط فقر و ۶ درصد از جمعیت نیز زیر خط «فقر مطلق» بسر می‌برند.

زهره کاویانی، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که بر اساس آخرین محاسبات انجام شده عدد برآوردی خط فقر یک خانوار ۳ نفره در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰ میلیون تومان است.

به گفته عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «بر خلاف خط فقر مطلق، توزیع درآمد در تعیین خط فقر نسبی اهمیت زیادی دارد. برای به دست آوردن این شاخص در ابتدا میانگین یا میانه درآمد افراد جامعه با استفاده از روش‌های مختلفی محاسبه می‌شود.»

زهره کاویانی افزوده که «در مرحله بعدی خط فقر نسبی بر اساس درصدی از شاخص مرکزی در یک جامعه به دست می‌آید. به عبارت دیگر هر چقدر که یک جامعه ثروتمندتر باشد، خط فقر نسبی بالاتر خواهد بود و هر چقدر که جامعه فقیرتر باشد خط فقر نسبی پایین‌تر خواهد

اشاره کرده و گفته بود که «در حال حاضر برای خرید بنزین، هشت میلیارد دلار پول پرداخت می‌شود. یعنی بنزین را حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم. خب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

پیش از این و در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری نیز علی عبدالعلی‌زاده رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکيان در یک کنفرانس خبری در خیرگزاری «ایرنا» با اشاره به ارقام ۲۵ و ۵۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، گفته بود «هر قیمتی که برای بنزین کارشناسی شود، خواهید دید که آنچنان با آرامش و همکاری مردم جا می‌افتد!»

پیشتر نیز دولت حسن روحانی نیز در آبان ۹۸ اقدام به افزایش قیمت بنزین کرد و اعلام این خبر سرآغاز اعتراضاتی شد که برای روزهای پیاپی در سراسر ایران تداوم یافت. یکی از دلایلی که طی سال‌های گذشته بنزین در ایران گران‌تر نشده، هراس حکومت از برگزاری اعتراضاتی شبیه اعتراضات سراسری سال ۹۸ است؛ بدین ترتیب افرادی در پیرامون دولت تلاش دارند افکار عمومی را برای افزایش قیمت بنزین آماده کنند.

دولت ابراهیم رئیسی نیز اقداماتی برای افزایش قیمت بنزین انجام داد اما عمر آن به اقدام نهایی برای افزایش قیمت بنزین قد نداد، یا اینکه ارزیابی نهادهای امنیتی حاکی از ایجاد اعتراضاتی گسترده در صورت افزایش قیمت



بنزین بود و به همین دلیل دولت سیزدهم از افزایش قیمت‌ها خودداری کرده بود.

برای نمونه در نخستین روزهای بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد. همچنین ذخیره سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی که تا پیش از این، ۹ ماه و به‌میزان حداکثر ۵۴۰ لیتر بود، از این پس به ۶ ماه و حداکثر ۳۶۰ لیتر کاهش یافت.

چند روز بعد گزارش‌های غیررسمی از یک نرخ سوم برای بنزین با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان خبر دادند. خیرگزاری «ایرنا» هم همزمان در هفته نخست بهمن گزارش داد که «دولت بعد از دو گام حفظ بنزین سهمیه‌ای و محدودیت بنزین ۳۰۰۰ تومانی در نظر دارد تا با ایجاد یک نرخ سوم مصرف بنزین بیشتر از سهمیه (مجموع یارانه‌ای و آزاد) را به نرخ گران‌تری به مصرف‌ها عرضه کند.»

ترافیک بوده است. تغییر ناگهانی معاون شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی نیز شاید نشانه دیگری از اشکالی در بخش توزیع سوخت را نشان می‌دهد.

ساعتی پس از آنکه کرامت ویس کرمی در صداوسیما جمهوری اسلامی تعطیلی جایگاه‌های سوخت در شمال کشور را «ساعتی» اعلام و بهانه آن را پشت ترافیک ماندن نفتکش‌ها عنوان کرد، خبر برکناری او منتشر شد.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با صدور حکمی محمدعلی دادور را به عنوان معاون اجرایی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منصوب کرد. در این میان حامیان دولت پزشکيان نیز به سرعت به فرافکنی درباره بلشوی شکل گرفته در شهرهای شمال ایران پرداختند.

بهروز شجاعی از فعالان حامی اصلاح‌طلبان و دولت پزشکيان در شبکه «ایکس» نوشته مسئله کمبود بنزین در شمال کشور را از «وزارت نفت پیگیری کردم، کاملاً در جریان بودند» و دولت پیشین «موقع تحویل مسئولیت حتی محازن را طبق روال پر نکرده بودند، در خوشبینانه‌ترین حالت به این می‌گویند بی‌مسئولیتی.»

بهروز شجاعی البته توضیح نداده وزارت نفت که در پاسخ به «پیگیری» او اعلام کرده در جریان کمبود بنزین در شمال است، چه راهکاری برای حل بحران بنزین در نظر داشته یا دارد؟!

برخی از حامیان مسعود پزشکيان که در انتخابات اخیر نیز بطور سازمانیافته برای پیروزی او تلاش کردند، انگشت اتهام در رابطه با سفر مردم به شمال را به سوی «سوخت مفت» گرفته‌اند. از جمله احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب در مطلبی روایتی از سفرش به شمال طی روزهای گذشته نوشته و مدعی شده یکی از دلایل شلوغی جاده‌ها «بنزین و گازوئیل تقریباً مفت» و البته «بی‌فرهنگی در رانندگی» است!

اظهارات افرادی مانند احمد زیدآبادی که از زمان انتخابات به صورت سازمانیافته قلم خود را در خدمت حمایت و توجیه مسعود پزشکيان قرار داده، از سوی افکار عمومی به عنوان زمینه‌چینی برای افزایش قیمت بنزین ارزیابی می‌شود.

مسعود پزشکيان پس از آنکه به عنوان رئیس دولت چهاردهم و پیروز انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد، در گفتگویی با وبسایت علی‌خامنه‌ای به ناترازی بنزین



است «ساختار» و «سیستم» جمهوری اسلامی دارای مشکل نیست و صرفاً درست عمل نکردن آن سبب بروز فقر شده است!

در مقابل کارشناسان معتقدند ساختار فسادپرور جمهوری اسلامی تنها در خدمت اقلیت حاکم است و اختصاص منابع کشور به افراد متصل به حکومت این اقلیت را روز به روز فربه‌تر کرده و در مقابل عموم مردم را فقیر و فقیرتر می‌کند.

همچنین بی‌تفاوتی دولت‌های مختلف نسبت به لزوم «فقرزدایی» به انباشته شدن بحران‌های معیشتی خانوار و رانده شدن جمعیت بیشتری به زیر خط منجر شده است. اکنون به نظر می‌رسد شرایط به حدی وخیم شده که کارشناسان امیدوار نیستند در دولت پزشکیان نیز در رابطه با فقرزدایی اقدام موثری صورت بگیرد.

هادی موسوی‌نیک تحلیلگر مسائل اقتصادی و عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی معتقد است رقم ۳۰ درصدی جمعیت فقیر در کشور این به معنای آن است که «حدود ۲۶ میلیون نفر از ایرانیان توانایی برآورده کردن نیازهای اساسی خود را ندارند. بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که رشد اقتصادی مستمر نداشته باشیم، نمی‌توان انتظار داشت که تغییرات اساسی در این زمینه به وجود بیاید.»

این تحلیلگر اقتصادی گفته «در چنین شرایطی باید همه انرژی‌ها معطوف به این باشد که کسب‌وکارها از رونق برخوردار شده و رشد اقتصادی با کیفیتی محقق شود. اما این مسئله به این معنا نیست که در حال حاضر امکان بهبود وضعیت وجود ندارد. اما بهبود وضعیت فعلی فقر در شرایطی که دولت دارای کسری بودجه است و نرخ فقر هم بالاست، منوط به این است که با تغییر رویکرد در سه زمینه، منابع به صورت بهینه‌تری تخصیص یابند. اولویت‌بندی افراد از مهم‌ترین مواردی است که باید با تغییر رویکرد همراه باشد.»

او افزوده که «در بحث‌های مربوط به فقر، اصطلاحی با عنوان فقر شدید وجود دارد که به افرادی اطلاق می‌شود که توانایی برآورده کردن نیازهای غذایی خود را نیز ندارند. در حال حاضر نرخ فقر شدید در ایران حدود ۵ درصد است. با توجه به اینکه اطلاعات زیادی از این افراد در دسترس نیست، تلاش برای کسب اطلاعات از این افراد و همچنین تلاش برای بهبود وضعیت تغذیه آنان باید در اولویت باشد.» به گفته هادی موسوی‌نیک، در حال حاضر بسیاری از ایرانیان کالری موردنیاز خود، یعنی ۲۱۰۰ کالری در روز، را دریافت نمی‌کنند. بنابراین بهبود تغذیه مردم باید مورد توجه قرار بگیرد. حتی اگر امکان حمایت از تغذیه کل افراد جامعه وجود نداشته باشد، می‌توان با تمرکز بر بهبود وضعیت تغذیه کودکان، گام‌های بزرگی برداشت. اولویت دوم اصلاح نظام حکمرانی رفاه اجتماعی است. در حال حاضر ۲۵ درصد از منابع بودجه دولت به حوزه رفاه اجتماعی تخصیص پیدا می‌کند که با توجه به عملکرد فعلی باید اصلاحاتی در ساختار آن رخ دهد. اولویت سومی که باید در نظر داشت هماهنگی نهادها، دستگاه‌های حمایتی موجود و همچنین ارزیابی سیاست‌های این دستگاه‌ها است.

مقصود فرارستخواه جامعه‌شناس هفته آخر امرداد امسال در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته بود: «بر اساس تحقیقاتی که داشتم، یک سوم خانوارهای ایرانی حداقل به نوعی با خط فقر مطلق مواجه‌اند.»

او با اشاره به این که «با گروهی مواجه‌ایم که گرسنگی می‌کشند و با کمترین میزان کالری زندگی می‌گذرانند» گفته بود: «در شاخص گرسنگی جهانی، ایران در سال گذشته جزو ده کشور با گرسنگی پایین بود. در حالیکه گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که در کشور میلیون‌ها نفر با گرسنگی زندگی می‌کنند.»

به تازگی نیز اعلام شد که هشت استان ایران در زمینه امنیت غذایی و شاخص تأمین غذا با وضعیتی بحرانی روبرو هستند.

به گفته محمد اسماعیل مطلق رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی این استان‌ها شامل کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان، بوشهر، ایلام هستند و از نظر اقتصادی نیز استان‌های کم‌برخوردار به شمار می‌روند. در این استان‌ها وضعیت شاخص‌های تغذیه که با درآمد نسبت مستقیم دارد نیز دچار بحران است.

آمارهای سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نیز رتبه ایران در رابطه با امنیت غذایی را در میان ۱۶۷ کشور جهان، ۹۰ اعلام کرده که با توجه به مساحت و ظرفیت‌های موجود از جمله منابع سرشار نفت و گاز، رتبه‌ای پایین به شمار می‌رود.

→ بود. استفاده از این شاخص معمولاً در جوامع توسعه یافته‌ای که فقر مطلق نداشته باشند و یا فقر مطلق در این جوامع بسیار پایین باشد اهمیت دارد. در این جوامع افراد علاوه بر درآمد خود به رفاه سایر شهروندان نیز اهمیت می‌دهند.»

عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده که «فقر مطلق شاخصی است که توصیه می‌شود همه کشورها به محاسبه آن بپردازند و از این شاخص به عنوان خط فقر رسمی خود استفاده کنند. از این شاخص در سیاست‌گذاری‌های مربوط به حداقل دستمزد و سیاست‌های مالیاتی و پارانه‌ای نیز استفاده می‌شود.»

«فقر» در ایران به حدی گسترش یافته که دیگر از سوی مقامات حکومتی نیز قابل فرافکنی یا انکار نیست. احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم با اشاره به آمارهای حکومتی مبنی بر قرار داشتن ۳۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر گفته «حدود ۵ میلیون نفر برابر با ۶ درصد از جمعیت» نیز زیر خط «فقر مطلق» قرار دارند.

وزیر کار دولت پزشکیان افزوده «کسانی که دچار فقر شدید هستند عمدتاً افراد بیکار هستند. در حالی که اغلب کسانی که به فقر مطلق دچارند، شغل و درآمد دارند، اما درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. بر اساس داده‌های مرکز آمار، نرخ فقر شدید در کل ایران حدود ۶ درصد با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر بود و برنامه‌هایی ریخته و منابعی داده شد که بتوانیم این را از بین ببریم.»

او در ادامه به آمارهای مرکز آمار ایران اشاره کرده و گفته «تا اواسط دهه ۸۰ حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد فقر مطلق داشتیم که بعد از موج اول تحریم‌ها تا میانه دهه ۹۰ به حدود ۲۰ درصد رسید، اما با شروع موج دوم تحریم‌ها و تورم شدید، از سال ۱۳۹۷ با شیب تندتری افزایش پیدا کرده و به ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسید. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ نرخ فقر نسبتاً ثابت و حدود ۳۰ درصد یا ۲۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بوده است.»

وزیر کار دولت چهاردهم از بین بردن «فقر مطلق» را فرآیند پیچیده‌ای خوانده و گفته بدون تردید شرایط اقتصاد کلان، یعنی تورم و رشد اقتصادی، دو متغیری است که در موفقیت آن نقش پررنگی دارد. ولی صرف رشد اقتصادی خوب و کنترل تورم، فقر مطلق را از بین نمی‌برد و نباید منتظر ماند که رشد اقتصادی خیلی بالایی اتفاق بیفتد، بلکه ما باید برای کاهش فقر اقدامات متفاوتی را انجام بدهیم.»

وزیر کار جمهوری اسلامی اما درباره برنامه‌های دولت در رابطه با فقرزدایی به «کلی‌گویی» پرداخته و گفته «هماهنگی بین نهادهای عمومی دولتی، غیر دولتی و مؤسسات خیریه برای هم‌افزایی» یکی از اقدامات برای کاهش فقر است.

اظهارات وزیر کار نشان می‌دهد در دولت پزشکیان نیز نمی‌توان به اجرای برنامه‌های کارآمد و هدفمندی که به بیان واقعی به افزایش توان معیشتی بینجامد امیدوار بود.

قابل توجه اینکه همزمان با سخنان احمد میدری، سخنگوی دولت پزشکیان نیز مدعی شده که «فقر» نه ناشی از خود سیستم بلکه در «درست عمل نکردن» سیستم است. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در ادامه گفته «در جامعه شاهد افزایش فقر هستیم، چرا که سیستم‌ها درست کار نمی‌کنند. زمانی که سیستم‌ها درست عمل نمی‌کنند سیستم‌های خودجوش مانند سمن‌ها متولد می‌شوند زیرا به آنها نیاز داریم.»

به بیان دیگر فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت معتقد

هشدار پزشکان متخصص: احتمال شیوع آبله میمونی در پاییز جمهوری اسلامی تا آخرین روز این بیماری را در ایران انکار خواهد کرد



● در روزهای اخیر با وجود انتشار تصاویر بیمارانی با علائم آبله میمونی در شبکه‌های اجتماعی، مقامات وزارت بهداشت اما اخبار مبنی بر شیوع این بیماری را در برخی شهرهای کشور شایعه دانسته‌اند.

● م. الف. یک پزشک متخصص بیماری‌های عفونی ساکن تهران در گفتگو با کیهان لندن معتقد است: «تردیدی نیست که آبله میمونی از چند سال پیش در ایران وجود داشته و اکنون نیز حداقل، دو بیمار مبتلا و شناسایی شده‌اند. یکی از این افراد جوانی است که از سفر عراق به ایران بازگشته و شناسایی شده است»

● به گفته وی، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در دو اپیدمی سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ انتقال ویروس آبله میمونی فقط از طریق جنسی و به فرم «ب» بوده است. ● دکتر شهلا م. توضیح می‌دهد که بین ۱۷ تا ۱۹ روز پس از تماس اولیه، علائم پوستی در فرد ظاهر می‌شود و هیچکس خواستار مقاربت با این فرد نخواهد بود و چون گروهی از بیماران نیز زیر ۱۸ سال هستند و امکان مقاربت با جنس مخالف را ندارند، بنابراین آبله میمونی در ایران شیوع چندانی نخواهد داشت و مردم نباید وحشتی از این بیماری داشته باشند.

فیروزه نوردستروم- عصر روز سه‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ سخنگوی وقت وزارت بهداشت از شناسایی اولین مورد مبتلا به آبله میمونی در کشور خبر داد.

فرد مبتلا یک زن ۳۴ ساله ساکن اهواز بود که احتمالاً بیماری را از همسر خود که از کشور کانادا به ایران سفر کرده، گرفته بود. علائم وی ضایعات و بثورات پوستی بود. پس از تایید آزمایش PCR اولیه این شخص فوراً به قرنطینه منتقل شد و دوره بیماری خود را گذراند.

در روزهای اخیر با وجود انتشار تصاویر بیمارانی با علائم آبله میمونی در شبکه‌های اجتماعی، مقامات وزارت بهداشت اما اخبار مبنی بر شیوع این بیماری را در برخی شهرهای کشور شایعه دانسته‌اند.

در هفتم شهریور، معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه تشخیص قطعی بیماری آبله میمونی تنها پس از تایید آزمایشگاهی امکان‌پذیر است، ادعا کرده بود: «تا کنون هیچ مورد مثبتی از بیماری آبله میمونی در کشور شناسایی نشده است.»

دکتر حسین فرشیدی اخبار مبنی بر ابتلای شهروندان به این بیماری در برخی شهرهای کشور را شایعه دانسته و گفته بود: «تا کنون هیچ مورد مثبتی از این بیماری در کشور شناسایی نشده است. نظام مراقبت بیماری‌های واگیردار کشور به صورت شبانه‌روزی در حال پایش است و از مردم می‌خواهم به شایعات توجه نکنند.»

شهنام عرشی رئیس مرکز بیماری‌های عفونی وزارت بهداشت نیز در ۱۱ شهریور ادعا کرد: «فردی که چند روز پیش عکس او در فضای مجازی منتشر شده بود شناسایی و مورد آزمایش قرار گرفت، نتیجه اعلام شده از سوی «انستیتو پاستور ایران» برای فرد مشکوک به آبله میمون بوده «منفی» اعلام شده است.»

م. الف. یک پزشک متخصص بیماری‌های عفونی ساکن تهران در گفتگو با کیهان لندن معتقد است: «تردیدی نیست که آبله میمونی از چند سال پیش در ایران وجود داشته و

داده بود که پس از چند روز آن پست را حذف کرد. وی در آن پست نوشته بود: «مورد مشکوک به آبله میمونی خانم ۴۶ ساله با سابقه ۶ روز قبل، تب، لرز، سرفه خفیف و بثورات پوستی، تالاسمی ماژور که از تاولی با مرکز نافی هستند درمان علامتی آغاز گردید و برای بررسی بیشتر خصوصاً کشت ویروس و انجام دی آن ای پی سی را به دانشکده بهداشت دانشگاه تهران معرفی شدند.»

همزمان پزشک متخصص دیگری به نام سمیرا پورصالح در صفحه ایکس خود با انتشار یک تصویر نوشت: «اولین نمونه مشکوک کشور که PCR ش دیروز رفته انستیتو پاستور دوباره شروع شد.»

مدتی پس از انتشار این پست، این پزشک نیز اکانت خود را در شبکه اجتماعی ایکس غیرفعال کرد.

دکتر م. الف. در ادامه صحبت‌های خود اضافه می‌کند: «تا جایی که اطلاع دارم تا حال، دو بیمار مبتلا به آبله میمونی در کشور شناسایی شده‌اند که در قرنطینه نگهداری می‌شوند، متأسفانه چون تایید این مسئله، بار روانی زیادی برای جمهوری اسلامی به همراه دارد از تایید و اطلاع‌رسانی در ارتباط با این بیماری سر باز می‌زنند.»

وی ادامه می‌دهد: «بر اساس اطلاعات چندین پزشک مطلع در یک مرکز تخصصی پوست، آنها وجود یکی از این بیماران را در این مرکز تایید کرده‌اند اما دولت مایل نیست این موضوع را تایید و اطلاع‌رسانی کند، چون در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ اعلام شده بود این بیماری فقط از راه مقاربت منتقل می‌شود و مقاربت می‌تواند از راه ارتباط مرد با زن باشد یا مرد با مرد.»

این پزشک متخصص تاکید می‌کند: «در هر صورت این بیماری در عراق وجود نداشته و ندارد. بیشتر مبتلایان احتمالی اتباع افغانی هستند که به داخل کشور آمدند و مبتلا بوده‌اند که با زن یا مردی رابطه داشته‌اند، برخی از این افراد هم از پاکستان آمده‌اند و این بیماری را شیوع داده‌اند، اما شهروندان عراقی در رواج این مسئله

اکنون نیز حداقل، دو بیمار مبتلا و شناسایی شده‌اند. یکی از این افراد جوانی است که از سفر عراق به ایران بازگشته و شناسایی شده است»

به گفته این پزشک، در نقشه جهانی منتشر شده در سال ۲۰۲۲ مربوط به ویروس آبله میمونی، نقشه ایران به رنگ قرمز نشان داده شده که بیانگر وجود بیماری آبله میمونی از سال ۲۰۲۲ در ایران است. بر اساس این نقشه، ایران در سال ۲۰۲۲ مشکوک به درگیری با ویروس آبله میمونی نوع ۲ بوده که از طریق جنسی منتقل می‌شود.

وی اضافه کرد: «جالب اینجاست که کشور عراق در این نقشه، خارج از انتشار ویروس آبله میمونی بوده است.»

دکتر م. الف. در ادامه اضافه می‌کند: «تا پیش از سال ۲۰۲۲ فرم‌های آبله میمونی فرم «ب یک» بود و از طریق خوردن گوشت آلوده یا دست زدن به تاول یا ذرات و قطرات آب دهان منتشر می‌شد و یا با خراش توسط حیوانات کوچک و یا گاز گرفتن سگ و حیوانات کوچک منتقل می‌شد و فرم انتقال از طریق تماس جنسی بسیار کم بود.»

به گفته وی، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در دو اپیدمی سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ انتقال ویروس آبله میمونی فقط از طریق جنسی و به فرم «ب» بوده است. وی با بیان اینکه جهش ژنتیک ویروس آبله میمونی بسیار سریع است اضافه می‌کند: «کشورهای درگیر با آبله میمونی اعلام کرده‌اند فرم‌های جهش یافته مثل نوع دو آ و دو ب می‌تواند از طریق آب دهان و یا بوسیدن و یا خوابیدن در زیر ملحفه آلوده و حتی خوردن گوشت آلوده و یا خراش بدن توسط حیوانات یا گاز گرفتن سگ هم منتقل شود و راه ابتلا از طریق جنسی که در اپیدمی سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ وجود داشت در مورد اپیدمی ۲۰۲۴ آن چندان صادق نیست.»

در خرداد ۱۴۰۱ دکتر قوام‌الدین اشرفی‌زاده متخصص بیماری‌های عفونی با انتشار تصویری در صفحه اینستاگرام خود از شناسایی یک بیمار مشکوک به آبله میمونی خبر

دخالتی نداشته‌اند.»

در ادامه‌ی این گفتگو، دکتر شهلا م. متخصص پوست نیز معتقد است: «همانطور که جمهوری اسلامی با پنهانکاری تا چند ماه موضوع اپیدمی کرونا را از شهروندان پنهان نگه داشت تا روز آخر، بر موضوع آبله میمونی سرپوش می‌گذارد و آن را انکار خواهد کرد.»

به گفته این پزشک متخصص، اگر بیماری آبله میمونی شیوع پیدا کند و از نوع ب دو باشد و این بیماران را در قرنطینه نگهدارند، بیماری به صورت گسترده شیوع نخواهد داشت اما اگر نوع فرم ب یک باشد با دست دادن و سرفه نیز منتقل می‌شود. بنابراین احتمال شیوع این نوع از آبله میمونی وجود دارد.»

وی در ادامه هشدار داد: «متأسفانه در سکوت خبری یک بیماری عفونی دیگر هم به نام «کوکساکسی» شیوع پیدا کرده که باعث می‌شود اگر آبله میمونی رواج پیدا کند این ویروس هم به شدت شیوع پیدا خواهد کرد، اما حکومت همواره چنین مسائلی را انکار می‌کند.»

به گفته وی، «هر پزشکی که بیايد و بگوید چنین بیماری مشاهده شده به اتهام سیاه‌نمایی بازداشت و مواخذه می‌شود، همانطور که دو پزشک از دوستانم در دوره اپیدمی کرونا در مورد این بیماری اطلاع‌رسانی کردند اما پس از مواخذه مقامات وزارت بهداشت، پست خود را در شبکه‌های اجتماعی حذف و مجبور به سکوت شدند.»

دکتر شهلا م. ادامه می‌دهد: «اطلاع دارم برخی از دوستان پزشک که در روزهای نخست اپیدمی کرونا، در مورد این ویروس، در شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی کرده بودند به اتهام سیاه‌نمایی ممنوع‌الخروج شدند، در حال حاضر چند تن از دوستان پزشک با اسامی مستعار در شبکه اجتماعی ایکس در ارتباط با آبله میمونی اطلاع‌رسانی می‌کنند و تصاویر و اطلاعات این بیماری را منتشر کرده‌اند. برخی از پزشکان متخصص پوست نیز موضوع آبله میمونی در ایران را تأیید کرده‌اند اما در پاسخ به درخواست من مبنی بر اطلاع‌رسانی عمومی، به من گفتند به فکر خودت باش!»

دکتر م. الف. نیز معتقد است: «راه انتقال و شیوع آبله میمونی مانند موارد آبله میمونی در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ از راه سرفه و غذا خوردن نیست و اینبار راه انتقال بیماری، تماس جنسی است که اطلاع‌رسانی در مورد آن، حیثیت جمهوری اسلامی را به خطر انداخته و اگر کسی اطلاع‌رسانی کند به اتهام سیاه‌نمایی تحت تعقیب قرار می‌گیرد.»

اما دکتر شهلا م. توضیح می‌دهد که بین ۱ تا ۱۷ روز پس از تماس اولیه، علائم پوستی در فرد ظاهر می‌شود و هیچکس خواستار مقاربت با این فرد نخواهد بود و چون گروهی از بیماران نیز زیر ۱۸ سال هستند و امکان مقاربت با جنس مخالف را ندارند، بنابراین آبله میمونی در ایران شیوع چندانی نخواهد داشت و مردم نباید وحشتی از این بیماری داشته باشند. ولی در عین حال همه افراد بیمار می‌بایست شناسایی شده و در قرنطینه نگهداری شوند اما متأسفانه این بیماری در افغانستان و تا حدودی در پاکستان شیوع پیدا کرده است.

وی در پایان تأکید می‌کند: «ویروس آبله میمونی در حال تغییرات عجیبی است و ممکن است با شیوع فصل آنفولانزا و رواج کوکساکسی با این دو ترکیبی تشکیل دهند که تغییرات ژنتیک در آن سریع‌تر انجام شود و ممکن است از طریق سرفه به مراتب بیشتر و آسان‌تر منتقل شود تا از راه ارتباط جنسی. این زنگ خطری است که به دلیل تغییرات ژنتیک سریعی که در آبله میمونی به وجود می‌آید ما در آینده شاهد رواج بیماری آبله میمونی از راه تماس و سرفه باشیم.»

شکل گرفتن هاله‌های متراکم جمعیتی در گستره ایران بر اثر شرایط اقتصادی و محیط زیستی



و کم جمعیت» و همچنین «تأمین نیازهای اولیه مردم در مناطق دور از مادرشهرها» باشد.

بر اساس نتایج پژوهش علی بیت‌اللهی، تمرکز و توزیع جمعیت در نقاط مختلف کشور، صرفاً بر اساس شرایط آب و هوایی و جغرافیایی نیست و به نظر می‌رسد که قبل از شرایط طبیعی، شرایط اقتصادی بر شکل‌گیری هاله‌های متراکم جمعیتی در گستره ایران زمین تأثیر گذاشته است. علاوه بر شرایط اقتصادی و مهاجرت به تعدادی از شهرهای بزرگ و سکونت در آن‌ها یا اطراف آنها، به نظر می‌رسد که وجود امکانات رفاهی و شرایط فرهنگی نیز موجب تراکم بیش از حد برخی از محدوده‌های شهری و توزیع ناهمگن جمعیت در کشور شده است.

نقشه تراکم جمعیتی برای کل کشور (بر اساس جمعیت شهری) نیز نشان می‌دهد که تراکم جمعیت در موقعیت‌های تهران و اطراف و اصفهان و اطراف از بقیه نقاط بیشتر است.

همچنین پراکنش شهرهای با جمعیت بالای ۲۰۰ هزار نفری ایران نشان می‌دهد تعداد شهرهای با جمعیت بالای ۲۰۰ هزار نفر در شمال غربی ایران مرکزی به مراتب بیشتر از نواحی دیگر است. در اطراف تهران تعداد چنین شهرهای بزرگی بیشتر از سایر نواحی است که تمرکز جمعیتی ناحیه‌ای ناهمگنی را نشان می‌دهد.

این پژوهش نشان می‌دهد نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت ایران در ۱۰ شهر و اطراف آن ساکن هستند. مقایسه جمعیت پهنه‌های شهری نشان می‌دهد که در محدوده تهران و اطراف آن، ۱۵ میلیون نفر ساکن هستند که این تعداد حدود ۳ برابر محدوده جمعیتی اصفهان یا مشهد با شهرهای اطرافشان است.

شهرهای بزرگی مانند تهران، اصفهان، ساری، رشت، قزوین، گرگان و مشهد علاوه بر اینکه خود جمعیت بالایی دارند، در اطراف نزدیک خود با شهرهای دیگری احاطه شده‌اند که جمعیت محدوده‌های شهری را از ۴۰۰

تراکم سنگین جمعیتی در ۹ مادرشهر، ۴۰ درصد کل جمعیت را در این مناطق مستقر کرده است در حالی که، ۸۰ درصد از شهرهای ایران که تعدادشان ۱۲۰۰ شهر است، هر کدام کمتر از ۱۰۰ هزار نفر ساکن دارند.

● «مدل بارگذاری‌های مسکونی دولت‌ها و شهرداری‌ها»، «شرایط اقتصادی و شغلی شهرهای بزرگ» و «امکانات رفاهی» در کلان‌شهرها عوامل اصلی بی‌هنجاری جمعیتی شده است.

● توزیع ناهمگن جمعیتی در گستره ایران فشار فزاینده‌ای بر محیط‌زیست تحمیل و خود موجب بروز یا تشدید مخاطرات انسان‌ساخت متعددی می‌شود.

جابجایی جمعیتی در ایران متأثر از دو عامل مشکلات آب‌وهوایی و اقتصادی در جریان است و به عقیده کارشناسان هاله‌های متراکم جمعیتی در گستره ایران زمین به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی در حال شکل‌گیری است.

علی بیت‌اللهی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی و محقق علوم زمین و مخاطرات محیط زیست در پژوهشی نشان داده که توزیع جمعیت در پهنه کشوری همگن نیست و در شمال غربی ایران مرکزی بیشتر است.

همچنین تراکم سنگین جمعیتی در ۹ مادرشهر، ۴۰ درصد کل جمعیت را در این مناطق مستقر کرده است در حالی که، ۸۰ درصد از شهرهای ایران که تعدادشان ۱۲۰۰ شهر است، هر کدام کمتر از ۱۰۰ هزار نفر ساکن دارند.

این پژوهش با بیان اینکه، «مدل بارگذاری‌های مسکونی دولت‌ها و شهرداری‌ها»، «شرایط اقتصادی و شغلی شهرهای بزرگ» و «امکانات رفاهی» در کلان‌شهرها عوامل اصلی بی‌هنجاری جمعیتی شده است، نسبت به «ادامه سیاست‌های قبلی» هشدار می‌دهد و از دولت چهاردهم خواسته به موازات «اقدام برای تأمین مسکن» به فکر «توزیع عادلانه امکانات، تسهیل اشتغال در مناطق محروم

شده‌اند که جمعیت محدوده‌های شهری را از ۴۰۰

آغاز موج دیگری از اعتراضات پرستاران؛ یک فعال صنفی می‌گوید مشکلات با پرداخت معوقات حل نمی‌شود



● پرستاران و کادر درمان در چند شهر ایران از جمله اصفهان و قم و کاشان روز شنبه ۱۷ مرداد در اعتراض به پرداخت وجوهی ناچیز به حساب پرستاران به عنوان پرداخت معوقات، موج جدیدی از اعتراضات صنفی را آغاز کردند.

● شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران همزمان با تجمعات سراسری پرستاران در چند شهر ایران اعلام کرد مقامات جمهوری اسلامی «مطالبات و خواسته‌های ما که بارها با شفافیت فریاد زدیم» را نادیده گرفته‌اند.

● «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «تعرفه ما کجاست توی جیب شماهاست»، «پرستار می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم» و «پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن» از جمله شعارهای پرستاران معترض در تجمعات شهرهای مختلف بود.

● «کیهان لندن» پیشتر در گزارشی نوشته بود رفع مشکلات پرستاران نیازمند تزریق منابع مالی هنگفت به وزارت بهداشت و استخدام ده‌ها هزار پرستار برای جبران کمبود نیرو است که انجام این دو کار در شرایط کنونی سیاسی و اقتصادی کشور امری ناممکن است!

پس از آنکه وزارت بهداشت در پی وعده پرداخت معوقات پرستاران مبالغی ناچیز و تحقیرآمیز را به حساب آنها واریز کرد، صدها پرستار در چند شهر ایران روز شنبه ۱۷ شهریورماه موج تازه‌ای از اعتراضات صنفی را آغاز

مدیریت مشارکتی منابع را داشته‌اند که از نمونه‌های آن می‌توان به میرابها اشاره کرد، همچنین قنات‌ها و سدهای زیر زمینی از اختراعات ایرانیان برای مدیریت مشارکتی آب بوده است. متأسفانه امروزه تمام این تفکرها در کشور ما دور ریخته شده و جای آن را تفکر مخرب حاکمیت دولت بر آب را گرفته است که، موجب بحران در آب‌های زیرزمینی و آب‌های سطحی شده است. به گفته بازرگان، در کشور ۶۰۹ دشت وجود دارد که از میان آن‌ها ۴۳۰ دشت وضعیت فوق بحرانی دارند که از میان دشت‌های فوق بحرانی در ۱۳۰ دشت دیگر آبخواری وجود ندارد.»

آمارهایی نیز در رابطه با مهاجرت‌های اقلیمی منتشر شده است؛ بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران زمستان گذشته اعلام کرده بود که از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ بطور متوسط سالانه یک میلیون نفر مهاجر داخلی داشتیم. این عدد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است و در مدت ۷ سال است که غی‌دانیم در این زمینه در کشور چه اتفاقاتی افتاده است. در این میان جمعیت مناطق حاشیه‌ای که بیشتر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند، به مناطق مرکزی تزریق می‌شوند.

بهرام صلواتی در ادامه افزوده بود که بر اساس آمارها در سال ۲۰۲۲ تعداد چند هزار بلایای طبیعی رخ داده است و در ایران نیز بر اساس استانداردها، پنج بلای طبیعی رخ داده است.

مدیر رصدخانه ایران با تأکید بر اینکه در ۴۱ بلای طبیعی شناخته شده در دنیا، ۳۲ مورد آن در ایران شناسایی شده است، گفته بود که این عدد نشان‌دهنده بلاخیز بودن کشور است. کمبود آب، شامل تنش آبی، کم‌آبی و بحران آب است. مفهوم تنش آب نسبتاً جدید است. تنش آب مشکل در یافتن منابع آب شیرین برای استفاده است، که علت آن تخلیه منابع است. بحران آب وضعیتی است که در آن آب قابل آشامیدن و غیر آلوده در یک منطقه کمتر از تقاضای آن است.

علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست نیز پیشتر به خبرگزاری «ایلنا» گفته بود که «تغییر اقلیم و بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از آن در همه کشورها از جمله ایران بروز پیدا کرده و به مشکلات مختلفی از جمله مهاجرت اقلیمی دامن زده است.»

مهدی ضرغامی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تبریز نیز خرداد سال ۱۴۰۱ آماري از مهاجرت درون کشوری به دلیل مشکلات اقلیمی ارائه کرده و گفته بود که تحت تأثیر شرایط اقلیمی، ۱۰ هزار خانواده ایرانی سال گذشته از زایل خارج شدند؛ این عددی است که شرکت حمل‌ونقل و ترابری ثبت کرده است.

روزنامه «جهان صنعت» بهمن‌ماه گذشته در گزارشی درباره مهاجرت اقلیمی نوشته بود که ورود مهاجران جدید به یک منطقه به معنای تامین منبع آب، مسکن و... برای آنهاست. وضعیتی که بازار کار، بازار مسکن، ذخایر آبی و... را تحت تأثیر قرار داده و با چالش‌هایی مواجه می‌کند. چنانچه تاکنون مقامات دولتی بارها گفته‌اند تهران دیگر ظرفیت ورود مهاجران جدید را ندارد. شهرهای شمالی کشور نیز که اکنون یکی از مقاصد مهاجرتی هستند با بحران آب و فرونشست زمین دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نتیجه آن می‌شود که به مرور زمان، مقصد مهاجرتی نیز با چالش‌های دیگری مواجه می‌شوند. به عبارتی مشکلات حل نمی‌شود، بلکه فقط به منطقه‌ای دیگر منتقل شده و بر حجم آن هم افزوده شده تا جایی که به گره کور تبدیل می‌شود.

→ هزار تا بیش از ۶ میلیون نفر اضافه می‌کنند.

سکونتگاه‌های شهری اطراف تهران حدود ۶/۵ میلیون نفر، اطراف اصفهان حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر و اطراف ساری حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بر جمعیت این شهرها در پهنه نه چندان وسیع اضافه می‌کنند که تردد و جمعیت شناور قابل ملاحظه‌ای را به شهرهای بزرگ مرکز تحمیل می‌کنند.

علی بیت‌الهی تأکید کرده که توزیع جمعیتی در گستره ایران همگن نبوده و به‌صورت موضعی دارای مقادیر تراکم جمعیتی بسیار بالایی در مقایسه با سایر مناطق است. چنین پراکنشی از جمعیت به‌صورت محلی و موضعی، فشار فزاینده‌ای بر محیط‌زیست تحمیل و خود موجب بروز یا تشدید مخاطرات انسان‌ساخت متعددی می‌شود. نیاز غذایی موجب نیاز آبی فراوان شده و بر منابع آبی (سطحی و زیرسطحی) جهت تامین آب تقاضای بیش از حد نرمال وارد می‌کند.

بیلان منفی آبخواریها با توجه به نیاز آبی فراوان، موجب بروز و تشدید پدیده فرونشست زمین می‌شود. تجمع مراکز صنعتی در اطراف پهنه‌های جمعیتی با تراکم بالا با هدف تامین نیازها و کسب درآمد، بیشتر می‌شود، تاسیسات و زیرساخت‌ها و صنایع آلاینده در مجاورت چنین گستره‌هایی مکان‌یابی می‌شوند، نیاز مسکن، ترافیک و تردد و مصرف سوخت بیشتر و آلودگی هوا از مرزهای نرمال به مراتب فراتر می‌رود. علاوه بر این اگر مخاطرات طبیعی مانند زلزله در چنین محدوده‌هایی با تراکم جمعیتی بالا به‌وقوع پیوندد، به دلیل در معرض قرارگیری بالا، خسارت‌ها و تلفات دهشتناک خواهد بود.

از سوی دیگر با وجود مشکلات عدیده ناشی از توزیع ناهمگن جمعیت و تراکم بیش از حد آن در برخی از پهنه‌های سرزمینی ایران، نشان داده می‌شود که مهاجرپذیری محدوده‌های جمعیتی بالا کماکان روند روبه‌رشدی را طی می‌کند. بر اساس گزارش «نیازسنجی و برنامه ریزی استانی احداث مسکن در چارچوب قانون جهش تولید مسکن»، نشان داده شده است که شهرهای تهران، کرج، یزد، سمنان، اصفهان و قم در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ بر اساس آمار مرکز آمار ایران، روند تصاعدی را در خصوص مهاجرپذیری داشته‌اند.

بر اساس روند مهاجرت و رشد جمعیت، انتظار می‌رود که نیازهای آبی، غذایی، مسکن و حمل‌ونقل و... در گستره‌های با تراکم جمعیتی بالا تشدید یافته و چالش‌های زیست‌محیطی بحرانی‌تر و ریسک مخاطرات افزایش یابد. استنباط می‌شود که ساخت مسکن در چنین گستره‌هایی هر چند نیازهای اقشار اجتماعی مختلف را تا حدودی تامین می‌کند، اما خود موجب تشدید مهاجرت شده و در نتیجه نیازهای مسکن، آب و غذا و زیرساخت‌های بیشتری به وجود آمده و مورد تقاضا قرار خواهد گرفت.

پیش از این گزارش‌هایی درباره جابجایی جمعیتی و هشداریهایی درباره عواقب مهاجرت‌های درون‌سرزمینی که در ایران شکل گرفته منتشر شده بود.

محمد بازرگان دبیر کارگروه آب و محیط زیست کمیته کشاورزی مجمع تشخیص مصلحت نظام دی‌ماه سال ۱۴۰۱ با بیان اینکه «مشکلات آب و خاک کشور فاصله چندانی تا تبدیل شدن به بحران ندارد» گفته که «وقتی دولت‌ها خود را مالک منابع بدانند، هرطور بخواهد رفتار می‌کنند، بدون اینکه جایگاهی برای پاسخگویی قائل شوند.»

محمد بازرگان توضیح داده که «در تمام دنیا حکمرانی آب بر اساس مولفه‌های مختلف که مهمترین آن مدیریت مشارکتی ذی نفعان است. ایرانیان در هزاران سال پیش



کردند.

بر اساس گزارش منابع صنفی، پرستاران و کادر درمان در بیمارستان‌های «نقوی» و «بهشتی» شهر کاشان صبح شنبه تجمع اعتراضی گسترده‌ای را برگزار کردند.

شماری از پرستاران در اصفهان نیز با تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهر و با دادن شعارهایی در اعتراض به وزارت بهداشت، خواستار رسیدگی به خواست‌ها و حقوق خود شدند.

همزمان ده‌ها تن از پرستاران معترض در شهر قم با تجمع مقابل استانداری، و ده‌ها تن از پرستاران در شهر قروه با تجمع مقابل فرمانداری نسبت به سطح پایین حقوق، تأخیر در پرداخت مزایای شغلی، رقم ناچیز اضافه‌کاری اجباری و اجرای نادرست تعرفه پرستاری اعتراض کردند.

«وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «تعرفه ما کجاست توی جیب شماهاست»، «پرستار می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم»، «پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن» و «اضافه کار ۲۰-۱۵ تومان نمی‌خواهیم» از جمله شعارهای پرستاران معترض در تجمعات شهرهای مختلف بود.

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران همزمان با تجمعات سراسری پرستاران در چند شهر ایران اعلام کرد مقامات جمهوری اسلامی «مطالبات و خواسته‌های ما که بارها با شفافیت فریاد زدیم» را نادیده گرفته‌اند. این شورا همچنین گزارش داده که «نوع کار پرستاران از دسته مشاغل سخت محسوب می‌شود اما حقوق و مزایا و مبلغ اضافه کاری پرستاری و تعرفه با درجه سختی شغل آنها همخوانی ندارد». پرستاران از مدت‌ها پیش تجمعاتی را در اعتراض به دستمزدهای ناچیز، تعرفه‌های غیرعادلانه برای اضافه‌کاری و کارانه، و شیفتهای طولانی و اجباری برگزار می‌کردند. در دور بی‌سابقه‌ای از اعتراضات اما پس از آنکه چند تجمع و اعتصاب چند ساعته در شهرهای بندرعباس و فسا و کرج رخ داد، پرستاران در چند بیمارستان دولتی شیراز به صورت همزمان و از ۱۳ مرداد دست به اعتصاب زدند که به سرعت در میان پرستاران بیمارستان‌های دولتی چند شهر دیگر گسترش یافت و به تهران رسید. این اعتصابات طی سه هفته در بیش از ۱۲ استان و ۵۰ بیمارستان دولتی تداوم یافت.

با گسترده شدن اعتصاب سراسری پرستاران و اختلال در فعالیت بیمارستان‌های دولتی، محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت دولت مسعود پزشکیان وعده حل مشکلات پرستاران داد. او در ابتدا اعلام کرده بود که «مشکل انباشت مطالبات جامعه پرستاری ظرف دو هفته آینده برطرف می‌شود» اما یک روز بعد از این وعده عقب‌نشینی کرده و گفت: «انتظارات مالی پرستاران را در حد توان کشور پیگیری می‌کنم».

او با اینکه نخست وعده حل مشکلات طی «دو هفته» را داده بود، در اظهارات جدید خود گفت «برای ارتقای جایگاه هویتی و حرفه‌ای پرستاران گفتگوهایی را با رئیس جمهور و اعضای دولت، آغاز کرده‌ام».

همزمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی موافقت کرد که دولت پزشکیان با برداشت از منابع صندوق توسعه ملی بخشی از مشکلات حاد در رابطه با خواست پرستاران را در کنار حل مشکل کمبود دارو و... حل کند.

مسعود پزشکیان طی هفته جاری در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی گفت: «در حال حل مشکل فرهنگیان، پرستاران، داروسازان و کشاورزان هستیم. گفتند وارث چیز خوبی شدیم ولی پول به اندازه کافی نیست. نمی‌خواهم گلابه کم ولی از رهبری اجازه گرفتیم یک مقدار از صندوق توسعه ملی برداریم و یک مقدار از بدهی‌ها را

تسویه کنیم؛ قردادان رهبری هستم».

او افزوده بود که «این منبع با اجازه مقام معظم رهبری از محل منابع صندوق توسعه ملی پرداخت به پرستاران، کشاورزان، معلمان و داروی مورد نیاز انجام خواهد شد».

بر اساس قانون بودجه دولت باید هر ساله سهمی از صادرات نفت را بطور مستقیم به صندوق توسعه ملی واریز کند. این سهم در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ رقمی معادل ۴۵ درصد تصویب شده بود اما اکنون در نیمه سال، و با آغاز بکار دولت مسعود پزشکیان، با موافقت علی خامنه‌ای سهم صندوق از درآمد دولت به ۲۰ درصد کاهش یافته تا ۲۵ درصد دیگر به جیب دولت ریخته شود. این موضوع با مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصاد سران قوا در روز یکشنبه ۱۱ شهریورماه رسمی شد تا بر این اساس رقمی معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت بدهی‌های دولت از محل صندوق توسعه ملی هزینه شود.

«کیهان لندن» پیشتر در گزارشی نوشته بود رفع مشکلات پرستاران نیازمند تزیق منابع مالی هنگفت به وزارت بهداشت، برای تحقق برابری دستمزد و افزایش درآمد آنهاست و همچنین نیازمند استخدام ده‌ها هزار پرستار برای جبران کمبود این نیرو، تا دیگر پرستاران شاغل ناچار به انجام شیفتهای طولانی و اضافه‌کاری‌های اجباری نباشند. انجام این دو کار در شرایط کنونی سیاسی و اقتصادی کشور امری ناممکن است!

چند روز پس از وعده وزیر بهداشت برای پرداخت معوقات پرستاران، خبرگزاری «ایلنا» گزارش داد که وزارت بهداشت بجای پرداخت معوقات پرستاران، مبلغ ناچیز یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به حساب پرستاران واریز کرده است.

یک پرستار در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با بیان اینکه «پرداخت این مبالغ ناچیز در جهت آرام کردن پرستاران بوده است» از پرداخت مبلغ ۷۰۰ هزار تومان به عنوان «کارانه» و «تعرفه یک ماه» و ۹۰۰ هزار تومان به عنوان «فوق‌العاده خاص» انتقاد کرد.

این پرستار گفته بود که «در مجموع یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به حسابم ریختند؛ آیا فکر می‌کنند همه مشکلات ما پرستاران با این یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حل می‌شود؟»

این پرستار تأکید کرده بود که «مسئولان نمی‌خواهند ریشه واقعی مشکلات پرستاران را دریابند و دست به اصلاحات اساسی نمی‌زنند».

به نظر می‌رسد حکومت با احساس خطر درباره گسترش بیشتر اعتصاب پرستاران با وعده پرداخت معوقات تلاش کرده تا آنها را مجاب کند که به اعتصاب خود پایان دهند و حالا رقمی ناچیز به حساب آنها واریز کرده است.

مشکلات پرستاران اما حادث‌تر و جدی‌تر از آنست که وزارت بهداشت بتواند با واریز چنین مبلغی آنها را راضی کند. پرستاران اعتصاب‌کننده اصلی‌ترین خواسته‌های خود را افزایش دستمزدها، لغو اضافه‌کاری اجباری، اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه اعلام کرده‌اند.

در همین رابطه رضا قره‌باغی رئیس هیئت مدیره انجمن فوریت‌های پزشکی کشور کمبود نیروهای اورژانس و تحمیل اضافه کار اجباری را یکی از مهمترین مشکلات نیروهای اورژانس دانسته و گفته «مهم ترین مشکل عدم تناسب تعداد پرستاران و بیماراران است. در مورد نیروهای اورژانس این مشکل به دلیل کمبود آمبولانس و تجهیزات و پایگاه‌ها چند برابر است. این وضعیت هم فشار کاری مضاعفی به نیروهای فوریت و بیمارستان وارد می‌کند و هم جان بیماراران

را به خطر می‌اندازد. به هر حال خدماتی که ارائه می‌شود، متناسب با تعداد بیماراران نیست».

او افزوده که «همچنین در حوزه فوریت‌های پزشکی می‌توان به فرسودگی ناوگان نیز اشاره کرد. خیلی از آمبولانس‌ها از رده خارج شده‌اند و درگیر تعمیرگاه هستند و برخی چنان از دور خارج می‌شوند که حتی نمی‌شود آن‌ها را تعمیر کرد. ما حتی اگر نیرو هم به اندازه کافی داشته باشیم، باز هم چون آمبولانس کم است، خدمت‌رسانی به مردم مختل می‌شود».

رئیس هیئت مدیره انجمن فوریت‌های پزشکی کشور تأکید کرده که «بیشتر مشکلات پرستاران شامل حال نیروهای اورژانس پیش‌بیمارستانی نیز می‌شود با این تفاوت که این نیروها مشکلات مختص خود را هم دارند. مباحثی که تا اینجا گفتیم یک طرف، باید به نادیده گرفته شدن این نیروها در تعرفه‌گذاری و کارانه نیز اشاره کرد. این دو آئیم به شکل بسیار جزئی برای آن‌ها لحاظ شده است و می‌توان گفت که نیروهای فوریت در بحث تعرفه‌گذاری و کارانه محلی از اعراب ندارند و وضعیت آن‌ها به مراتب از سایر گروه‌های پرستاری بدتر است».

رضا قره‌باغی توضیح داده که «مثلا در مورد کارانه گفته‌اند ۱.۵ درصد جزء حرفه‌ای. ارزش نسبی خدمات و ویزیت سرپایی درواقع تعیین یک و نیم درصد جزء حرفه‌ای در حالی است که به نسبت خدماتی که همکاران ما انجام می‌دهند این مبلغ واقعا ناچیز است. من نیروی عملیاتی هستم و کارانه ۳۰۰ هزار تومانی می‌گیرم در صورتیکه این رقم برای مأموریت‌های ما در تهران که هم سنگین است و هم پرتعداد بسیار ناچیز است. ضمن اینکه چون تقسیم‌بندی کارانه توسط ستاد انجام می‌شود خیلی اوقات نیروهای عملیاتی که بیشترین خدمات را انجام می‌دهند حتی از نیروهای ستادی هم کمتر کارانه دریافت می‌کنند. متأسفانه اجحاف و تبعیض در بخش فوریت‌های پزشکی خیلی بیشتر است».

او در ادامه گفته که «تعرفه مستقلی برای نیروهای فوریت در نظر نگرفتند و این نیروها تعرفه مستقلی ندارند. هر نیروی فوریت باید به تناسب خدماتی که برای بیمار ارائه می‌دهد شفاف و مشخص تعرفه همان خدمات را بگیرد اما به ما تعرفه مستقل نداده‌اند. این تقسیم‌بندی ناعادلانه است. اگر خدمات ما به شکل مستقل تعرفه‌گذاری می‌شد در صورت واریز مبلغ کم می‌توانستیم آن را پیگیری کنیم اما در حال حاضر چنین چیزی امکان ندارد».

او همچنین درباره پرداخت مبالغی تحقیرآمیز به حساب پرستاران گفته که «مبلغی که بابت فوق‌العاده خاص داده‌اند بسیار ناچیز است که حتی نام آن را تغییر داده‌اند و ترمیم حقوق گذاشته‌اند. در حال حاضر فوق‌العاده خاص قوه قضائیه با ضریب ۳ درصد پرداخت می‌شود اما فوق‌العاده خاص برای نیروهای کادر درمان با ضریب ۰/۴ درصد آنهم به نام ترمیم حقوق اعمال می‌شود. این افزایش چیزی حدود یک میلیون ۴۰۰ تومان می‌شود که در با توجه به تورم و گرانی و حقوق ناچیز کادر درمان رقم بسیار ناچیزی است».

رئیس هیئت مدیره انجمن فوریت‌های پزشکی کشور اعتراض را حق نیروها دانست و در رابطه با وعده‌هایی که در روزهای اخیر در مورد رفع مشکلات پرستاران داده شده گفت: «مشکلات پرستاران فقط معوقات نیست. حتی اگر اضافه کار ساعتی ۲۰ تومان را پرداخت کنند، باز هم مشکل اساسی پرستاران حل نخواهد شد. آن‌ها به این اضافه کار و مبلغ بسیار پایین آن اعتراض دارند. خواسته‌ی آن‌ها این است که با جذب نیروی کافی این اضافه کار اجباری به طور کلی برداشته شود. مشکل باید ریشه‌ای حل شود».

قطع بیمه ۵۰۰ هزار کارگر در پی کاهش منابع بیمه کارگران ساختمانی



می‌شوند که بیش از ۹۰ روز باشند. به همین دلیل بسیاری از کارفرمایان قراردادهایی بدون تاریخ و امضا و باصلاح «سفید امضا» را با کارگران تنظیم و برخی نیز مدت قرارداد را ۸۹ روزه می‌نویسند تا کارگر مشمول قوانین اداره کار نشود و پرداخت حق بیمه نیز بر گردن کارفرما نیافتد! خیرگزاری «ایلنا» اردیبهشت امسال در گزارشی درباره وضعیت بیمه‌پردازی کارفرمایان برای کارگران نوشته که «رد نشدن سال‌های دقیق بیمه‌پردازی یکی از مطرح‌ترین مشکلات کارگری است؛ مسئله‌ای که برای کارگران پیمانکاری و کارگران بخش خصوصی بسیار اتفاق می‌افتد و خیلی اوقات کارگران، خاصه کارگران ضعیف‌تر، به دلیل ترس از اخراج و نیازشان به پول کارگری، تمایلی به اعتراض ندارند. باید در کنار این کارگران، از کارگران بخش ساختمانی که اتفاقا به شکل سیستماتیک از حق بیمه اجتماعی محرومند نیز یاد کرد.»

پرداخت نشدن بیمه از سوی کارفرما در نهایت کارگران را برای تکمیل پرونده بازنشستگی و دریافت حقوق بازنشستگی با بحران روبرو می‌کند چون سال‌های اشتغال بدون بیمه آنها، سبب می‌شود نتوانند حداقل زمان اشتغال برای دریافت بیمه بیکاری را پُر کنند. «ایلنا» از کارگرانی نوشته بود که «حتی توان پرداخت هزینه‌های درمان بیماری‌های دوران میان‌سالی و پیری‌شان را ندارند، که یا مجبور به کار کردن بعد از بازنشستگی و یا اگر توانی نداشته باشند، به اطرافیان خود وابسته می‌شوند. حال آنکه قرار بود به ازای صرف کردن سی سال از بهترین دوران زندگی‌شان، در دوران پیری با آسودگی خاطر و به دور از وابستگی زندگی کنند.»

اینهمه در حالیست که به طور کلی رکود شدید در بخش ساخت و ساز مسکن سبب بروز موج بیکاری گسترده‌ای در میان کارگران ساختمانی شده و بسیاری از آنها بیکار هستند.

این رقم پوشش‌دهنده‌ی بیمه کارگران ساختمانی نیست.» او گفته «اگر قرار است ۲۵ درصد از عوارض پروانه ساختمانی به تأمین اجتماعی پرداخت شود، باید این ۲۵ درصد از مجموع عوارضی که شهرداری‌ها از محل پروانه‌های ساختمانی دریافت می‌کنند، پرداخت شود، نه بخشی از آن. در واقع بخشنامه وزارت کشور، منابع بیمه کارگران ساختمانی که قرار بود با افزایش ۲۵ درصدی از پرداخت پروانه ساخت، افزایش پیدا کند را باز هم کاهش داده است. همین باعث می‌شود تأمین اجتماعی مانند سابق از بیمه کارگران ساختمانی سر باز بزند و بگوید همان اندازه که بودجه می‌گیرم، بیمه می‌کنم!»

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی همچنین گفته که «متأسفانه ما بین زیاده‌خواهی‌های بساز و بفروش‌ها و حمایتی که از سوی مسئولان از آنها می‌شود، گیر افتاده‌ایم. از یک طرف در مجلس اجازه ندادند طرح اولیه، که دریافت حق بیمه از کارفرما براساس مترائ و قیمت منطقه بود تصویب شود؛ از سویی دیگر، وزارت کشور، با بخشنامه‌ای که صادر کرده، از سهم اضافه شده بر اساس طرح مصوب، کم می‌کند. بخشنامه‌ای که از سوی وزارت کشور صادر شده، درآمد تأمین اجتماعی را از محل عوارض ساختمانی، کم می‌کند، که این رقم در جاهایی مثل بالای شهر تهران که تراکم بالاست، رقم قابل توجهی است.»

این فعال کارگری تأکید کرده که «کارگران ساختمانی نباید تاوان تخلفات وزارت کشور و سازمان تأمین اجتماعی را بدهند. آنها نباید قربانی لابی سرمایه‌داران و مسئولان سرمایه‌دار شوند.»

از سوی دیگر شمار زیادی از کارگران ساختمانی نیز با قراردادهای سفیدامضا و موقت مشغول به کار هستند. بر اساس قوانین کار جمهوری اسلامی تنها قراردادهایی مشمول بیمه و مزایایی چون حقوق بیکاری و بازنشستگی

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی گفته وزارت کشور در بخشنامه‌ای منابع بیمه کارگران ساختمانی که قرار بود با افزایش ۲۵ درصدی از پرداخت پروانه ساخت، افزایش پیدا کند را باز هم کاهش داده است.

پرداخت نشدن بیمه از سوی کارفرما در نهایت کارگران را برای تکمیل پرونده بازنشستگی و دریافت حقوق بازنشستگی با بحران روبرو می‌کند.

به طور کلی رکود شدید در بخش ساخت و ساز مسکن سبب بروز موج بیکاری گسترده‌ای در میان کارگران ساختمانی شده و بسیاری از آنها بیکار هستند.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی از کاهش منابع بیمه کارگران ساختمانی از سوی دولت خبر داده و گفته در نتیجه‌ی این اقدام بیمه ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی قطع شده است.

اکبر شوکت رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی گفته وزارت کشور در بخشنامه‌ای منابع بیمه کارگران ساختمانی که قرار بود با افزایش ۲۵ درصدی از پرداخت پروانه ساخت، افزایش پیدا کند را باز هم کاهش داده است.

کارگران ساختمانی حدود ۷ تا ۸ درصد جمعیت کارگران کشور هستند اما نیمی از حوادث در محل کار مربوط به این کارگران است. با اینهمه سالهاست این کارگران با مشکل بیمه روبرو هستند. در حالیکه پس از سالها فعالیت و تلاش فعالان کارگری قرار بود مشکل بیمه کارگران ساختمانی حل شود اکنون با بخشنامه‌ای از سوی وزارت کشور بار دیگر مشکلاتی در اینباره ایجاد شده است.

اکبر شوکت در گفتگو با خیرگزاری «ایلنا» گفته «تلاش ما برای اصلاحیه ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی در نهایت منجر به افزایش سهم تأمین اجتماعی از عوارض پروانه ساختمانی از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد شد. هر چند ما با این روش مخالف بودیم و کمیسیون اجتماعی هم با حرف ما موافق بود، اما در نهایت طرح ما به تصویب نرسید. در طرح پیشنهادی ما قرار بود به ازای مترائ و منطقه ساخت منابع دریافت شود، اما زور مافیای ساخت و ساز زیاد بود و لابی وسیعی در مجلس کردند و در نهایت با همان مبنای عوارض ساختمانی، ماده ۵ را اصلاح کردند.»

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی افزوده که «بعد از ابلاغ این قانون، متأسفانه از سوی وزارت کشور مداخله‌هایی برای تقلیل سهم عوارض تأمین اجتماعی صورت گرفت که این موضوع وضعیت را بدتر می‌کند. زمانی نمایندگان در مجلس کل سهم عوارض را برآورد می‌کردند و با توجه به آن تأکید داشتند که منابع سازمان تأمین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی کافی است. ببینید برای سال ۱۴۰۲ میزان درآمد شهرداری‌ها از محل درآمدهای عمرانی نزدیک به ۹۰ هزار میلیارد تومان بود که ۲۵ درصد این رقم حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان می‌شد.»

این فعال کارگری همچنین گفته «با بخشنامه‌ای که از سوی وزارت کشور صادر شده، رقم خیلی از آیت‌هایی که بابت پروانه ساختمانی از کارفرما کسر می‌شود، از شمولیت عوارض خارج می‌شوند و خروجی این می‌شود که دریافتی تأمین اجتماعی به شدت کاهش پیدا می‌کند. مثلاً در سال ۱۴۰۲ از محل پروانه‌های ساختمانی حول و حوش ۱۰ هزار میلیارد و حتی کمتر به تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود، که

پناهندگی برای نجات جان؛ مبتلایان به اس‌ام‌ای در ایران به دلیل عدم دسترسی به دارو می‌میرند!

فرزندان‌شان قطع می‌شد، دارو باید به صورت مستمر استفاده شود. همین موضوع سبب شد تا رئیس کمیته علمی که زیر نظر وزارت بهداشت فعالیت می‌کرد، استعفا دهد اما وزارت بهداشت کار خودش را کرد.

اکنون اما دارو «بطور کامل» تمام شده و هیچکس دارویی نمی‌گیرد. سعید عجمیان گفته معاونت تحقیقات وزارت بهداشت تأکید می‌کند که تیم علمی‌اش، اثربخشی دارو را تأیید کرده اما معاونت درمان اظهارات دیگری دارد. سازمان غذا و دارو هم می‌گوید که بودجه خریدش را ندارند. در نتیجه حدود یک‌ماه است که دارو در داخل کشور قطع شده است.

مدیرعامل سابق انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای افزوده که آنها در این مدت نامه‌نگاری‌های فراوانی داشته‌اند اما معتقدند که دلیل اصلی، نداشتن منابع مالی است: «مسئولان نمی‌خواهند بگویند که منبع مالی ندارند و به همین دلیل به سمت زیر سوال بردن ابزارهای خصوصی و سوء استفاده از اقداماتی مانند کاست‌بنفیت و اثربخشی دارو می‌کنند. در حالی که اینجا جان انسان‌ها در خطر است و دیگر مسئله کاست‌بنفیت کاربردی ندارد: «ما به سازمان بازرسی کل کشور شکایت‌مان را بردیم. آنها هم گزارش بلندبالایی نوشتند و به وزارت بهداشت اعلام کردند تا زمانی که داروی ایرانی با استاندارد بالا و هم‌ردیف داروی اورجینال تولید نشود، باید دارو در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد. اما هشت ماه از این گزارش می‌گذرد و هنوز وزارت بهداشت اقدامی نکرده است.»

«کیهان لندن» آذرماه سال گذشته در گزارشی به پدیده «مهاجرت ناخواسته برای دسترسی به دارو» در بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای خبر داده بود. آمار اقدام به پناهندگی این خانواده‌ها اما طی ماه‌های گذشته و در پی قطع شده سهمیه دارویی و افزایش شمار مرگ بیماران، صعودی شده است. رامک حیدری مدیرعامل انجمن حمایت از مبتلایان اس‌ام‌ای گفته بود که «خیلی از خانواده‌ها در یک سال اخیر به کشورهایی که دارو رایگان به بیماران می‌دهند پناهنده شدند، از بدو ورود این بیماران و خانواده‌ها به هلند، آلمان و حتی کانادا دارو را به‌صورت رایگان در اختیارشان گذاشتند و کاردرمانی رایگان برای آنها انجام می‌دهند، آن‌ها که رفتند برای کسانی که داخل ایران هستند الگو شدند، مطمئن باشید خیلی از بیماران دیگر و خانواده‌های‌شان هم قصد مهاجرت دارند.»

او با اشاره به اینکه مهاجرت و پناهندگی میان خانواده افراد مبتلا به اس‌ام‌ای شایع شده گفته «این درد خیلی بزرگی است که بیمار و خانواده برای درمان متأسفانه به کشور دیگری پناهنده می‌شود. آهسته آهسته خانواده‌های افراد مبتلا به اس‌ام‌ای مجبورند که به کشورهای دیگر پناه ببرند، آن هم فقط به دلیل نبودن درمان مناسب برای بیمارشان.» در مهاجرت غیرپناهندگی به بیمار داروی رایگان داده نمی‌شود برای همین بسیاری از خانواده‌ها باوجود مشکلات بسیار زیاد، تصمیم به پناهندگی می‌گیرند.

اس‌ام‌ای (آتروفی عضلانی نخاعی) یک بیماری ژنتیک است که از دوران نوزادی و کودکی علائم آن ظاهر می‌شود و به دلیل از بین رفتن سلول‌های عصبی در نخاع و ساقه مغز، عضلات بدن تحلیل می‌رود.



خانواده مبتلایان به بیماری اس‌ام‌ای بارها مقابل مجلس شورای اسلامی و وزارت بهداشت تجمع کرده و خواستار واردات دارو شدند

مبتلایان به این بیماری ناچار هستند میان مرگ عزیز بیمار و پناهندگی اجباری یکی را انتخاب کنند!

سعید اعظمیان مدیرعامل سابق انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای به «هم‌میهن» گفته سال‌هاست که درباره مهاجرت خانواده‌هایی که بیمار مبتلا به اس‌ام‌ای دارند می‌شوند.

او گفته مسئله مهاجرت این خانواده‌ها بسیار جدی است و از یک سال و نیم گذشته که تقریباً داروی این بیماران قطع شد، میزان مهاجرت‌ها هم روند صعودی گرفت: «دارو در داخل تولید نمی‌شود و دارویی که به صورت قطره‌چکانی می‌آید، داروی قاچاق است و نمی‌توان اصلت دارو را تشخیص داد. قیمت این داروها هم چندین برابر قیمتی است که ایران می‌خرد. خانواده‌ها اما چاره‌ای ندارند و تن به این قیمت‌ها می‌دهند. آنها خانه، ماشین و حتی فرش زیرپای‌شان را می‌فروشند تا برای مدت کوتاهی این داروها را تأمین کنند، اما حالا دیگر همانها را هم نمی‌توانند بخرند.» او می‌گوید که حدود دو سال پیش محموله‌ای از داروهای مورد نیاز این بیماران وارد شد که برای بیماران زیر ۱۱ سال توزیع کردند. هفت، هشت ماهی نگذشته بود که نتایج تیم علمی وزارت بهداشت تکمیل شد و اعلام کردند که نتیجه مثبت بوده. با این حال توزیع دارو برای این گروه سنی را قطع کردند. این اقدامی بود که از سوی ستاد تدابیر ویژه وزارتخانه بهداشت و درمان که متشکل از وزیر بهداشت و معاونانش بود، صورت گرفت. آنها بعد از قطع دارو برای بیماران زیر ۱۱ سال، آن را بین بیماران ۱۱ تا ۲۰ سال به مدت ۴ تا ۵ ماه توزیع کردند. بهانه‌شان هم این بود که می‌خواهند اثربخشی دارو را بر گروه‌های سنی مختلف بررسی کنند.

آنطور که سعید عجمیان گفته این تصمیم اما به شدت با مخالفت خانواده‌ها مواجه شد، چون نباید داروی

● آمار درخواست پناهندگی بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای به کشورهای اتریش، آلمان، هلند و انگلستان افزایش یافته است. این خانواده‌ها خانه و زندگی‌شان را می‌فروشند، به دلال‌ها و وکلای مهاجرتی می‌دهند و به کشورهای مثل آلمان، اتریش، هلند، انگلستان و چند کشور اروپایی دیگر مهاجرت می‌کنند.

● مدیرعامل سابق انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای گفته مسئله مهاجرت این خانواده‌ها بسیار جدی است و از یک سال و نیم گذشته که تقریباً داروی این بیماران قطع شد، میزان مهاجرت‌ها هم روند صعودی گرفت.

عدم حمایت جمهوری اسلامی از بیماران مبتلا به بیماری اس‌ام‌ای (SMA) و تهدید جانی بیماران به دلیل نایاب و گران بودن داروها، روند مهاجرت این بیماران از طریق پناهندگی را سرعت بخشیده است.

در حالی که از مدت‌ها پیش خبر مهاجرت بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص از جمله بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای به دلیل عدم دسترسی همیشگی و ارزان به دارو مطرح بود اکنون گزارشی از افزایش شمار درخواست پناهندگی این بیماران به کشورهای غربی منتشر شده است.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی از افزایش درخواست پناهندگی بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای به کشورهای اتریش، آلمان، هلند و انگلستان خبر داده است.

بر اساس این گزارش، خانواده‌هایی که بیماران مبتلا به SMA دارند پناهنده می‌شوند و این آغاز مسیر سخت و پیچیده زندگی آنهاست: «کاش زودتر از ایران خارج شده بودم.»

گزارش «هم‌میهن» توضیح داده که این خانواده‌ها خانه و زندگی‌شان را می‌فروشند، به دلال‌ها و وکلای مهاجرتی می‌دهند و به کشورهای مثل آلمان، اتریش، هلند، انگلستان و چند کشور اروپایی دیگر مهاجرت می‌کنند.

این گزارش افزوده که خانواده بیماران اس‌ام‌ای، افراد بسیاری را می‌شناسند که پناهنده شده‌اند، در آلمان، انگلیس، اتریش و هلند و می‌گویند که در کمپ‌ها تنها ایرانی‌ها هستند که برای درمان فرزندان‌شان، پناهندگی گرفته‌اند.

حتی در کم‌برخوردارترین کشورها هم کسی برای درمان به دنبال پناهندگی نمی‌رود: «چند خانواده را می‌شناسم که از قدیم مهاجرت کرده‌اند. دو خانواده در انگلیس هستند، سه خانواده در هلند. یک خانواده در اتریش ساکن شده‌اند. دو خانواده از خیلی سال پیش که متوجه شدند داروی اسپینازازا تولید شده به آمریکا و کانادا مهاجرت کرده‌اند.» این مادر می‌گوید که «همه پیگیر مهاجرت هستند. مدام به ما پیام می‌دهند که چطور اقدام کنیم.»

مدت‌هاست کمبود و گرانی داروهای بیماری سبب اعتراض و درخواست‌های پی‌درپی خانواده‌های این مبتلایان شده است؛ آنها حتی بارها در مقابل مجلس شورای اسلامی و وزارت بهداشت تجمع کردند اما همچنان نبود دارو و کامل نشدن دوره‌های دارویی سبب مرگ این بیماران در ایران می‌شود.

آمارها نشان می‌دهد که از سال گذشته بیش از ۵۰ بیمار اس‌ام‌ای جان‌شان را به دلیل کمبود دارو از دست داده‌اند. به نظر می‌رسد در پی بی‌تفاوتی وزارت بهداشت خانواده

۹۲ درصد از مردم ایران به وضعیت فعلی کشور معترض هستند



اعتراضات دانش‌آموزان در جنبش ملی

درباره مطلوبیت وضع فعلی کشور بیان کنند: «بین مردم، سه نظر درباره اوضاع فعلی کشور وجود دارد، کدام دیدگاه را درست ارزیابی می‌کنید؟» در پاسخ، ۶۱/۶ درصد پاسخگویان معتقد بودند که وضع موجود را باید با انجام اصلاحات بهتر کرد، ۳۰/۲ درصد معتقد بودند وضع کشور قابل اصلاح نیست و ۸/۲ درصد پاسخ دادند که وضع فعلی خوب و قابل دفاع است.

۶۵ درصد زنان پاسخگو معتقد بودند که وضع موجود را باید با انجام اصلاحات بهتر کرد و ۵۸/۳ مردان نظر مشابهی داشته‌اند.

در پراکندگی استانی این بخش، مشخص است که پاسخگویان ساکن آذربایجان غربی، امید کمتری نسبت به بقیه استان‌ها داشته‌اند؛ ۴۰/۱ درصد پاسخگویان در این استان گفته‌اند که وضع کشور قابل اصلاح نیست. استان کردستان، بعد از آذربایجان غربی، ناامیدان بیشتری داشته است؛ ۳۷/۹ درصد پاسخگویان در این استان معتقد بودند که وضع کشور قابل اصلاح نیست.

در بخش دیگری از این نظرسنجی به نقل از جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی ادعا شده است که مجموع ۶۱/۶ درصد پاسخگویان که معتقد بودند که وضع موجود را باید با انجام اصلاحات بهتر کرد و ۳۰/۲ درصد که گفته‌اند وضع کشور قابل اصلاح نیست. آنها جمعیت ۹۲ درصدی معترضی را تشکیل داده‌اند که بخش بزرگی از آنها هنوز امیدوارند.

سیمین کاظمی جامعه‌شناس در این ارتباط می‌گوید، اینکه در جدیدترین پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۴۰۲ انجام شده، فقط ۸/۲ درصد وضع موجود را قابل قبول می‌دانند، نکته مهم و قابل توجهی است که نشان می‌دهد اکثریت جامعه از وضع موجود رضایت ندارند و ۳۰ درصد حتی امید به اصلاح وضع موجود ندارند.

این پیمایش، مهم‌ترین مسئله کشور، مطلوبیت وضع فعلی کشور، مهم‌ترین مخاطره زیست محیطی کشور در آینده نزدیک، در امان بودن مال و اموال مردم در جامعه، احساس امنیت در سطح شهر و خیابان، امن بودن ایران و امنیت شغلی جامعه بررسی شده است.

در بخش احساس امنیت بین مردم، ۵۴/۸ درصد پاسخگویان گفته‌اند که مال و اموالشان در امان نیست و ۳۳/۳ درصد گفته‌اند به میزان زیادی در شرایط فعلی مال و اموال مردم در جامعه ایران در امان است.

همچنین در بخش دیگری از این پیمایش ادعا شده است که ۵۵/۲ درصد پاسخگویان معتقد بوده‌اند که به میزان زیادی در سطح شهر و خیابان احساس امنیت می‌کنند و ۳۳/۷ درصد مخالف این موضوع بوده‌اند.

پاسخگویان به ترتیب، گرانی و تورم با ۸۱/۹ درصد، بیکاری با ۴۷/۹ درصد، اعتیاد با ۲۶/۹ درصد، فساد اقتصادی و اداری با ۱۳/۱ درصد، مسئله مسکن با ۱۲/۱ درصد، مسئله حجاب با ۱۱/۹ درصد، مسئله ازدواج جوانان با ۱۰/۷ درصد، مسئله طلاق با ۷/۱ درصد، کم‌آبی با ۵/۷ درصد و رعایت نکردن قانون با ۴/۷ درصد را به‌عنوان مهم‌ترین مسائل کنونی ایران دانسته‌اند.

همچنین آب با ۶۹ درصد، آلودگی هوا با ۳۱/۶ درصد، زلزله با ۲۱/۱ درصد و از بین رفتن جنگل‌ها با ۲۱/۲ درصد به‌عنوان مخاطره زیست محیطی کشور در آینده نزدیک از نظر پاسخگویان بیان شده‌اند.

۵۵/۲ درصد پاسخگویان معتقد بوده‌اند که به میزان زیادی در سطح شهر و خیابان احساس امنیت می‌کنند و ۳۳/۷ درصد مخالف این موضوع بوده‌اند.

در این بخش ۴/۲ درصد هم محدودیت آزادی بیان و مطبوعات و ۲/۶ درصد، آلودگی هوا، گردوخاک و ریزگردها را مهم‌ترین مسئله ایران دانسته‌اند.

همچنین از پاسخگویان پرسیده شده که نظرشان را

جامعه آماری این نظرخواهی که اواخر سال گذشته انجام شد و نتایج آن در اختیار پژوهشگران قرار گرفته و هنوز بطور کامل و عمومی منتشر نشده است، در کل کشور ۱۵ هزار و ۸۷۸ نفر است و بر اساس پاسخ‌های مجموع افراد بالای ۵۱ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۱۵ استان کشور در زمان اجرای آن به دست آمده است. این پیمایش در بخش‌های مختلفی مثل اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی، اعتماد و سرمایه اجتماعی، مسائل اجتماعی و آسیب‌ها و... تدوین شده و نتایج آن هنوز بطور عمومی منتشر نشده است.

پاسخگویان به ترتیب، گرانی و تورم با ۸۱/۹ درصد، بیکاری با ۴۷/۹ درصد، اعتیاد با ۲۶/۹ درصد، فساد اقتصادی و اداری با ۱۳/۱ درصد، مسئله مسکن با ۱۲/۱ درصد، مسئله حجاب با ۱۱/۹ درصد، مسئله ازدواج جوانان با ۱۰/۷ درصد، مسئله طلاق با ۷/۱ درصد، کم‌آبی با ۵/۷ درصد و رعایت نکردن قانون با ۴/۷ درصد را به‌عنوان مهم‌ترین مسائل کنونی ایران دانسته‌اند.

همچنین آب با ۶۹ درصد، آلودگی هوا با ۳۱/۶ درصد، زلزله با ۲۱/۱ درصد و از بین رفتن جنگل‌ها با ۲۱/۲ درصد به‌عنوان مخاطره زیست محیطی کشور در آینده نزدیک از نظر پاسخگویان بیان شده‌اند.

یک جامعه‌شناس: اینکه در جدیدترین پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۴۰۲ انجام شده، فقط ۸/۲ درصد وضع موجود را قابل قبول می‌دانند، نکته مهم و قابل توجهی است که نشان می‌دهد اکثریت جامعه از وضع موجود رضایت ندارند و ۳۰ درصد حتی امید به اصلاح وضع موجود ندارند.

در اواخر سال گذشته دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ایران از پیمایشی با عنوان «موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» رونمایی کرد که خلاصه‌ی بخش «مسائل و آسیب‌های اجتماعی» این پیمایش نشان می‌دهد که ۹۲ درصد از شهروندان ایران به وضعیت فعلی کشور معترض هستند.

روزنامه «هم‌میهن» روز یکشنبه ۱۸ شهریور نوشت: «اواخر سال گذشته بود که دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ایران پیمایشی با عنوان «موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» رونمایی کرد و صابر جعفری کافی‌آباد، رئیس مرکز طرح‌های ملی گفت که قرار است مجلدی از نتایج آن به زودی منتشر شود. بخش‌هایی از این پیمایش اما در اختیار بعضی پژوهشگران قرار گرفته و آنها به مرور در حال منتشر کردن آن هستند.»

بر اساس این گزارش، جامعه آماری موج چهارم پیمایش ملی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که موج‌های قبلی‌اش در سال‌های گذشته انجام شده، در کل کشور ۱۵ هزار و ۸۷۸ نفر است و بر اساس پاسخ‌های مجموع افراد بالای ۵۱ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۱۵ استان کشور در زمان اجرای آن به دست آمده است. این پیمایش در بخش‌های مختلفی مثل اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی، اعتماد و سرمایه اجتماعی، مسائل اجتماعی و آسیب‌ها و... تدوین شده و نتایج آن هنوز بطور عمومی منتشر نشده است.

در بخش «مسائل و آسیب‌های اجتماعی» موج چهارم



حذف آمارهای فرزندآوری مادران ۱۰ تا ۱۴ سال؛ فاجعه کودک‌همسری همچنان مورد حمایت فعال جمهوری اسلامی

اجرا می‌شود. مقامات جمهوری اسلامی معتقدند از نظر شرع اسلام سن تکلیف و بلوغ برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال است و در نتیجه ازدواج و فرزندآوری برای کودکانی که به این سن رسیده‌اند بلامانع است.

هرچند به تبعیت از قوانین و اصلاحاتی که در مورد سن ازدواج در حکومت پهلوی در جریان بود، قوانین جمهوری اسلامی نیز ناچار ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال را «منوط به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» اعلام کرده اما گزارش‌ها از ازدواج سالانه هزاران کودک و زایمان هزاران دختر بچه زیر ۱۸ سال در ایران حکایت دارد.

آمارهای تکاندهنده «کودک‌همسری» و واکنش کارشناسان و فعالان حقوق کودک به این آمارها سبب شده برخی اصلاح‌طلبان نیز در برابر «کودک‌همسری» موضع بگیرند.

عباس عابدی از افراد حکومتی اصلاح‌طلب و از رهبران گروه‌گنجی در سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ در یادداشتی در روزنامه «اعتماد» نوشته «ثبث احوال بیشتر آمار موالید

● بر اساس آمارهای سازمان ثبت احوال، در سال ۱۴۰۰ حدود هزار و ۴۷۴ نوزاد از مادران ده تا چهارده سال متولد شدند.

● آمارهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد طی نه ماه منتهی به پاییز ۱۴۰۱، بیش از ۲۷ هزار دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند.

● «کودک‌همسری» در ایران به اشکال مختلفی از سوی جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار گرفته و طرح‌های متفاوت برای ازدواج هر چه زودتر کودکان و فرزندآوری آنها اجرا می‌شود.

● مقامات جمهوری اسلامی معتقدند از نظر شرع اسلام سن تکلیف و بلوغ برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال است و در نتیجه ازدواج و فرزندآوری برای کودکانی که به این سن رسیده‌اند بلامانع است.

جمهوری اسلامی به عنوان یکی از حکومت‌های فعال حامی «کودک‌همسری» و فرزندآوری در سنین کودکی به دنبال سانسور آمار ازدواج کودکان است. در اقدامی قابل



بر اساس سن مادر را به صورت هفتگی منتشر می‌کرد. آمار نوزادان زاده شده از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله را ما چاپ کردیم. سایت سازمان این آمارها را به کلی حذف کرد. ناشناس تماس گرفتم با سایت‌شان. گفتند، چون فلان روزنامه آمار را چاپ کرده و بحث کودک‌همسری رواج یافته دستور آمده دیگر آمار نگذاریم. گفتم آیا دستور نیامده جلوی این فاجعه بارداری دختران زیر ۱۴ سال گرفته شود؟ گفتند نه. فقط دستور آمده آمارش منتشر نشود! شما را به خدا ما الان آمار وقایع حیاتی نیویزیند و گابن و سریلانکا و ژاپن و فنلاند را می‌توانیم از اینترنت ببینیم. فقط از داشتن آمار ایران محرومیم.»

توجه آمار مادران ۱۰ تا ۱۴ سال از وبسایت ثبت احوال حذف شده است.

عباس عابدی روزنامه‌نگار حکومتی در ایران اعلام کرده آمار نوزادان زاده شده از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله از وبسایت سازمان ثبت احوال حذف شده است. او نوشته در حالی که آمار همه زاد و ولدها به همراه سن مادران به صورت هفتگی در وبسایت ثبت احوال منتشر می‌شد اما ثبت احوال با حذف آمار گفته «به ما گفتند دستور آمده این آمار منتشر نشود.»

«کودک‌همسری» در ایران با اشکال مختلفی از سوی جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار گرفته و طرح‌های متفاوتی برای ازدواج هرچه زودتر کودکان و فرزندآوری آنها

→ در نظرسنجی خردادماه ۱۴۰۳ ایسپا، ۵۸.۵ درصد از مردم در پاسخ به پرسش «از دولت چهاردهم چه انتظاراتی دارند و باید رئیس‌جمهور چه مواردی را در اولویت قرار دهد؟» اعلام کردند، دولت و رئیس‌جمهوری آینده باید موضوع و مسأله «فقر و محرومیت» را اولویت خود قرار دهد.

یافته‌های نظرسنجی ایسپا در اردیبهشت ۱۴۰۳ نشان می‌دهد، ۸۵.۷ درصد از شهروندان در سطح ملی به مقدار «زیاد» در خصوص مسکن و تامین اجاره آن در آینده نگرانند.

نظرسنجی دی‌ماه ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۳ ایسپا نشان می‌دهد تقریباً ۷۶ درصد از شهروندان به مقدار زیادی نگران موضوع فساد اداری و اختلاس در کشور هستند.

جدا از این نظرسنجی‌ها که امکان راست‌آزمایی ندارند در چند سال اخیر موج گسترده مهاجرت از ایران افزایش پیدا کرده است.

به گزارش تابناک، فایننشال تایمز در آذر ۱۴۰۲ با استناد به آمار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارشی با عنوان فرار مغزها، نوشت: «ایران با افزایش ۱۴۱ درصدی، سریع‌ترین رشد مهاجرت را در ۲۰۲۱ داشته است.»

این رقم از ۴۸ هزار نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۵ هزار نفر در ۲۰۲۱ رسیده و ایران به مرحله مهاجرت دستجمعی کنترل‌نشده رسیده است.

رصدخانه مهاجرت ایران نیز پیشتر با استناد به نتایج یک کار مطالعاتی اعلام کرده بود که «بی‌ثباتی اقتصادی، شیوه حکمرانی و مملکت‌داری، ناامیدی از آینده، امید به زندگی بهتر در خارج از کشور، وضعیت آزادی‌های فردی و اجتماعی و کیفیت بهتر زندگی در خارج از کشور» از مهم‌ترین عوامل موثر بر میل و اقدام به مهاجرت ایرانیان است.

در ارتباط با همین موضوع، بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران، نیز تأیید کرده بود که ۸۰ درصد مهاجرت‌ها دلایل اقتصادی و سیاسی دارند و داده‌های آماری نشان می‌دهد که میل و اقدام به مهاجرت در میان تمام اقشار جامعه افزایش یافته است.

در همین ارتباط، «بنیاد برتلسمن» در فروردین‌ماه، درباره وضعیت ایران در گزارشی از فرآیند انقلابی برای تغییر نظام ناکارآمد خبر داده بود.

به گزارش کیهان لندن، گزارش ۴۲ صفحه‌ای این بنیاد درباره ایران، همراه با نمودارهای آماری، از یک مقدمه شامل «خلاصه» و «تاریخچه و ویژگی‌های تحولات» و بررسی مفصل شاخص‌های «تحول سیاسی»، «تحول اقتصادی»، «حکومت» و «عملکرد حکومت» تنظیم و در پایان با ارائه یک «چشم‌انداز استراتژیک» تکمیل شده است. فشرده‌ی نکات مهمی از این گزارش که توسط کیهان لندن ترجمه و تنظیم شده است در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

بر اساس بررسی‌های این بنیاد، روند انقلابی موجود پیامد ناکارآمدی حکومت در رفع نیازهای اساسی اقتصادی بخش فزاینده‌ای از جامعه است که به یک شکاف برگشت‌ناپذیر بین حاکمان و جامعه منجر شده است. همه چیز بستگی به این دارد که آیا رژیم می‌تواند با انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در برابر اعتراضات مقاومت کند؟ وگرنه معترضان پیروز خواهند شد.

چشم‌انداز اصلاحات سیاسی و اقتصادی در ایران توسط جمهوری اسلامی تیره و تار است و بعید به نظر می‌رسد چنین تغییراتی بدون توجه به اینکه چه کسی رهبر بعدی رژیم می‌شود، بدون فشارهای داخلی و خارجی تحقق یابد.

وعده‌ی بازگرداندن دو میلیون افغانستانی تا پایان سال؛ وزیر کشور جمهوری اسلامی می‌گوید بروند کشور خودشان را آباد کنند

● سردار احمد رضا رادان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی وعده بازگرداندن دو میلیون افغانستانی را به کشورشان تا پایان سال داده است.

● مقامات جمهوری اسلامی سه سال و نیم چشم بر ورود گروهی مهاجران افغانستانی بستند اما اکنون با نمایان شدن نتایج ورود میلیون‌ها مهاجر که بخشی از آن بطور سازمانیافته توسط خود رژیم صورت می‌گیرد، و گسترش اعتراضات مردم به شرایط نامطلوبی که به وجود آمده، آنها نیز درباره بازگرداندن مهاجران به کشورشان وعده و وعید می‌دهند.

● رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته اعلام کرد «طرح اصلاح قانون مربوط به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» تا پایان امسال تعیین تکلیف و تبدیل به قانون خواهد شد.

● وزیر کشور جمهوری اسلامی هم به در دست نبودن آمار دقیق اشاره کرده و گفته «الان آمارهای مختلفی از تعداد اتباع خارجی مطرح می‌شود که قرار است پیمایشی انجام شده و آمار قابل اطمینان بدست آید».

● عدم برنامه‌ریزی و سازماندهی مهاجران قانونی و غیرقانونی افغانستانی در ایران سبب بروز اختلالات جدی در حوزه‌های مختلف مسکن، کار و همچنین برخی بی‌نظمی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

وزیر کشور دولت چهاردهم در سخنانی درباره ساماندهی افغانستانی‌های مهاجر در ایران با اشاره به «نامنی» در مرزهای شرقی کشور و لزوم «انسداد مرزی» گفته افغانستانی‌ها بروند کشور خودشان را آباد کنند. همزمان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی وعده بازگرداندن دو میلیون افغانستانی را به کشورشان تا پایان سال داده است.

عدم برنامه‌ریزی و سازماندهی مهاجران قانونی و غیرقانونی افغانستانی در ایران سبب بروز اختلالات جدی در حوزه‌های مختلف مسکن، کار و همچنین برخی بی‌نظمی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

در حالی که بیش از سه دهه است ایران یکی از مقصدهای مهاجران افغانستانی است اما هجوم افسارگسیخته‌ی مهاجران از سه سال و نیم پیش و پس از آنکه طالبان همزمان با خروج آمریکا از آن کشور، در اوت ۲۰۲۱ افغانستان را دوباره اشغال کرد و دولت اسلامی تشکیل داد از سر گرفته شد.

مقامات جمهوری اسلامی سه سال و نیم چشم بر ورود گروهی مهاجران افغانستانی بستند اما اکنون با نمایان شدن نتایج ورود میلیون‌ها مهاجر که بخشی از آن بطور سازمانیافته توسط خود رژیم صورت می‌گیرد، و گسترش اعتراضات مردم به شرایط نامطلوبی که به وجود

در این گزارش از دختری ۱۰ ساله روایت شده که یک سال است با مردی ۲۸ ساله ازدواج کرده است؛ دختری که برای کم‌شدن خرج خانه، او را به مردی ۱۸ سال بزرگتر از خودش دادند. داستان تکراری برای بسیاری از دختران که در سیکل معیوب خشونت، گم می‌شوند.

روزنامه «اعتماد» نیز اوایل بهار امسال گزارش داده بود که در پنج سال گذشته، یعنی از ابتدای فروردین سال ۱۳۹۸ تا نیمه اسفند ماه ۱۴۰۲، خبر خودکشی حداقل ۱۹۶ کودک (زیر ۱۸



سال) در رسانه‌های رسمی کشور منعکس شده است. بر اساس این آمارها از ۱۹۶ خودکشی انجام شده در بازه زمانی پنج سال گذشته، ۱۳۰ مورد مربوط به کودکان دختر، ۴۷ مورد مربوط به کودکان پسر و در ۱۹ مورد نیز جنسیت کودکانی که به خودکشی اقدام کرده‌اند ذکر نشده است. همچنین از ۱۹۶ مورد خودکشی کودکان زیر ۱۸ سال که از سال ۱۳۹۸ تاکنون رسانه‌ای شده، ۱۳۳ مورد به مرگ منجر شده است و ۶۳ مورد هم نجات پیدا کرده‌اند. گرچه ادامه زندگی برخی از آنها علیرغم آسیب روحی با آسیب‌های جدی جسمی هم همراه بوده است. مثلاً یک دختر ۱۶ ساله در استان مرکزی پس از اقدام به سقوط از ارتفاع زنده مانده اما دست راستش قطع شده است و یک پسر ۱۵ ساله هم در خوزستان به دلیل حلق‌آویز کردن خود به کما رفته است. اختلافات خانوادگی، ازدواج اجباری، کودک همسری و کودک مادری بیشترین فراوانی را در میان این ۱۹۶ خودکشی رسانه‌ای شده دارد؛ به ویژه در مورد کودکان دختر. فقر، افسردگی و اختلالات روانی و مسائل درسی و تحصیلی در رده‌های بعدی است. در موارد بسیار زیادی هم دلایل خودکشی کودکان ذکر نشده است.

اردشیر بهرامی جامعه‌شناس و پژوهشگر اسفندماه گذشته با اشاره به آمار بالای خودکشی افراد زیر ۱۸ سال در سال‌های گذشته و رسیدن سن خودکشی به سنین ۹ سال و ۱۰ سال گفته بود «کودک‌همسری» و ازدواج‌های اجباری را از عوامل خودکشی نوجوانان است.

این جامعه‌شناس توضیح داده بود که «این ازدواج‌ها در فضای اجتماعی خوبی صورت نگرفته است. تیغ دولبه فقر و سنت؛ یعنی ارزش‌ها حول مسئله تعصب، آبرو و ناموس وقتی با فقر ترکیب می‌شوند، ممکن است به خودکشی منجر شود. سنت و فقر لزوماً ایجاد خشونت نمی‌کند اما این دو در یک شرایط درهم‌تنیده اجتماعی تبدیل به خودکشی و خشونت می‌شود. چنین کودکی، سهمی از عاطفه و انتخاب ندارد و کاملاً مشخص است که این مسیر به آسیب منجر می‌شود».

این روزنامه‌نگار همچنین مدعی شده که انتشار آمار ازدواج و فرزندآوری کودکان در دولت ابراهیم رئیسی به شدت محدود شده بود. گفتنی است دولت سه ساله و اصولگرایی ابراهیم رئیسی پس از سپرده شدن به تاریخ هنوز رقیب جریان اصلاح‌طلب به شمار می‌رود.

عباس عبدی نوشته «واقعیت این است که با منع دسترسی به آمار که حق جامعه است هیچ تغییری در واقعیت رخ نمی‌دهد. مثل این است که آمار وجود کرونا از مردم پنهان شود. خب اینکه به زیان وزارت بهداشت است و کرونا بیشتر منتقل می‌شود. آمار ثبت احوال نیز همین گونه است. عدم انتشار آن‌ها به زیان سیاستگذاران است.»

اینهمه در حالیست که فرزندآوری و افزایش آمار ازدواج جزو برنامه‌های کلان جمهوری اسلامی است و ارتباطی به دولت‌ها ندارد؛ دولت‌ها تنها مجری قوانینی هستند که با دستور و اراده سران حکومت از جمله علی خامنه‌ای ترسیم و تنظیم شده‌اند.

علی خامنه‌ای از امرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دست کم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همان سال طی سخنانی گفت: «معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

علی خامنه‌ای سپس در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان در این باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

تأکید بر افزایش ازدواج‌ها و فرزندآوری سبب شد مشوق‌هایی برای ازدواج از جمله افزایش رقم وام ازدواج در دستور کار بگیرد؛ مشوق‌هایی که به طور ویژه افشار کم‌درآمد و نیازمند را هدف قرار می‌دهند. از سوی دیگر با گسترش بحران‌های اقتصادی و معیشتی بسیاری از خانواده‌های نیازمند ازدواج دخترانشان را راهی برای کاهش هزینه‌های جاری زندگی ارزیابی کرده و از ازدواج دختران در سنین پایین استقبال می‌کنند.

بر اساس آمارهای سازمان ثبت احوال، در سال ۱۴۰۰ حدود هزار و ۴۷۴ نوزاد از مادران ده تا چهارده سال متولد شدند. همچنین بنا بر این آمار، تعداد دخترانی که در سنین پایین‌تر از پانزده سال ازدواج کردند طی پنج سال منتهی به ۱۴۰۰ به بیش از ۱۳۱ هزار نفر بوده است.

آمارهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد طی نه ماه منتهی به پاییز ۱۴۰۱، بیش از ۲۷ هزار دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند. روزنامه «شرق» اردیبهشت امسال در گزارشی با اشاره به آمار رو به افزایش کودک‌همسری نوشت فعالان حوزه کودک، یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های مقوله ازدواج کودک، افزایش خشونت خانگی است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در برنامه ششم توسعه یعنی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰، ۳۲ هزار و ۵۲۴ دختر کمتر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. ازدواج‌هایی که به گزارش «شرق» به دلیل نابالغی طرفین و نبود آگاهی کافی مسائل زناشویی گاه با ابعاد مختلفی از خشونت روبرو می‌شود.

این گزارش روایتی از روستای دالاهو در کرمانشاه را بازتاب داده بود که در آن برخی زنان خشونت فیزیکی را حقی برای همسر خود می‌دانند.

«شرق» نوشته بود: «اهالی این روستا در دل منطقه‌ای از دالاهو در کرمانشاه، راوی داستان‌های بسیاری هستند که در آن دختران کم‌سن و سال تن به ازدواج‌های اجباری می‌دهند.

آمده، آنها نیز درباره بازگرداندن مهاجران به کشورشان وعده و وعید می‌دهند.

سردار اسکندر مومنی وزیر کشور جمهوری اسلامی درباره مهاجران افغانستانی در ایران گفته «آنها اشتراکات زیادی با ما دارند که رنج‌های زیادی دیده‌اند و چند بار در کشور آنها جنگ رخ داده است. آنها افراد با فرهنگ هستند ولی کشور ما توان پذیرش آنقدر مهاجر را ندارد. این حجم از ورود مهاجران افغان تحملش برای کشور ما سخت است.»

وزیر کشور دولت چهاردهم افزوده «در برخی مناطق مرزی مخصوصا مرزهای شرقی ناامنی وجود دارد. و ناامنی وارد کشور می‌شود. طرح انسداد مرزی آغاز شده است ولی باید سرعت داده شود.»

او افزوده «امیدوارم منابع لازم برای این طرح پیش‌بینی شود. بخشی از طرح انسداد مرزی، دیوارکشی است و بخشی از آن با کنترل‌های راداری، اپتیکی، الکترونیکی انجام شود و بخشی هم سیم خاردار است ولی وقتی این انسداد انجام می‌شود که کل مرزها یکپارچه پوشش داده شود تا به این اطمینان برسیم که امکان تردد غیرمجاز از مرزها وجود ندارد.»

پس از آن مطرح شده که طرح ساماندهی اتباع خارجی با عنوان «طرح اصلاح قانون مربوط به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که در صورت تصویب وزارت کشور جمهوری اسلامی یک ماه فرصت خواهد داشت که نسبت به برخورد قانونی «با کلیه اتباع غیرمجاز ساکن در ایران و طرد آنها به کشور متبوع خود اقدام نماید.»

هرچند این طرح هنوز در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته و به رأی گذاشته نشده اما در آنسو به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای خارج کردن افغانستانی‌هایی که به صورت غیرقانونی در ایران حضور دارند انجام شده و به اجرا گذاشته شده است.

در همین رابطه سردار احمدرضا رادان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی وعده بازگرداندن دو میلیون افغانستانی به افغانستان را تا پایان سال داده است.

رادان گفته این دو میلیون نفر شامل «اتباع غیرقانونی» خواهند بود و تأکید کرده «آمار اتباع خارجی غیرمجاز در کشور مشخص شده، اما باید این آمار نهایی را سازمان اتباع

قانونی مربوط به کارفرما و کفیل را انجام دهد. همچنین در این طرح آمده که هر فردی که با «علم و اطلاع» اتباع بیگانه غیرمجاز را که «وارد کشور شده یا در آن اقامت گزیده‌اند» به کار بگیرد علاوه بر مجازات‌های مقرر به ازای هر نفر تبعه بیگانه نیز به حداکثر جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس این طرح، دستگاه‌های اجرایی از قبیل وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه آنها و شهرداری‌ها موظفند هزینه تمام شده خدمات ارائه شده به اتباع بیگانه را اخذ نمایند. در خصوص خدمات ارائه شده در شهرستان‌ها، تعیین قیمت تمام شده خدمات ارائه شده به اتباع خارجی توسط کمیته برنامه‌ریزی شهرستان در ابتدای هر سال تعیین و توسط نهادهای ذی‌ربط اخذ می‌شود.

مشاوران املاک نیز موظف هستند در تنظیم قراردادی که یکی از طرفین آن اتباع خارجی باشد «اسناد اقامتی تبعه بیگانه را احراز نمایند» و در صورت «عدم احراز یا عدم ثبت قرارداد» در سامانه معاملات املاک و مستغلات کشور، به «جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود.



طرح ساماندهی اتباع خارجی پیش‌بینی کرده که به اتباع خارجی اجازه ورود به صورت موقت داده شود؛ بر اساس قوانین کنونی برخی اتباع افغانستانی بیش از ۱۰ سال در ایران ساکن بوده و خانواده تشکیل داده‌اند اما همچنان وضعیت اقامتی آنها نامشخص است.

در بخش دیگری از این طرح آمده که با گروه‌ها و قاچاق‌برهای اتباع خارجی به داخل کشور برخورد شود تا جلوی ورود اتباع خارجی بدون مجوز گرفته شود. همچنین برای قاچاق‌بران و کسانی که واحدهای مسکونی خود را بدون قرارداد در اختیار اتباع خارجی قرار دهند جرم‌انگاری شده است. در بخشی از این طرح آمده «پس از لازم الاجراء شدن این قانون، مجوز اقامت اتباع بیگانه باید به نحوی صادر شود که تعداد جمعیت اتباع بیگانه مقیم در کشور سالانه ده درصد کاهش یابد.»

این طرح افزوده «ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، میانگین استفاده سالانه اتباع بیگانه از پارانه‌های پنهان از قبیل پارانه‌های انرژی، آموزش مالی و اقتصادی و خدمات عمومی را محاسبه و پس از تصویب در هیئت وزیران، در زمان تمدید پروانه اقامت ایشان در ابتدای سال اخذ نماید.

وزارت کشور اعلام کند.»

محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته اعلام کرد «طرح اصلاح قانون مربوط به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» تا پایان امسال تعیین تکلیف و تبدیل به قانون خواهد شد.

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی افزوده «درباره کفالت اتباع خارجی، باید کسی که به نیروی کار نیاز دارد مسائل امنیتی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی اتباع را در زمان به کارگیری بر عهده گیرد.»

اشتغال اتباع افغانستانی بدون قرارداد و با حقوق‌هایی کمتر از رقم رسمی حداقل دستمزد یکی از مواردی است که به شدت از سوی کارگران ایرانی مورد انتقاد قرار گرفته است. آنها می‌گویند کارفرمایان بدون قرارداد و بدون پرداخت مزایای شغلی، اتباع افغانستانی را استخدام می‌کنند و به این ترتیب فرصت‌های کاری برای نیروی کار ایرانی کاهش پیدا می‌کند.

اکنون به گفته محمدصالح جوکار در بخشی از طرح جدید مجلس شورای اسلامی آمده که اتباع خارجی باید کفیل ایرانی داشته باشند که این کفیل می‌تواند کارفرمای او باشد که مسائل این افراد را حل کند و همچنین مسئولیت‌های

یکی از مسائل مورد انتقاد درباره مهاجران افغانستانی حاضر در ایران اینست که جمهوری اسلامی حتی آمار دقیقی از تعداد مهاجران ندارد و مقامات مختلف ارقامی از پنج تا هشت میلیون نفر را عنوان می‌کنند. برخی آمارها شمار افغانستانی‌های مقیم ایران را تا ۱۰ میلیون نفر برآورد کرده و البته این تعداد، با هر رقمی، با ورود هر روزه شمار زیادی مهاجر در حال افزایش است.

وزیر کشور جمهوری اسلامی هم به در دست نبودن آمار دقیق اشاره کرده و گفته «الان آمارهای مختلفی از تعداد اتباع خارجی مطرح می‌شود که قرار است پیمایشی انجام شده و آمار قابل اطمینان به دست آید.»

او همچنین گفته «قرار نیست یک دفعه تصمیمات سخت بگیریم، اما تسریع داده می‌شود. اولویت با آنهاست که غیرقانونی و غیرمجاز وارد می‌شوند. در همه دنیا همین است و مهاجران باید به ساز و کار کشور میزبان احترام بگذارند.» سردار اسکندر مومنی تأکید کرده که «این حجم از مهاجر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست و فرصت‌های شغلی زیادی گرفته می‌شود. از افغانستانی‌ها انتظار داریم به کشور خود بروند و آنجا را بسازند.»

این سخنان از سوی وزیر کشور جمهوری اسلامی چند روز

روز جهانی پیشگیری از خودکشی؛ آمارهای حکومتی از مرگ سالانه چهار هزار نفر در کشور بر اثر خودکشی خبر می‌دهد

- معاون فراجا از جان باختن سالانه بیش از ۴۰۰۰ نفر و آسیب دیدن شدید ۱۰ تا ۲۰ برابر این تعداد بر اثر خودکشی خبر داد؛ به نظر می‌رسد منظور او از «آسیب دیدن شدید» که شامل ۴۰ تا ۸۰ هزار نفر می‌شود، موارد خودکشی‌هایی است که به مرگ منجر نمی‌شوند.
- کارشناسان درباره دقت و شفافیت آمارهایی که نهادهای مرتبط با موضوع خودکشی در ایران از پزشکی قانونی تا نیروی انتظامی درباره اقدام به خودکشی منتشر می‌کنند تردید دارند.
- خردادماه امسال وبسایت «خبرآنلاین» گزارشی از افزایش ۳ تا ۵ برابری خودکشی در ایران منتشر کرد اما ساعاتی بعد این گزارش حذف شد.

همزمان با «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» یک روزنامه اصولگرا در ایران خواستار سانسور جزئیات آمار خودکشی در کشور شده و علت آن را «صیانت از روان افراد بیمار در معرض خطر» دانسته است. آمارهای حکومتی حاکی از مرگ سالانه بیش از چهار هزار نفر در ایران بر اثر خودکشی حکایت دارند؛ هر چند بسیاری از کارشناسان آمارهای حکومتی را شفاف و کامل ارزیابی نمی‌کنند و معتقدند آمار واقعی خودکشی بالاتر است.

روز دهم سپتامبر برابر با ۲۰ شهریورماه به عنوان «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» نامگذاری شده است. سردار سعید منتظرالمهدی معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا در یادداشتی خودکشی را «رفتار مهلک» و «اقدام تباه‌کننده» خوانده است.

سردار سعید منتظرالمهدی نوشته «حاصل این اقدام تباه‌کننده در کشور ما جان باختن سالانه بیش از ۴۰۰۰ نفر و آسیب دیدن شدید ۱۰ تا ۲۰ برابر این تعداد است.» به نظر می‌رسد منظور او از «آسیب دیدن شدید» که شامل ۴۰ تا ۸۰ هزار نفر می‌شود، موارد خودکشی‌هایی است که به مرگ منجر نمی‌شوند.

او «فقدان تاب‌آوری در برابر ناکامی» را از جمله مهم‌ترین دلایل اقدام به خودکشی در میان افرادی که از افسردگی مزمن رنج می‌برند خوانده است.

معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا «گسترش خطوط تلفن اضطراری و مراکز سلامت روان در سراسر کشور»، «جدی گرفتن هر نوع اندیشه و سخنی را که بیانگر تمایل به خودکشی است» و «آموزش مهارت هوش هیجانی در مدارس و دانشگاه‌ها» را از جمله اقدامات پیشگیرانه با هدف کاهش اقدام به خودکشی دانسته است.

کارشناسان درباره دقت و شفافیت آمارهایی که نهادهای مرتبط با موضوع خودکشی در ایران از پزشکی قانونی تا نیروی انتظامی درباره اقدام به خودکشی منتشر می‌کنند تردید دارند.

بر اساس آمار انجمن مددکاری اجتماعی در سال ۱۴۰۰، بیش از ۴۰ درصد آمار خودکشی مربوط به گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال، ۳۲ درصد ۱۸ تا ۲۹ سال و کمتر از ۱۰ درصد هم جمعیت زیر ۱۸ سال بوده است.

جمعیت بالای ۶۰ سال هم ۶/۸ درصد از آمار خودکشی در کشور را شامل می‌شد. در میان این افراد ۸ درصد افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر، ۲۳ درصد دیپلم، حدود



محلی که برای او مشخص شده، به فعالیت بپردازد.» نازنین رحیم‌نژاد توضیح داده بود که «در واقع در این مرحله، او یک «دانشجو» تلقی می‌شود، اما وظایف سنگینی بر عهده دارد و حقوق آنچنانی هم به او تعلق نمی‌گیرد. در هیچ‌کجای جهان چنین قانونی پذیرفته نیست که شخص نه می‌تواند در جای دیگری مشغول به کار شود، نه در جای فعلی «شاغل» تلقی می‌شود؛ با حجم سرسام‌آور فشار کاری و مسئولیت‌های فراوانی هم که دارد، صرفاً عنوان «دانشجو» را یدک می‌کشد.»

«صدخانه مهاجرت ایران» پیشتر گزارش داده بود که ۷۴ درصد از پزشکان و پرستاران تا تابستان ۱۴۰۱ تمایل به مهاجرت از کشور داشته‌اند. همانطور که ۴ هزار پزشک طی سال گذشته از ایران مهاجرت کردند. این میزان به قدری قابل توجه است که در آخرین گزارش سازمان جهانی بهداشت اشاره شده که ایران با وجود ۸ هزار پزشک جراح ایرانی در آمریکا، هفتمین رتبه را در خصوص پزشکانی با ملیت متفاوت از مبدأ دارد.

در این میان روزنامه اصولگرای «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مطلبی خواستار سانسور جزئیات آمارهای مربوط به خودکشی شده و نوشته «انتشار خبرها و عکس‌های خودکشی باید با ملاحظات زیادی صورت گیرد، عمده‌ترین دلیل آن هم صیانت از روان افراد بیمار در معرض خطر است که امکان دارد با دنبال کردن جزئیات حادثه دست به این رفتار پرخطر بزنند. با این حال هستند رسانه‌ها یا افرادی که بدون در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و پیامدهای ناگواری که این مسئله به دنبال دارد، پروایی از انتشار خبر و عکس‌های خودکشی ندارند.»

در بخش دیگری از این مطلب آمده که «دنبال کردن جزئیات خبرهای خودکشی افراد مشهور از جمله هنرمندان و ورزشکاران هم می‌تواند منجر به افزایش آمار خودکشی شود. با این حال ساختار قانونی کشور تلاش می‌کند جزئیات حادثه‌ای که منجر به خودکشی این افراد می‌شود به رسانه‌ها راه پیدا نکند.»

۱۱ درصد دبیرستان و تحصیلات راهنمایی حدود ۲۶ درصد، تحصیلات ابتدایی ۱۸ درصد و بی‌سواد کمتر از ۱۰ سهم داشته‌اند. از سوی دیگر آمارها نشان می‌دهد رتبه ایران در اقدام به خودکشی ۱۸۰ کشور جهان در جایگاه ۱۳۰ قرار دارد که این رتبه‌بندی به ازای هر یکصد هزار نفر ۲/۵ نفر بوده که این شاخص در حال حاضر ۴/۷ نفر به ازای ۱۰۰ هزار نفر رسیده است.

آمارها همچنین نشان می‌دهد اکثر موارد خودکشی با حلق‌آویز کردن، خوردن قرص، سقوط از بلندی یا شلیک گلوله صورت گرفته است.

خردادماه امسال وبسایت «خبرآنلاین» گزارشی از افزایش ۳ تا ۵ برابری خودکشی در ایران منتشر کرد اما ساعاتی بعد این گزارش حذف شد.

در این گزارش آمده بود که شرایط اجتماعی نامطلوب، یکی دیگر از اهرم‌های فشار بر اعضای کادر درمان است. افزون بر فشارهای مالی و نداشتن آرامش روانی تحت شرایط سخت کاری و شیفت‌های طولانی، روابط و شرایط اجتماعی هم در برخی موارد منجر به پرخاشگری و واکنش‌های هیجانی غیرناپذیر می‌شود.

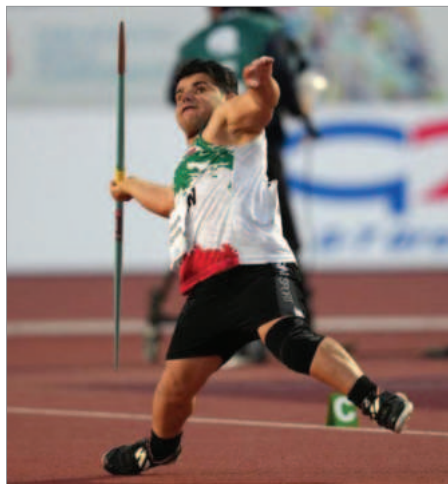
محمدرضا صبری فوق تخصص قلب کودکان و استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی اصفهان درباره وضعیت کاری فارغ‌التحصیلان پزشکی گفته بود که «برخی رشته‌های پزشکی اغلب تا ۱۵ شب در ماه کشیک دارند، از همین رو چندین بار از سوی وزارتخانه ابلاغ شد که حداکثر تعداد کشیک زردنت‌ها در طول ماه، از ۱۲ شب بیشتر نباشد. اما عموماً در برخی موارد از دستیاران کار بیشتری می‌کشند و حتی روز بعد نیز آنها را مرخص نمی‌کنند.»

او گفته بود شیفت‌های طولانی بار روانی مضاعفی را به فرد تحمیل می‌کند و با سلب آسایش و امنیت روانی، ممکن است سبب کاهش بهره‌وری و حتی بروز خطاهای پزشکی شود.

نازنین رحیم‌نژاد متخصص چشم‌پزشکی نیز درباره دیگر مشکلات کادر پزشکی گفته بود: «مطابق قوانین جدید، یک دستیار پزشک یا یک متخصص طرحی، اجازه ندارد خارج از



طلای پارالمپیک پَرید! پرچم «ام‌البنین و سیدالشهداء» کار دست «بیت‌سیاح» داد



صادق بیت‌سیاح

بلکه صرفاً به معنای «رکوردشکنی» بوده است.

کمیته برگزاری مسابقات اما اعتراض کاروان ایران بر اساس این توجیه را نپذیرفت و مدال طلا را برای «ناودپ» ورزشکار هندی ثبت کرد. ناودپ با پرتابی به طول ۴۷ متر و ۳۲ سانتیمتر، ۳۱ سانتیمتر کمتر از بیت‌سیاح به مدال نقره رسیده بود.

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی با انتشار ویدیویی نوشت که مدال بیت‌سیاح به دلیل نشان دادن «پرچم عزای سیدالشهداء» پس گرفته شد.

این اقدام کمیته برگزاری مسابقات با واکنش مقام‌های جمهوری اسلامی روبرو شد. محمدجواد آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات جمهوری اسلامی و کارمند وزارت اطلاعات حکومت در واکنش به پس گرفتن مدال طلای بیت‌سیاح و تأیید حرکت سیاسی و مذهبی و غیرورزشی وی در کانال تلگرامی خود نوشت: «مدال طلای پارالمپیک؟ نه، ممنون؛ ما خودمون پرچم یازهرا (س) داریم! آقای صادق بیت‌سیاح؛ من به تو افتخار می‌کنم، خیلی مردی!»

احمد علوی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه با توهم رایج در بین زمامداران جمهوری اسلامی گفت: «بیت‌سیاح در سکوی اول جهان قرار می‌گیرد و به نام‌های حضرت ام‌البنین و امام حسین احترام می‌گذارد. اما پس از این اقدام، مدال او پس گرفته می‌شود به نظرم او مدال بزرگتری گرفت اما المپیک پاریس نشان داد که خیلی از ارزش‌هایی از آن اسم می‌برد وجود خارجی ندارد. این افتتاحیه یا افتتاحیه‌ای که صدای مردم پاریس را هم درآورد با همه نمادهای کثیف همجنسگرایی و توهین‌هایی که به حضرت مسیح کردند، نشان‌دهنده تضاد ارزش‌ها در غرب و عدم پذیرش اعتقادات اسلامی است. امیدواریم وزارت ورزش نسبت به این اتفاق واکنش موثر داشته باشد چرا که طلای این ورزشکار در تاریخ تشیع ماندگار خواهد بود!»

استفاده ورزشکاران ایرانی از نمادهای مذهبی در مسابقات بین‌المللی سابقه‌دار است اما چند سالی است که برگزارکنندگان مسابقات جهانی در این زمینه سختگیری بیشتری نشان می‌دهند.

● صادق بیت‌سیاح ورزشکار ۳۷ ساله اهوازی روز شنبه ۱۷ شهریورماه در رشته «پرتاب نیزه کلاس اف ۴۱» با پرتابی به مسافت ۴۷ متر و ۶۱ سانتیمتر، علاوه بر اینکه برنده مدال طلا شد، رکورد پارالمپیک را هم به نام خودش ثبت کرد.

● این ورزشکار پس از شکست رکورد پارالمپیک، با کشیدن دستش به زیر گردن خود به نشانه‌ی بین‌المللی «سر بردن» از سرداور مسابقه یک کارت زرد گرفته بود. کارت زرد دوم بیت‌سیاح به دلیل استفاده از پرچم سیاه رنگی بود که روی آن به زبان عربی شعار مذهبی نوشته شده بود. بر اساس مقررات المپیک استفاده از هرگونه نشان سیاسی و مذهبی مجاز نیست.

● محمدجواد آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات جمهوری اسلامی و کارمند وزارت اطلاعات حکومت در واکنش به پس گرفتن مدال طلای بیت‌سیاح و تأیید حرکت سیاسی و مذهبی و غیرورزشی وی در کانال تلگرامی خود نوشت: «مدال طلای پارالمپیک؟ نه، ممنون؛ ما خودمون پرچم یازهرا (س) داریم!»

● احمد علوی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه با توهم رایج در بین زمامداران جمهوری اسلامی گفت: «بیت‌سیاح در سکوی اول جهان قرار می‌گیرد و به نام‌های حضرت ام‌البنین و امام حسین احترام می‌گذارد. اما پس از این اقدام، مدال او پس گرفته می‌شود به نظرم او مدال بزرگتری گرفت اما المپیک پاریس نشان داد که خیلی از ارزش‌هایی از آن اسم می‌برد وجود خارجی ندارد... طلای این ورزشکار در تاریخ تشیع ماندگار خواهد بود!»

کمیته برگزاری مسابقات پارالمپیک پاریس، مدال طلای صادق بیت‌سیاح ورزشکار ایرانی را به دلیل شادی غیرورزشی و استفاده از پرچم مذهبی پس گرفت.

صادق بیت‌سیاح ورزشکار ۳۷ ساله اهوازی روز شنبه ۱۷ شهریورماه در رشته «پرتاب نیزه کلاس اف ۴۱» با پرتابی به مسافت ۴۷ متر و ۶۱ سانتیمتر، علاوه بر اینکه برنده مدال طلا شد، رکورد پارالمپیک را هم به نام خودش ثبت کرد.

با کسب این مدال کاروان ورزشی ایران در بازی‌های پارالمپیک با هفت مدال طلا تارده پانزدهم جدول رده‌بندی مدال‌ها صعود کرد اما ساعاتی بعد اعلام شد که مدال بیت‌سیاح به دلیل شادی «غیرورزشی» این ورزشکار و استفاده از پرچم مذهبی «دیسکالفه» یا «سلب اعتبار» شد که معنای عملی آن پس گرفتن مدال از ورزشکار است.

این ورزشکار پس از شکست رکورد پارالمپیک، با کشیدن دستش به زیر گردن خود به نشانه‌ی بین‌المللی «سر بردن» از سرداور مسابقه یک کارت زرد گرفته بود. کارت زرد دوم بیت‌سیاح به دلیل استفاده از پرچم سیاه رنگی بود که روی آن به زبان عربی شعار مذهبی نوشته شده بود. بر اساس مقررات المپیک استفاده از هرگونه نشان سیاسی و مذهبی مجاز نیست.

در همین ارتباط علی‌اصغر هادی‌زاده سرپرست تیم دو و میدانی کاروان جمهوری اسلامی، با تأیید ضمنی کارت زرد دوم و تأکید بر اینکه استفاده ورزشکار ایرانی از پرچم مذهبی «بدون اطلاع و هماهنگی مسئولان بوده است»، ادعا کرد که حرکت اول بیت‌سیاح، نه به نشان «سر بردن»

محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار امرداد امسال در گفتگو با وبسایت «تابناک» اعلام کرده بود که برخی آمارهای حوزه پرستاری از جمله آمار خودکشی، مهاجرت و... غیرقابل انتشار است.

او بدون توضیح درباره اینکه این ممنوعیت از سوی کدام سازمان یا نهاد صورت گرفته گفته «در هیچ بخشی از نظام سلامت ایران شفافیت وجود ندارد و این ساختار آلوده به رانت و فساد و... است و رستم دستان هم اگر وزیر بهداشت شود با این سیستم غیرشفاف و آلوده کاری نمی‌تواند پیش ببرد.»

او برای نمونه گفته «در بسیاری از کشورهای اروپایی فیش پزشکان در دسترس عموم مردم قرار می‌گیرد، اما در ایران ۷۵۰ هزار میلیارد گردش حساب وجود دارد، اما هیچکس نمی‌داند این پول‌ها به کجا می‌رود! نکته جالب اینکه حتی دیوان محاسبات هم در جریان جزئیات این گردش حساب‌ها نیست چراکه دانشگاه‌های علوم پزشکی را از حساب کشی مستثنی کرده بودند.»

محمد شریفی مقدم درباره آمارهایی که حالا محرمانه شده‌اند به خودکشی پرستاران اشاره کرده و گفته «در بحث خودکشی آمار خودکشی پرستاران به مراتب بیشتر از خودکشی پزشکان است، اما نمی‌توان از جزئیات آن سخن گفت.»

خودکشی کارگران در ایران نیز به یک پدیده تبدیل شده و هر چند آمارهای رسمی از آن وجود ندارد اما موارد گزارش و رسانه‌ای شده، نشان از فراگیری اقدام به خودکشی کارگران به دلیل بیکاری و فقر دارد.

تنها در پتروشیمی چوار ایلام طی دو سال دستکم هشت مورد خودکشی کارگران گزارش شده است. سید رضا اسماعیلی ۳۸ ساله اهل «لاشه کن» از روستاهای همجوار با پتروشیمی «ارغوان گستر» که مدتی پیش از کار اخراج شده بود در نخستین ساعات بامداد جمعه ۱۲ امرداد اقدام به خودکشی کرد. این کارگر دارای سه فرزند دختر و پسر کوچک است و به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری در محل سکونت خود با خوردن قرص دست به خودکشی زد.

کارگر دیگری که در پتروشیمی ایلام شاغل بود ۲۷ تیرماه با ریختن بنزین به روی خود قصد خودکشی کند. آخرین گزارش از وضعیت این کارگر حاکی از آن بود که به دلیل عفونت شبکیه چشم و عفونت لوزه‌هایش به درمان نیاز دارد. همکارانش گفته بودند برای ۸۱۲ هزار تومان پول قطره چشم‌اش، از دوستان و آشنایان تنها ۴۸۳ هزار تومان برایش جمع‌آوری کرده‌اند.

کارگر دیگری که اوایل امرداد جاری قصد داشته شبانه در قبرستان جان خود را بگیرد، جوانی ۲۹ ساله بود. این کارگر حقوق کارگری‌اش را برای مادر بیمار و برادر معلولش خرج می‌کرده و پول یارانه هم به حساب نانوائ محل واریز می‌شده چرا که نان را به صورت نسبه می‌خریده و نانوا هر ماه با مبلغ یارانه، هزینه نان فروخته شده را حساب می‌کردند؛ به گفته کارگران، پدیده خرید نان نسبه و تسویه با کارت یارانه در چوار و روستاهایش فراگیر است!

سومین خودکشی نیز اقدام به خودکشی همسر یکی از کارگران اخراج شده کارخانه در نخستین روزهای امرداد بود. کارگران گفتند که بیکاری همسر و فقر و ناتوانی در تهیه نیازهای اساسی زندگی دلیل خودکشی نافرجام این زن بوده است.

اینها تنها نمونه کوچکی از خودکشی‌هایی بوده که در نتیجه استیصال و فقر و فلاکت در کشور رخ داده است. اینهمه در حالیست که اقدام موثری نیز از سوی نهادها و سازمان‌های مسئول برای حل مشکلاتی که بسترساز ایجاد انگیزه خودکشی هستند صورت نمی‌گیرد.

دستور دادستان کل کشور درباره کودکان بازمانده از تحصیل

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «نرخ جذب بسیار ناچیز کودکان بازمانده از تحصیل در کنار تعداد بالای ترک تحصیل سالیانه از ۳۴۷ هزار نفر تا ۲۷۰ هزار نفر موجب شده روند بازماندگی از تحصیل در نظام آموزش و پرورش رو به رشد باشد.»

محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان فروردین امسال در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» با اشاره به نرخ فزاینده ترک تحصیل دانش‌آموزان گفته بود که «شکم گرسنه، خیلی نمی‌تواند به مسائلی مانند فرهنگ، رعایت حقوق و... فکر کند. شرایط اقتصادی فعلی هم نشان می‌دهد که سال بسیار بدی خواهیم داشت؛ اولین نقطه‌ای هم که تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد، آموزش است. براساس اخباری که از دل ساختار و زبان مسئولان می‌شنویم حدود ۳-۴ میلیون دانش‌آموز بازمانده از تحصیل هستند که بسیاری از آنها ریشه اقتصادی دارند، یعنی خانواده‌هایی که نمی‌توانند هزینه تحصیل دانش‌آموز خود را تأمین کنند.»

به گفته این فعال صنفی آموزگاران، بخش آموزش در زندگی امروز و فردای دانش‌آموز ناکارآمد است و نمی‌تواند مهارتی را آموزش دهد و طبیعتاً دانش‌آموزان از تحصیل گریزان می‌شوند، همچنین درس نخواندن هم نوعی از بازماندگی از آموزش است. آموزش ناکارآمد و بدون کیفیت هم نوعی بازماندگی از آموزش است. دانش‌آموزانی که در سال‌های اخیر گمان می‌کنند از مسیر آموزش به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود نمی‌رسند، از آموزش گریزان شده و قید تحصیل را می‌زنند؛ خطری که بسیار جدی است.

مسعود زمردیان مؤسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فریدیس البرز آذرمه گذشته در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که «کمبود امکانات مالی و دوری مسیر به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های بسیار گزاف سرویس ایاب و ذهاب منجر به ترک تحصیل بعضی از دانش‌آموزان استثنایی می‌شود، چرا که بسیاری از این عزیزان از بضاعت مالی کمی برخوردار بوده و در فقر شدید بسر می‌برند.»

مسعود زمردیان با بیان اینکه «در سفره بسیاری از این خانواده‌ها و بچه‌هایشان اقلام اساسی مانند مرغ، گوشت، میوه، مواد پروتئینی و... پیدا نمی‌شود» گفته بود از ۱۸۰ نفر دانش‌آموز این مرکز تقریباً بیش از ۱۰۰ نفر از آنها از خانواده‌های بسیار بی‌بضاعت و در سطح خیلی پایین زیر خط فقر هستند. هادی موسوی نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز آبان‌ماه پارسال گفته بود که یک و نیم میلیون کودک در آستانه ترک تحصیل قرار دارند و ۱۴ میلیون کودک نیز در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبب غذایی را نمی‌توانند دریافت کنند. هادی موسوی نیک گفته که بر اساس آمار آموزش و پرورش حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داریم، حدود یک و نیم میلیون نفر کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم.

نرخ بالای و صعودی ترک تحصیل دانش‌آموزان، در کنار مشکلات دیگری از جمله کاهش شدید کیفیت آموزش، نالیمن بودن مدارس، کمبود کلاس درس و آموزگار، ساختار آموزشی ایران را بحران‌زده کرده است. اینهمه در حالیست که مسعود پژوهش‌کیان رئیس دولت چهاردهم دستور داده که روز اول مهر و همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید در ایران، در همه مدارس سرتاسر کشور نماز جماعت برگزار شود! در آنسو علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش گفته «باید نماز را به دغدغه اصلی دانش‌آموزان و معلمان تبدیل کنیم.»



دلیل عدم دسترسی به فضای آموزشی ترک تحصیل می‌کنند نمی‌شود چرا که دستوری زمانبر و برای آینده است!

بخشنامه دادستانی کل کشور در حالی منتشر شده که در هفته‌های منتهی به بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی، گزارش‌ها از ترک تحصیل ده‌ها هزار دانش‌آموز در کشور حکایت دارد. مسعود بهرامی مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران اعلام کرده «حدود ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ واحد شرایط ورود به کلاس اول ابتدایی در این استان هنوز برای ثبت‌نام مراجعه نکرده‌اند.» رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش نیز هفته گذشته اعلام کرد ۱۶۴ هزار کودک بازمانده از تحصیل در مقطع دبستان در ایران وجود دارد.

معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش گفته بود «در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ حدود ۲۱۶ هزار کودک بازمانده از تحصیل در دوره ابتدایی داشتیم که پیگیری شده‌اند و حدود ۳۱ هزار نفر از این کودکان طی سال تحصیلی جذب شده‌اند.» محمد مولوی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی نیز تیرماه امسال گفته بود ۲۷۹ هزار دانش‌آموز به دلیل «مشکلات مالی» ترک تحصیل کرده‌اند.

فقر و ناتوانی خانواده‌ها در تأمین هزینه تحصیل، کار کودکان برای تأمین بخشی از بودجه مورد نیاز خانواده، و همچنین عدم دسترسی دانش‌آموزان ساکن در روستاهای دورافتاده به مدرسه و سرویس رفت و آمد به مدرسه از جمله اصلی‌ترین عوامل ترک تحصیل دانش‌آموزان عنوان شده است. مرکز آمار ایران در گزارشی اعلام کرده در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مقاطع تحصیلی مختلف ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند. سال گذشته، ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ها بیشترین تعداد ترک تحصیل را داشتند.

مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ از افزایش ۱۷ درصدی دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در مدت شش سال خبر داده بود: «آمار بازماندگان از تحصیل هم‌سو با سیاست‌گذاری‌ها و در جهت کاهش و در نهایت به صفر رسیدن نیست. بلکه این نرخ در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نسبت به سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به میزان ۱۷.۱۵ درصد افزایش یافته است.»

● دادستان کل کشور با صدور بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های عمومی و انقلاب مراکز استان‌ها بر پایش و نظارت بر فرایند آموزش کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل تأکید کرد.

● رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش نیز هفته گذشته اعلام کرد ۱۶۴ هزار کودک بازمانده از تحصیل در مقطع دبستان در ایران وجود دارد.

دادستان کل کشور با صدور بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های عمومی و انقلاب مراکز استان‌ها بر «پایش و نظارت بر فرایند آموزش کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل» تأکید کرد. محمد موحی دادستان کل کشور با صدور بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های عمومی و انقلاب مراکز استان‌ها بر پایش و نظارت بر فرایند آموزش کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل تأکید کرد. وی در این بخشنامه آورده که «گزارش تحلیلی راجع به اطفال و نوجوانان بازمانده از تحصیل به ضمیمه تدابیر و راهکارهای پیشنهادی در حوزه استان از آموزش و پرورش محل اخذ شود.»

او همچنین از دادستان‌های عمومی و انقلاب خواسته «در نشستی با دعوت از مدیران و مسئولان مرتبط استانی ضمن علت‌کاوی دقیق موضوع و با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود استان، حداکثر تا پایان مهرماه زمینه‌ی اجرایی شدن تدابیر کارشناسی اتخاذ شده به منظور کامل شدن پوشش آموزشی فراگیر در تمامی نقاط استان فراهم شود.»

در بخش دیگری از این بخشنامه آمده «در مواردی که والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی یا متولی امر نگهداری و مراقبت، از ثبت نام کودک اجتناب می‌کنند، یا در موارد اختلاف والدین با هم یا اختلاف، ولی با حاضن (حضانت‌گیرنده)، که موجب ورود آسیب به سلامت، امنیت یا تأخیر و وقفه در آموزش طفل و نوجوان می‌شود و وی را در معرض خطر قرار می‌دهد ...»

دادستان کل کشور البته بز ثبت‌نام همه کودکان مهاجر افغانستانی نیز تأکید کرده و نوشته «با توجه به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی آموزش اتباع مجاز خارجی مبنی بر پوشش تحصیلی کامل همه اطفال و نوجوانان مقیم کشور صرف نظر از ملیت آنان، تمامی افراد زیر ۱۸ سال باید در مدارس ثبت نام شوند و عذری برای امتناع از پذیرش آنان وجود ندارد.»

محمد موحی همچنین تأکید کرده که در مورد تمامی اطفال و نوجوانان مقیم مراکز نگهداری (بهبیستی، کانون اصلاح و تربیت و...) با همکاری بخش‌های مرتبط نسبت به پوشش تحصیلی فراگیر برای تمامی جامعه هدف اقدام شود. در حالی که عدم دسترسی بسیاری از کودکان ساکن روستاهای دور افتاده به مدرسه در محل زندگی، و عدم دسترسی به سرویس رفت و آمد به مدارس روستاها و شهرهای همجوار از دلایل مهم در ترک تحصیل دانش‌آموزان به شمار می‌رود، دادستان کل کشور در بخشنامه صادره نوشته «وزارت راه و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در طرح‌های توسعه مناطق مسکونی شهری و روستایی مکلف به پیش‌بینی فضاهای آموزشی لازم می‌باشند، با برگزاری نشست‌های کارشناسی و ملاحظه طرح‌های تفصیلی و هادی، آخرین وضعیت استان را از این حیث ارزیابی کرده و حسب مورد عمل به تکالیف قانونی را به دستگاه‌های مربوط یاد آوری نماید.»

این بند از بخشنامه البته شامل کودکانی که هم‌اکنون به

رئیس سازمان بورس استعفا کرد؛ ساختار فسادپرور اما همچنان پابرجاست!



● مجید عشقی در حالی استعفا داده که مدعی شده شورای عالی بورس بر اساس ماده چهار قانون اوراق بهادار مسئولیت تعیین حقوق و دستمزد مزایای هیئت مدیره سازمان بورس را بر عهده دارد، این مبالغ هم بر اساس مصوبه شورا پرداخت شده است.

● اسناد منتشر شده نشان می‌دهد بر اساس مصوبه‌ای از سوی اعضای هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، آنها در مجموع ۱۰/۵ میلیارد تومان با نرخ ۴ درصد و دوره بازپرداخت ۱۰ ساله به خودشان وام داده‌اند!

مجدید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار پس از افشای خبری درباره دریافت وام‌های میلیاردی امروز شنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۳ استعفا داد.

به گزارش رسانه‌های داخلی، مجید عشقی امروز استعفای کتبی خود را به رئیس شورای عالی بورس تقدیم کرد. این استعفا پس از آن صورت گرفت که هفته گذشته اسنادی درباره به جیب زدن بیش از ۱۰ میلیارد تومان از منابع سازمان بورس توسط مجید عشقی و دیگر اعضای هیئت مدیره این سازمان منتشر شد.

اسناد منتشرشده نشان می‌دهد بر اساس مصوبه‌ای از سوی اعضای هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، آنها در مجموع ۱۰/۵ میلیارد تومان با نرخ ۴ درصد و دوره بازپرداخت ۱۰ ساله به خودشان وام داده‌اند!

بر اساس اعلام سازمان بازرسی کل کشور مجید عشقی رئیس هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار ۲/۷ میلیارد تومان، علیرضا ناصرپور عضو هیئت رئیسه سازمان بورس و اوراق بهادار ۱/۹ میلیارد تومان، رضا عیوضلو عضو هیئت رئیسه سازمان بورس و اوراق بهادار ۱/۹ میلیارد تومان، مهرداد مسعودی فر عضو هیئت رئیسه سازمان بورس و اوراق بهادار ۱/۹ میلیارد تومان و حسن فرج زاده دهکردی عضو هیئت رئیسه سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ۱/۹ میلیارد تومان وام دریافت کرده‌اند. سازمان بازرسی کل کشور در نامه‌ای به عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت چهاردهم که تصویر آن در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها منتشر شده، خواستار جلوگیری از اجرای مصوبه حاشیه‌ساز شورای عالی سازمان بورس در روزهای آخر دولت سیزدهم شده است.

در واکنش به تخلف صورت گرفته از سوی رئیس و اعضای هیئت مدیره سازمان بورس، عبدالناصر همتی در شبکه «ایکس» مدعی شد که موضوع جهت بررسی کارشناسی به بازرسی وزارتخانه اقتصاد ارجاع داده شده است. او همچنین ادعا کرده که «در دولت چهاردهم برای حذف رانتهای آمده‌ایم و اجازه ویژه‌خواری به هیچکس نخواهیم داد.»

مجدید عشقی در حالی امروز استعفا داده که یکبار دیگر در سال ۱۴۰۱ و در پی ریزش‌های و تلاطم‌ها در بازار بورس استعفای کتبی خود را به شورای عالی بورس تقدیم کرده بود، اما درخواست او از سوی این شورا رد شد.

او البته از بذل و بخشش‌های سازمان بورس به سود اعضای هیئت مدیره دفاع کرده و مدعی شده که «شورای عالی بورس بر اساس ماده چهار قانون اوراق بهادار مسئولیت تعیین حقوق و دستمزد مزایای هیئت مدیره سازمان بورس را بر عهده دارد، این مبالغ هم بر اساس مصوبه شورا پرداخت شده و پرداخت چنین مبالغی در تمامی نهادهای پولی و مالی متناظر یک روال کاملاً عادی است و حتی گاه در برخی نهادها مبالغ پرداختی بیشتر از این ارقام است.»

رئیس سازمان بورس تأکید کرد که «مدیران و کارکنان سازمان

بورس، به خاطر شرایط خاص این نهاد، با محدودیت‌های متعددی مواجه‌اند، در نتیجه برای حفظ منابع انسانی نهاد ناظر بازار سرمایه، لازم است این تسهیلات پرداخت شود. شورای عالی بورس هم بر اساس همین موضوع با پرداخت تسهیلات موافقت کرده است.»

محسن علیزاده عضو ناظر پیشین شورای عالی بورس نیز در واکنش به توجیهات ارائه شده از سوی مجید عشقی اعلام کرده که وام میلیاردی با سود ۴ درصد به پیشنهاد خود رئیس سازمان بورس به تصویب رسید و پیش از این چنین رویه‌ای وجود نداشت و اکنون هم این حواشی باعث شد که برای عشقی گزینه‌ای به‌جز استعفا یا برکناری وجود نداشته باشد.

با اینهمه عملکرد مجید عشقی به عنوان مدیر عامل سازمان بورس و اوراق بهادار همواره مورد انتقاد کارشناسان و تحلیلگران، و فعالان بازار بورس بوده است.

حتی علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت سیزدهم نیز درباره عملکرد مجید عشقی در سازمان بورس و اوراق بهادار در مطلبی در روزنامه «جوان» نوشته که «سازمان بورس با استدلالی مشابه آنچه غالب نهادهای مالی و دارای اموال و دارایی که مورد پذیرش دولت سیزدهم نیز نبوده است، با اخذ مصوبه از شورای عالی فراقوه‌ای بالادست خود اقدامی به ظاهر قانونی، اما خلاف سیاست‌های کلان کشور و دولت وقت رقم زده است.»

سخنگوی دولت ابراهیم رئیسی افزوده که «انتشار مصوبه اخیر را در کنار تلخی ناشی از اطلاع از چنین اخباری، به فال نیک گرفته و ان‌شاءالله مبنای برخورد جدی با همه انواع این قبیل پرداخت‌ها، ویژه‌خواهی‌ها و امتیازها در حوزه‌های مختلف و نهادهای مختلف شود تا ضمن بررسی تمامی مصادیق عملکردی نهادهای مالی و توانمند و همچنین مصوبات و ساختار شوراهای فراقوه‌ای اولاً قوانینی که مبنای وجود چنین تمایزاتی است اصلاح شود و ثانیاً سرعت، جدیت و عدم تعارض منافع در برخورد نهادهای نظارتی و جدیت اعضای مختلف این شوراها در برخورد با مصادیق مختلف امتیازهای نامتعارف تقویت شود.»

بازار سهام در ایران طی ماه‌های گذشته شرایطی متلاطم را

پشت سر گذاشته و بسیاری از کارشناسان به شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری مجید عشقی در اینباره گلایه دارند.

همچنین در پی ریزش‌های مداوم شاخص و خروج سنگین پول از بازار، برخی سهامداران چندین بار با تجمع مقابل سازمان بورس خواستار برکناری مجید عشقی شده بودند.

بازار بورس از ابتدای سال تا کنون در چند دوره با ریزش‌های چند ده هزار واحدی در یک روز روبرو شده است. در هفته نخست خردادماه امسال و پس از آنکه شاخص بورس ۲۲ هزار و ۵۰۵ واحدی ریزش کرد، کارگزاران حاضر در تالارهای بورس منطقه‌ای در اقدامی همزمان و بی‌سابقه اعتصاب کردند. در این اعتصاب که برای نخستین بار رخ می‌داد، کارگزاران در شهرهای اصفهان، شیراز و تبریز به نشانه اعتراض به وضعیت بازار سهام و تداوم سقوط قیمت‌ها، رأس ساعت ۱۰ صبح و بطور همزمان استیضاهای خود را خاموش و دست از کار کشیدند.

در پی ریزش‌های پی‌درپی در بازار بورس ایران، وبسایت «فرارو» نیمه امرداد امسال در گزارشی نوشت بورس در قیاس با مدت مشابه سال قبل دستاوردی نداشته است. اگر بخواهیم اوضاع را نسبت به ابتدای سال بررسی کنیم، باز هم بوی شکست به مشام می‌رسد. تا الان بطور متوسط ۱۱ درصد ارزش دارایی سهامداران جلوی چشمشان دود شده و به هوا رفته، اما آنها حتی قادر نیستند برای خروج از بورس تصمیم بگیرند. شهاب خدابخشیان کارشناس بازار سرمایه نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» با اشاره به اینکه بازار بورس بازتابی از اقتصاد واقعی کشور است، گفته بود که «ریزش‌های روزهای کاری اخیر بورس به خاطر ریسک سیستماتیک ناشی از اتفاق‌های سیاسی است.»

عدم جلب حمایت نظر سرمایه‌گذاران از سوی مسعود پزشکیان و تیم‌اش، تنش‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه و خطر جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، در بن‌بست قرار داشتن مذاکرات هسته‌ای و پابرجایی تحریم‌ها، انتظارات تورمی به دلیل بحران‌های ساختاری اقتصاد و کسری بودجه، از جمله مواردی هستند که از نظر کارشناسان به عنوان علل مهم ریزش‌های هفته‌های اخیر بازار بورس مطرح می‌شوند.

برنامه هسته‌های ایران از دوران پهلوی تا امروز



کودتای ژنرال قاسم، مرکز تحقیقات هسته‌ای سنتو در سال ۱۹۵۹ به تهران منتقل شد.

شاه فقید در سال ۱۹۵۹ و پس از انتقال مرکز تحقیقات هسته‌ای سنتو از عراق به ایران، تصمیم گرفت یک مرکز تحقیقات هسته‌ای در دانشگاه تهران تأسیس نماید و با آمریکا وارد مذاکرات در این رابطه شد. در چارچوب برنامه «اتم در خدمت صلح» قرارداد خرید یک راکتور تحقیقاتی هسته‌ای با آمریکا بسته شد و در سال ۱۹۶۷ یک راکتور اتمی تحقیقاتی در امیرآباد شمالی راه‌اندازی شد که هنوز هم مشغول کار است.

در سال ۱۹۶۸ شاه فقید نامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل ارسال نمود و پیشنهاد «خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای» را ارائه کرد. ولی با عدم همکاری آمریکا مواجه شده و به جایی نرسید. پرسش این است که چرا شاه در ۱۹۶۸ این نامه را نوشت؟ زیرا او خبردار شده بود که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به سلاح هسته‌ای دست یافته و نتیجه گرفته بود که این امر به رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه می‌انجامد که خیلی خطرناک است. ولی جالب این است که در همان سال پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان-پی-تی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید که ایران از کشورهای است که در همان روز تصویب آنرا امضاء کرد. این پارادوکس جالب است. متعاقباً، در سال ۱۹۷۰ مجلس ایران پیمان «ان-پی-تی» را نیز تصویب نمود.

به دنبال این تحولات در سال ۱۹۷۴ شاه فقید دستور تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران را صادر نمود. دکتر علی اکبر اعتماد هم به ریاست این سازمان منصوب شد، و برنامه ساخت ۲۳ راکتور اتمی (هسته‌ای) با ظرفیت تولید ۲۳،۰۰۰ مگاوات برق تصویب شد. در همان زمان قرارداد خرید راکتورهای اتمی (هسته‌ای) نیز با فرانسه و آلمان بسته شد. پیش‌قرارداد ۸ راکتور نیز با آمریکا بسته شد. شاه فقید مایل بود که کل چرخه سوخت هسته‌ای و تکنولوژی هسته‌ای را از آمریکا بخرد، ولی آمریکا حاضر نبود.

در سال ۱۹۷۴ نیز شاه فقید مجدداً نامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل نوشته، و خواستار «خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای» شد. ولی باز با عدم همکاری

و تروریسم هسته‌ای و رادیولوژیک در سطح بین‌المللی متمرکز است. کتاب وی در مورد «تهدید جهانی تروریسم هسته‌ای و رادیولوژیک» توسط انتشارات معروف «روتلیج» تابستان آینده منتشر خواهد شد.

دکتر غیائی سخنان خود را از این موضوع شروع کرد که از مدت‌ها پیش به دکتر رضا قاسمی بنیانگذار و مدیر «کانون ایران» که اکنون با نام «کانون فرهنگی پارس» فعالیت می‌کند، قول داده بود که در مورد برجام در کانون ایران سخنرانی کند، ولی متأسفانه او دیگر در میان ما نیست.

وی سپس ادامه داد، تاریخچه انرژی هسته‌ای ایران برمی‌گردد به سال ۱۹۵۴ که شاه فقید و شهبانو ثریا برای بازدید رسمی و دیدار با رئیس جمهور، ژنرال آیزنهاور، به آمریکا سفر نمودند. چند ماه قبل، در دسامبر ۱۹۵۳ ژنرال آیزنهاور در سخنرانی خود در سازمان ملل اعلام کرده بود که آمریکا حاضر است در چارچوب برنامه «اتم در خدمت صلح» تکنولوژی هسته‌ای در اختیار کشورهای دوست و نیز کشورهای که به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نیستند، قرار دهد. در این بازدید در مورد این همکاری نیز بدون شک مذاکراتی انجام گرفته و مقدمات آن فراهم شد.

در سال ۱۹۵۵ معاهده‌ی «موذت، همکاری‌های اقتصادی، و حقوق کنسولی» بین ایران و آمریکا منعقد شد. این قرارداد زیربنای کلیه همکاری‌های اقتصادی و دیپلماتیک با آمریکا شد. جالب است بدانید که در سال ۱۹۸۰، وقتی دانشجویان «خط امام» از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند، آمریکا بر مبنای همین قرارداد، جمهوری اسلامی را به دادگاه بین‌المللی برد که محکوم و بر همین اساس و دو و نیم میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در آمریکا مسدود شد. بخش‌هایی از این مبلغ به عنوان غرامت به گروگان‌های اشغال سفارت آمریکا در تهران پرداخت شد.

در سال ۱۹۵۷ «قرارداد همکاری در زمینه‌ی انرژی اتمی» بین ایران و آمریکا منعقد شد. در همان سال، مرکز تحقیقات هسته‌ای سنتو، در چارچوب «اتم در خدمت صلح» در بغداد گشایش یافت، و دانشمندان ایرانی به بغداد اعزام شدند. سنتو عهدنامه‌ای بین ترکیه، ایران، عراق، پاکستان و انگلیس بود و آمریکا هم پشت پرده عمل می‌کرد. پس از

● در سال ۱۹۵۵ معاهده‌ی «موذت، همکاری‌های اقتصادی، و حقوق کنسولی» بین ایران و آمریکا منعقد شد. این قرارداد زیربنای کلیه همکاری‌های اقتصادی و دیپلماتیک با آمریکا شد. جالب است بدانید که در سال ۱۹۸۰، وقتی دانشجویان «خط امام» از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند، آمریکا بر مبنای همین قرارداد، جمهوری اسلامی را به دادگاه بین‌المللی برد که محکوم و بر همین اساس و دو و نیم میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در آمریکا مسدود شد. بخش‌هایی از این مبلغ به عنوان غرامت به گروگان‌های اشغال سفارت آمریکا در تهران پرداخت شد.

● شاه فقید در سال ۱۹۵۹ و پس از انتقال مرکز تحقیقات هسته‌ای سنتو از عراق به ایران، تصمیم گرفت یک مرکز تحقیقات هسته‌ای در دانشگاه تهران تأسیس نماید و با آمریکا وارد مذاکرات در این رابطه شد. در چارچوب برنامه «اتم در خدمت صلح» قرارداد خرید یک راکتور تحقیقاتی هسته‌ای با آمریکا بسته شد و در سال ۱۹۶۷ یک راکتور اتمی تحقیقاتی در امیرآباد شمالی راه‌اندازی شد که هنوز هم مشغول کار است.

● در سال ۱۹۷۴ نیز شاه فقید مجدداً نامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل نوشته، و خواستار «خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای» شد. ولی باز با عدم همکاری آمریکا روبرو شد و به جایی نرسید. در آن سال هم هندوستان هم اتمی خود را آزمایش کرده بود که متعاقباً پاکستان نیز همین مسیر را طی نموده، و به سلاح هسته‌ای دست یافت.

برنامه جلسه اخیر «کانون فرهنگی پارس» در مورد تاریخچه هسته‌ای ایران با سخنرانی دکتر بهرام غیائی بود. احمد وحدت‌خواه سخنگوی هیئت مدیره «کانون فرهنگی پارس» نخست سخنران این جلسه را در ۳۱ اوت برگزار شد، معرفی کرد.

دکتر بهرام غیائی دانش‌آموخته‌ی دانشگاه واشنگتن (سیاتل) و مهندسی هسته‌ای از امپریال کالج لندن و همچنین دانش‌آموخته رشته حقوق از دانشگاه لندن و حقوق بین‌الملل از یونیورسیتی کالج لندن است. تحقیقات، مقالات، همکاری‌های رسانه‌ای، و فعالیت‌های دانشگاهی او بر منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، امنیت جهانی هسته‌ای،

شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های گسترده‌ای را در سال ۲۰۰۶ علیه جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذاشت.

در سال ۲۰۰۹، آمریکا، فرانسه و بریتانیا در یک کنفرانس رسانه‌ای اعلام کردند که ایران در سایت فُردو در ۲۰ کیلومتری شمال شهر قم مشغول راه‌اندازی سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم است. این سانتریفیوژها در زیر کوه و در مرکز سپاه پاسداران قرار داده شده بودند. همین افشاجاری باعث شک و تردید بیشتر جهان غرب شد.

در سال ۲۰۱۳، احمدی نژاد از صحنه خارج شد، و حسن روحانی منتصب شد. از همان سال دور جدید مذاکرات اتمی بین جمهوری اسلامی از یکطرف و پنج قدرت هسته‌ای و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل شامل آمریکا، انگلیس، چین، فرانسه، روسیه و نیز آلمان و اتحادیه اروپا آغاز شد که در ژوئیه ۲۰۱۵ به توافقنامه موسوم به برجام انجامید که مخفف برنامه جامع اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action) است. بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی در ارتباط با برنامه اتمی لغو شدند و حدود ۱۱۰ میلیارد دلار درآمدهای ارزی بلوکه شده حاصل از فروش نفت نیز به ایران سرازیر شد.

در نوامبر سال ۲۰۱۷ ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شد، و در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران مجدداً شروع شد. جمهوری اسلامی نیز انگیزه اجرای تعهدات خود را در چارچوب توافقنامه برجام از دست داد و کلیه تعهدات برجامی خود را در چند مرحله خاتمه داد. آخرین کاهش تعهدات برجامی حکومت ایران عدم اجرای مفاد پروتکل الحاقی بود که موجب نگرانی آژانس بین‌المللی و جامعه جهانی شد.

در حال حاضر، در دهه ۲۰۲۰ در مرحله‌ای قرار داریم که راکتورهای دو و سه بوشهر باید طبق قرارداد تا آخر این دهه توسط روسیه تکمیل شوند که به احتمال بسیار زیاد عملی نخواهد شد. مبلغ قرارداد برای هر واحد ۵ میلیارد دلار بوده است. راکتور هسته‌ای تحقیقاتی آب سنگین خنثاب (اراک) در دست ساخت است که پس از ۲۴ سال هنوز تکمیل نشده و احتمال تکمیل آن در این دهه بسیار ضعیف است. در اکتبر سال ۲۰۲۵ اکثر تعهدات برجامی جمهوری اسلامی رسماً به پایان می‌رسد. مهم‌تر از آن، در اکتبر ۲۰۲۵ قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که برجام را تأیید کرده و کلیه تحریم‌های بین‌المللی را در سال ۲۰۱۵ لغو نمود نیز به پایان خواهد رسید و جمهوری اسلامی ایران هیچگونه تعهدی در چارچوب حقوقی این عهدنامه بین‌المللی نخواهد داشت.

صرفاً، یک سؤال می‌ماند و آن اینکه برنامه نظامی اتمی جمهوری اسلامی چه خواهد شد؟ طبق گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۰۳، یعنی همزمان با بمباران عراق توسط آمریکا و انگلیس، برنامه منسجم نظامی داشته، و از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۹ که مرکزغنی‌سازی اورانیوم فردو افشا شد، فعالیت‌های نظامی هسته‌ای محدودی داشته است.

دکتر غیاثی در پایان این سخنرانی اظهار داشت که به نظر وی جمهوری اسلامی ایران تکنولوژی تولید مپب هسته‌ای و اورانیوم غنی‌شده برای تولید ۱۰ مپب را دارد و نیازی به آزمایش هسته‌ای ندارد زیرا کره شمالی این آزمایش‌ها را در ۶ مقطع زمانی انجام داده و به احتمال قوی در قبال نفت این دانش فنی را به ایران منتقل نموده است. ایران صرفاً به تکنولوژی سوار کردن کلاهک‌های هسته‌ای بر روی موشک‌های دوررُند نیاز دارد. خلاصه اینکه، هم‌اکنون ایران توانایی تولید سلاح هسته‌ای را دارد.

۱۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌کند که بیشتر آن به عراق صادر می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران موظف است که کلیه میله‌های سوخت دریافتی از روسیه را که حاوی اورانیوم غنی‌شده است پس از مصرف در نیروگاه هسته‌ای بوشهر به روسیه بازگرداند، زیرا سوخت مصرف شده حاوی یک درصد پلوتونیوم است که در مپب‌های اتمی کاربرد دارد. مپب اتمی رها شده بر روی شهر ناکازاکی ژاپن در سال ۱۹۴۵ حاوی ۶٫۲ کیلوگرم پلوتونیوم بود. آمریکا در این رابطه محدودیت‌های هسته‌ای برای ایران ایجاد کرده است. در ضمن بد نیست بدانید که بزرگترین شرکت سازنده راکتورها و تکنولوژی حلقه‌ی سوخت هسته‌ای با کیفیت بالا در جهان یک شرکت روسی به نام Rosatom است.

در دوره باززایی (renaissance) و شکوفایی هسته‌ای ایران در دهه نود، ایران درآمد ارزی فروش نفت خود را در این راستا به کار برد. باید به یاد داشت که در اوایل دهه نود فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را داریم. بسیاری از افراد متخصص هسته‌ای در بلوک شرق سر از ایران درآوردند. می‌رسیم به دهه‌ی ۲۰۰۰ و راه‌اندازی واحد نیمه صنعتی غنی‌سازی اورانیوم نطنز، ساخت واحد غنی‌سازی اورانیوم نطنز، راه‌اندازی واحد تولید آب سنگین اراک و دیگر تاسیسات.

در ماه اوت ۲۰۰۲، گروه مجاهدین خلق طی یک افشاجاری رسانه‌ای در آمریکا به جامعه بین‌المللی و نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داد که ایران در حال ساخت واحد غنی‌سازی در نطنز و واحد تولید آب سنگین در اراک است. جامعه جهانی و آژانس بسیار نگران شدند. دکتر البرادعی رییس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و متخصص حقوق بین‌الملل در امور هسته‌ای، در اواخر سال ۲۰۰۲ جهت مذاکره و آگاهی به ایران سفر کرد. او فردی بی‌طرف و دانشمند بود. در سال ۱۹۹۵ جایزه‌ی صلح نوبل مشترکاً به وی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین اهدا شد.

در ماه مارس ۲۰۰۳ یک اتفاق بسیار مهم رخ داد: آمریکا و بریتانیا به بغداد حمله کردند. این حمله یک فاجعه‌ای شد که ما هنوز چوب آن را می‌خوریم. آخوندها در ایران بسیار مضطرب شدند و از طرف دیگر، بازرس‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روی رژیم ایران فشار وارد می‌کردند. در ماه اکتبر ۲۰۰۳، در کاخ سعدآباد، توافقنامه‌ای بین ایران، انگلستان، آلمان، و فرانسه به امضاء رسید. طبق این توافقنامه ایران پذیرفت که از آن به بعد شفافیت پیشه کند. نکته بسیار مهم آن بود که جمهوری اسلامی ایران پذیرفت که داوطلبانه مفاد پروتکل الحاقی را اجرا نماید. طبق این پروتکل که توافقنامه‌ای حقوقی بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، بازرسان آژانس اجازه دارند در هر زمان و در هر مکان در ایران نمونه‌برداری کنند. حسن روحانی و علی‌اکبر صالحی توافقنامه‌ها را امضاء نمودند، و در پایان سال ۲۰۰۳ اجرایی شد. در سال ۲۰۰۴ توافقنامه پاریس بسته شد و باز هم جمهوری اسلامی ایران پذیرفت که همکاری کند.

در سال ۲۰۰۵ محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری منتصب شد و خط مشی حکومت ایران در مقابل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کلاً تغییر کرد. البته، آمریکا، از سوی دیگر، در عراق در گل فرو رفته بود و جمهوری اسلامی فرصت را غنیمت شمرد که پنهانکاری و عدم همکاری با آژانس را مجدداً پیشه کند. پروتکل الحاقی هم، که هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده بود، کنار گذاشته شد. آژانس متعاقباً مسئله را به سازمان ملل ارجاع داد و

→ آمریکا روبرو شد و به جایی نرسید. پرسش این است که چرا در این سال شاه فقید این نامه را نوشت؟ زیرا هندوستان در این سال مپب اتمی (هسته‌ای) خود را آزمایش کرده بود که متعاقباً پاکستان نیز همین مسیر را طی نموده، و به سلاح هسته‌ای دست یافت. مصر نیز در آن زمان گفته بود که در این شرایط ممکن است در این راه گام بردارد و همچنین ترکیه و ایران.

قابل ذکر است که ایران در سال ۱۹۷۴ توافقنامه پادمان هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را امضاء نمود. به استناد این توافقنامه حقوقی، و در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، آژانس می‌تواند نظارت و بازرسی از مراکز هسته‌ای و مواد هسته‌ای را داشته باشد.

در نیمه دوم ۱۹۷۰ بسیاری از پروژه‌های اتمی در ایران پیاده شد. در بوشهر راکتورهای یک و دو توسط شرکت‌های آلمانی شروع به احداث شد، و در اصفهان مرکز تحقیقات هسته‌ای و مرکز تکنولوژی هسته‌ای، که پیشرفته‌ترین مراکز اتمی در خاورمیانه، و چه بسا در خاور دور هستند، تاسیس گردید. اسرائیل چندماه پیش سیستم پدافند هوایی این دو مرکز در اصفهان را با موشک منهدم نمود تا نشان دهد که توان تخریب هرگونه تاسیسات هسته‌ای و زیربنایی در هر گوشه از ایران را دارد.

دهه ۱۹۷۰ دوره شکوفایی تکنولوژی هسته‌ای در ایران بود، و بسیاری از دانشجویان توسط دکتر اعتماد به دانشگاه‌های معتبر آمریکا، بریتانیا و غیره اعزام گردیدند تا در زمینه انرژی و تکنولوژی هسته‌ای آموزش ببینند.

نکته آخر اینکه چون آمریکا تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم را در اختیار ایران قرار نمی‌داد، ایران خواست آن را از فرانسه تأمین کند. برای دستیابی به این تکنولوژی، ایران ۱۰ درصد از سهم یک واحد غنی‌سازی اورانیوم به نام Europe-Diffusion Eurodif (an) را در سال ۱۹۷۴ به مبلغ یک میلیارد دلار خریداری نمود. این واحد تا سال ۲۰۱۲ هم کار می‌کرد. البته در سال ۱۹۹۱ مبالغ پرداختی در زمان شاه با سود بانکی آن به ایران بازپرداخت شد، و اورانیوم غنی شده ارسال نشد. این کارخانه در سال ۱۹۸۰ شروع به کار کرد و تا سال ۲۰۱۲، یعنی سی و دو سال، به کار خود ادامه داد.

پس از انقلاب ۱۹۷۹، مهندس مهدی بازرگان اعلام کرد که کلیه پروژه‌های هسته‌ای ایران تعطیل می‌شوند. گرچه در اواسط جنگ ایران و عراق، رفسنجانی، خمینی را متقاعد کرد که در قرن بیستم و به زودی بیست و یکم بدون تکنولوژی هسته‌ای نمی‌توان دوام داشت. در نتیجه در سال ۱۹۸۵ پروژه‌های هسته‌ای ایران مجدداً از سر گرفته شدند. جمهوری اسلامی در اواخر این دهه شروع به به دست آوردن تکنولوژی و نیروی متخصص از کشورهای مختلف کرد و در این راستا قراردادهایی با پاکستان در رابطه با غنی‌سازی اورانیوم، چین برای تأمین تکنولوژی هسته‌ای، و دیگر کشورها بست. قراردادهای محرمانه نیز با متخصصان هسته‌ای آغاز شد، از جمله با دکتر عبدالقدیرخان پاکستانی و شبکه‌اش که میلیون‌ها دلار از ایران پول گرفت، و البته به قول‌هایش نیز عمل کرد. سانتریفیوژهای ایران بر مبنای سانتریفیوژهای پاکستان طراحی و ساخته شده‌اند. طبق گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، دکتر عبدالقدیرخان اطلاعاتی در مورد نحوه تولید سلاح‌های هسته‌ای را هم به ایران منتقل نموده بود.

ایران در سال ۱۹۹۵ برای تکمیل راکتور بوشهر یک با روسیه قراردادی بست که ۱۶ سال طول کشید تا این راکتور آماده بهره‌برداری شود. در سال ۲۰۱۱ نیروگاه اتم بوشهر راه‌اندازی شد، ولی خیلی زود به اشکالات فنی برخورد و سپس یک سال بعد مجدداً راه‌اندازی شد، و هم‌اکنون

تکانه‌دهنده؛ مراکز ورزشی در تهران نابیناها را پذیرش نمی‌کنند مگر همراه داشته باشند!



● مهدیه مهدوی از ورزشکاران نابینا گفته هم مراکز ورزشی زیرمجموعه شهرداری و هم مراکز خصوصی افراد نابینا را راه نمی‌دهند مگر آنکه کسی را همراه خود بیاورند. حتی افراد نابینایی که در میداین ورزشی دارنده انواع مدال هستند و در سطح کشور شناخته شده‌اند هم به مراکز ورزشی راه داده نمی‌شوند و آنها هم حتما باید همراه داشته باشند!

● موضوع عدم مناسب‌سازی مراکز ورزشی از اصلی‌ترین دلایلی است که موجب شده این مراکز افراد نابینا را پذیرش نکنند یا برای آنها شرط بگذارند.

مراکز ورزشی در سطح شهر تهران از پذیرش افراد نابینا خودداری می‌کنند و شرط «داشتن همراه» را برای ثبت‌نام نابیناها می‌گذارند. برخی معتقدند مدیران مراکز ورزشی برای اینکه هزینه متناسب‌سازی مراکز خود برای افراد نابینا را پرداخت نکنند، بطور کلی ثبت‌نام آنها را مشروط کرده‌اند.

وبسایت «خبرآنلاین» در گزارشی تکانه‌دهنده از عدم پذیرش افراد نابینا در مراکز ورزشی تهران خبر داده و نوشته این مراکز شرط کرده‌اند نابینایان فقط در صورت داشتن همراه می‌توانند ثبت‌نام کنند و آنها را بدون داشتن همراه ثبت‌نام نمی‌کنند در حالی که این شرط هزینه‌های آنها را دو برابر کرده و موجب می‌شود افراد نابینا ورزش را ترک کنند. مهدیه مهدوی از ورزشکاران نابینا به «خبرآنلاین» گفته هم مراکز ورزشی زیرمجموعه شهرداری و هم مراکز خصوصی افراد نابینا را راه نمی‌دهند مگر آنکه کسی را همراه خود بیاورند.

به گفته مهدیه مهدوی الزام داشتن همراه برای نابینایان در مراکز ورزشی عادلانه نیست و تحمیل هزینه است چون هزینه‌های کلاس ورزشی و رفت و آمد آنها را دو برابر می‌کند و بسیاری از افراد دارای معلولیت به دلیل عدم توانایی در تأمین این هزینه از ورزش کردن منصرف می‌شوند.

به گفته این ورزشکار نابینا، حتی افراد نابینایی که در میداین ورزشی دارنده انواع مدال هستند و در سطح کشور شناخته شده‌اند هم به مراکز ورزشی راه داده نمی‌شوند و آنها هم حتما باید همراه داشته باشند!

محدثه احمدی که ساکن محله مشکین دشت کرج است گفته که «باشگاه‌های ورزشی ما را ثبت‌نام نمی‌کنند اما یکبار هم که یکجا پذیرش شدم فردی که با من کار می‌کرد عملاً اجازه نمی‌داد من از جایم تکان بخورم و تأکید داشت برنامه ورزشی مرا مورد به مورد بگوید ولی چون با سایر ورزشکاران هم کار می‌کرد بعد از هر تمرین گاهی ۱۰ دقیقه طول می‌کشید تا دوباره به من سر بزند و بدن من در این مدت سرد و ورزش برابم بی‌فایده می‌شد»

موضوع عدم مناسب‌سازی مراکز ورزشی از اصلی‌ترین دلایلی است که موجب شده این مراکز افراد نابینا را پذیرش نکنند یا برای آنها شرط بگذارند. این در حالیست که بر اساس قانون همه مراکز اعم از دولتی یا غیردولتی طبق قانون موظف به رعایت اصول مناسب‌سازی هستند اما زیر

تشدید کرده است.

کانون حمایت از حقوق معلولان اواخر اسفند ۹۶ تصویب شد. طبق ماده ۳۰ این قانون، دولت باید ردیف اعتباری جداگانه در بودجه سنواتی برای اجرا آن در نظر بگیرد. دولت اما در بودجه سال ۱۴۰۲ این ردیف اعتبار جداگانه را حذف کرد. فعالان این حوزه می‌گویند از زمان تصویب این قانون تاکنون، بسیاری از مواد آن اجرا نشده است. افراد دارای معلولیت در سال جاری تجمعات بسیاری برای اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان برگزار کردند.

کمپین حمایت از حقوق معلولان آذرماه گذشته در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه خواستار پیش‌بینی منابع لازم برای اجرای ماده ۲۷ در لایحه بودجه ۱۴۰۳ شد.

در این نامه آمده بود که «متأسفانه با گذشت بیش از پنج سال و نیم از ابلاغ این قانون، بسیاری از مفاد آن اجرا نشده و یا ناقص اجرا شده‌اند. یکی از مهمترین مفاد قانون حمایت از حقوق معلولان، ماده ۲۷ این قانون است که قانون‌گذار دولت را ملکف کرده به معلولان شدید و خیلی شدید فاقد شغل و درآمد، کمک هزینه معیشتی به میزان حداقل دستمزد پرداخت نماید اما متأسفانه هم‌اکنون سازمان بهزیستی از بابت این ماده، تنها ۲۷۳ هزار تومان به مشمولان پرداخت می‌کند که این مبلغ توهین به معلولان و نقض کرامت انسانی آنان به‌شمار می‌رود. مضافاً آنکه پرداخت تنها ۵ درصد از کمک هزینه معیشت به معنای اجرای قانون قلمداد نمی‌شود.»

بار اجرای آن نمی‌روند.

به گزارش «خبر آنلاین» نهادهای نظارتی هم تقریباً در هیچ ساختمانی به عدم اجرای این قانون نظارت نمی‌کنند و اصولاً قوانین حوزه معلولان برایشان فرقی ندارد و مشخص نیست تا کی می‌خواهند به بستن چشم‌های خود به تضییع حقوق افراد دارای معلولیت ادامه دهند.

از سوی دیگر برخی نابیناها نیز به «خبر آنلاین» گفته‌اند که آنها امکان حضور در ورزش‌ها و تمرینات را ندارند چون قادر نیستند حرکت مربی را ببینند و مانند سایرین آن حرکات را تقلید کنند.

آنها می‌گویند یک مربی هنگام ورزش باید در کنار افراد نابینا باشد تا حرکات را کامل به او بگوید اما چون مراکز ورزشی نمی‌خواهند یک مربی جدا برای نابینایان استخدام کرده و زیر بار هزینه استخدام مربی نروند بنابراین ترجیح می‌دهند ورود این گروه به سالن‌های ورزشی را ممنوع یا ورودشان را به داشتن همراه منوط کنند تا هزینه‌ای که برای استخدام مربی نمی‌دهند را با الزام حضور یک همراه، از خود نابینایان و کم‌بینایان بگیرند.

جمهوری اسلامی در عمل معلولان را به شهروند درجه دو تبدیل و آنها را از حقوق طبیعی و شهروندی محروم کرده است.

نبود دارو و عدم پرداخت کمک هزینه معیشتی از مهمترین مشکلات معلولان به‌شمار می‌رود. همچنین فعالان حقوق معلولان معتقدند اجرا نشدن قانون حمایت از معلولان با وجود تصویب و ابلاغ، مشکلات این قشر را

زامبی‌های زنده در فیلادلفیا



ویدیو

در سال‌های اخیر خیابان‌ها و پارک‌های اطراف کنزینگتون به منطقه‌ای برای معتادان به مواد مخدر و افراد بی‌خانمان تبدیل شده. برخی معتادانی که حالت متفاوتی با معتادان به مواد سنتی دارند به وفور در کنزینگتون دیده می‌شوند. اثری که نتیجه مواد مخدر مصنوعی است. اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا DEA می‌گوید «فنتانیل» یک ماده افیونی قوی و بزرگترین تهدید ماده مخدر در منطقه فیلادلفیا است.

چند سالیست تصاویر افرادی که در منطقه کنزینگتون فیلادلفیا شبیه زامبی‌های زنده هستند خرساز می‌شود. کنزینگتون در دهه ۱۹۸۰ به محل تولد باند مواد مخدر ایرلندی آمریکایی K&A معروف بود. با گذشت زمان دلان خیابانی سیاه‌پوست و اسپانیایی‌تبار بخش بزرگی از تجارت مواد مخدر به ویژه هروئین، فنتانیل و کراک را در کنزینگتون در اختیار گرفتند.

چیا چقدر خاصیت دارد؟



ویدیو

امپراتوری آرتک محیط مرطوب دره مکزیک را که دریاچه‌ها و باتلاق‌های فراوان داشت، به باغ‌های بسیار حاصلخیز برای پرورش گیاهان تبدیل کرده بود. در این میان گیاهی با گل‌های بنفش از اصلی‌ترین محصولات کشاورزی آرتک‌ها بود که به آن «چیا» می‌گفتند. آنقدر با ارزش بود که ساکنان ۲۱ ایالت از ۲۸ ایالت آرتک چیا را به عنوان خراج سالانه می‌دادند.

آمریکای مرکزی و جنوبی مملو از شگفتی‌های باستانی است. یکی از این شگفتی‌ها غذایی گیاهیست که حتا تا اواخر قرن بیستم اروپایی‌ها توجه زیادی به آن نشان نداده بودند. پیش از آنکه پای اروپایی‌ها به قاره آمریکا برسد، «آرتک‌ها» تمدن آمریکای میانه بودند. مردمانی که هنر و معماری فاخر داشتند و در نجوم و حقوق و حکومت‌داری به پیشرفت رسیده بودند.

گزارش دیگری که در روزنامه «هم‌میهن» منتشر شد نیز نشان می‌داد که شمار زیادی از معلولان به دلیل بی‌ارزش بودن رقم پرداختی از سوی بهزیستی و به دلیل نبود فرصت‌های شغلی آنها ناچار به فعالیت در مشاغل کاذبی تکدی، ضایعات‌فروشی، زباله‌گردی و دستفروشی در مترو هستند.

در این گزارش آمده بود با اینکه بسیاری از آنها تحصیلات بالایی دارند، اما در جایگاه‌های بسیار پایین‌تر از سطح تحصیلات‌شان به کار گرفته می‌شوند؛ آنها را نظافتچی، منشی و تلفنچی می‌کنند. در کمیسیون‌های پزشکی آزمون‌های استخدامی، خط زده می‌شوند و به بهانه «مناسب نبودن»، پس‌شان می‌زنند. آموزش و پرورش به آنها می‌گوید که روحیه دانش‌آموزان از دیدن آنها خراب می‌شود و خانواده‌ها خوش‌شان نمی‌آید یک فرد دارای معلولیت به فرزندشان درس بدهد. اخیراً هم در آزمون استخدامی، نابینایان را رد کرده‌اند.

بر اساس ماده ۲۷ قانون کار، مستمری معلولان باید برابر با حداقل دستمزد مصوبه شورای عالی کار باشد. گزارش‌ها اما حاکی از آنست که معلولان دریافتی‌هایی خیلی پایین‌تر از رقم تعیین شده به عنوان «حداقل دستمزد» دارند.

در حالی که پایه رقم حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۳ حدود هفت میلیون تومان است، اغلب معلولان کمک‌هزینه‌ای معادل ۷۵۰ هزار تومان از سازمان بهزیستی دریافت می‌کنند. در همین رابطه احمد کاری مدیر «انجمن ندای معلولان ایران» گفته اگر ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان به صورت کامل اجرا شود، شاید بخش زیادی از مشکلات افراد دارای معلولیت حل شود. وقتی در خانواده یک عضو دچار معلولیت هست، ۴۰ الی ۵۰ درصد منابع خانواده به مشکلات او اختصاص پیدا می‌کند که این هزینه‌ها باید جبران شوند. طبق قانون باید کسی که درآمد و اشتغال ندارد و از کار افتاده است، حداقل حقوق قانون کار را دریافت کند. اگر این قانون اجرا شود، بخش زیادی از مشکلات افراد دارای معلولیت حل می‌شود.

این فعال حقوق معلولان توضیح داده که برخی هزینه‌های جاری زندگی معلولان از افراد عادی خیلی بیشتر است: «فرد سالم جامعه از بسیاری سوبسیدهای حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند، ولی یک فرد دارای معلولیت با این شلوغی‌ها نمی‌تواند اتوبوس و مترو سوار شود. در مترو اکثر اوقات هم آسانسورها فعال نیستند. بطور کلی برای معلولان رفتن به مترو و اتوبوس مشکل است.»

او افزوده که «سامانه حمل و نقل شهری معلولین و جانبازان اخیراً راه افتاده است که در روز به ۶۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر سرویس می‌دهد، اما فقط در تهران است و در خود تهران هم حداقل ۱۰۰ هزار نفر افراد دارای معلولیت وجود دارد که نیازمند خدمات ویژه حمل و نقل هستند و از سوبسیدها نمی‌توانند استفاده کنند.»

همچنین تأمین تجهیزات توانبخشی و دارو و وسایل بهداشتی معلولان نیز هزینه بالایی دارد و دولت در این رابطه نیز کمکی به معلولان نمی‌کند. موضوعی که احمد کاری نیز به آن اشاره کرده و گفته «دولت باید فکری اساسی در خصوص تجهیزات توانبخشی افراد دارای معلولیت انجام دهد. در خصوص تأمین ویلچر برای معلولان هم دچار مشکل هستیم. معلولان اگر در استفاده از ویلچرهای ایرانی خیلی ملاحظه کنند بیش از دو یا سه سال سالم نمی‌ماند، از طرفی ۵ الی ۶ سال هم برای گرفتن ویلچر جدید باید در نوبت بمانند. قیمت ویلچر ایرانی از ۳ تا ۱۵ میلیون تومان در بازار است. قیمت ویلچر خارجی هم ۱۵۰ میلیون تومان است.»

حمایت روزنامه «جوان» وابسته به سپاه از افزایش قیمت بنزین نیروهای انقلابی از «عقلانیت بنزینی دولت» حمایت کنند!



اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ پس از گران شدن قیمت بنزین

انتخاباتی مسعود پزشکیان در یک کنفرانس خبری گفته بود «افزایش قیمت بنزین را با آرامش جا می‌اندازیم!» این حرف یادآور حرف‌های بیژن زنگنه وزیر نفت دولت روحانی در مورد افزایش قیمت بنزین بود.

دهم بهمن ۱۳۹۷ یک خبرنگار از زنگنه پرسید، «قیمت تا کجا افزایش می‌یابد؟» و او با لبخند پاسخ داد: «تا جایی که مردم تحمل کنند!»

کمتر از ۹ ماه پس از این حرف، با اعلام افزایش قیمت بنزین که نیمه‌شب پنجشنبه و ساعاتی پیش از تعطیلی آخر هفته انجام گرفت بطوری که حسن روحانی برای بری کردن خود از این اقدام ادعا کرد که خودش تازه صبح جمعه متوجه شد، یکی از مهم‌ترین اعتراضات سراسری ایران طی سه دهه گذشته آغاز گشت و حکومت برای آرام کردن اوضاع و سرکوب مردم بیش از ۱۵۰۰ شهروند را به قتل رساند.

حالا روزنامه «جوان» می‌نویسد: «اول باید با مردم واقعیت‌ها را گفت. مردم متین و پذیرای واقعیت‌ها هستند. کنشگری «صبح جمعه باخبر شدم» یک افتضاح تاریخی بود!»

در این میان، شماری از تحلیلگران و اقتصاددانان مرتب در مورد پیامدهای افزایش قیمت بنزین به دولت پزشکیان هشدار می‌دهند. محمود جاماساز در همین ارتباط می‌گوید: «سال‌هاست که دولت‌ها از لزوم افزایش قیمت بنزین سخن می‌گویند، اما با تجربه‌ای که از سال ۱۳۹۸ به دست آمده، باید در این زمینه کمی محتاطانه عمل کرد.»

وی توضیح داده است که «در حال حاضر قدرت خرید مردم بسیار پایین است» و «اقتصاد در وضعیتی است که تحت تاثیر کوچک‌ترین شوک‌های سیاسی، چه درون‌مرزی و چه برون‌مرزی قرار می‌گیرد.»

قیمت آزاد محاسبه کرد. چرا کسی که آینه بغل ماشینش ۵۰ میلیون تومان قیمت دارد و در کل سال همیشه در جاده و تفریح است، در مجموع سال یک میلیون هم پول بنزین ندهد؟! باید از روش عاقلانه دولت برای آماده کردن افکار عمومی حمایت کرد.»

پیش از عارف نیز مسعود پزشکیان در مورد ضرورت افزایش قیمت بنزین صحبت کرده بود. او گفته بود «منطقی نیست بنزین را با دلار آزاد وارد کنیم و سوبسیدی به مردم بفروشیم در صورتیکه پول تامین غذا و دارو را نداریم.»

روزنامه «جوان» سر بسته به ملاحظات و محدودیت‌های دولت برای «جراحی اقتصادی» اشاره کرده و خیلی محتاطانه بدون اشاره به پیامدهای افزایش قیمت بنزین در دولت حسن روحانی و اعتراضات «آبان ۹۸» تأکید کرده است «رویکرد نیروهای انقلاب باید کاملاً حمایتی و همراهی با این اقدامات اقتصادی دولت باشد. نباید در زمان این کارهای خطرناک، رفتاری جناحی داشت و دولت را در این مسیر تنها گذاشت.»

به گفته محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی متوسط تولید روزانه بنزین داخلی ۱۱۴ میلیون لیتر و متوسط مصرف روزانه بنزین کشور ۱۲۰ میلیون لیتر است. در واپسین هفته‌های تابستان با افزایش سفرهای بین شهری، کمبود بنزین بحرانی شد.

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند دولت برای جبران کسری بودجه راهی جز افزایش قیمت بنزین ندارد، اما بسیاری دیگر هشدار می‌دهند افزایش قیمت بنزین به سرعت روی تورم اثر می‌گذارد و افزایش قیمت‌ها جرعه اعتراضات گسترده مردم خواهد شد.

اواسط تیرماه ۱۴۰۳ پیش از برگزاری نمایش انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، علی عبدالعلی‌زاده رئیس ستاد

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صحبت‌های مسعود پزشکیان و معاون وی در مورد ضرورت افزایش قیمت بنزین را «نشانه‌هایی از یک برنامه عقلانی» دانسته و تأکید کرده است که «رویکرد نیروهای انقلابی باید حمایتی باشد.»

● این روزنامه در مطلبی نوشت، «چرا کسی که آینه بغل ماشینش ۵۰ میلیون تومان قیمت دارد و در کل سال همیشه در جاده و تفریح است، در مجموع سال یک میلیون هم پول بنزین ندهد؟! باید از روش عاقلانه دولت برای آماده کردن افکار عمومی حمایت کرد.»

● روزنامه «جوان» سر بسته به ملاحظات و محدودیت‌های دولت برای «جراحی اقتصادی» اشاره کرده و خیلی محتاطانه بدون اشاره به پیامدهای افزایش قیمت بنزین در دولت حسن روحانی و اعتراضات «آبان ۹۸» تأکید کرده است: «رویکرد نیروهای انقلاب باید کاملاً حمایتی و همراهی با این اقدامات اقتصادی دولت باشد. نباید در زمان این کارهای خطرناک، رفتاری جناحی داشت و دولت را در این مسیر تنها گذاشت.»

● روزنامه سپاه از رویکرد دولت روحانی در افزایش قیمت بنزین انتقاد کرده و آن را «افتضاح» خوانده است: «اول باید با مردم واقعیت‌ها را گفت. مردم متین و پذیرای واقعیت‌ها هستند. کنشگری «صبح جمعه باخبر شدم» یک افتضاح تاریخی بود!»

● دهم بهمن ۱۳۹۷ یک خبرنگار از زنگنه وزیر نفت دولت روحانی پرسید، «قیمت تا کجا افزایش می‌یابد؟» و او با لبخند پاسخ داد: «تا جایی که مردم تحمل کنند!» کمتر از ۹ ماه پس از این حرف، با اعلام افزایش قیمت بنزین که نیمه‌شب پنجشنبه و ساعاتی پیش از تعطیلی آخر هفته انجام گرفت بطوری که حسن روحانی برای بری کردن خود از این اقدام ادعا کرد که خودش تازه صبح جمعه متوجه شد، یکی از مهم‌ترین اعتراضات سراسری ایران طی سه دهه گذشته آغاز گشت و حکومت برای آرام کردن اوضاع و سرکوب مردم بیش از ۱۵۰۰ شهروند را به قتل رساند.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صحبت‌های مسعود پزشکیان و معاون وی در مورد ضرورت افزایش قیمت بنزین را «نشانه‌هایی از یک برنامه عقلانی» دانسته و تأکید کرده است که «رویکرد نیروهای انقلابی باید حمایتی باشد.»

در این گزارش با عنوان «عقلانیت بنزینی دولت» که ۱۸ شهریورماه منتشر شد، آمده «یک باک بنزین از پول آبی که در رادياتور ریخته می‌شود، ارزان‌تر است و تقریباً با قیمت تنظیم باد برابر!»

پیش از این محمدرضا عارف نیز در جلسه معارفه وزیر نفت گفته بود، «کدام عقل سلیمی می‌گوید بنزین را با دلار وارد کنیم و ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟ فعلاً کاری نمی‌خواهیم بکنیم. نگویند عارف گفت فردا می‌خواهیم آزادسازی انجام دهیم. داریم واقعیت‌ها را می‌گوییم.»

روزنامه «جوان» چند پیشنهاد نیز مطرح کرده که یکی از آنها مرتبط با پولدارهاست که در اینباره می‌نویسد: «می‌توان مصرف بیشتر بنزین را که بر گردن پولدارها می‌افتد، با

صندوق توسعه ملی را جارو کردند؛ به اسم «نسل‌های آینده» به کام دولت‌های سیری‌ناپذیر و ناکارآمد

این میزان فروش نفت حداقل برای نسل‌های بعدی نیست. آلبرت بغزبان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز گفته در دیگر کشورها که صندوقی مشابه صندوق توسعه ملی دارند، به آنها صندوق‌های بین نسلی می‌گویند، «یعنی ثروت آن برای آیندگان است. نه اینکه منابع آن را مثل ما برداشت و خرج کنند. بلکه این صندوق برای ایجاد درآمد مستمر مدیریت می‌شود. نه اینکه منابع آن را به دست دولت بدهند. این صندوق‌ها اهداف خیلی بلند و رفاهی زیادی دارند نه اینکه به دولت‌هایی داده شود که از پول نفت و در واقع رانت منابع طبیعی یا انفال روزگار بگذرانند. سیاست‌ها و رویکرد صندوق برای اهداف توسعه‌ای و اختصاص وام به بخش خصوصی است نه دولت. اکنون صندوق توسعه ملی از اهداف خود دور شده است و مخصوصاً که حالا به جای اختصاص به هزینه‌های عمرانی صرف هزینه‌های جاری می‌شود.»

او گفته «وقتی دولت کسری بودجه دارد و نفت هم به فروش نمی‌رود مشخص است که توان بازپرداخت را ندارد. دولت از بانک مرکزی هم قرض می‌گیرد اما برمی‌گرداند. اگر هم رئیس صندوق زیاد انتقاد و گلایه کند وی را عزل و دیگری را به جای او می‌نشانند. اما با این اقدامات ماهیت صندوق عوض شده است. این صندوق یک قلکی است که طبق قانون چند درصد درآمد مازاد نفت به حساب آن واریز می‌شود اما دولت مدام از آن برداشت می‌کند. به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه داشته باشد و با تغییر چند باره رؤسای صندوق، ماهیت و اهداف آن هم فراموش می‌شود.»

این اقتصاددان افزوده که «یکی از آسیب‌های برداشت از صندوق توسعه ملی، اثرات تورمی قضیه است. این رسم بدی است که در دولت‌ها باب شده است که از این صندوق برداشت می‌کنند. به نظرم یک هیأتی باید بالای این قضیه باشه که این پول‌های قرض گرفته شده اکنون کجاست و چه بازدهی دارد؟»

قابل توجه اینکه «برداشت از صندوق توسعه ملی» به ابزاری برای زدن جریان رقیب در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. روزنامه اصولگرای «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مطلبی نوشته «پول نقد که باشد، هرکسی همه‌فن‌حریف می‌شود! بعد از دولت روحانی با برداشت مداوم و تا سقف ۱۲ میلیارد دلاری، حالا نوبت به دولت چهاردهم رسیده که در همین آغاز کار قدرت خود را در حل مشکل پرستاران و گندمکاران با استقراض از صندوق توسعه ملی به رخ بکشد! یک کارشناس اقتصادی به «جوان» می‌گوید: رویکرد قرض‌کردن از منابع راهبردی صندوق توسعه ملی و خرج آن برای هزینه‌های روزمره بسیار کار غلط و اشتباهی است و دولت چهاردهم نیز نباید به این سمت برود.»

در این مطلب البته به برداشت‌های مکرر دولت ابراهیم رئیسی، که مورد حمایت روزنامه «جوان» بوده، از صندوق توسعه ملی و ثبت رکورد در اینباره اشاره نشده و فقط به برداشت‌های دولت روحانی و حالا پزشک‌پرداخته شده است! در شرایط «باند و باندبازی» در حکومت مشخص است «نسل آینده» که هیچ، حتی همین نسل‌های امروز نیز به منابع و دارایی‌هایی ملی و عمومی، از جمله منابع صندوق توسعه ملی، دسترسی نخواهند داشت.



معلمان و داروی مورد نیاز انجام خواهد شد.»

در پی برداشت دولت پزشک‌پران از صندوق توسعه ملی مهدی غضنفری رئیس هیئت عامل صندوق در شبکه «ایکس» نوشته «برداشت دولت‌ها از صندوق، نه تنها خلاف اساسنامه صندوق است بلکه خیلی زود، منابع آن را مثل حساب ذخیره ارزی تمام می‌کند. والسلام.»

برداشت دولت پزشک‌پران از صندوق توسعه ملی اما نه تنها با هشدار مدیرعامل صندوق، بلکه با واکنش اقتصاددانان نیز روبرو شده است.

وحید شقاقی شهری معتقد است «اینکه دولت‌ها عادت کرده‌اند به انحای مختلف برای پوشش کسری‌های بودجه و یا پوشش هزینه‌های عمرانی و تامین برخی اقلام ضروری مانند تامین دارو، چشم به صندوق توسعه ملی بدوزند، تاسف بار است. در مجموع آنچه از صندوق باقی مانده، یک تجربه شکست خورده است و درس عبرت برای آیندگان که این صندوق توسعه ملی چرا نتوانست به رسالت خود عمل کند و به این سرنوشت بد محکوم شده است.»

پس از تأسیس صندوق توسعه ملی قرار شد هر ساله سهمی از درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز به این صندوق واریز شود تا برای نسل‌های بعد پس‌انداز شود. در سال اول برنامه پنجم (۱۳۹۰) قرار شد ۲۰ درصد از محل درآمدهای نفتی به این صندوق واریز و هر ساله سه درصد به رقم واریزی افزوده شود.

اینهمه در حالیست که به گفته وحید شقاقی شهری «در آینده نزدیک نفت دیگر کالای استراتژیک نخواهد بود و ماهیت خود را تا ۲۰۳۰ میلادی از دست خواهد داد. بنابراین دیگر تزریق منابع به صندوق ثروت مقدور نخواهد بود. این در حالیست که برآوردها نشان از این دارد تاکنون (از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰) بیش از ۱/۵ تریلیون دلار نفت فروخته‌ایم و وضعیت فعلی صندوق به هیچ عنوان شایسته و قابل دفاع با

● در میان دولت‌های پیشین، دولت ابراهیم رئیسی رکورددار برداشت از منابع صندوق توسعه ملی بوده اما ممکن است دولت چهاردهم رکورد دولت سیزدهم را در دستبرد به منابع صندوق توسعه ملی بشکند.

● رئیس هیئت عامل صندوق معتقد است: «برداشت دولت‌ها از صندوق، نه تنها خلاف اساسنامه صندوق است بلکه خیلی زود، منابع آن را مثل حساب ذخیره ارزی تمام می‌کند. والسلام.»

دولت مسعود پزشک‌پران تنها چند روز پس از تشکیل، از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اجازه گرفت تا معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری دولت برداشت کند. برداشت از صندوق توسعه ملی با واکنش مدیرعامل صندوق و شماری از اقتصاددانان روبرو شده است.

صندوق توسعه ملی در حالی به قلک دولت‌های جمهوری اسلامی تبدیل شده که در اساسنامه آن آمده این صندوق با هدف «تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت، گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع مذکور» تأسیس شده است!

در میان دولت‌های پیشین، دولت ابراهیم رئیسی رکورددار برداشت از منابع صندوق توسعه ملی بوده است؛ هرچند با توجه به برداشت اخیر از منابع صندوق از سوی دولت پزشک‌پران در حالی که تنها چند روز از تشکیل دولت گذشته بود، ممکن است دولت چهاردهم رکورد دولت سیزدهم را در دستبرد به منابع صندوق توسعه ملی بشکند.

از سوی دیگر منابع صندوق نیز به رقمی ناچیز رسیده و به نظر می‌رسد به زودی کفگیر به ته دیگ بخورد! مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که طی یک دهه گذشته رقمی برابر با ۱۰۰/۸ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی، توسط دولت‌ها برداشت شده است.

بر اساس این گزارش میانگین برداشت از منابع صندوق توسعه ملی در دولت دهم (دولت دوم احمدی‌نژاد) ماهانه ۴۵۳ میلیون دلار، در هشت سال فعالیت دو دولت حسن روحانی ماهانه نزدیک به ۷۰۰ میلیون دلار و در دولت سیزدهم میانگین ۱/۱۲ میلیارد دلار در ماه بوده است.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ باید رقمی معادل ۴۵ درصد از درآمدهای حاصل از نفت و گاز به حساب صندوق توسعه ملی واریز می‌شد اما اکنون در نیمه سال، و با آغاز بکار دولت مسعود پزشک‌پران، با موافقت علی خامنه‌ای سهم صندوق از درآمد دولت به ۲۰ درصد کاهش یافته تا ۲۵ درصد دیگر به جیب دولت ریخته شود تا آنطور که مسعود پزشک‌پران ادعا کرده برای «تسویه بخشی از بدهی‌ها» خرج شود.

این موضوع هرچند با موافقت علی خامنه‌ای اما به صورت مصوبه‌ای از سوی شورای عالی هماهنگی اقتصاد سران قوا در روز یکشنبه ۱۱ شهریورماه بطور رسمی اعلام شد. بر این اساس رقمی معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت بدهی‌های دولت از محل صندوق توسعه ملی هزینه خواهد شد.

مسعود پزشک‌پران در گفتگو با صداسیما جمهوری اسلامی گفته «این منبع با اجازه مقام معظم رهبری از محل منابع صندوق توسعه ملی پرداخت به پرستاران، کشاورزان،

شناسایی کشتی روسی مظنون به حمل موشک‌های بالستیک ساخت جمهوری اسلامی در دریای کاسپین

کشتی‌ها و چند فرد ایرانی، گفت مسکو از اوایل سپتامبر ۲۰۲۴ (۱۱ شهریورماه) نخستین محموله موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد را از تهران دریافت کرده است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز جمعه ششم سپتامبر (۱۶ شهریورماه) گزارش داد، انتقال موشک‌های کوتاه‌برد از ایران به روسیه در شرایطی صورت گرفت که روس‌ها حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را افزایش داده‌اند و در روزهای اخیر ده‌ها نفر از شهروندان این کشور کشته شده‌اند. سی‌ان‌ان در این گزارش تأکید کرد، روابط نظامی جمهوری اسلامی و روسیه از زمان آغاز حمله به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نزدیکتر شده است. حکومت ایران تا کنون هزاران فروند پهپاد انتحاری «شاهد» را به روسیه تحویل داده و به گفته مقامات آمریکایی، یک کارخانه تولید پهپاد در روسیه ساخته است. این تصاویر ماهواره‌ای یک روز پس از آن منتشر شد که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس مشترک خبری با وزیر خارجه بریتانیا تأیید کرد که ارتش روسیه محموله‌هایی از موشک‌های بالستیک «فاتح-۳۶۰» از ایران دریافت کرده است. موشک‌های «فاتح-۳۶۰» حدود ۱۲۰ کیلومتر برد دارد و

فراخوان جامعه مدنی فرانسه برای پیوستن به تظاهرات همبستگی با زنان و جامعه ایران

● بند زنان زندانی سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی یکی از سنگرهای ایستادگی علیه نظام استبدادی و پدرسالارانه رژیم ولایت فقیه به شمار می‌رود.

جامعه مدنی فرانسه در آستانه دومین سالگرد جنبش ملی ایرانیان برای آزادی که «زن زندگی آزادی» یکی از شعارهای آن است، با انتشار بیانیه‌ای در روزنامه «لیبراسیون»، مردم فرانسه را به راهپیمایی همبستگی با مبارزات زنان و مردم ایران فراخوانده است. این راهپیمایی قرار است روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر، ساعت دو بعد از ظهر از میدان باستیل به سوی شهرداری پاریس برگزار شود.

امضاکندگان بیانیه هدف این حرکت را حمایت از مبارزات مردم ایران برای برقراری دموکراسی لائیک، توقف احکام اعدام و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی اعلام کرده‌اند. آنها همچنین خواستار آزادی سه شهروند فرانسوی، سسیل کولر، ژاک پاری و آلیویه شدند که توسط رژیم جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند.

این فعالان حقوق بشر از دولت فرانسه نیز خواسته‌اند که به سنت‌های خود وفادار مانده و از تمام ابزارهای دیپلماتیک برای وادار کردن جمهوری اسلامی به امضای معاهدات بین‌المللی لغو مجازات اعدام بهره‌گیرد. همچنین خواسته شده تا مناسبات دیپلماتیک با رژیم تهران به رعایت حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان، مشروط گردد.

امضاکندگان این بیانیه بر ضرورت تلاش بین‌المللی برای جرم‌انگاری تبعیض جنسیتی و پیگرد قضایی عاملان آن تأکید کرده و از دولت فرانسه خواسته‌اند تا به فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق زنان ایران، در صورت درخواست، روادید بشردوستانه یا پناهندگی اعطا کند.

بیانیه با یادآوری قتل مهسا (ژینا) امینی، دختر جوان ایرانی گرد به دست پلیس گشت ارشاد اسلامی در شانزدهم سپتامبر ۲۰۲۲، سرآغاز و نماد خیزش قدرتمند ایرانیان علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی از جمله با شعار «زن، زندگی، آزادی» شد، آن را بیانگر خواست مردم ایران برای دموکراسی و جدایی دین و دولت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین عدالت اجتماعی و به رسمیت شناختن حق زندگی و حقوق همه اقوام و پیروان مذاهب گوناگون در ایران دانسته است.

هرچند جنبش ملی ۴۰۱ از سوی رژیم مذهبی- نظامی به شدت سرکوب گشته و گزارشگران سازمان ملل نیز این اقدامات را جنایت علیه بشریت دانسته‌اند اما مبارزات دختران و زنان ایرانی ادامه یافته و در دو سال گذشته نیز حکومت از



کشتی روسی «پورت اولیا»»

می‌تواند کلاهک جنگی با وزن ۱۵۰ کیلوگرم را حمل کند. رهگیری این موشک‌ها نیز دشوار است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه در واکنش به تحریم‌های جدید وضع شده از جانب آمریکا و قدرت‌های اروپایی علیه ایران، در «ایکس» مدعی شد: «یک‌بار دیگر آمریکا و اروپا بر اساس اطلاعات غلط و منطقی معیوب عمل کردند. ایران به روسیه موشک‌های بالستیک ارسال نکرده است. تمام»

وی افزود: «معتادین تحریم باید از خود بپرسند: چگونه ایران قادر است تسلیحات پیچیده بسازد و به ادعای شما بفروشد؟ تحریم‌ها راه حل نیستند بلکه بخشی از مشکل هستند.» آمریکا و سه قدرت اروپایی و همچنین تعدادی از متحدان‌شان در واکنش به ارسال موشک به روسیه فهرست طولانی از تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی به اجرا گذاشتند که یکی از مهمترین آنها تحریم شرکت هواپیمایی «ایران ایر» است.

موسسه مطالعات جنگ (ISW) ارزیابی کرده است که «نیروهای روسیه احتمالاً از موشک‌های عرضه‌شده توسط ایران برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی، نظامی و غیرنظامی اوکراین در ماه‌های آینده استفاده خواهند کرد.» همزمان بریتانیا و هلند اعلام کردند که در واکنش به ارسال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه، کاردار جمهوری اسلامی در لندن و سفیر تهران در هلند را احضار کرده‌اند.

● سی‌ان‌ان با استناد به تصاویر ماهواره‌ای شرکت Max Technologies چهارشنبه ۱۱ سپتامبر (۲۱ شهریورماه) گزارش داد کشتی باری روسی که مظنون به حمل موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی برای جنگ روسیه علیه اوکراین بود، یک هفته پیش در بندر روسیه در دریای کاسپین (خزر) دیده شد.

● این کشتی به نام «پورت اولیا»- روز ۱۴ شهریور در «بندر اولیا» در آستراخان شناسایی شده است.

سی‌ان‌ان با استناد به تصاویر ماهواره‌ای شرکت Max Technologies چهارشنبه ۱۱ سپتامبر (۲۱ شهریورماه) گزارش داد کشتی باری روسی که مظنون به حمل موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی برای جنگ روسیه علیه اوکراین بود، یک هفته پیش در بندر روسیه در دریای کاسپین (خزر) دیده شد. این کشتی به نام «پورت اولیا-۳» روز ۱۴ شهریور در «بندر اولیا» در آستراخان شناسایی شده است. بر اساس اطلاعات ردیابی کشتی، این کشتی پیش از این در تاریخ هشتم شهریور در «بندر امیرآباد» استان مازندران مستقر بوده و پس از مدتی دستگاه موقعیت‌یاب خود را خاموش کرد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه ۲۰ شهریور در یک ارزیابی اعلام کرد که وزارت دفاع روسیه «از کشتی پورت اولیا-۳» برای انتقال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران به روسیه استفاده کرده است. این وزارتخانه با اعلام تحریم این کشتی به همراه سایر

مقامات زندان برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سرو مخالفت کردند

آن زمان در پی خودکشی زهره سرو حین اعتصاب غذا، او را به بیمارستان «لقمان» منتقل کردند و معده‌اش را شستشو دادند. او تا ظهر چهارشنبه در بیمارستان بود و بعد به اوین منتقل شد. زهره سرو به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه ۱۴۰۳ در زندان اوین اعتصاب غذا کرده بود. آن زمان، شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به تداوم اعتصاب زهره سرو و فشار جمهوری اسلامی بر این فعال مشروطه‌خواه در شبکه «ایکس» نوشته بود: «جان خانم زهره سرو در خطر، و مسئولیت هر اتفاقی که برای وی بیفتد با جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای است. او و همه زندانیان سیاسی- عقیدتی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. از شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیته حقیقت‌یاب آن، و نیز سازمان‌های



حقوق بشری می‌خواهم که فشارها بر رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی را افزایش دهند.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه از زهره سرو خواسته بود به اعتصاب غذا ایش پایان دهد: «و پیامی کوتاه به خانم زهره سرو: شما در بند جمهوری اسلامی نیز ایستادگی و میهن‌پرستی خود را نشان داده‌اید. به اعتصاب غذای خود پایان دهید. این مبارزه تا آزادی ایران ادامه دارد و نیازمند وجود تندرست شما است.» زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان‌ماه همان سال، با پایان مراحل بازجویی ابتدا به بند زنان زندان اوین و چندی بعد به زندان قرچک ورامین انتقال داده شد.

وی در یازدهم اردیبهشت‌ماه، به همراه چند تن از زندانیان و متهمان سیاسی، از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد.

زهره سرو توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم شد. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در مورد او قابل اجرا است. این زندانی سیاسی پیش از این نیز سابقه بازداشت و محکومیت داشته است. زهره سرو فرزند غیضان و متولد ۱۳۶۵ است. وی پیش از زمان بازداشت با عنوان «ماه‌فر» در فضای مجازی حضور داشت.

● یک فرد نزدیک به زهره سرو زندانی سیاسی پادشاهی خواه روز پنجشنبه ۲۲ شهریور به کیهان لندن گفت: «روز چهارشنبه ۲۱ شهریور مقامات زندان اوین در یک ابلاغیه برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سرو مخالفت کردند.»

● این منبع آگاه در ادامه توضیح داد: «چندی پیش ماموران امنیتی در پیشنهادی به زهره سرو به او وعده داده بودند که اگر به عراق برود و با آنها همکاری کند حکم آزادی او را صادر خواهند کرد اما زهره از پذیرش این پیشنهاد خودداری کرد.»

یک منبع آگاه در گفتگو با کیهان لندن خبر داد که مقامات زندان اوین برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سرو، زندانی سیاسی مشروطه‌خواه مخالفت کرده‌اند.

یک فرد نزدیک به زهره سرو زندانی سیاسی پادشاهی خواه روز پنجشنبه ۲۲ شهریور به کیهان لندن گفت: «روز چهارشنبه ۲۱ شهریور مقامات زندان اوین در یک ابلاغیه برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سرو مخالفت کردند.»

این منبع آگاه در ادامه توضیح داد: «چندی پیش ماموران امنیتی در پیشنهادی به زهره سرو به او وعده داده بودند که اگر به عراق برود و با آنها همکاری کند حکم آزادی او را صادر خواهند کرد اما زهره از پذیرش این پیشنهاد خودداری کرد.»

وی اضافه کرد: «از سوی دیگر با توجه به اینکه شاهزاده رضا پهلوی آذرماه سال گذشته در شبکه‌های اجتماعی خود از زهره سرو حمایت کرد مامور وزارت اطلاعات که کارشناس پرونده او نیز هست، تمام تلاش و فشار خود را به کار برده تا تمامی راه‌های ارتباطی این زندانی سیاسی مشروطه‌خواه را با بیرون زندان قطع کند.»

به گفته این فرد، از سوی دیگر زهره سرو از تمامی خدمات داخل زندان محروم شده و حتی زمانی که مادر زهره در بستر مرگ بود به او اجازه ندادند در کنار مادرش باشد و حتی با حضور او در مراسم خاکسپاری مادرش هم مخالفت کردند که این مسئله فشار روانی بسیاری بر این زندانی سیاسی وارد کرد. این منبع آگاه در ادامه تأکید می‌کند: «زهره سرو به هم‌بندیان خود اعلام کرده هر اتفاقی که از امروز در داخل زندان برای او رخ بدهد به این دلیل است که ماموران امنیتی فشار می‌آورند و عواقب هر اتفاقی بر عهده جمهوری اسلامی و شخص ضابط قضایی اوست.»

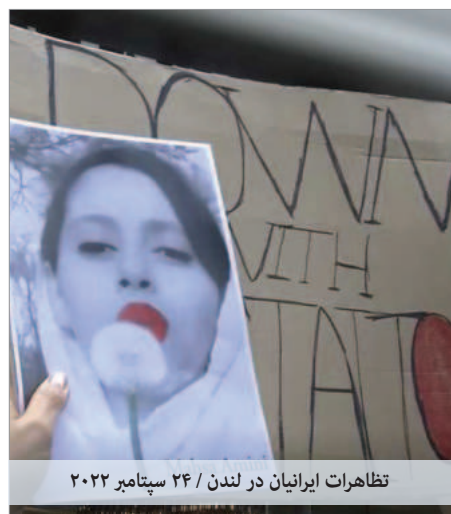
او به نقل از زهره سرو تأکید کرد که شخص ضابط قضایی و بازجوی پرونده، تمام تلاش خود را برای فشار آوردن بر زهره سرو اعمال می‌کند و احتمال پرونده‌سازی برای او وجود دارد. وی با اشاره به اینکه زهره سرو در شرایط روحی بسیار بدی قرار دارد ادامه داد که مقامات زندان تماس‌های تلفنی زهره سرو با بیرون زندان را هر چند روز یکبار قطع می‌کنند و به او نیز اجازه تماس تلفنی با خانواده را نمی‌دهند.

به گفته این منبع آگاه مقامات زندان اوین مدتی است هزینه‌های درمان زندانیان سیاسی را تقبل نمی‌کنند و بیشتر زندانیان سیاسی مجبورند از جیب خود برای انجام آزمایش و مسائل پزشکی خود هزینه کنند.

در همین ارتباط یک منبع آگاه روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۳ در زمانی که این زندانی سیاسی دست به اعتصاب غذا زده بود، به «کیهان لندن» گفته بود که مأمورانی از سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با زهره سرو صحبت و تهدیدش کردند که باید با آنها همکاری کند و اعتصاب غذا ایش را بشکند.

→ هیچ خشونت‌ی علیه آنان فروگذاری نکرده است. به نوشته‌ی این بیانیه، ماشین مرگ جمهوری اسلامی در این دو سال با بی‌رحمی همه گرایش‌های جامعه را هدف سرکوب خود قرار داده است: دانشجویان سرکوب شده‌اند، دختران دانش‌آموز با گازه‌های سمی در مدارس سراسر کشور مسموم شدند، فعالین صنفی در کنار فعالان مدنی و اجتماعی (اعم از حقوقدانان، روزنامه‌نگاران، پزشکان، هنرمندان، ورزشکاران...) دستگیر و زندانی شده‌اند.

بیانیه تأکید می‌کند که رژیم مذهبی ایران که منفور اکثریت بزرگ مردم این کشور و فاقد هرگونه حقانیت و مشروعیت است، تنها به واسطه ترور در داخل و در صحنه بین‌المللی سر پا مانده است. رژیم اسلامی ایران در داخل از تمام مرزهای خشونت علیه مردم این کشور عبور کرده و در صحنه بین‌المللی با برانگیختن آتش جنگ، صلح و آرامش را به خطر انداخته است. جامعه مدنی فرانسه همچنین اعلام کرده که جمهوری اسلامی در حالی که سرکوب مردم ایران مشغول است که از توجه جهانی به جنگ و آشوب‌های خاورمیانه برای اعمال خشونت‌های بیشتر بهره‌برداری می‌کند.



تظاهرات ایرانیان در لندن / ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲

نویسندگان بیانیه با اشاره به موج اعدام‌های گسترده و یسابقه در ایران، به ویژه علیه زنان، از جمله صدور حکم اعدام پخش‌ان عزیز، شریفه محمدی، ریشه مرادی، نسیم غلامی سیمیری و دیگران، و یادآوری اعدام مخفیانه غلامرضا رسایی، نوشته‌اند که نافرمانی مدنی یوقفه در این کشور ادامه دارد. آنان همچنین به تحریم گسترده نمایندگان انتخابات در ایران اشاره کرده و مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور سرسپرده و مطیع خامنه‌ای را نتیجه این شبه‌انتخابات می‌دانند.

در پایان این بیانیه، به مبارزات زندانیان سیاسی و به ویژه زنان زندانی پرداخته شده و بند زنان زندانی سیاسی در زندان‌ها از جمله زندان اوین به عنوان یکی از سنگرهای ایستادگی علیه نظام استبدادی و پدرسالارانه جمهوری اسلامی توصیف گشته است. با وجود همه فشارها و سرکوب‌های خشونت‌آمیز در زندان‌های ایران، زندانیان سیاسی این رژیم را به چالش کشیده‌اند. این بیانیه به نرگس محمدی برنده صلح نوبل اشاره می‌کند. جامعه مدنی بین‌المللی نیز هم‌صدا با مردم ایران و شعار «زن، زندگی، آزادی» خواستار لغو مجازات اعدام و شکنجه در ایران و برقراری دموکراسی لائیک و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شده است.

از جمله امضاکنندگان این بیانیه می‌توان به فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، ائتلاف زنان برای دموکراسی، بنیاد زنان، جامعه دفاع از حقوق بشر فرانسه، جامعه دفاع از حقوق بشر ایران، جامعه مبارزه با نژادپرستی اشاره کرد.

اقدامات سختگیرانه دولت آلمان برای کنترل ورود پناهجویان

جدیدترین نظر سنجی در سپتامبر ۲۰۲۴ نشان می‌دهد موضوع پناهندگی در صدر «مشکلات» کشور قرار گرفته و ۷۷٪ پرسش‌شوندگان خواهان تغییر سیاست دولت در این زمینه هستند. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که پناهندگی و امنیت داخلی از موضوعات مهم مردم در سراسر آلمان شده است. در این نظر سنجی‌ها امنیت داخلی با جرم و جنایت و خلاقاری، رشد ترور و اسلامگرایی و با افزایش شمار پناهجویان پیوند زده می‌شود.

نانسی فرز وزیر کشور آلمان روز دوشنبه ۹ سپتامبر، یعنی یک روز قبل از پایان مهلت التیماutom داده شده از سوی قوی‌ترین حزب اپوزیسیون، اتحاد دموکرات مسیحی‌ها، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که از ۱۶ سپتامبر به مدت شش ماه، کنترل‌های مرزی در همه مرزهای زمینی آلمان، شامل مرزهای مشترک با کشورهای اتریش، سوئیس، جمهوری چک، لهستان، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، بلژیک و دانمارک اعمال خواهد شد.

کارشناسان معتقدند اگر آلمان بخواهد این طرح را به ترتیبی که اعلام کرده اجرا کند، دیگر کشورهای اروپایی نیز همین سیاست را پیش خواهند گرفت. بدین ترتیب عملاً قوانین اروپایی در چهارچوب پیمان شینگن که مرزهای باز را در اتحادیه اروپا تضمین می‌کند، همچنین قوانین مرتبط با مهاجرت و پناهندگی با چالش جدی مواجه خواهد شد.

مرگ مشکوک سهیلا معماری وکیل دادگستری در دفتر کارش

منابع داخلی از مرگ مشکوک سهیلا معماری وکیل دادگستری در دفتر کارش در شهر ملایر خبر دادند. بر اساس گزارش‌ها، وی ۱۸ شهریورماه به بیمارستان منتقل شده و «با توجه به فقدان دلیل و قانع نشدن خانواده وی



مرگ مشکوک سهیلا معماری وکیل دادگستری در دفتر کارش

برای علت فوت، بازپرس ویژه قتل تحقیقات خود را از محل کار متوفی آغاز کرد. تا کنون هیچ مدرک محکمی مبنی بر وقوع قتل به دست نیامده، با این حال، به درخواست خانواده متوفی، پرونده همچنان مفتوح بوده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.» سهیلا معماری بارها به عنوان کارشناس در صداوسیما جمهوری اسلامی حضور یافته بود.

جزخوانی‌های نسیه‌ی سردار نقدی علیه اسرائیل: اصفهانی‌ها گزرها را آماده کنند؛ خبرهای خوب انتقام!

سردار پاسدار محمدرضا نقدی معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خبرنگاران گفت، انتقام اسماعیل هنیه قطعی است و بارها گفته شده است و هیچ شکی در آن نیست. وی ۱۷ شهریورماه در حاشیه جلسه «ستاد بزرگداشت ۱۳ آبان» عنوان کرد، «مردم خبرهای خوبی را از انتقام می‌شنوند، اما این اقدام در موقع خوبی باید انجام شود تا اثرگذار باشد. به دوستان در اصفهان گفتم گزرها را آماده کنند.»

خروج بیش از ۵ هزار یورو و معادل آن از ایران «قاچاق» محسوب می‌شود

حمید القاصی مهر مدیرکل تعزیرات حکومتی شهرستان‌های استان تهران اعلام کرده به استناد بند ۱ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، خروج ارز از کشور بیش از پنج هزار یورو و معادل آن با سایر ارزها قاچاق محسوب و خروج مسافر تا تعیین تکلیف شدن تخلف و پرداخت کامل جریمه ممنوع می‌شود.

اقدام به خودسوزی پدری که فرزندش را در مدرسه ثبت نام نکردند

پدری که در شهر زاهدان نتوانست فرزندش را در مدرسه ثبت نام کند مقابل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان اقدام به خودسوزی کرد که با اقدام به موقع مردم از سوختن او جلوگیری شد. دور بودن محل سکونت از مدرسه از دلایل مقاومت برخی مدارس برای ثبت نام دانش‌آموزانی است که از روستاها و مناطق اطراف برای ثبت نام به مدارس مراجعه می‌کنند. هزینه بالای تحصیل که شامل شهریه، هزینه سرویس رفت و آمد، لباس فرم و نوشت افزار می‌شود، و همچنین مشکلات اقتصادی خانوارهایی که نیاز به اشتغال کودکان



اقدام به خودسوزی پدری که فرزندش را در مدرسه ثبت نام نکردند

برای تأمین بخشی از هزینه زندگی دارند، آمار ترک تحصیل در ایران را افزایش داده است. آمار بالای دانش‌آموزان ثبت نام نکرده در سال تحصیلی جدید سبب صدور بخشنامه‌ای از سوی دادستانی کل کشور شد. در این بخشنامه خطاب به دادستان‌های عمومی و انقلاب مراکز استان‌ها بر پیش و نظارت بر فرآیند آموزش کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل تأکید شده است.

۱۹ شهریور زادروز پویا که نه تنها «پسر کسی» بلکه پسر ایران است

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به مناسبت زادروز پویا بختیاری که ۱۹ شهریور امسال ۳۲ ساله می‌شد، «زادروز قهرمانان جاویدنام وطن» مانند وی را فرصتی دانسته تا بار دیگر دیگر بر پیمان خود با آنان و عزم میهن‌پرستانه‌ی آنان تأکید کرد.

در این پیام همچنین بر ایستادگی خانواده‌های دادخواه ارج نهاده شده است.

پویا بختیاری ۲۵ آبان ۱۳۹۸ در جریان اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی که گران شدن قیمت بنزین بار دیگر آن را شعله‌ور کرد، با شلیک مستقیم مأموران سرکوب به سر و سینه‌اش در کرج جان باخت. او که ویدئوهای پرشورش در فراخواندن مردم برای آزادی و نجات میهن بلافاصله دست به دست گشت و در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه‌ی ایرانیان ثبت شد، در یکی از این ویدئوها با تشویق مردم برای اعتراضات خیابانی به خود اشاره می‌کند که در این اعتراضات حضور دارد و می‌گوید: «من هم پسر کسی هستم!» این عبارت کوتاه وی بارها بر دیوارهای شهرها نقش بست. حکومت اما بجای پاسخگویی درباره قتل جوانان وطن، خانواده‌های آنها را تحت فشار قرار داده و از جمله پدر و مادر پویا، منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه را به زندان انداخت!

متن کامل پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت زادروز پویا پسر ایران به شرح زیر است:

«زادروز قهرمانان جاویدنام وطن همچون #پویا_بختیاری، فرصتی است تا بار دیگر بر پیمانی که با آنان بسته‌ایم تأکید کنیم و اهداف والا و عزم میهن‌پرستانه‌شان را راهنمای عمل خویش قرار دهیم.

پویا بختیاری که جان عزیز خود را در راه آزادی ایران فدا کرد، در دامان مادر و پدری شریف، دلیر و آگاه پرورش یافت و درس دل‌آوری و عشق به میهن را از آنان آموخت.



۱۹ شهریور زادروز پویا که نه تنها «پسر کسی» بلکه پسر ایران است

در زادروز جاویدنام پویا، بار دیگر با او و تمامی جانبختگان میهن عهد می‌بندیم که راه‌شان را ادامه خواهیم داد. در این روز گرمی، همچنین ایستادگی و پایداری سرفرازانه خانواده‌های جاویدنامان انقلاب ملی ایران، به ویژه دادخواهان زندانی: ناهید شیرپیشه، منوچهر و مهرداد بختیاری، ماشالله کرمی، علی آدینه‌زاده و کمال لطفی را ارج می‌نهیم.»

سه والیبالیست نوجوان استان فارس در سانحه رانندگی جان باختند

خرگرزای ایسنا دوشنبه ۱۹ شهریور گزارش داد، #مهدی_عباسی، #امیررضا_مصلی_نژاد و #امیررضا_حیدری والیبالیست‌های جوان استان فارس هنگام بازگشت از مسابقه والیبال دوستانه بین دو تیم شهرستان‌های خفر و جهرم در سانحه رانندگی جان باختند.

تولید پنبه «فخر» برگرفته از نام محسن فخری‌زاده!

قربان قربانی رئیس مرکز تحقیقات پنبه دوشنبه ۱۹ شهریور در برنامه «روز ملی انتقال یافته‌های تحقیقاتی پنبه» از تولید «دو رقم جدید پنبه» خبر داد و گفت نام یکی از آنها «جهش» و نام دیگری «فخر» است که از نام محسن فخری‌زاده برگرفته شده است. به گفته وی این محصولات «با کمک سازمان انرژی اتمی پرتودهی هسته‌ای» شده‌اند. محسن فخری‌زاده از متخصصان اتمی و موشکی جمهوری اسلامی آذرماه ۱۳۹۹ در جاده آبدلی ترور شد.

چهار متجاوز به یک مرد ایرانی در آلمان «وابسته به جمهوری اسلامی» هستند

یک شبکه خبری آلمانی (NTV) دوشنبه شب ۱۹ شهریورماه گزارش داد کسانی که در یک کارخانه آبجوسازی متروکه در شهر ایزرلون به یک مرد ۳۰ ساله ایرانی تجاوز کرده و او را شکنجه دادند «افراد وابسته به جمهوری اسلامی» هستند. پلیس در ارتباط با این جنایت، چهار نفر را در جنگل‌های اطراف آن کارخانه دستگیر کرد که ایرانی و دارای پاسپورت نروژ و دامبارک هستند. طبق حکم دادگاه این چهار نفر برای تکمیل تحقیقات در بازداشت خواهند ماند. قربانی که به گفته‌ی خودش از مخالفان رژیم ایران است، در آلمان پناهنده است. دو تن از شهروندان که از نزدیکی آن محل رد می‌شدند و صدای فریاد و کمک خواستی وی را شنیده بودند بلافاصله به



چهار متجاوز به یک مرد ایرانی در آلمان «وابسته به جمهوری اسلامی» هستند

پلیس خبر دادند. همین اقدام سریع سبب شد تا چهار نفری که هنوز نتوانسته بودند فرار کنند، توسط پلیس دستگیر شوند. رئیس پلیس از هوشیاری و اقدام این دو شهروند تشکر کرد و خواست که همه نسبت به آنچه در اطرافشان می‌گذرد بی تفاوت نباشند و فوری نیروهای پلیس را مطلع سازند. مجله «اشپیگل» پیشتر در گزارش خود به نقل از پلیس نوشته بود که احتمال دارد «انگیزه‌های سیاسی» محرک این اقدام جنایی بوده باشد.

عارف: کدام عقل سلیمی می‌پذیرد بنزین را ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟

دولت مسعود پزشکیان در حال آماده کردن افکار برای گران کردن بنزین است. در همین ارتباط محمدرضا عارف معاون پزشکیان روز یکشنبه ۱۸ شهریورماه در یک کنفرانس خبری گفت: «تولید روزانه بنزین ما ۱۱۰ میلیون لیتر و مصرف تا ۱۴۰ میلیون لیتر است. کدام عقل سلیم می‌تواند بپذیرد بنزین را با دلار وارد کنیم و با قیمت ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟» وی مدعی شد «فعالاً کاری نمی‌خواهیم بکنیم و نگویند عارف حرفی زده و دولت دنبال آزادسازی است ولی اینها واقعیت است». عارف در این نشست عنوان کرد که سیستم توزیع و تولید بنزین در ایران مدام با حملات سایبری روبروست.

افت ۶۰ درصدی تولید کارخانه فولاد مبارکه اصفهان به علت قطع برق

امیر طباطباییان مدیر انرژی و سیالات شرکت فولاد مبارکه اصفهان روز شنبه ۱۷ شهریورماه به خبرگزاری ایلنا گفت که «ناترازی انرژی» یکی از چالش‌های بزرگ صنعت فولاد در کشور است و گریبانگیر این حوزه شده است. او افزود: «به علت قطعی برق، تولید ما دچار افت ۶۰ درصدی شده است.»

حکم «اعدام» بابت زنجانی تبدیل به «۲۰ سال حبس» شد

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضائیه گفته در پی همکاری بابت زنجانی در پرداخت بدهی و رد مال، حکم «اعدام» او تبدیل به «۲۰ سال زندان» شده است. سخنگوی قوه قضائیه افزوده تغییر دیگری در پرونده متهم صورت نگرفته و در زندان در حال گذراندن دوران حبس است. سخنگوی قوه قضائیه پیشتر و در اردیبهشت امسال اعلام کرده بود که دادستانی تهران درخواست عفو بابت زنجانی را داده و مورد موافقت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی قرار گرفته و حکم اعدام او



حکم «اعدام» بابت زنجانی تبدیل به «۲۰ سال حبس» شد

«نقض» شده است. بابت زنجانی در سال ۱۳۹۲ با شکایت وزارت نفت بازداشت و به اتهام «فساد فی الارض»، «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، «کلاهبرداری گسترده از شرکت ملی نفت» و «پولشویی دو میلیارد یورویی» به اعدام محکوم شد. حکم اعدام او در سال ۱۳۹۵ در دیوان عالی کشور تأیید شده بود. بابت زنجانی سال‌ها بخشی از تجارت نفت جمهوری اسلامی را در شرایط تحریم پیش می‌برد.

بدهی ۶۳ هزار میلیارد تومانی دولت به صنعت برق

دیوان محاسبات کشور نسبت به افزایش بدهی دولت به صنعت برق هشدار داده و اعلام کرده که در حال حاضر افزایش بدهی دولت به صنعت برق به ۶۳ هزار میلیارد تومان رسیده و سالانه در حال افزایش است. دیوان محاسبات افزوده در نتیجه این موضوع، موجب عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنعت برق و کاهش توان تولید شده است. همچنین تأکید شده که «به منظور حل مشکل ناترازی و جلوگیری از بحران در آینده نزدیک، دولت می‌بایست هرچه سریع‌تر نسبت به تسویه کامل بدهی خود به وزارت نیرو اقدام نماید تا این وزارتخانه بتواند در راستای کاهش ناترازی، بدهی‌های خود به تولیدکنندگان برق را پرداخت و فضای مناسب‌تری را برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم کند.»

جمهوری اسلامی انتقام از پرستاران معترض را آغاز کرد

شماری از پرستاران معترض در استان البرز که در اعتراضات و اعتصابات هفته‌های گذشته شرکت داشتند به واحد «تخلیفات اداری» احضار شده‌اند. پرستاران در ماه‌های گذشته ده‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند و از ۱۳ مرداد امسال نیز اعتصابی سراسری را پیش بردند که در بیش از ۵۰ بیمارستان دولتی و در بیش از ۱۲ استان کشور گسترش یافت. حکومت با احساس خطر درباره گسترش بیشتر اعتصاب پرستاران رقمی ناچیز به حساب آنها واریز کرد اما با پایان اعتصابات سراسری، انتقام از پرستاران را آغاز کرده است.

آمار تکانهنده فرونشست در ایران؛ ۳۸۰ شهر و ۹۰۰۰ روستا درگیر هستند

شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با ارائه آخرین آمار از وضعیت فرونشست در ایران گفته «فرونشست زمین یک ابرچالش است که ۳۸۰ شهر و ۹۰۰۰ روستا دچار این فرو نشست هستند و وسعت آن ۱۸۵ هزار



آمار تکانهنده فرونشست در ایران؛ ۳۸۰ شهر و ۹۰۰۰ روستا درگیر هستند

کیلومتر مربع است.» رئیس سازمان حفاظت محیط زیست افزوده «زمان بزل و بخشش از منابع طبیعی و محیط زیست کشور سپری شده و در مواجهه با وضعیت بحرانی محیط زیست کشورمان باید درک ابرچالش‌ها پذیرفته شود. بدون درک این ضرورت مشکلات و تعارض‌ها بیشتر می‌شود. در بحث انرژی و آب با ناترازی مواجه هستیم و نیازمندیم از ابعاد این ناترازی‌ها درک بهتری داشته باشیم.»

KAYHANLIFE



KAYHAN LONDON

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | جنبش ملی مهسا ادامه دارد...